

فصل اول: حوزه علمیه

۴	فعالیت خالصانه در تربیت نسل جوان - آیت‌الله محمد امامی کاشانی
۶	نیم قرن مجاهدت در تبلیغ دین - آیت‌الله شیخ غلامرضا دهشت
۱۴	تبلیغ استاد برای شاگرد در خیابان - حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرآتی
۱۶	مصدق حدیث «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِيبِهِ» - حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی
۲۰	مشی آیت‌الله دهشت در مسائل علمی و اعتقادی - آیت‌الله حاج سید جعفر سیدان
۲۲	اتکاب بر منابع متقن در دفاع از تشیع - آیت‌الله سید جمال‌الدین دین‌پرور
۲۵	همراهی فرهنگی با نهضت امام خمینی (ره) - حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی طباطبایی
۲۷	اهتمام به سنت پیامبر (ص) در تبلیغ دین - حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان
۳۱	نگاه تربیتی آیت‌الله دهشت به حوزه - حجت‌الاسلام محمد سیدآبادی
۳۴	تأکید بر نکات روانشناختی در تبلیغ - حجت‌الاسلام والمسلمین غلام‌حسین ابراهیمی
۳۷	عالم عامل - حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق کامران
۳۹	الگوی مقبولیت و مطلوبیت در تبلیغ - حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین دست‌پروری
۴۱	جهانی است بنشسته در گوشه‌ای - حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد حسینی شریف
۴۲	امانت‌داریادداشت‌های رهبری - حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمجید دبانی
۴۴	تقویت بنیه علمی حوزه‌های علمیه - حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عبداللهمیان

فصل دوم: فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و عام‌المنفعه

۴۶	نگاهی گذرا به تشکیل گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان - حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ علی نوروزی
۵۰	خاطره‌ای از علاقه رهبری به آقای دهشت - حجت‌الاسلام سیدحسین نبوی
۵۳	مصدق بارز «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» - حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا رضوانی طلب
۵۶	تقویت نهضت امام (ره) با حرکت تبلیغی - حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین مهدوی
۵۸	برگزاری کلاس‌های فرهنگی برای اصناف - اکبر صابری فر
۶۱	معلم اخلاق تمام جلسات مذهبی مشهد - محمدامین اکبرزاده
۶۲	تشویق مردم به ادای تکلیف الهی - محمدحسن آذرنبوا
۶۴	معتد حوزه و بازار - حاج حسین و جواد سقاء رضوی
۶۸	خدمات خیرخواهانه آیت‌الله دهشت - حسین کوهستانی
۶۹	معرفی بزرگی از اقالیم اهل قبله - علی اصغر سامت
۷۲	اهتمام به کار خیر در بستر بیماری - دکتر نظامتی
۷۴	معجم حدیث و اشارات قرآنی - حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالقاسم فاطمی نسب
۷۶	مشورت با رهبری در امر تبلیغ - حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن حسینی هاشمی
۷۹	نفوذ کلام در جذب کمک‌های خیرخواهانه - ابراهیم اخوان گلایی
۸۱	پیوند وثیق با هیئات مذهبی - قانع، داودی، نجفی

فصل سوم: مدارس علوم و معارف اسلامی شهید مطهری

۸۴	خاطرات ۱۷ سال همکاری در توسعه مدرسه شهید مطهری - حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا ذاکری
۸۷	آگاه به نیازهای واقعی جامعه - حجت‌الاسلام والمسلمین صابر اکبری جدی
۹۱	زنده‌گزینی در مدرسه شهید مطهری - حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین نصری مقدم
۹۳	راز عمرهای پربرکت - حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا رجب‌نژاد
۹۵	سختی‌های تأسیس مدرسه شهید مطهری و حمایت‌های آیت‌الله دهشت - بانو زهرا امینی
۹۹	عالمی بزرگ، مدیر دبیرستان - محسن معینی
۱۰۱	خواستگاری که پسر اجابت کرد و دعای پدر در کنار کعبه - حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی دهشت
۱۰۸	مصدقی از نسیم معرفت الهی - حکیمه وحدانی پور
۱۱۱	رهبری مدلوم و آینده‌نگری در تربیت شاگردان - سیدمصطفی احمدزاده
۱۱۵	مشی متواضعانه استاد با دانش‌آموزان - حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا عابدی سرآسیاب
۱۱۷	معلم خستگی‌ناپذیر - دکتر جعفر کبیری

فصل چهارم: گزارش تصویری

سال هشتم . شماره ۱۱۰ . اردیبهشت‌ماه ۹۳

مدیر مسئول: حمید صابر فرزام

سر دبیر: مصطفی آجرلو

مدیر هنری: زهرا شیرخانزاده

همکاران این شماره: محمد پارسائیان،

مجتبی بزرگری، محمد محمودی، بهروز گودرزی،

الهام ترینیان محمود قره‌داغی، مرتضی علیزاده

عکاسان: سیدمحمد نمازی، حسن آقامحمدی،

سروش خطابی، محمد نجفی، ایمان جنتی

محمدحسین طاقی

نشانی: تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر،

پلاک ۸۵ - خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)

تلفن: ۰۲۱۲-۶۶۴۷۰۲۱-۲۱-۹۸+

پست الکترونیک نشریه: rayehe@iqna.ir

تلاش‌های مثال‌زندی عزیزانمان در مؤسسه همشهری، روزنامه‌های خراسان و قدس نیز، ما را مرهون محبت‌های ایشان نمود.

از همکاری‌ها و توجهات بیش از حد معمول پرسنل محترم پروازی هواپیمائی ماهان و مدیران و پرسنل VIP دولت در فرودگاه‌های مهرآباد و شهید هاشمی نژاد مشهد بی‌نهایت ممنونیم.

زحمات بی‌شائبه شبانه‌روزی و ارزنده جناب آقای دکتر نور محمدی که از لحظات ابتدائی ورود حضرت استاد به شهر تهران در رکاب ایشان بودند و در سیر مراحل بستری ایشان در بیمارستان خاتم‌الانبیاء و امور درمانی ایشان از هیچ تلاشی فروگذار نکردند؛ مشمول دعا‌های همیشگی استاد و سپاس ویژه خانواده، دوستان و همراهان استاد بوده و خواهد بود. بی‌شک؛ جمع‌آوری حجم انبوه خاطرات، ظرایف، نقطه‌نظرات و مصاحبه‌ها و تصاویر با موضوع استاد شیخ غلام‌رضا دهشت بدون همت والا و قوت رسانه‌ای جمع صمیمی، مهربان و پیگیر مدیرعامل محترم و خبرنگاران ارجمند و شریف خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، میسر نبود.

در روزهای اردیبهشتی اقامت استاد در تهران، اسباب دیدار گرم و صمیمی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) باین همراه و هم‌مباحثه قدیمی‌شان فراهم آمد. این دیدار بهاری، تأثیری شگرف بر روحیه استاد و دلگرمی ایشان در آستانه برگزاری نکوداشت گذارد. صمیمانه از لطف و همراهی جناب حاج آقای خوراکیان که با پیگیری‌های مجدانه، اسباب این دیدار را فراهم آوردند، سپاسگزاریم.

قطعاً آنگاه که «رایحه» خوش خصال نیکو و صفات ارزنده بزرگان، علما و فضلا من جمله استاد دهشت به مشام خوانندگان و علاقه‌مندان برسد، به یاد خواهند آورد که این نافه مشک‌سای از رهگذر نیت پاک مؤسسان این جریان و تداوم‌دهندگان دل‌سوز آن است.

دست مریزاد و ایدون باد تلاش‌های همه خادمان پاک و مخلص قرآن و اسلام و آنان که چون حضرت آیت‌الله دهشت کمر همت بسته‌اند و می‌بندند که گرهی وا کنند از زندگی خلق.

همه ما آنهایی که در جریان برگزاری نکوداشت استاد ارجمند حضرت آیت‌الله حاج شیخ غلام‌رضا دهشت، به هر نحوی، مشارکت داشتیم، هرگز گمان نمی‌بردیم که آغازین روزهای سال ۱۳۹۳ را با چنین تجربه جدید، شریف، لذت‌بخش و معنوی پشت سر بگذاریم، حرکت ارزشمندی که ایده اولیه آن در سال گذشته طرح شد و با نقش محوری جمعی از فارغ‌التحصیلان دبیرستان پسرانه شهید مطهری مشهد به تحقق رسید.

در جریان مصاحبه و مستندسازی‌ها زوایایی از شخصیت ارزنده، اقدامات نیکو و سوابق پسندیده این استاد فرزانه که حتی بر خانواده، نزدیکان و شاگردان ایشان پوشیده بود، از گوشه اذهان و قلوب بیرون آمد. الحق هر که شنید، آمد... به هر که گفتیم، باروی باز استقبال کرد... هر کسی به قدر توانش... از اساتید ارجمند حوزه علمیه قم، مشهد و تهران، اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی و فردوسی مشهد تا صاحب‌منصبان سیاسی - اجتماعی، علمی و فرهنگی، بازاریان، کسبه و فعالین امور خیریه، پزشکان محترم، مدیران دوائر و دستگاه‌های دولتی و عمومی و از همه شائق‌تر، شاگردان ایشان در مدارس علمیه و خصوصاً در مدارس شهید مطهری مشهد که بسیاری‌شان اکنون در کسوت استادی‌اند.

سپاس خالصانه و بی‌دریغ از:

* دفتر مقام معظم رهبری

* حضرت آیت‌الله امامی کاشانی

* جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین مروی، معاون محترم امور روحانیون بیت رهبری

* جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین قرائتی

* جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین موسوی مقدم، قائم مقام محترم سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

* جناب آقای مهندس پژمان، معاون محترم وزیر مسکن و شهرسازی

* جناب آقای دکتر قالیباف، شهردار محترم تهران

* جناب آقای مرتضوی، شهردار محترم مشهد و معاون فرهنگی، اجتماعی ایشان که با خلوص و روی گشاده یار و یاور ما بودند.

تقدیر و تشکر متواضعانه همه دوست‌داران این عالم ربانی پیشکش محضر:

* جناب آقای دکتر کاظمی، رئیس محترم بیمارستان خاتم‌الانبیاء تهران

و جناب آقای دکتر غفاری، مدیر عامل شرکت شهر سالم که با موشکافی و دقت نظر و حوصله مثال‌زندی احوال این شیخ فرزانه را دنبال می‌کردند و نیز پزشکان محترم و ارجمند و پرسنل شریف این دو مجموعه خدوم.

نقش بارز سازمان صدا و سیما استان خراسان رضوی و رئیس محترم آن، جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین نهانندی و مشاور محترم ایشان جناب آقای حامد مقدم در حوزه مستندسازی و برگزاری مراسم نکوداشت، ستودنی و امعان نظر هر دوی این بزرگواران سرشار از محبت بود.

بهار ۱۳۹۳

ستاد برگزاری نکوداشت اسوه مجاهدت در تعلیم و تبلیغ

«استاد حاج شیخ غلام‌رضا دهشت»

فصل اول:

حوزه علمیه

فعالیت خالصانه در تربیت نسل جوان

و شخصیت‌ها سراغ گرفتیم تا یک روحانی عالم که هم از نظر علمی و هم از نظر اخلاقی برجسته باشد و هم در خط انقلاب و امام و ولایت باشد، به ما معرفی کنند که جناب آقای دهشت معرفی شد.

آن زمان وقتی به مشهد مقدس مشرف شدم با ایشان جلسه‌ای داشتم. ایشان عمدتاً کارهای منبری داشتند و در حوزه نیز فعالیت‌های علمی می‌کردند و پذیرفتن این وظیفه را برای خود سنگین می‌دانستند. وقتی ابعاد تربیت‌رابه‌ویژه از دوره نوجوانی و جوانی برای ایشان تبیین کردم، به این مطلب توجه کردند و نهایتاً مسئولیت مدارس شهید مطهری در مشهد را پذیرفتند.

قرار بود ایشان برای مدارس دخترانه و پسرانه محلی را انتخاب و افرادی را به عنوان مدیران آن معرفی کنند که این کار به تنهایی میسر نبود؛ به همین دلیل به ایشان گفتم چند نفر را به عنوان یار و مدرسان در کنار خود داشته باشند. حاج آقای دهشت نیز افرادی را به عنوان هیئت امناء معرفی کردند و خود ریاست آن را بر عهده گرفتند. پس از آن نیز حسینیه و حَسَنیه را برای محل راه‌اندازی دبیرستان معرفی کردند که یکی از آنها به دبیرستان پسرانه و دیگری به دبیرستان دخترانه اختصاص یافت. مدیران این مدارس نیز تعیین شدند و کارها پیش رفت.

مدرسه عالی شهید مطهری چندمین مدرسه‌ای بود که از سوی جنابعالی در سطح کشور تأسیس شد؟

بعد از تأسیس دبیرستان شهید مطهری در تهران ما به سراغ مشهد رفتیم. به دلیل اینکه طبق قانون می‌توانستیم در تمام کشور مراکز علمی و آموزشی داشته باشیم، برای تیمن و تبرک این کار را از مشهد مقدس شروع کردیم و الحمدلله، امروز همه مدارس شهید مطهری می‌درخشند.

آیت‌الله محمد امامی کاشانی متولی مدرسه عالی شهید مطهری هستند. ایشان در این گفت‌وگو به بیان نکاتی درباره نحوه تأسیس دبیرستان شهید مطهری در مشهد و ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله دهشت پرداخته‌اند.

از چه دوره‌ای با آیت‌الله دهشت آشنا شدید و چگونه شد که مسئولیت مدارس شهید مطهری در مشهد را به ایشان واگذار کردید؟

از سال ۱۳۵۸ که تصدی تولیت مدارس شهید مطهری را بر عهده داشتم، به این امر اعتقاد داشتم که شروع تربیت باید از نوجوانی و جوانی باشد؛ به همین دلیل به فکر راه‌اندازی دبیرستان‌های مدرسه شهید مطهری بودم، اما فرصتی برای عملیاتی کردن این ایده دست نداد تا اینکه بعد از چند سال موفق شدیم این کار را از تهران آغاز کنیم و دبیرستان شهید مطهری در دو بخش پسرانه و دخترانه در سال ۱۳۶۴ تأسیس شد.

برای مدیریت این مراکز لازم بود شخصی تعیین شود تا کارها را از نظر اجرایی و تربیتی به عهده بگیرد. در مشهد از برخی از بزرگان





افتتاح ساختمان جدید مدرسه شهید مطهری واحد پسران - مشهد

ویژگی دیگر آیت‌الله دهشت این بود که واقعاً خالصانه کار می‌کرد. من در تمام سال‌هایی که با ایشان در ارتباط بودم، هیچ‌وقت احساس نکردم که از من توقعی داشته باشد؛ بدون هیچ چشم‌داشت و انتظاری کار می‌کردند. «خالصاً لوجه الله» در ایشان متبلور است.

ویژگی دیگر آیت‌الله دهشت این بود که واقعاً خالصانه کار می‌کرد. من در تمام سال‌هایی که با ایشان در ارتباط بودم، هیچ‌وقت احساس نکردم که از من توقعی داشته باشد؛ بدون هیچ چشم‌داشت و انتظاری کار می‌کردند. «خالصاً لوجه الله» در ایشان متبلور است.

حاج آقای دهشت همانطور که یک روحانی با همه خصوصیات علمی، اخلاقی و اجرایی هستند، در زمره گروه انقلاب قرار دارند و علاقه‌مند به انقلاب، حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب بوده و هستند.

عالمی که از نظر علمی، حوزوی، اخلاقی، اجرایی و انقلابی شایسته باشد، معلوم است که آثار و برکاتش زیاد خواهد بود، همانطور که حاج آقای دهشت نقش اساسی و مؤثر در مراکز علمی و آموزشی مشهد داشتند.

حضور و مدیریت ایشان چه دستاوردی به همراه داشت؟

با اینکه ایشان منبر می‌رفتند و در حوزه علمیه کارهای علمی می‌کردند، اما من تربیت نسل نوجوان و جوان و دبیرستانی و دانشگاهی را سرلوحه همه کارهای منم و ایشان نیز همین‌گونه بودند. ایشان به دبیرستان می‌رفتند و برای نوجوانان درس اخلاق می‌گفتند. برای دوره‌های عالی نیز دعوت می‌شدند و می‌رفتند و سخنرانی می‌کردند. اگر اردو یا مجامع عمومی بود، شرکت می‌کردند و با بچه‌ها صحبت می‌کردند. بهترین دستاورد، تربیت نسل جوان بود که ایشان در این امر موفق بودند.

مدارس شهید مطهری ثمرات بسیار خوبی داشته است، البته برخی جاها به قوت تهران و مشهد نیست. طی چند سال گذشته نفرات برتر کنکور سراسری از مدرسه شهید مطهری بوده‌اند.

در این رابطه جا دارد جمله‌ای از رهبری نقل کنم. در جلسه‌ای که اساتید مدرسه شهید مطهری در خدمت رهبر معظم انقلاب بودند، ایشان فرمودند آقای امامی با چراغ خاموش حرکت می‌کند. توصیف من در مورد آیت‌الله دهشت مثل توصیف رهبری در مورد بنده است؛ در زمینه دبیرستان و دانشگاه‌های شهید مطهری تبلیغات نشده و هر چه هست طبیعی است. فارغ‌التحصیلان این مراکز خود تبلیغی برای این مدارس هستند.

آیت‌الله دهشت چه ویژگی‌هایی داشتند که به عنوان تولیت مدارس شهید مطهری در مشهد از سوی جنابعالی برگزیده شدند؟

از ویژگی‌های حاج آقای دهشت این است که یک عالم حوزوی هستند و در این فضا تقویت شده‌اند. خود این ویژگی در وضع دبیرستان‌های علوم انسانی ما نقش مهمی دارد. کسی که در معارف اسلامی ورزیده باشد می‌تواند با چنین دیدگاهی کارها را به پیش ببرد. افرادی که ایشان معرفی کرده بودند نیز چنین ویژگی‌هایی داشتند.

همچنین ایشان متخلق به اخلاق اسلامی و واقعاً در تمام آداب و روش و منش یک روحانی واقعی هستند. حاج آقای دهشت در کار اجرایی جدی هستند و برای کار دلسوزی می‌کنند و پشتکار دارند. وقتی من به مشهد می‌رفتم، ایشان می‌آمد و گزارش می‌داد و مشورت می‌کرد. با جدیتی که در کارها داشتند اقدامات خوبی در مدارس شهید مطهری مشهد انجام شد. برای دبیرستان پسرانه، ایشان قطعه زمینی را پیشنهاد داد که من تلفن زدم و نامه‌نگاری کردم اما ایشان و دوستانشان پیگیری کردند تا به نتیجه رسید. برای دبیرستان دخترانه نیز محلی را معرفی کردند که الان دبیرستان دخترانه در آنجا مستقر است.

پس از آن نیز برای راه‌اندازی مدرسه عالی شهید مطهری در مقطع لیسانس و فوق لیسانس قطعه زمینی را که وقفی بود، پیشنهاد کردند، که با خانواده واقف صحبت کردیم و با تأسیس این مدرسه موافقت کردند و این مدرسه نیز آنجا ساخته شد.

نیم قرن مجاهدت در تبلیغ دین

ضمن تشکر از اینکه وقتتان را به ما اختصاص دادید، در ابتدا مختصری در معرفی خود و فعالیت‌هایتان در طول چندین دهه گذشته بفرمایید.

متولد سال ۱۳۱۶ هستم و از حدود ده سالگی مشغول به یادگیری درس‌های حوزه شدم. پس از خواندن ادبیات و شرح لمعه، قوانین را خدمت مرحوم آیت‌الله سید احمد مدرس و مکاسب، رسائل و کفایه را نزد مرحوم استاد عالیقدر حاج شیخ‌هاشم قزوینی (ره) خواندم که آن دوران همراه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بودم و با ایشان مباحثه حوزوی داشتم. مدتی نیز برای معقول خدمت مرحوم آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی و همچنین آیت‌الله طهرانی بودم و دو دوره منظومه ملاحادی سبزواری را نزد مرحوم آقای میرزا خواندم و در درس‌های اخلاقی که پنج‌شنبه‌ها برگزار می‌شد، شرکت می‌کردم.

نام آیت‌الله دهشت شاید برای خیلی‌ها ناآشنا باشد، اما در دیار امام رضا (ع) هر جا که سخن از خدمت به قرآن، اسلام، انقلاب، اخلاق و اخلاص است، حتماً نامی از این شخصیت جلیل‌القدر خواهید شنید.

برگزاری مراسم نکوداشت، بهانه‌ای شد تا با این عالم مخلص در باره تلاش‌های علمی، اجتماعی، سیاسی، تبلیغی و خیرخواهانه‌شان گفت‌وگویی داشته باشیم؛ گفت‌وگویی که به دلیل کهولت سن حضرت استاد در چند مرحله — مدرسه امام محمد باقر (ع) و منزل شخصی ایشان — انجام گرفت، البته بخش‌هایی نیز، از مصاحبه تصویری یکی از دانش‌آموختگان مدرسه شهید مطهری (حجت‌الاسلام صادقیان) با ایشان دریافت شده است.





غلامرضا دهشت - سیدجعفر واعظی / مدرسه نواب - ۱۳۲۹ شمسی

چیست. این کاری است که باید حوزه‌های علمیه ما انجام دهند. البته این فکر برای زمان حال نیست، در همان مدرسه علمیه روزهای پنج‌شنبه، همین برنامه مناظره را انجام دادم. از حضرت آیت‌الله سیدان تقاضا کردم در مورد وهابی‌ها تحقیق کنند، ایشان اجابت فرمودند. اکنون یکی از ضرورت‌ها بررسی افکار وهابی است؛ اینکه آنها حرف‌شان چیست؟ چرا این همه به شیعه حمله می‌کنند؟ کدام نقاط از اعتقادات شیعه را مورد حمله قرار می‌دهند؟ چه جوابی باید بدهیم؟ این مسائل را حوزه‌های ما باید بررسی کنند و باید افراد توانمندی برای پاسخگویی داشته باشیم.

نحوه آشنایی شما با مدرسه عالی شهید مطهری و قبول مسئولیت در آن چگونه بود؟

مدرسه عالی شهید مطهری ابتدا در تهران تأسیس شد و قرار بر این شد که در خراسان هم شعبه‌ای داشته باشد و آیت‌الله امامی کاشانی که متولی مدرسه بودند، از من خواستند که مدیریت شعبه مشهد را بر عهده بگیرم. ابتدا قبول نکردم و حضرت آیت‌الله طبسی اصرار کردند که مدیریت این مدرسه را شما در مشهد بپذیرید. هر چه من عذر آوردم که درس دارم، گفتند که می‌خواهیم سرپرستی مدرسه مشهد توسط شما پذیرفته شود و در نهایت پذیرفتم و کار آغاز شد. در این مدارس در رشته علوم انسانی، برخی

در سال‌های اول تدریس، ادبیات، مکاسب، رسائل و کفایه را مکرر درس می‌دادم و معتقد بودم و هستم که نباید به این دروس اکتفا کرد. کتاب «فلسفتنا» و «اقتصادنا»ی شهید صدر را مکرر برای طلاب تدریس کردم. در آن زمان افکار گوناگونی در جامعه بود و برخی تصور می‌کردند مسائل اقتصادی در اسلام مطرح نشده است و این حرف خیلی برایم دردآور بود؛ لذا مقید بودم که خود و دیگران با مسائل اقتصادی اسلام آشنا شویم. در شهرستان‌های مختلف برنامه تدریس و سخنرانی داشتم. هرچند به خاطر کسالت مقداری از آنها تعطیل شد، اما سعی کردم برخی درس‌ها مثل نهج‌البلاغه تعطیل نشود. این درس شاید برای اولین بار بود که به صورت مرتب در حوزه تدریس می‌شد. سال‌های متمادی از ابتدای نهج‌البلاغه تا حدود خطبه ۱۸۰ را در مدرسه علمیه امام محمد باقر(ع) تدریس کردم و سپس به شکل موضوعی نیز تدریس شد؛ درس تفسیر هشت جزء آخر قرآن را نیز آنجا شروع کردم که مقدار زیادی گفته شده است، البته اخیراً به خاطر کسالتی که مجدد پیش آمد، این بخش فعلاً تعطیل شده است. درس اخلاق سومین درسی بود که سعی کردم در این مدرسه داشته باشم و سال‌ها ادامه داشت.

اکنون بحث دیگری جایگزین بعضی از درس‌ها کرده‌ام؛ «آموزش مناظره» متأسفانه در حوزه‌ها وجود نداشت؛ در این باره با بزرگان هم زیاد صحبت کردم، حتی فکر می‌کردم که در این زمینه شیعیان کتاب ندارند و بعد که تحقیق کردم دیدم کتاب‌هایی که علمای شیعه در زمینه مناظره نوشته‌اند، بیشتر از کتاب‌هایی است که اهل سنت نوشته‌اند و حدود سه برابر است. همچنین ائمه هدی(ع) و علما مناظرات زیادی داشته‌اند. مشاهده کردم اهل سنت برای مناظره کلاس نیز دارند و افرادی که فارغ‌التحصیل می‌شوند، لقب «المناظر» به آنها داده می‌شود. این برنامه را ابتدا با درخواست عزیزان در دفتر تبلیغات دو ترم انجام دادم و به صورت یک جزوه تدریس می‌شد که البته کافی نیست.

معتقد هستم مناظره در چهار بخش باید مطرح شود، آداب مناظره و ارائه نمونه‌های مناظره از علما، بزرگان و ائمه(ع)، که این دو بخش انجام شده است؛ مناظرات عملی که موافق و مخالف با هم بحث کنند و چهارم شناسایی فقها؛ اینکه که ما در برابر این فقها چه باید بگوییم، بررسی فقها و تبیین سخنان آنان و دلایل و جواب آنها، آرزوی دیرینه من بوده و امیدواریم انشاءالله این آرزو برآورده شود. باید بدانیم مثلاً در کشور، شهر و استان ما چند فرقه در حال فعالیت هستند و چه کسانی هستند؛ چه چیزی می‌گویند؛ کیفیت کار آنها چگونه است؛ اگر نادرست است جواب آنها



از همان سال‌ها یک جلسه دعای کمیل به نام مجمع‌الزهراس) تشکیل دادند که خیلی از این عزیزان را آنجا زیارت می‌کنیم و اخیراً هم به فکر افتادند که انجمن فارغ‌التحصیلان تشکیل دهند و از همه دعوت کنند که ما زیارت‌شان بکنیم و از کار آنها باخبر بشویم. یک عده‌ای در شهرستان‌ها و عده‌ای در تهران و جاهای دیگر هستند و به آنها دسترسی نداریم، اما گاهی که برای زیارت به مشهد می‌آیند، آنها را می‌بینیم.

ویژگی بارز شما در حوزه علمیه مشهد وجهه تبلیغی است، انگیزه شما از اینکه در جوانی بر این موضوع تمرکز داشتید و برای آن وقت گذاشتید، چه بوده است؟

غربت اسلام و تشیع مسئله اصلی و انگیزه ما بوده است. دیدیم که همه چیز مدافع دارد، غیر از تشیع و اسلام. ما برنامه اعزام مبلغ را از سال ۱۳۴۴ شروع کردیم. در آن سال به یکی از روستاها رفتیم و تابلوهایی را دیدیم که بر روی آن نوشته شده بود «سپاه دانش». گفتم این‌ها چه کاری انجام می‌دهند؟ گفتند که برای ترویج سوادآموزی، یک خانم و یک آقا به روستا آمده‌اند. این جریان نقطه آغازین حرکت ما برای مقابله با ترویج فساد شد و تصمیم گرفتیم شب‌های جمعه برای تبلیغ دین به روستاهای اطراف مشهد برویم. برای خودمان آیین‌نامه ۸ ماده‌ای تصویب و گروه‌هایی را به روستاها اعزام کردیم. هر گروهی که اعزام می‌شدند، یک جلسه گزارش‌خوانی برای آنان ترتیب می‌دادیم که هر هفته باید آنچه را که انجام داده و برای مردم گفته بودند، بیان کنند. هدف آن بود که هم از تجربیات یکدیگر استفاده

دروس حوزوی تدریس می‌شد که رشته جدیدی به نام «علوم و معارف اسلامی» شکل گرفت. مدارس پسرانه و دخترانه شهید مطهری از نظر مقررات دوره عالی، تابع تهران هستند و به عنوان شعب تهران تلقی می‌شوند. تاکنون چندین دوره فارغ‌التحصیل داشته است و افراد ممتازی تربیت شده‌اند. من حدود هجده سال مسئول مدارس علوم و معارف اسلامی شهید مطهری استان خراسان (شامل دبیرستان برادران و خواهران و مدرسه عالی خواهران) بودم.

ملاک شما در انتخاب اساتید مدرسه شهید مطهری چه بود؟

از آنجا که مدارس شهید مطهری دولتی نبود، مجبور نبودیم از دبیران آموزش و پرورش دعوت کنیم. دبیرها را گزینش می‌کردیم، الان هم کم و بیش همین روال برقرار است، افرادی را بر اساس نیاز خودمان و توانایی‌هایشان گزینش می‌کردیم؛ لذا زبده‌ترین دبیرها انتخاب می‌شدند. در بعضی از دروس نیز از آقایان حوزوی استفاده می‌کردیم. از حاج آقای سیدان که دعوت کردیم با آغوش باز پذیرفتند؛ اولاً به این دلیل که به بنده لطف داشتند، ثانیاً اینکه آرزوی همه ما این بود که یک مدرسه معارف اسلامی داشته باشیم. به نظر من مدارس معارف باید گسترش پیدا کند، خصوصاً حالا که نیروهای ارزشمندی در حوزه مدیریت را در دست دارند.

میزان ارتباط شما با فارغ‌التحصیلان این مدرسه چقدر است؟

طبیعتاً ارتباط مستمر با همه فارغ‌التحصیلان میسر نیست، ولی با بسیاری از آنها ارتباط داریم؛ خصوصاً

سعیدی یک شب جمعه، از تهران به مشهد آمده بودند؛ شب جمعه اول ماه رجب بود. چون ما ارتباط نزدیکی با هم داشتیم، به دیدن ایشان رفتیم. گفتند «من را به یکی از روستاها بفرست، با اینکه شب جمعه اول ماه رجب است و من هم یک شب بیشتر در مشهد نیستم، ترجیح می‌دهم که برای تبلیغ به روستاها بروم». ایشان را به روستای دوست‌آباد فرستادیم.

خاطره‌ای نیز از فرزند دوم جمهوری اسلامی دارم و بسیار عجیب است؛ طلبه‌ای برای تبلیغ رأی‌گیری به یکی از روستاهای اطراف شیروان در خراسان شمالی رفته بود. او می‌گفت من یکی از روستایی‌ها را دیدم که در یک دست کارت قصابی و در دست دیگر پسرش را گرفته و می‌خواهد او را قربانی کند. علت را جویا شدم، گفت که من نذر کرده‌ام که اگر جمهوری اسلامی پیروز شود، به دست خودم بچه‌ام را قربانی کنم! به هر صورتی که بود او را راضی کرده بودند که به جای پسرش یک گوسفند قربانی کند. این خاطره را وقتی برای آقای خزعلی گفتم ایشان گفتند که من باید این قضیه را به حضرت امام (ره) بگویم.

کنند و هم رفع تردید شود؛ البته گاهی از بزرگانی نظیر مرحوم آیت‌الله مشکینی دعوت می‌کردم که به جلسات گزارش‌خوانی تشریف بیاورند که ایشان هم محبت می‌کردند و می‌آمدند. به یاد دارم که در مدرسه میرزا جعفر، اتاقی در طبقه بالا بود، مرحوم مقدم هم به هر سختی بود تشریف می‌آوردند تا به گزارش‌هایی که این آقایان می‌خواندند، گوش دهند. آخر جلسه مرحوم آیت‌الله مشکینی یکی‌یکی اشکالات آنان را می‌گفتند، حدیث‌هایی را توضیح می‌دادند و کمی هم مبلغان را تشویق می‌کردند. «کار برای انسان پیدا می‌شود، انسان برای کار پیدا نمی‌شود» یکی از جملات قصاری است که از ایشان به یاد دارم. ایشان آن‌قدر به کار تبلیغ علاقه‌مند بودند که می‌فرمودند «می‌خواهم برای همین تبلیغ به شما مقداری پول بدهم». عرض کردم که شما در تبعید هستید (آن زمان کاشمر بودند) و توان مالی ندارید. ایشان گفتند «می‌خواهم از خرج زندگی‌ام کم کنم و برای تبلیغ پس‌انداز کنم». این یک خاطره بود که از مرحوم آیت‌الله مشکینی داشتم و این برنامه‌ها هم ادامه داشت. گزارش‌ها مفید بود و ما آن‌ها را در دفتری نگهداری می‌کردیم. از آستان قدس رضوی آمدند و برای نگهداری بهتر مدارک را به آن‌جا بردند. بعدها یک سی‌دی فیلم در همین رابطه به ما دادند. مرحوم آیت‌الله

در حرم مطهر کاظمین (علیهما السلام)



خاطره دیگر اینکه شب‌های ماه مبارک رمضان برای گوش دادن به منبرها به مسجد گوهرشاد می‌رفتم. در یک طرف ایوان، سیدعباس افتخار منبر می‌رفتند و در طرف دیگر شیخ حسن کافی؛ من دوست داشتم که به منبر سیدعباس افتخار گوش بدهم، ولی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به من فرمودند که منبر شیخ حسن کافی را گوش بده، چرا که ایشان محکم سخن می‌گویند.

از مبلغان برجسته، موفق و بنام چه کسانی را در ذهن دارید؟

در مشهد مبلغان بزرگی بودند که برخی به خاطر سوابقشان از چشم مردم افتادند؛ برخی هم همان استقلال خودشان را حفظ کردند و با شیوه‌های مختلفی که داشتند، موفق شدند. به طور مثال مرحوم آیت‌الله یزدی و حاج آقای محدث(ره) خیلی مورد توجه مردم بودند. از شخصیت‌های کشوری می‌توان به مرحوم آقای فلسفی اشاره کرد که در رأس همه قرار داشت.

به عنوان کسی که سال‌ها سابقه و تجربه فعالیت تبلیغی دارد، به نظر تان یک مبلغ چه مسائلی را باید در نظر داشته باشد؟

مبلغ باید در خصوص تبلیغات گسترده‌ای که حتی فرقه‌های نوظهور دارند، آگاهی داشته باشد و مطالعاتی در این باره بکند، این فرقه‌ها را بشناسد و حرف‌شان را بفهمد که بتواند پاسخگو باشد. لازم نیست همه جا مستقیم رو در روی آنان قرار بگیرد، ولی اطلاع از این فرقه‌ها که برخی از آنان علنی تبلیغ می‌کنند، لازم است. البته برخی، اساس کارش بر تبلیغ نکردن است. صهیونیست‌ها با آن پروتکل‌هایی که

دارند، فوق‌العاده عجیب هستند؛ تبلیغ نمی‌کنند، یعنی به هیچ کس نمی‌گویند یهودی باش. علتش هم این است که عقیده آنان این است که خدا دو رقم مخلوق آفریده است؛ آدم‌ها و غیرآدم‌ها؛ آقا و نوکر. عقیده‌شان این است که آقایان آنها هستند و بقیه نوکر، از جمله مسلمانان، مسیحیان و مابقی؛ لذا تبلیغ نمی‌کنند. آنچه در تبلیغ نکردن آنان هست، بیشتر از تبلیغ انسان را می‌سوزاند. به جز یهودی‌ها، بقیه به انحاء مختلف، با جزوه، جلسه، سی‌دی و نوار و امثال این‌ها تبلیغ می‌کنند. برخی از فرقه‌ها تا حدود ۲۰۰ سایت اینترنتی برای تبلیغ خودشان دارند. مثلاً در تهران ۱۰۰ گروه شیطان‌پرست وجود دارد. باید اطلاعات داشته باشیم تا بدانیم اینها چه کسانی هستند و از کجا آمده‌اند. چه می‌گویند، کتاب‌هایشان چه هست، جواب‌شان چیست. امروز تبلیغ خیلی مهم است؛ یعنی طوری است که باید انسان فرقه‌های باطل را بشناسد و راز بطلان آنها را نیز بداند؛ به‌ویژه اگر زمانی در کوران این بحث‌ها قرار گرفت، باید اطلاع داشته باشد و اگر چنین نباشد در تبلیغ موفق نخواهد شد.

به نظر شما اکنون بهترین شیوه تبلیغ برای مقابله با این فرقه‌های انحرافی چیست؟

اولین نکته برای مقابله با فرقه‌های انحرافی آگاهی از مکتب تشیع و اسلام است؛ بعد از آن شناسایی فرقه‌ها و مبدأ پیدایش آنها است، حتی اگر بعضی از آنها استعماری هستند، بالاخره افرادی را گمراه می‌کنند و تحت تأثیر قرار می‌دهند. باید راه‌هایی را که آنان فعالیت



یک بخش از پیشرفت حوزه‌ها مرهون طلاب و فضایی ساعی و کوشاست، در دوره شما برنامه‌ریزی درسی طلبه‌ها چگونه بود؟

طلاب پیش مطالعه داشتند؛ یعنی درس امروز را شب قبل دقیق مطالعه می‌کردند و یادداشت برمی‌داشتند. یادم است آیت‌الله خامنه‌ای برای چهلیم مرحوم آیت‌الله بروجردی به تهران دعوت شده بودند. در آن جلسه استاد جلال همایی سخنران بود. ایشان مزایای حوزه بر دانشگاه را برشمردند. گفتند یکی از مزایای حوزه این است که برخلاف دانشگاه انتخاب استاد به دست خود طلبه و اختیاری است؛ در حوزه علمیه برخلاف دانشگاه، مباحثه انجام می‌شود؛ محصل در حوزه تدریس می‌کند که برای به یاد ماندن مطالب خیلی مهم است. متأسفانه الان حوزه شبیه دانشگاه شده و انتخاب استاد اجباری است. همین پایه‌هایی که الان درست کرده‌اند نیز اشتباه است.

توصیه‌تان به طلبه‌های جوان و علاقه‌مند به تبلیغ چیست؟ از چه پایه‌ای وارد تبلیغ شوند؟

اولاً باید با ادبیات و زبان عربی آشنا شوند تا بتوانند حدیث و آیه را بفهمند. دوم اینکه زیر نظر یک استاد، و نه خودسرانه، تمرین کنند. تمرین سخنرانی و تبلیغ بسیار مهم است. آشنایی بیشتر با کتب حدیث و تفسیر هم لازم است. شناختن دین و بیان کردن راه معرفی دین لوازمی دارد که لازم است مبلغین ما به آن توجه داشته باشند. به سخنان زید و عمر و چپ و راست توجه نکنند. عقیده‌ام این است که باید در هر سخنرانی یکی دو مسئله شرعی مورد نیاز مردم گفته شود. خیلی‌ها از این مسئله ابا دارند. باید برای مبلغین کلاسی بگذارند که بدانند چه

می‌کنند، شناسایی و از گسترش آنها جلوگیری کرد. همیشه باید از کارهایی که آنان انجام می‌دهند، اطلاع داشت و پاسخی برای آنها پیدا کرد؛ به‌ویژه برای نسل جوان که سرگشته، حیران و تشنه است و به دنبال هر صدایی می‌رود. باید همیشه برای پاسخگویی به شبهات آنان آماده بود.

حضرتعالی از افراد پرسابقه در امر تبلیغ هستید. یکی از بهترین خاطرات‌تان را که در رابطه با مسئله تبلیغ برای مبلغان رهنمود و رهگشا باشد، بفرمایید.

سفارش من این است که تمام مبلغان نسبت به قرآن و حدیث و مسائل اطلاع کافی کسب کنند؛ مسائل را با خونسردی، صبر و حلم و بردباری برای مردم مطرح کنند که انشاءالله نتیجه بگیرند. البته در این زمینه خاطره بسیار است؛ در یک جایی گرفتاری پیدا کردم. کسی برای کمک به سراغم آمد؛ بعدتر فهمیدیم که از فرقه باطل بوده است. کمک کردن یک نفر از فرقه‌های باطل، من را خیلی تحت تأثیر قرار داد و این همیشه در ذهن من ماند؛ بنابراین باید در حد امکان به یاری مردم شتافت.

در زمینه اهمیت تدریس اخلاق و جایگاه آن در حوزه چه نظری دارید؟

از مسائلی که آن زمان‌ها کمابیش وجود داشت و حالا کم شده مسئله اخلاق است. از نظر من اخلاق مثل روغنی است که در اتومبیل ریخته می‌شود. وقتی روغن ریخته می‌شود همه دستگاه‌ها را به کار می‌اندازد. اخلاق باید در رأس امور باشد. علمای سابق اول، وسط و آخر هر درس یک حدیث اخلاقی می‌گفتند. یادم است مرحوم آیت‌الله میلانی که سال‌ها به کلاس درس ایشان می‌رفتم، احادیثی در باب اخلاق می‌خواند. اخلاق نه به عنوان درس جنبی، بلکه باید به عنوان درس اصلی مطرح شود. بارها گفته‌ام که باید برنامه‌ای بریزیم تا از افرادی که به آنچه می‌دانند عمل می‌کنند تجلیل کنیم. این کار موفقیت‌آمیز است و باید در حوزه علمیه خیلی کار شود.



با آن مخالف باشد؛ در عین حال محور سخنش نباید مسائل روز باشد، محور باید آیه و حدیث باشد. قاعدتا به مناسبت مسائل روز هم مطرح خواهد شد، این به نظر من درست است.

شما دروس مختلفی مانند عقاید، نهج البلاغه و مباحث مربوط به اقتصاد اسلامی را در حوزه علمیه تدریس می‌کردید. نوع نگاه شما در انتخاب موضوعاتی که تدریس می‌کردید، چگونه بود؟

مسئله اصلی از دید روحانیت نیاز جامعه است؛ یعنی روحانی باید پاسخگوی نیاز روز جامعه باشد. یک عالم باید شبهاتی را که امروز در جامعه مطرح است، جواب دهد. ما باید روحانی را تربیت کنیم تا بتواند پاسخگوی آن شبهات باشد. برخی می‌گفتند که اسلام اقتصاد ندارد، یکی از انگیزه‌های من برای تدریس «اقتصادنا» همین سخنان بود. گفتم مگر ممکن است یک دین جهانی، چهارده قرن بدون اقتصاد باشد، بعد بگوید من اقتصاد ندارم و بروید اقتصاد را از مارکس یاد بگیرید؟ این سخنان برخی افراد برای من دردآور بود؛ لذا در طی تدریس «اقتصادنا» همیشه من می‌گفتم اگر مارکس

مسائلی برای مردم گفته شود. در غیر این صورت مردم از کجا یاد بگیرند. اگر بنا باشد همه واعظ شهیر شوند، پس چه کسی این مسائل مورد نیاز را به مردم یاد دهد. در هر صورت مسئله اول دانستن احکام است، دانستن عقاید نیز لازم است. خواندن صحیح حدیث و آیه هم مهم است. دیگر، سخن گفتن متناسب با مستمع و مقتضای حال است.

باید رشته‌های تخصصی داشته باشیم، باید افرادی متخصص را تربیت کنیم. بعضی‌ها به درد تبلیغ می‌خورند و بعضی‌ها نه. این دو را باید از هم جدا کنیم و امکانات تبلیغ از جمله استاد را در اختیار کسانی که به درد این حیطه می‌خورند، قرار دهیم. باید دانست که عرصه تبلیغ نسبت به دوران گذشته چه تفاوتی کرده است؛ مبلغین امروز چقدر می‌توانند از سبک‌های سلیقه‌ای استفاده کنند؛ اساسا سلیقه چقدر در ارائه منبر و تبلیغ خوب مؤثر است. مبلغ نباید با مسائل روز بیگانه باشد و یا احیانا



و این مؤسسه برای کمک به مستمندان راه اندازی شد و اکنون خدمات فراوانی ارائه می کند و از همه خیریه‌ها فعال تر است.

ایده تشکیل مؤسسه میثاق الحسین (ع) از کجا به ذهن شما خطور کرد؟

فکر تشکیل این مؤسسه در حرم امام حسین (ع) به ذهنم خطور کرد. هدف از تاسیس این صندوق قرض الحسنه این بود افرادی که تاکنون به کربلا مشرف نشده‌اند و مشکلات مالی دارند، از طریق این مؤسسه مشرف شوند.

*نفوذ کلام شما در میان تجار و بازاریان یکی از نکات جالب است، چگونه توانستید نظر آنها را جلب کنید تا بخشی از سرمایه‌های خود را در جهت کمک به نیازمندان اختصاص دهند؟

تذکرات خیرخواهانه‌ای که در جلسات و منبرها داده می شد، بر تجار و بازاریان تأثیر می گذاشت، متوجه می شدند که در این تذکرات غرضی وجود ندارد و بالطبع اثر گذار بود.

خیلی ممنون از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید. در رابطه با مسائل تبلیغی اگر خاطراتی با مقام معظم رهبری هم دارید، بیان کنید

بله، زمانی به ایشان عرض کردم که اگر اجازه دهید ما برنامه مشترکی را که داشته‌ایم تعطیل کنیم. ایشان گفتند «نه! شما کارتان را ادامه دهید» چون فعالیت‌های مربوط به بیت تا زمانی که آقا هستند، وجود دارد و وقتی که آقا نباشند، تمام می شود. آنچه من خیلی مهم و حساس می دانستم این بود که تراحم و تعارضی در کار نباشد؛ لذا همیشه به برادران در سازمان و دفتر می گویم که قبل از موعد تبلیغ بیایید کارها را هماهنگ کنیم که نکند در یک محل دو سه نفر به تبلیغ بروند و بعضی جاها بدون مبلغ بماند.

می دانست فردی توانمند چون شهید صدر (رضوان الله علیه) می آید و این گونه حرف او را ابطال می کند، اصلا طرح نمی داد. شهید صدر به زیبایی مسائل اقتصادی را مطرح کرده و به شبهات پاسخ داده است.

دلیل اینکه اهتمامی برای تالیف اثر مکتوب نداشته‌اید چه بوده است؟

عده‌ای از دوستان برخی مطالب بنده را به صورت جزوه چاپ کرده‌اند، ولی خودم چیزی به عنوان نوشته‌ای که چاپ شده باشد ندارم، البته دوست داشتم چنین کاری بکنم. خدا رحمت کند یکی از اساتید را که من را نسبت به تالیف بدبین کرد؛ ایشان خود تالیف نداشت و می گفت برخی از ۵ کتاب مطلب جمع می کنند و کتاب ششم را ارائه می دهند. ایشان گفتند کاری کنید که ارزش داشته باشد. واقعا نیز خیلی از این کتاب‌ها و نوشته‌ها زینت طاقچه‌ها است. چقدر آن آقا زحمت کشیده اینها را جمع‌آوری کرده، تصنیف کرده و با چه زحمتی چاپ شده و بعد به چه راحتی روی طاقچه قرار گرفته؛ خوب چرا باید این طور باشد!

در مورد خیریه‌ها و صندوق‌های قرض الحسنه که شما بانی آنها بودید، توضیح بفرمایید.

در ۱۷ یا ۱۸ خیریه مشهد مؤسس یا عضو هیئت مؤسس بوده‌ام. خیریه‌هایی که در مشهد تاسیس شده اکثر افعال هستند و انشاءالله خداوند توفیق دهد تا خدمات بیشتری به مردم بدهند. برای وام دادن از ۵ هزار تومان شروع کردیم تا الان که به وام‌گیرندگان مبلغ ۵۰۰ هزار تومان تسهیلات می دهیم و آقای دیانی نیز طلبه‌ها را برای اخذ وام به صندوق معرفی می کنند، شاید تاکنون ۱۰ هزار فقره تسهیلات قرض الحسنه داده شده باشد.

صندوق حمایت از بیماران آسیب پذیر را شما تأسیس کردید، چه شد که به فکر تأسیس چنین صندوقی افتادید؟

برای جراحی قلب در بیمارستانی در مشهد بستری شدم و مشاهده کردم بیماران مراجعات فراوانی به این بیمارستان دارند و حتی در راهروهای بیمارستان خوابیده بودند. به فکر افتادم که چنین مؤسسه‌ای را تأسیس کنم

تبلیغ استاد برای شاگرد در خیابان

ورزش بروند. در دنیای طلبگی اگر از یک روحانی تجلیل کنیم، طلبه‌ها را تشویق می‌کنیم که به سمت این کار بروند.

چندی پیش برای من یک نکوداشتی برگزار کردند، پرسیدم که انگیزه شما از این کار چه بوده است؟ گفتند برخی طلبه‌ها فکر می‌کنند اگر فقیه نشوند، بدبخت خواهند شد و حتماً باید مرجع تقلید شوند. ما نیز با این نکوداشت خواستیم از شما تعریف کنیم و به طلبه‌ها بگوییم، اگر کسی فقیه نشود هم می‌تواند در قرآن، حدیث و تدریس منشأ اثر شود و این نکته را گوشزد می‌کنیم که اگر یک روحانی مرجع تقلید شد، خیلی ارزشمند است، اما اگر نشد این گونه نیست که تلاشش بی‌حاصل باشد. گفتند تجلیل از شما پیام عملی به طلبه‌ها دارد.

سابقه آشنایی

من از سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب با حاج آقای دهشت ارتباط داشته‌ام، بیست و چند سالم بود که ایشان در جلسه‌ای، نحوه تدریس من را که دیدند، به طلبه‌ها گفتند نزد این شیخ بروید.

یادم می‌آید سه طلبه که فرزندان شهید آیت‌الله سعیدی بودند، از خیابان رد می‌شدند، حاج آقای دهشت از سوی دیگر خیابان رو به آنها کرد و پرسید که این شیخ را می‌شناسید؟ گفتند که نه. گفت «این شیخ، آقای قرائتی است و کلاس قرآن دارد؛ شما و دیگر طلبه‌ها به کلاس او بروید و از نزدیک نحوه کلاس‌داری او را ببینید». ایشان این گونه فکر نمی‌کرد که استاد کفایه و مکاسب هستم و این کار دور از شأن من است که دیگران را به کلاس قرائتی که شاگردم است فرابخوانم. با این که من از نظر علمی شاگرد حاج آقای دهشت بودم، اما ایشان منادی و مبلغ من در خیابان نیز شدند.

خیلی از مدرسین جوان مشهد شاگرد ایشان هستند. با مقام معظم رهبری و آیت‌الله واعظ طبسی هم‌دوره بودند. داماد ایشان شهید شد و قبل از تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی و قبل از پیروزی انقلاب، ایشان طلبه‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی از جمله مبلغان مبتکر است و مردم کلاس قرآن ایشان را با گچ و تخته‌سیاه می‌شناسند. سابقه آشنایی حجت‌الاسلام قرائتی با آیت‌الله دهشت به سال‌ها قبل برمی‌گردد. به گفته آقای قرائتی، وی از نظر علمی شاگرد استاد دهشت بوده و خاطرات زیادی از آن دوران به یاد دارد.

تجلیل بزرگان ریشه قرآنی دارد

نکوداشتهایی که برای تجلیل از بزرگان در زمان حیات و یا بعد از فوت آنها گرفته می‌شود، یک کار قرآنی است و ریشه قرآنی دارد؛ خداوند در قرآن می‌فرماید «وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ» یا می‌فرماید «وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ».

این نکوداشتها امر به معروف به صورت عملی است. ما وقتی به یک فوتبالیست جایزه ارزشمندی می‌دهیم، به صورت عملی تبلیغ می‌کنیم که نسل جوان سراغ این

۱۴

دہشت
استاد حاج شیخ غلامرضا



تا حتی در روستاهای مشهد نیز حوزه علمیه وجود داشته باشد.

ایشان واعظ هستند و با انقلاب همراهی داشته و دارند، با مقام معظم رهبری انس فراوانی دارند و مقام معظم رهبری نیز نسبت به ایشان لطف دارند. با آنکه استاد رسمی مشهد هستند اما مثل طلبه‌های دیگر دهه محرم و ماه رمضان برای تبلیغ به تهران می‌آمدند. من گاهی به ایشان می‌گفتم که شما استاد مطرح حوزه مشهد هستید، چرا در یک مسجد کوچک برای ۵۰ نفر سخنرانی می‌کنید؟ ایشان می‌فرمودند: «منبر منبر و تبلیغ تبلیغ است».

یکی از علامت‌های موفق بودن یک روحانی این است که پسر او طلبه شود و یا دخترش را به عقد یک روحانی درآورد. پسر ارشد حاج‌آقای دهشت طلبه شد و دختر خود را نیز به عقد یک طلبه درآوردند. البته آن داماد ایشان شهید شد. اگر روحانی یک روحانی خوب نباشد، وقتی کسی برای خواستگاری دختر او می‌آید، همسرش می‌گوید من خودم زن روحانی شدم، کافی است؛ دیگر دخترم را به روحانی نمی‌دهم.

حاج‌آقا دهشت خیلی مردمی و اهل هجرت بوده و همه کمالات را دارا هستند. نکته مهم در شخصیت ایشان این است که وقتی تکلیفی را متوجه می‌شوند، به تکلیف خود عمل می‌کنند و آن را انجام می‌دهند. خداوند انشاءالله امثال ایشان را در جامعه زیاد کند.

را به روستاها می‌فرستادند و بدون هیچ ماشین و بودجه و امکانات، با دست خالی در جهت تبلیغ دین تلاش می‌کردند.

شیوه تدریس و تبلیغ

در تدریس، نیازسنج بودند. اگر به ایشان می‌گفتند به تبلیغ بروید، می‌رفتند؛ یا اگر می‌گفتند که در مورد تبلیغ تدریس داشته باشید، درس می‌دادند. بعضی‌ها فقط روی یک کتاب تمرکز می‌کنند و حاضر هستند ۲۰ مرتبه کفایه و مطول بگویند، اما به سمت تدریس قرآن، نهج‌البلاغه، تفسیر و اخلاق نروند.

برای حاج آقای دهشت تفاوتی نمی‌کرد که برای طلبه جوان تدریس کند یا برای طلبه فاضل. تواضع بالایی داشتند، ایشان برای تبلیغ به جاهایی عزیمت می‌کردند که دیگران معمولاً نمی‌رفتند؛ به طور مثال ایشان در ابتدای انقلاب برای تبلیغ به کردستان رفتند.

برای حاج آقای دهشت تفاوتی نمی‌کرد که برای طلبه جوان تدریس کند یا برای طلبه فاضل. تواضع بالایی داشتند، ایشان برای تبلیغ به جاهایی عزیمت می‌کردند که دیگران معمولاً نمی‌رفتند؛ به طور مثال ایشان در ابتدای انقلاب برای تبلیغ به کردستان رفتند.

در کارهای خیر، در تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه محوریت داشتند، مؤسسات خیریه فراوانی در مشهد است و ایشان جزء هیئت مؤسس و هیئت مدیره بسیاری از این مؤسسات هستند. در ساختن حوزه علمیه نیز تلاش می‌کردند



مصدق حدیث «طیب دَوَّارُ بَطْبَه»

سابقه آشنایی جنابعالی با آیت‌الله دهشت به چه دوره‌ای باز می‌گردد؟

آشنایی من با این بزرگوار شاید به حدود ۴۰ سال پیش، به دوران نوجوانی من، زمانی که در یک محله زندگی می‌کردیم، برمی‌گردد. به یاد دارم که به مناسبت ایام ماه مبارک رجب در منزل ایشان ۱۰ شب مراسم سخنرانی و روضه‌خوانی برگزار می‌شد که من همراه با مرحوم پدرم در این جلسات شرکت می‌کردیم. پس از آن ارتباط و آشنایی ما تا امروز ادامه داشته است.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در عرصه تبلیغات است که از سال‌های قبل از پیروزی انقلاب آغاز شده بود. این فعالیت‌ها چه ویژگی‌هایی داشت و چطور روحانیون را برای انجام کارهای تبلیغی تشویق می‌کردند؟

یکی از خصوصیات آیت‌الله دهشت این بود که فعالیت‌های خود را منحصر به تدریس در حوزه علمیه نمی‌کردند. ایشان ضمن اینکه در سطوح عالی حوزه مشغول به تدریس بودند، در عرصه‌های اجتماعی و تبلیغی نیز به صورت فعال حضور داشتند. از جمله کارهایی که ایشان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به آن ورود پیدا کردند، مسئله تبلیغ بود. آیت‌الله دهشت در ایام رمضان، محرم و صفر و ایام تبلیغ، برای سخنرانی و منبر رفتن اهتمام داشتند و برای تبلیغات به شهرها و شهرستان‌های مختلف سفر می‌کردند. یکی از کارهای خوب و خداپسندانه‌ای که انجام می‌دادند، اعزام طلبه به مناطق مختلف مشهد در شب‌های جمعه

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی، معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری، از دوران نوجوانی آیت‌الله دهشت را می‌شناسد. این آشنایی از جلسات روضه‌خوانی در منزل ایشان که همراه با پدر در آن شرکت می‌کرد، آغاز شد و این ارتباط همچنان ادامه دارد. وی خاطرات دلنشینی از همکاری و هم‌صحبتی ایشان با رهبر معظم انقلاب و عنایت معظم‌له به حاج آقای دهشت دارد.





مردم می‌رفتند و با اقشار مختلف مردم و جامعه در ارتباط بودند.

یکی از مصادیق این حدیث شریف، جناب حاج آقای دهشت است چرا که در همه حوزه‌ها و صحنه‌های مختلفی که نیاز به حضور مفید و مؤثر ایشان بود، حاضر می‌شدند و گرفتار حجاب‌ها نمی‌شدند. اینکه عده‌ای می‌گفتند برخی فعالیت‌ها در شأن ما نیست و یا با ورود به این مسائل به موقعیت ما لطمه می‌خورد و یا فعالیت‌های حوزوی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد، حجاب‌هایی بود که مانع از انجام سایر فعالیت‌ها می‌شد. این حجاب‌ها مانع از فعالیت‌های آیت‌الله دهشت در عرصه‌های مختلف نشد.

ایشان از جمله افرادی هستند که اهتمام ویژه‌ای به مسائل اخلاقی و تدریس اخلاق داشته و دارند؛ از نظر اخلاقی ایشان دارای چه جایگاه و شاخصه‌هایی هستند؟

حوزه علمیه مشهد یکی از خاستگاه‌های مهم اخلاق، عرفان و تهذیب نفس بود و آیت‌الله دهشت نیز از بزرگان و اساتید این حوزه استفاده کردند و خودشان دارای ملکات و فضائل اخلاقی خوبی هستند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله دهشت مسئله زهد در زندگی بود. ایشان با اینکه یک عالم برجسته و دارای سابقه طولانی در حوزه علمیه هستند، اما زندگی بسیار ساده‌ای در سطح زندگی یک طلبه دارند. ارتباط گرفتن مردم با ایشان نیز از جمله خصوصیت‌های برجسته ایشان محسوب می‌شود. بسیار مهم است که یک طلبه به‌گونه‌ای مشی و رفتار کند که دیگران بتوانند به راحتی با او ارتباط برقرار کنند.

و ایام تعطیل بود. از آنجا که به قدر کافی روحانی و طلبه برای مستقر شدن در روستاها و بخش‌های مختلف نداشتیم، لذا آیت‌الله دهشت در حوزه مشهد با همکاری مقام معظم رهبری در فرصت‌های تعطیلی مثل پنج‌شنبه و جمعه اقدام به اعزام طلاب به مناطق دورافتاده مشهد می‌کردند که به کار تبلیغ، بیان مسائل شرعی و اقامه نماز می‌پرداختند. این کار هنوز از سوی آیت‌الله دهشت انجام می‌گیرد؛ با این تفاوت که حوزه فعالیت تبلیغی ایشان گسترش یافته و در حال حاضر طلبه‌ها را به برخی مناطق استان‌ها از جمله کرمان و سیستان و بلوچستان اعزام می‌کنند.

مردم شرق کشور، به‌ویژه خراسان بزرگ، آیت‌الله دهشت را با مسائل تبلیغی و تأسیس مراکز خیریه می‌شناسند، در حالی که ایشان یک شخصیت برجسته علمی و حوزوی نیز هستند؛ در مورد شخصیت علمی ایشان بفرمایید.

آیت‌الله دهشت قبل از انقلاب جزء مدرسین مطرح مشهد نام برده می‌شدند و در سطوح عالی حوزه تدریس می‌کردند و شخص فعالی در این عرصه بودند. در کنار تدریس در حوزه، در مسائل اجتماعی و نیز در مسائل انقلابی و نهضت فعال بودند و یکی از خصوصیات ایشان این بود که خود را منحصر در یک کار خاص نمی‌کردند.

امام علی (ع) در مورد پیامبر اسلام (ص) تعبیری دارند که می‌فرمایند «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ». رسول اکرم (ص) این‌گونه نبودند که در مسجد مکه و یا مدینه بنشینند تا مردم به ایشان مراجعه کنند؛ بلکه پیامبر به سراغ

در حوزه مشهد به شمار می‌آیند. عده‌ای نیز با این شخصیت‌ها در ارتباط بودند که از جمله آن افراد، آیت‌الله دهشت بودند که در حالی که با طیف سنتی حوزه مرتبط بودند، با جریان انقلابی و فکر و اندیشه امام(ره) که نماد اصلی آن رهبری بودند، ارتباط و همکاری داشتند. این ارتباط به صورت مشخص با رهبر معظم انقلاب در اعزام مبلغ به مناطق مختلف مشهد و جلسات مناظره بود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله دهشت مسئله زهد در زندگی بود. ایشان با اینکه یک عالم برجسته و دارای سابقه طولانی در حوزه علمیه هستند، اما زندگی بسیار ساده‌ای در سطح زندگی یک طلبه دارند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این ارتباط حفظ شد، البته به دلیل اینکه شرایط تغییر کرده بود و وضعیت و جایگاه رهبری در تهران متفاوت با گذشته شده بود، این ارتباط کمیته گذشته را نداشت؛ اما آیت‌الله دهشت همواره مورد احترام مقام معظم رهبری بودند. من در مواردی که همراه با مقام معظم رهبری به مشهد مشرف می‌شوم، از طرف ایشان با برخی علمای برجسته مشهد دیدار می‌کنم که یکی از این علما به دستور رهبری آیت‌الله دهشت است که پس از دیدار، رهبری جویای احوال ایشان از بنده هستند. سال گذشته نیز که آیت‌الله دهشت تقاضای دیدار با آقا را داشتند، رهبری فوراً این فرصت را فراهم کردند و بیش از نیم ساعت به این دیدار اختصاص دادند، این درحالی است که در سفرهایی که به مشهد به منظور انجام کارهای عقب‌افتاده دارند، وقت برای دیدارهای عمومی و شخصیت‌های مختلف نیست. آقای دهشت کارهایی در زمینه تبلیغی، حوزوی و امور خیریه انجام می‌دهند و کمک‌هایی برای به ثمر نشستن آنها ارائه می‌کنند که مورد استقبال رهبری قرار می‌گیرد.

معمولاً عامه مردم تصور می‌کنند در مواجهه با چالش‌ها تنها مسئولان نقش دارند، در حالی که شخصیت‌های برجسته به‌ویژه در حوزه دینی می‌توانند در رفع چالش‌ها نقش مؤثری ایفا کنند. آیت‌الله دهشت در رفع این چالش‌ها چگونه نقش آفرینی کرده‌اند؟

پرهیز از عنوان و نام و نشان از دیگر خصوصیات برجسته ایشان بود. حجاب علم و حجاب عنوان و حجاب‌های این‌چنینی مانع از آن نشد که این بزرگوار دست از فعالیت‌های اجتماعی بکشد و آنها را کنار بگذارد. این خود زهد و تهذیب نفس است که یک روحانی و مبلغ دین آنچه را حق تشخیص می‌دهد، عمل کند و چیزی مانع از رسیدن به هدفش نشود.

آیت‌الله دهشت قبل از پیروزی انقلاب، هم‌مباحثه‌ای رهبر معظم انقلاب بودند؛ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این ارتباط به چه صورت ادامه داشت؟

آیت‌الله دهشت جزء معدود اساتید برجسته حوزه بودند که با رهبر معظم انقلاب و جریان انقلابی مشهد مانوس بودند. حوزه مشهد قبل از پیروزی انقلاب حال و هوای دیگری داشت؛ افراد انقلابی و پیرو تفکر و اندیشه انقلابی امام در مشهد انگشت‌شمار بودند که رهبری در رأس این قضیه قرار داشتند؛ مرحوم هاشمی‌نژاد و آیت‌الله طبعی نیز از دیگر افراد شاخص جریان فکر و اندیشه امام(ره)



آنها و تبیین ابعاد وجودی و شخصیتی آنها نوعی بیان هویت، سابقه و پیشینه روحانیت است. معرفی و تمجید بزرگان و علما، یک کار صوری و ظاهری نیست، بلکه بیان هویت روحانیت از عصر غیبت صغری تاکنون است.

همچنین تعظیم این شعائر و معرفی بزرگان برای دیگران الگو می‌شود. یادم هست که هرگاه توفیق حضور در محضر آیت‌الله بهجت را می‌یافتیم، ایشان خاطراتی از بزرگان، علما و قدما نقل می‌کردند. یک وقت خود ایشان فرمودند این خاطراتی که نقل می‌کنم بیان ترجمان احادیث و قرآن است، اما به صورت ملموس و عینی آنها را بیان می‌کنیم. بنابراین ذکر خاطرات و تبیین شخصیت این بزرگان اثر تربیتی در جامعه دارد. در قرآن نیز زندگی انبیاء و بزرگان برای این ذکر شده که از جهات مختلف برای نسل‌ها عبرت باشد.

در پایان این گفت‌وگو اگر بخواهید مهم‌ترین ویژگی آیت‌الله دهشت را بیان کنید، کدام ویژگی خواهد بود؟

زهد در زندگی، بی‌نام و نشان زندگی کردن و خود را مطرح نکردن از خصوصیات ایشان است؛ اما مهم‌ترین ویژگی آیت‌الله دهشت تکلیف‌مداری است. همین خصوصیت است که ایشان را همراه با انقلابیون قرار داد و همین خصوصیت است که زمینه فعالیت‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف را برای ایشان فراهم کرد.

یک روحانی متعهد، مسئول و وظیفه‌شناس در هر حوزه‌ای که فکر کند که می‌تواند تأثیرگذار باشد، حضور پیدا می‌کند و مانعی پیش روی خود نمی‌بیند. حقیقت و مهم‌ترین شاخصه یک روحانی متعهد نیز انجام تکلیف است.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌هایی که داشتند به خاطرهای از امام راحل (ره) اشاره کردند و فرمودند روزی به حضرت امام (ره) عرض کردم شما از چه موقعی به فکر تشکیل حکومت اسلامی افتادید؟ امام تأملی کردند و فرمودند که «هیچ وقت به فکر تشکیل حکومت نبودم، من به دنبال انجام وظیفه بودم و این انجام وظیفه ما را به اینجا رساند». دنیایی از حرف و سخن در این نکته وجود دارد. یک روحانی متعهد به دنبال انجام وظیفه است و به نتیجه آن کاری ندارد.

برای افرادی که حزب دارند و به دنبال کسب قدرت هستند، این حرف معنایی ندارد؛ چرا که باید سال‌ها تلاش کنند و با برنامه‌ریزی‌های گسترده به نتیجه برسند. اما برای کسانی که نگاه معنوی، الهی و تکلیف‌مدارانه دارند قضیه فرق می‌کند و این سخن برای آنها قابل درک می‌شود.

آقای دهشت هم به همین‌گونه عمل کردند؛ ایشان از سویی در حوزه برای تدریس به طلبه‌ها احساس تکلیف می‌کردند و از سوی دیگر برای تربیت جوان‌ها و تحصیل‌کرده‌ها اقدام به تأسیس مدارس شهید مطهری کردند و انصافاً زحمت زیادی برای راه‌اندازی شعب این مدرسه در مشهد کشیدند که برکات خوبی داشت و افراد خیلی خوبی را به جامعه تحویل دادند.

تأسیس حوزه‌های علمیه در اطراف مشهد از دیگر فعالیت‌های ایشان بود که گاهی از ما برای تأسیس آنها کمک می‌خواستند و رهبری نیز کمک می‌کردند.

سخنرانی ایشان در مشهد، تهران و شهرستان‌ها و ارتباط با قشرها و تیپ‌های مختلف به نوعی کمک به نظام و در راستای رفع چالش‌ها در حوزه کاری خودشان محسوب می‌شد.

معرفی شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله دهشت و برگزاری نکوداشت برای آنها چه اثراتی در جامعه دارد؟

بزرگداشت و تکریم چنین شخصیت‌هایی یک کار کاملاً دینی است؛ چرا که تعظیم علمای اسلام یکی از شعائر الهی است. از سوی دیگر تعریف و شناساندن



مشى آيت الله دهشت

در مسائل علمى و اعتقادى

در ابتدا درباره نحوه فعاليت استاد دهشت در زمينه‌هاى مرتبط با حوزه علميه، طلاب مشهد، مسائل اجتماعى يا مربوط به انقلاب و بعد از پيروى انقلاب و در زمان جنگ بفرمائيد.

تاريخ آشنايى با حضرت حاج آقاى دهشت به طور دقيق در خاطر من نيست؛ اما بدون مبالغه بايد گفت كه بيش از ۴۵ سال است كه با يكديگر آشنا هستيم و دليل آشنايى هم اين است كه هر دو در حوزه علميه مشهد بوديم و بالطبع اين آشنايى در برخوردهاى مختلفى كه طلاب و محصلين نسبت به دروس و اساتيد و مسائل ديگر داشتند، حاصل شده است. حاج آقاى دهشت در ذهنيت بنده، از همان ابتدا تاكنون در جهت روش پسنديده حركت كرده‌اند؛ از نظر اجتماعى و علمى از معدود كسانى بودند كه به فضل پروردگار، موفق بودند و با گذشت زمان، مدارج مختلف مفيد بودنشان را در جهات اجتماعى نشان دادند و طبق آنچه يك محصل دينى به تحصيل مى‌پردازد، در مسير حركت، فوق معمول بودند؛ لذا مى‌توانم عرض كنم كه از معدود محصلينى بودند كه توفيق خدمت در مسائل مختلف اجتماعى، حوزوى و علمى براى ايشان فراهم شده بود.

طبيعى است هنگامى كه عده‌اى در مسير صحيح قرار مى‌گيرند، اين گونه نيست كه همه آنان توفيقات بالايى داشته باشند. موانع مختلف، تلاش افراد را متوقف مى‌سازد و يا آنها را منصرف مى‌كند؛ تعداد افرادى كه با استقامت، مسير صحيح را طى مى‌كنند و به نتيجه مطلوبى نائل مى‌آيند و سختى‌هاى راه آنان را از حركت باز نمى‌دارد، محدود است. ايشان از آن معدود افراد هستند، لذا توانستند كه در ارتباط با مسائل اجتماعى و گرفتارى‌هاى مردم، از نظر نيازمندى‌هاى مادى و فرهنگى، با همكارى در تاسيس و اداره خيره‌ها، قدم‌هاى برجسته‌اى را براى تأمين جهات مادى افراد نيازمند بردارند.

آيت الله حاج سيد جعفر سيدان از زبده ترين پروردگان مکتب حاج شيخ مجتبی قزوینی (ره) است که به گفته خود ایشان مدتی کمتر از نیم قرن است که حاج آقای دهشت را می‌شناسند. گفت‌وگوى ما با ایشان درباره شخصیت علمى و جایگاه اجتماعى استاد دهشت بود که متن آن را در ادامه می‌خوانید.

۲۰

دشست
استاد حاج شيخ غلامرضا





روش حاج آقای دهشت از نظر مشی علمی در مسائل اعتقادی، با اعتنای جدی به مدارک و حیانی که تعقل صحیح، ما را به آن می‌رساند، توافق دارد.

در کنار این موضوع، ایشان اهتمام داشتند که تنها جهات مادی و مالی مطرح نباشد، بلکه ابعاد تربیتی و فرهنگی، دینی، مذهبی و تربیت صحیح در صدر اهداف خدمت باشد و در این مسیر موفق بودند. آن‌هایی که با خیریه‌های مشهد آشنا باشند، می‌دانند که ایشان در تأسیس و اداره آنها نقش مهمی داشته‌اند و به جهت جنبه علمی و تقوایی که دارند در سطح بسیار بالایی تأثیرگذار هستند. همچنین به دلیل این خصوصیات در مسائل فرهنگی هم نقش قوی داشتند و در ارتباط با مدرسه‌های مختلف مربوط به آموزش و پرورش و یا مدارس مابین حوزه و آموزش و پرورش، مدت‌ها مسئولیت بخشی از این مدارس را بر عهده داشته‌اند و به خوبی تأثیرگذار بودند.

حاج آقای دهشت علاوه بر پرورشی محصلین ارزنده جوان، در کنار جهات فرهنگی، به ابعاد دینی هم کاملاً توجه داشتند که نتایج علمی و دینی دانش‌آموزان این مدارس کاملاً مشهود است. ایشان به خاطر پشتکاری که داشتند در حوزه‌های علمیه مشهد و مدارس علوم دینی، علاوه بر اینکه در اداره بسیاری از اینها عضویت داشتند، به تدریس فقه، اصول، نهج‌البلاغه و اخلاق مشغول بودند؛ تأثیر ایشان در حوزه‌های علمیه هم کاملاً مشهود است.

درباره شاگردی ایشان در محضر علمای بزرگی همانند حضرت آیت‌الله‌العظمی میلانی که دورانی بوده که شما هم از محضر این بزرگواران استفاده می‌کردید، اگر مسائلی هست بفرمائید.

حاج آقای دهشت در فعالیت‌های حوزوی موفق به استفاده از مدرسین بنام از جمله مرحوم مدرس شدند و از محضر مرحوم آیت‌الله مجتبی قزوینی و مرحوم آیت‌الله هاشم قزوینی که در تدریس سطح عالی حوزه فردی استثنایی و بی‌نظیر بودند، استفاده کردند. ایشان همچنین از محضر میرزا رضا تهرانی که بیشتر در حوزه مسائل کلامی و فلسفی تبحر داشتند، استفاده کردند و باز در ارتباط با مسائل خارج و پس از سطوح عالی، از مرحوم آیت‌الله میلانی بهره بردند؛ گرچه بنده در این زمینه برخورد چندانی با حاج آقای دهشت نداشتم.

حاج آقای دهشت کسی هستند که هم در زمینه کارهای خیر مورد نیاز عموم مردم هستند و هم از جهت مدیریت مدارس علمی و دینی برجسته‌اند و هم در ارتباط با طلاب و محصلین علوم دینی نقش مهمی را داشته‌اند.

با توجه به بهره‌گیری حاج آقای دهشت از محضر بزرگوارانی که نام برده شد، مشی و روش ایشان در مسائل اعتقادی، اعتنای هرچه بیشتر به مکتب اهل بیت(ع) بود. مکرر پیش آمده است که ایشان با بنده تماس گرفته و گفته‌اند که در فلان کتابی که از یکی از افراد چاپ شده مطلبی گفته شده است که با موازین حدیثی و قرآنی سازگار نیست و آیا شما در جریان هستید و می‌توانید برخورد و تذکری داشته باشید؟ یکی از این موارد را که به خوبی به یاد دارم درباره مسئله جبر و اختیار و همچنین درباره اراده پروردگار بود که یکی از مشاهیر نوشته بودند.

در نتیجه می‌توان گفت که روش حاج آقای دهشت از نظر مشی علمی در مسائل اعتقادی، با اعتنای جدی به مدارک و حیانی که تعقل صحیح، ما را به آن می‌رساند، توافق دارد. ما معتقد هستیم که در وحی، یک مورد هم وجود ندارد که با قواعد عقلی در تضاد باشد و مواردی که چنین به نظر برسد، خود وحی آن را توجیه کرده است و ایشان در این زمینه هم کاملاً مسلط هستند. ایشان در مسائل اجتماعی و انقلاب و در مسائل مربوط به جبهه‌های دفاع مقدس مدت‌ها فعالیت، همراهی و همکاری داشتند. در مجموع ایشان از نظر مسائل علمی و اخلاقی، یک شخص جامع‌الاطراف هستند و به پاکی و پاکیزگی زندگی کردند و امیدواریم به فضل پروردگار به همان روش‌های پسندیده ادامه حیات دهند.

اتکابر منابع متقن در دفاع از تشیع

آیت‌الله سید جمال‌الدین دین‌پرور، رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه، به آشنایی ۴۰ ساله خود با آیت‌الله دهشت اشاره کرد و گفت: این آشنایی از طریق برگزاری جلسات ایشان در مشهد و تهران ایجاد شد و ادامه یافت. ایشان نه تنها استاد حوزه علمیه مشهد هستند، بلکه یک چهره تبلیغی و علمی محسوب می‌شوند و آشنایی و رفاقت ارزشمندی با مقام معظم رهبری دارند.

آیت‌الله دین‌پرور به سفر مشترک خود با حاج آقای دهشت به آفریقا نیز اشاره و اظهار کرد: در برخی از مسافرت‌ها از جمله سفر به کشور سیرالئون و شرکت در سمینار حج با ایشان همراه بودیم. در این سفر که اوایل انقلاب انجام شد، حج اسلام قرائتی، ایروانی، محمدی عراقی نیز حضور داشتند. همچنین در سفرهایی به کشورهای آلمان و سوریه نیز در کنار هم حضور داشتیم که موجب شد از نزدیک با اخلاق و روحیات ایشان آشنا شویم.

وی به طور خلاصه محورهای اخلاقی آیت‌الله دهشت را ساده‌زیستی، صمیمیت و مهربانی، خدمت‌رسانی، تبلیغ و ترویج دین و دقت بالا در مصرف وجوهات و بیت‌المال عنوان کرد و گفت: ایشان سعی می‌کنند از وجوهات و بیت‌المال استفاده نکنند و این وجوهات را در اختیار دیگران قرار دهند. رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه در خصوص حسن خلق و صمیمیت آیت‌الله دهشت نیز عنوان کرد:

آیت‌الله سید جمال‌الدین دین‌پرور، رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه، حدود ۴۰ سال است که با آیت‌الله دهشت آشنایی دارد. وی در این گفت‌وگو نکات و خاطراتی درباره سفرهای بین‌المللی خود و آیت‌الله دهشت، ویژگی‌های رفتاری ایشان در مواجهه با علمای جهان اسلام، حضور ذهن قوی، گزینش مطالب بر اساس زمان و اتکا به منابع مورد اتفاق علمای اسلام در دفاع از تشیع عنوان کرد.

۲۲

دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا





این نکته بسیار مهم است که کمک‌رسانی‌های مالی و مادی همراه با کمک فکری و تربیتی باشد. اگر شکم افراد سیر شود اما فکر، اندیشه و اخلاق آنان درست هدایت نشود، یک مبلغ به هدف اصلی خود نمی‌رسد. آیت‌الله دهشت جسم و امور مادی را مقدمه امور انسانی می‌دانند و معتقدند اگر در امور مادی و رفع نیاز مادی توقف کنیم، نمی‌توانیم به هدف برسیم. بر همین اساس در اقدامات خود امور مادی و معنوی را جمع می‌کنند و هم خود و هم دوستان‌شان مرکز اتکایی در مشهد بوده و هستند.

ایشان علی‌رغم داشتن جایگاه بسیار بالا در حوزه علمیه مشهد و تدریس در سطوح بالای حوزوی، برای خود هیچ محدودیتی قائل نیستند و در جمع شاگردان، اهل شوخی و مزاح و صحبت صمیمی هستند؛ به نحوی که شاگردان احساس نکنند که نمی‌توانند حرف خود را به ایشان بزنند.

وی با اشاره به دهمین کلمه قصار نهج‌البلاغه که می‌فرماید: «با مردم چنان آمیزش و ارتباط و رفت‌وآمد داشته باشید که اگر بمیرید بر شما گریه کنند و اگر زنده هستید میل و رغبت کنند که با شما باشند»، آیت‌الله دهشت را مصداق بارز این سخن دانست و گفت: شخصیت علمی بلندمرتبه ایشان منافاتی با ارتباط‌شان با مردم نداشته و ایشان با دوستان زیادی با سلیقه‌های مختلف ارتباط دارند و گروه‌های مختلف از محضرشان استفاده علمی و اخلاقی می‌برند.

آیت‌الله دین‌پرور نکته مهم دیگر در زندگی استاد دهشت را توجه به مشکلات مردم و نیازهای آنها عنوان کرد و گفت: ایشان هرگز نسبت به مشکلات مردم بی‌تفاوت نبوده و در مشهد یکی از ارکان مؤسسات خیریه بودند و با آنها همکاری فکری و تشکیلاتی داشتند؛ هر

شود اما فکر، اندیشه و اخلاق آنان درست هدایت نشود، یک مبلغ به هدف اصلی خود نمی‌رسد. آیت‌الله دهشت جسم و امور مادی را مقدمه امور انسانی می‌دانند و معتقدند اگر در امور مادی و رفع نیاز مادی توقف کنیم، نمی‌توانیم به هدف برسیم. بر همین اساس در اقدامات خود امور مادی و معنوی را جمع می‌کنند و هم خود و هم دوستان‌شان مرکز اتکایی در مشهد بوده و هستند.

وی به جنبه بین‌المللی شخصیت آیت‌الله دهشت نیز اشاره کرد و گفت: ایشان به عنوان یک روحانی شیعه مرتبط با سایر علمای جهان اسلام، حضور ذهن بسیار قوی‌ای نسبت به مطالب دینی و منابع قرآن، حدیث و تاریخ ائمه (ع) دارند و این نشان می‌دهد مطالعات ایشان در این زمینه‌ها همراه با یک‌گزینش جالب و مناسب با زمان بوده است.

مؤسسه خیریه‌ای که از ایشان کمک بخواهد، دریغ نمی‌کنند، دفتر ایشان در مسجد بت‌های مشهد نیز محل کمک به نیازمندان است.

ایشان یکی از کارهای مهم اما بی‌سروصدای آیت‌الله دهشت را اعزام طلاب برای تبلیغ به شهرها و روستاهای اطراف مشهد عنوان و اظهار کرد: ایشان طلاب را شناسایی و بر اساس توانمندی‌هایشان آموزش داده، برای تبلیغ به مناطق مختلف اعزام می‌کردند، این اقدام در کنار شناسایی نیازهای مادی مردم مناطق مختلف صورت می‌گرفت تا نیازهای مادی و معنوی نیازمندان در کنار هم تأمین شود.

رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه تصریح کرد: این نکته بسیار مهم است که کمک‌رسانی‌های مالی و مادی همراه با کمک فکری و تربیتی باشد. اگر شکم افراد سیر

یک مرکز فعال و پرشور اما بی‌تابلو، برای اعزام طلاب به جبهه‌ها ایجاد کرده بودند.

ایشان در ادامه، نحوه رفتار و گفتار آیت‌الله دهشت را به عنوان یک مکتب مطرح و اظهار کرد: در همه موارد حتی یک کلمه حرف سست از زبان ایشان بیرون نیامده است و در مقابل افراد بدرفتار و یا افرادی که مطالبات نابجا دارند نیز ایشان با قاطعیت اما محبت و ادب رفتار کرده‌اند. ایشان در طول سال‌ها تلاش این مکتب رفتاری را که از بزرگانی چون آیت‌الله مروارید، اصفهانی و مجتبی قزوینی دریافت کرده‌اند، به شاگردان و اطرافیان خود منتقل می‌کنند.

آیت‌الله دین‌پرور تصریح کرد: کسانی که با ایشان ارتباط دارند، از معاشرت با ایشان خسته نمی‌شوند، چون در نشست و برخاست با ایشان هم مطالب علمی، هم تجربه‌ها و هم گزارش‌هایی را که از اساتیدشان داشته‌اند، مطرح و مجلس را گرم می‌کنند. مجالس ایشان هرگز مجالس خشکی نیست که باعث خستگی شود و ایشان حتی در شوخی‌هایی که مطرح می‌کنند نیز مطالب آموزنده ارائه می‌دهند.

ایشان عدم اشتیاق به مطرح شدن را از دیگر خصوصیات آیت‌الله دهشت عنوان کرد و گفت: ایشان علی‌رغم جایگاه علمی و ارزشی بالا هرگز تعصب و تأکیدی بر خواست‌های خود نداشته‌اند؛ اگر در جمعی نظر مخالف داشته باشند، آن را اعلام می‌کنند و دلیل می‌آورند که چرا مخالف هستند. اما در صورت تأیید جمع، تابع جمع بوده و سازگاری بالایی (و نه سازشکاری) از خود نشان می‌دهند.

آیت‌الله دین‌پرور افزود: در جلساتی که با اهل سنت و اهالی سایر مذاهب اسلامی داشتیم ایشان با همان اخلاق و صمیمیت به منابع مورد اتفاق اشاره و با بیان دوستانه و علمی و دور از چالش و تنش از مکتب تشیع دفاع می‌کردند و با توجه به اشاره‌های ایشان به منابع موثق و مورد تأیید، دفاعیاتشان مورد پذیرش قرار می‌گرفت.

ایشان علی‌رغم جایگاه علمی و ارزشی بالا هرگز تعصب و تأکیدی بر خواست‌های خود نداشته‌اند؛ اگر در جمعی نظر مخالف داشته باشند، آن را اعلام می‌کنند و دلیل می‌آورند که چرا مخالف هستند. اما در صورت تأیید جمع، تابع جمع بوده و سازگاری بالایی (و نه سازشکاری) از خود نشان می‌دهند.

ایشان به فعالیت آیت‌الله دهشت در دوران انقلاب و دفاع مقدس نیز اشاره کرد و این اقدامات را ناشی از درک نیازهای زمان از سوی ایشان دانست و گفت: برخی از شخصیت‌های علمی به مسائل اجتماعی، سیاسی و نظامی بی‌توجه یا کم‌توجه هستند، اما ایشان شخصیتی هستند که زمان و نیازهای آن را می‌شناسند و در هر دوره بر اساس نیازها و مقتضیات زمان فعالیت می‌کنند.

رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه با تأکید بر اینکه اگر کسی عالم باشد، باید به جدیدترین مسائل اجتماعی و سیاسی زمان نیز مسلط شده و وظیفه خود را انجام دهد، گفت: آیت‌الله دهشت این‌گونه هستند که در کنار جنبه‌های علمی به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان نیز توجه دارند و در این زمینه سرمایه‌گذاری می‌کنند. در دوران جنگ تحمیلی نیز با گردهم‌آوردن متمولان و بازاریان مشهد به جبهه‌ها کمک مالی می‌کردند، همچنین



همراهی فرهنگی با نهضت امام خمینی (ره)

دهشت
استادعلی شیخ غلامرضا

۲۵

از دواج وی دربیاید از بازاری‌های معروف بود، در عین حال به وی «آیت‌الله» می‌گفتند؛ چرا که در عین بازاری بودن، بسیار متقی بود. به لحاظ مالی و شرایط خاص آن روز بعید بود که دختر خود را به یک طلبه بدهد، اما بنده واسطه شدم. علت آن بود که من در میان آقایان بازاری، کمی شهرت داشتم. به مناسبت آشنایی با بیت مرحوم نهاوندی و حجت‌الاسلام شیخ عبدالله یزدی وارد بازار شده بودم و کمی هم وجهه اجتماعی و مالی کسب کرده بودم.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی طباطبایی از اساتید برجسته اخلاق است که با نفوذ کلام خود توانسته مخاطبان بسیاری را جذب کند؛ وی که سال‌ها با حاج آقای دهشت در یک محله زندگی کرده است، خاطراتی شنیدنی از ارتباط با ایشان دارد.

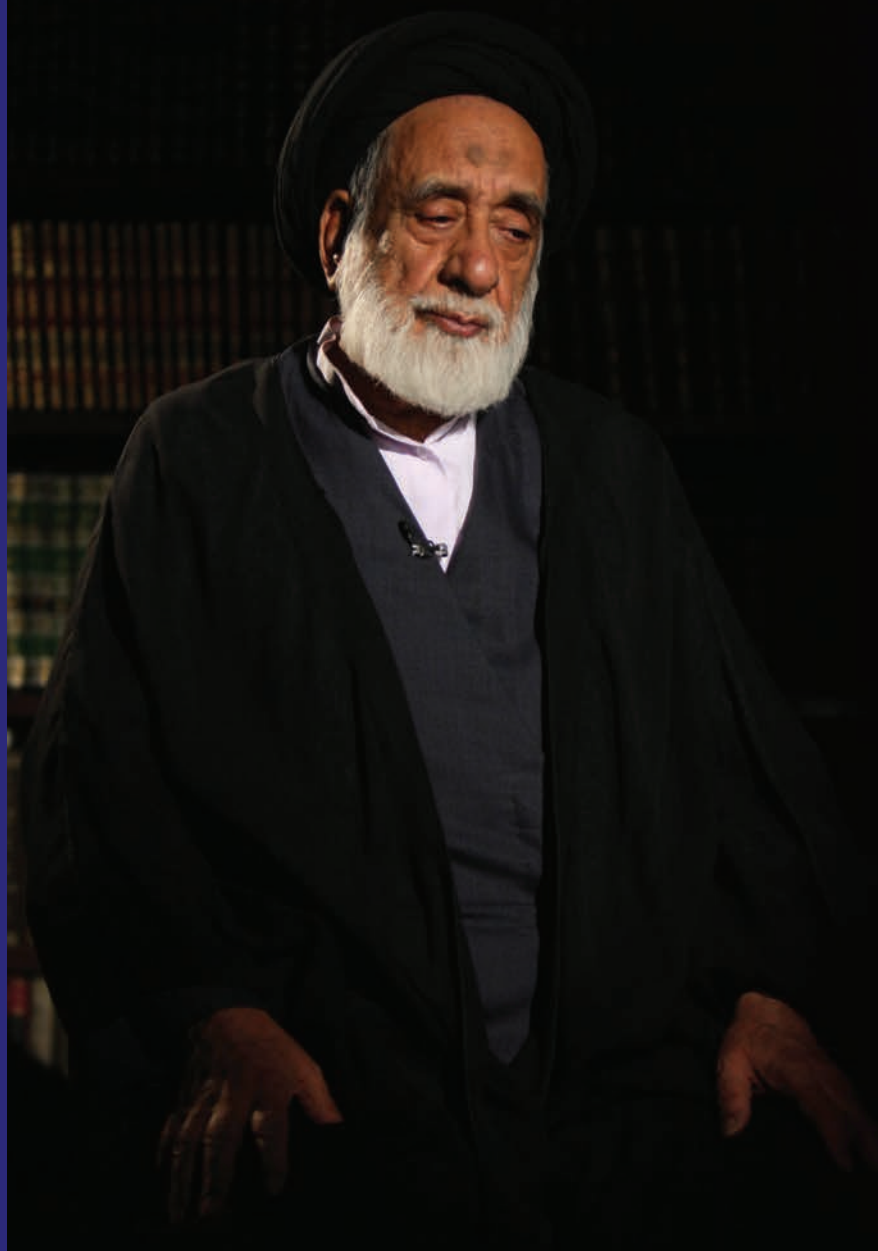
سابقه آشنایی با آیت‌الله دهشت

ما در یک محله زندگی می‌کردیم؛ از آنجا که سن من از ایشان بیشتر است، در ابتدا با برادران ایشان، آقا شیخ محمدعلی و بعد شیخ مسلم آشنا شدم. مسیر آشنایی ما نیز این‌گونه بود که بنده به منزل آقا شیخ علی‌اکبر نهاوندی ورود پیدا کرده بودم و آقا شیخ محمدعلی (برادر آیت‌الله دهشت) در آنجا کار نسخه‌برداری و تنظیم کتاب‌های مرحوم نهاوندی را انجام می‌داد.

من به وسیله نوه مرحوم نهاوندی به آن منزل راه یافتیم و طبیعتاً با برادر آیت‌الله دهشت آشنا شدم، اما پس از مدتی منزل ما جابجا شد و فاصله‌ای میان ما و این آقایان ایجاد شد. تا اینکه در «پایین خیابان» در منزلی که مرحوم مادر ایشان - که بانویی مؤمن و متدین بود و البته محبت این فرزندان با این مادر برای ما چشمگیر بود - پس از فوت شیخ محمدعلی در آن ساکن بود، با شیخ مسلم برادر دیگر ایشان آشنا شدم و بعد با خود حاج آقای دهشت آشنا شدم. من در مدرسه «دو درب» تحصیل می‌کردم و ایشان در مدرسه «نواب» درس می‌خواند. به مناسبت دیدارهای درسی و در درس شیخ محمدکاظم دامغانی در سطوح هم‌درس شدیم؛ در واقع بحث‌های ما با دیگران اما دوستی ما با ایشان بود.

خاطره‌ای از دوستی‌های آن دوران

دوستی ما تا آنجا بود که برای عروسی برادر بزرگ آیت‌الله دهشت من پا در میانی کردم و در به انجام رسیدن این وصلت کوشیدم. پدر خانمی که قرار بود به



اتومبیل را برای انجام این طرح در اختیار دوستان گذاشتم. حاج آقای دهشت به من می‌گفت: «اگر می‌خواهی ماشین‌هایت تبرک شوند، بده تا با آنها روحانی به روستاها ببریم».

اگر بعضی ظرائف زندگی افراد بیان شود، خیلی مطلوب است؛ برای مثال آیت‌الله دهشت حتی کرایه‌ها را نیز به دقت حساب می‌کرد. البته خیرینی بودند که برای تأمین این هزینه‌ها کمک می‌کردند و حتی خود بنده از بنکداران کمک‌هایی را جمع‌آوری می‌کردم. از همین سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ بود که منبرهای آقای دهشت نیز راه افتاد و یکی دو تا هیئت هم می‌رفت.

جلسات جامعه روحانیت در آن دوران

جلسات جامعه روحانیت آن روز در دو قالب تشکیل می‌شد؛ یکی «مبلغین» و دیگری «محدثین». جلسات «محدثین» توسط «شیخ محمد محدث» برای کسانی که وابستگی به دستگاه داشتند، برگزار می‌شد و برای آنها منبر می‌رفتند. البته مخالفین با دستگاه سلطنتی، جمع دیگری بودند که از آن جمله می‌توان به مرحوم آقا شیخ سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، آقا شیخ مهدی نوقانی، محمود مجتهدی، محمدرضا مهمامی، آیت‌الله دهشت و حضرت حاج آقای طبسی و چند نفر دیگر اشاره کرد. اینها عده‌ای از منبری‌های انقلابی بودند که در ادامه با مدرسین انقلابی متحد شده و پیوند خوردند و نقطه مشترک میان این دو گروه آیت‌الله دهشت بود که هم منبری بود و هم مدرس؛ هرچند بیشتر جزء مدرسین بود.

حاج آقای دهشت با رهبر معظم انقلاب مدتی در مدرسه نواب هم‌درس بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حتی پس از رهبری ایشان، نیز این ارتباط وجود داشت.

آیت‌الله دهشت یک انسان پخته، دانا، متقی و دیندار است. عالمی زاهد، فقیه و عادل، خدمت‌گزار شایق و مردی مفید که امیدوارم دنیا و آخرت بر او گوارا باشد.



حضور استاد در اردوی دانش‌آموزی

آیت‌الله دهشت یک انسان پخته، دانا، متقی و دیندار است. عالمی زاهد، فقیه و عادل، خدمت‌گزار شایق و مردی مفید که امیدوارم دنیا و آخرت بر او گوارا باشد.

زهد، تقوا و ایمان مرحوم محمدعلی دهشت آنقدر بالا بود و برای من اهمیت داشت؛ به خوبی به یاد دارم که به پدر خانمش گفتم «اگر این کار را نکنی و دخترت را به ازدواج شیخ محمدعلی در نیاوری، خسارت دنیا و آخرت خواهی دید» و خدای عزوجل این ازدواج را به عنایت خود و به همت مادر و برادر به سرانجام رساند، هرچند ایشان آنچنان عجله‌ای در ازدواج نداشت.

بعد از ازدواج شیخ محمدعلی، آیت‌الله دهشت را به مناسبت‌های درسی می‌دیدیم؛ چرا که بیشتر روی درس تمرکز داشت و حتی منبر رفتن و وعظ را بعدها آغاز کرد؛ بیشتر کار او تدریس و تحصیل بود و این مراودات ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۴۲ نهضت امام خمینی (ره) آغاز شد.

نگاه آیت‌الله دهشت به نهضت امام خمینی (ره)

آیت‌الله دهشت، انسان بسیار خبیر و بصیر و در کارها دقیق هستند. نظرشان درباره اصل انقلاب مثبت بود، اما از تندروی‌ها پرهیز می‌کرد و در واقع، انقلاب را بیشتر در بُعد فرهنگی همراهی می‌کرد. در همین راستا طرحی برای تبلیغ در روستاها انجام شد که بر اساس آن قرار شد از طرف بیت آیت‌الله‌العظمی میلانی، یک اتومبیل روحانیونی را که قابلیت تبلیغ داشتند، صبح به صبح به شهرها و روستاهای مختلف برساند و هر شب آنها را بازگرداند.

برنامه‌ریزی این طرح را آیت‌الله دهشت انجام داد و البته جناب حجت‌الاسلام سیدحسین نبوی که از منبری‌های معروف بود نیز در این مسیر به وی کمک می‌کرد. طرح بسیار جالبی بود؛ هم در زمینه خیرات فعالیت می‌کردند و هم به تبلیغ می‌پرداختند. در واقع تبلیغ نیز از سوی یک روحانی دیندار و آگاه انجام می‌شد.

من در آن زمان اتومبیل نیز خرید و فروش می‌کردم، ۲ دستگاه

اهتمام به سنت پیامبر (ص) در تبلیغ دین

تأثیر استاد دهشت بر دیانت خراسان

با توجه به شناخت ۵۰ ساله که از این شخصیت دارم، نکته برجسته‌ای در مورد ایشان وجود دارد که به‌ویژه خراسانی‌ها بر این نکته مؤید و دلیل واضحی هستند و آن این است که ایشان پنج دهه بر دیانت خراسان تأثیر گذار بوده‌اند؛ یعنی در عین اینکه ایشان از شهرت و مقام و شناخته شدن گریزان هستند، ولی پنج دهه بر دیانت و فرهنگ دینی خراسان در عرصه‌های مختلف تأثیر گذاشته‌اند. راهاندازی صندوق‌های قرض الحسنه، رسیدگی به امور و مشکلات مردم از جمله در مورد بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله و... از اقدامات ایشان در این عرصه بوده است.

در عرصه تعلیم و تعلم به‌ندرت اساتیدی مانند ایشان هستند که شاگردانی بزرگ در اصول، فقه و یا بحث‌های کلامی تربیت کرده باشند که اکثر آن‌ها امروز در حوزه‌های معتبر شیعه درس بگویند. همین اهتمام ایشان به دروس حوزوی و تربیت شاگرد بود که در اواخر دهه ۴۰ ایشان را «نهنگ خراسان»

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان، رئیس سابق سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، سابقه آشنایی دیرینی با آیت‌الله دهشت دارد. وی در نخستین روزهای حضور در حوزه علمیه با استاد دهشت آشنا شده و شناختی ۴۰ ساله از فعالیت‌های گسترده علمی، تبلیغی و خیرخواهانه ایشان دارد.

سابقه آشنایی با آیت‌الله دهشت

اینجانب آیت‌الله دهشت را از اواخر دهه ۱۳۴۰ می‌شناسم، نه‌تنها بنده بلکه تمام کسانی که در آن دوره در خراسان و مشهد به دنبال درس‌های دینی و فقهی بودند، ایشان را می‌شناسند. در آن زمان ما در حوزه علمیه به دنبال تفحص درس‌های مختلف بودیم که چه درسی را بخوانیم و نزد چه اساتیدی برویم؛ من و بقیه بدون وقفه و معطلی یکی از نام‌هایی که برایمان تداعی می‌شد و به آن برمی‌خوردیم نام آیت‌الله دهشت بود که از چهره‌های شناخته‌شده در بین نخبگان و محصلان علوم دینی دهه ۴۰ بودند.





منابر تأثیرگذار آیت‌الله دهشت

جنبه‌های علمی ایشان در منبر نیز بروز پیدا می‌کرد. منابر تأثیرگذار ایشان در نقاط مختلف مؤید این امر است. ایشان در امر تبلیغ بسیار اهتمام داشتند. در همان روزهایی که در کردستان ایشان را دیدم، مبلغان ایشان در نقاط مختلف مشهد و خراسان با کمترین امکانات به تبلیغ دین می‌پرداختند. ایشان با بازاری‌ها در ارتباط بود و با هماهنگی آنها از اتومبیل‌هایشان برای اعزام روحانیون مبلغ استفاده می‌کرد. شب‌های پنجشنبه هر هفته اجتماع عظیمی از علما در خدمت ایشان بودند که آیت‌الله دهشت هر کدام را به نقاط مختلف اعزام می‌کردند و من خود در این تبلیغات بعضاً حاضر بودم و شاهد آموزش صحیح روحانیون به مردم بودم.

در روایات داریم که یکی از رسالت‌های پیامبر(ص) اعزام مبلغ به نواحی مختلف حکومت اسلامی بود و آیت‌الله دهشت نیز در این زمینه با تأسی از رسول گرامی اسلام(ص)، کار بزرگی کردند. پیامبر(ص) برخی از اصحاب را جهت تبلیغ به شهرها و حتی کشورهای مختلف اعزام می‌کردند و آیت‌الله دهشت نیز از این سیره نبوی درس گرفته و سال‌ها، بلکه دهه‌ها، به کار اعزام مبلغان، آن هم در زمان اختناق و ستم نظام شاهنشاهی می‌پرداختند.

ایشان در مسجد «بناها» که پایگاه اصلی فعالیت‌شان بود، به امور تبلیغ و تدریس اهتمام داشتند و به نظر من از عهده وظیفه تبلیغ به مانند تدریس به خوبی برآمدند. آیت‌الله دهشت هر کتابی را که برای تدریس انتخاب می‌کردند، شاگردان با اشتیاق می‌آوردند و گوش جان به کلام ایشان می‌سپردند. حتی در این مسیر مردم در مساجد و بازار نیز همراهی فراوانی با ایشان داشتند.

ایشان پنج دهه بر دیانت خراسان تأثیرگذار بوده‌اند؛ یعنی در عین اینکه از شهرت و مقام و شناخته شدن گریزان هستند، ولی پنج دهه بر دیانت و فرهنگ دینی خراسان در عرصه‌های مختلف تأثیر گذاشته‌اند. راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه، رسیدگی به امور و مشکلات مردم از جمله در مورد بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله و... از اقدامات ایشان در این عرصه بوده است.

می‌نامیدند. یعنی آیت‌الله دهشت چنان در مسائل علمی وارد شده و تبحر داشتند که به این لقب مشهور شده بودند. ایشان دوره‌ها و دروس مختلف حوزوی را بسیار متبحرانه تدریس می‌کردند که بسیاری از اساتید سخن، فقهت و نویسندگان حاصل تربیت آن دوران هستند.

از سوی دیگر، ایشان با هر کس که فریاد دین‌خواهی، دین‌داری و دغدغه دین در خراسان داشت، همراه بود. در این زمینه آیت‌الله عابدزاده بناهایی در خراسان ساختند ولی آیت‌الله دهشت با اینکه از نظر علمی بالاتر از ایشان بود، در کارهای ایشان همراه بود و از کمک به این عالم دینی غفلت نکرد. همچنین، آیت‌الله امامی کاشانی نیز از کسانی هستند که آیت‌الله دهشت سابقه همکاری با ایشان را دارد؛ در واقع ایشان یک جامعیتی دارد که این نکته باید بیان شود.

بنده چند مورد در سفرهای خارج از کشور و حج ایشان را دیدم. یک روحانی در این سفر معنوی معمولاً برای مردم تنها مناسک حج را می‌گوید، ولی من شاهد بوده‌ام که آیت‌الله دهشت بسیار مواظب بجا آوردن مناسک و خودسازی حجاج و حتی خودشان در انجام مراسم بود. یادم می‌آید زمانی در اوایل دهه ۵۰ از طرف شهید هاشمی‌نژاد مأمور به کردستان و سقز شدم در آنجا دیدم که آیت‌الله دهشت را در کرمانشاه و کردستان می‌شناسند که این امر باعث شد که به ملاقات ایشان رفته و در سردشت با ایشان دیدار کنم.

زندگی بر پایه اخلاص و تواضع

آیت‌الله دهشت مرد خودساخته‌ای است و اخلاص ویژه‌ای در همه کارهای ایشان هم در خدمات اجتماعی و هم در تعلیم و تعلم‌شان وجود داشته است. هر جا می‌دید که چراغی به نام دین روشن است، با اخلاص وارد می‌شد. ایشان متواضع بودند و ما امروز هر چه خاطره از ایشان داریم، در مورد تواضع وی است. همواره ایشان را می‌دیدیم که روی بحث اخلاق و روی تربیت روانی طلبه‌ها خیلی تأکید می‌کردند.

آیت‌الله دهشت و شیخ مسلم حائری، برادر مرحوم ایشان که پدر شهید هم بودند، از محدثان شهیر خراسان هستند. ایشان از شاگردان شیخ مجتبی قزوینی و شیخ هاشم قزوینی هستند. من متأسفم که باید بگویم که اشکال بزرگ آیت‌الله دهشت این است که - به هر دلیل - اثر مکتوب ندارند. هیچ نوشته مکتوب یا چاپ شده از ایشان نداریم، ولی آثار غیرمکتوب ایشان، به‌ویژه حافظه بسیاری از متدینان خراسان امروز نشان می‌دهد که او مرد پشتکار، اخلاق، تواضع بایسته و اخلاص بوده است. ایشان زندگی خود را بر پایه اخلاص بنا کردند.

از ویژگی‌های دیگر ایشان که یک عالم موحد است، توسل به اهل بیت(ع) بود. من ایشان را به عنوان یک عالم ولایتی، آموزگار عشق و عارف به معرفت ائمه(ع) به‌ویژه امام حسین(ع) می‌شناسم و بسیار به ایشان احترام می‌گذارم. وی مردی بود که وقتی به زیارت حرم امام رضا(ع) می‌رفتیم، زیارت عارفانه توسط ایشان کاملاً مشهود بود. بخش گسترده‌ای از خدمات ایشان در مساعدت و معاضدت و معاونت در هدایت مردم بود.

پیامبر(ص) وقتی که کسی را به محلی اعزام می‌کردند، به وی می‌فرمودند که «یک نفر اگر به وسیله تو هدایت شود، از هر چه خورشید بر تو می‌تابد بهتر است». آیت‌الله دهشت نیز طبق سنت پیامبر(ص) به این امر اهتمام داشتند و ثمرات به دست آمده در این زمینه صفحه زرینی در پرونده ایشان است. همچنین، ایشان خود نیز منبرهای بزرگی را قبول می‌کردند. برای مثال ایشان در محل‌هایی چون سرای سودمند، سرای تیمچه بازار سنگ‌تراش‌ها و ... منبرهای مهمی می‌رفتند و از این طریق شبکه گسترده‌ای از جوانان و متدینان را شناسایی کرده بودند که برای آن روز و روزگار هر یک یاور فرهنگ اسلامی بودند و این نشان از تأثیر پنجاه ساله ایشان در عرصه‌های مختلف دارد.

اهتمام به تبلیغ و تأسیس مدارس علمی

از آنجا که بنده طلبه حوزه علمیه هستم، می‌توانم یک طبقه‌بندی خاصی راجع به علما داشته باشم. یک دسته از علما محقق هستند و زیاد به کار تبلیغ و اعزام اهتمام ندارند. دسته دیگر علما به تحقیق و تدریس در جهت فقه و اصول می‌پردازند و گروهی دیگر از علما در عرصه‌های دیگر مثل قضاوت ورود می‌کنند؛ ولی آیت‌الله دهشت راه دیگری را انتخاب کرده بودند که ورود ایشان به مسئله تأسیس مدارس علمی نشان از این امر دارد. این کار امری بود که معمولاً روحانیون وارد آن نمی‌شدند و به ندرت به آن می‌پرداختند. آیت‌الله دهشت در این راستا دبیرستان‌های معارف شهید مطهری را پایه‌گذاری کردند که خدمت دیگری به نسل آن دوران بود.

آیت‌الله دهشت محور حرکت این مدارس بود و توانسته بود استانداردهای علمی را در آن مدارس به خوبی ملاحظه کند و در کنار آن فضای معنوی و اخلاقی نیز ایجاد کند. یعنی نه تنها در این مدارس تدریس کتاب نظم خاصی داشت، بلکه در عین حال فضای معنوی بر مدارس حاکم بود. بسیاری از شاگردان ایشان در حال حاضر به مراتب علمی بالایی رسیده‌اند، ایشان در آن دوره به خوبی از عهده این کار برآمدند





در روایات داریم که یکی از رسالت‌های پیامبر (ص) اعزام مبلغ به نواحی مختلف حکومت اسلامی بود و آیت‌الله دهشت نیز در این زمینه با تأسی از رسول گرامی اسلام (ص)، کار بزرگی کردند. پیامبر (ص) برخی از اصحاب را جهت تبلیغ به شهرها و حتی کشورهای مختلف اعزام می‌کردند و آیت‌الله دهشت نیز از این سیره نبوی درس گرفته و سال‌ها، بلکه دهه‌ها، به کار اعزام مبلغان، آن هم در زمان اختناق و ستم نظام شاهنشاهی می‌پرداختند.

کار انسانی و اسلامی انجام شده، به ایشان غبطه می‌خوریم. کارهای انسانی ایشان قابل تجلیل و توجه است. ایشان در طول زندگی‌شان از نیازمندان خیلی دستگیری کرده‌اند که این کار کمی نیست.

اگر نکته‌ای در کار آیت‌الله دهشت باشد، این است که تشکیلاتی کار نکردند، نه اینکه کارهایی در تشکیلات نکردند. چرا که اداره همین مدرسه (مدرسه شهید مطهری) خود تشکیلاتی است که درس‌های زیادی دارد؛ ولی کار تشکیلاتی معنی دیگری دارد. یعنی اگر کار تشکیلاتی باشد، این کار همواره ادامه و تداوم خواهد داشت. ادامه حیات علمی بسیاری از بزرگان ما این چنین است. ایشان خیلی در کارهایشان مواظب بودند که از یک مرجع تقلیدی که در واقع اعلمیت و فقاقت توأم با تقوای او برای خواص ثابت شده، الگو بگیرند. بازار مشهد بازار تقلید بود. بازاریان وقتی می‌دیدند چنین عالمی هم در جوانی و هم در کهنسالی مرجع‌شان را قبول دارند، از ایشان پیروی می‌کردند؛ لذا وقتی مسئله‌ای مانند جنگ، سیل، زلزله و ... پیش می‌آمد، در کمک‌رسانی تبعیت می‌کردند.

ارادت مداحان و شاعران آیینی

نکته مغفول در مورد ایشان این است که شاعران خراسان و مداحان و شاعران آئینی مشهد همه نوعی احترام و سرسپردگی نسبت به آیت‌الله دهشت دارند. این افراد در مجالس ایشان یا سخنران و مداح بوده‌اند و یا پای منبرشان حاضر بوده‌اند. ایشان منبع الهام برخی از این مادحین و شعرا بودند. آیت‌الله دهشت نیز همواره پای منبر این مداحان و شاعران حاضر بودند که این امر از ویژگی‌های مهم ایشان بود که کمتر در دیگران دیده می‌شود.

من جامعیت و تأثیرگذاری ایشان را که در پنج دهه در راه اعتلای دین در خراسان داشتند، برجسته‌ترین ویژگی‌های ایشان می‌دانم که توأم با علم و اخلاص بود. ایشان همواره در عرصه‌هایی که وارد شدند، عالمانه قدم برداشتند. این تنوع حضور در تدریس، منبر و خدمات فرهنگی به صورت‌های مختلف و از جمله فعالیت در دبیرستان‌های معارف و تقویت حوزه‌های علمیه در مشهد و خارج آن از ویژگی‌های مهم ایشان بود.

حاج آقای دهشت مرد پرکاری بوده است، حتی به خارج کشور می‌رفت و سال‌ها با زائران بیت‌الله با عنوان روحانی خادم همراه بود. ایشان جامعیت و تأثیر کلام داشته و عالمی عامل و متخلق به اخلاق اسلامی بوده است؛ می‌توان گفت که آیت‌الله دهشت از شاگردان امام صادق (ع) در عصر ما هستند.

تأثیر پذیری از شیخ مجتبی قزوینی

از زمانی که آیت‌الله دهشت درستی اهداف امام (ره) و انقلاب را درک کردند، در راه اعتلای انقلاب از هیچ کوششی دریغ نکردند که من می‌توانم تأکید کنم که در این مقوله مرحوم شیخ مجتبی قزوینی در ایشان تأثیرگذار بود.

حدود ۳۰ سال قبل از آیت‌الله دهشت می‌شنیدم که «همه ما در مسیر یاری انقلاب هستیم». از آنجایی که ایشان در بازار معتمد بود، برای درخواست کمک از مردم جهت پشتیبانی جبهه‌ها، در منبرها مردم را برای رفتن به جبهه‌ها تشویق می‌کرد. مردم وقتی می‌دیدند کسی که خود عمل می‌کند و دعوت به خدا می‌کند، این درخواست را دارد، به سخن وی اهتمام می‌کردند. البته آیت‌الله دهشت این محبوبیت را همچنان دارند و از چهره‌های دینی شناخته شده و از معدود چهره‌هایی هستند که خراسان داشته است؛ هیچ شهری از خراسان نیست که ایشان در آنجا تبلیغ نکرده باشند.

ما وقتی که می‌بینیم در سوابق چنین شخصیتی در آستانه هشتاد سالگی این همه کار بزرگ و

نگاه تربیتی آیت‌الله دهشت به حوزه

حجت‌الاسلام محمد سیدآبادی از زمان تحصیل در دهه ۴۰ شمسی، از نزدیک با آیت‌الله دهشت در ارتباط بوده و در طول ۳۰ سالی که مسئولیت مدیریت دفتر تبلیغات اسلامی مشهد را بر عهده داشته، از راهنمایی‌ها و هدایت‌های ایشان استفاده کرده است. وی در گفت‌وگوی ذیل از سوابق آشنایی خود با استاد دهشت، مراتب علمی و اخلاقی وی و نیز انس ایشان با مقام معظم رهبری می‌گوید.

درباره آن بخش از مراتب علمی، اخلاقی و اجتماعی حضرت استاد دهشت که می‌تواند برای طلاب و جوانان آموزنده باشد، بفرمائید.

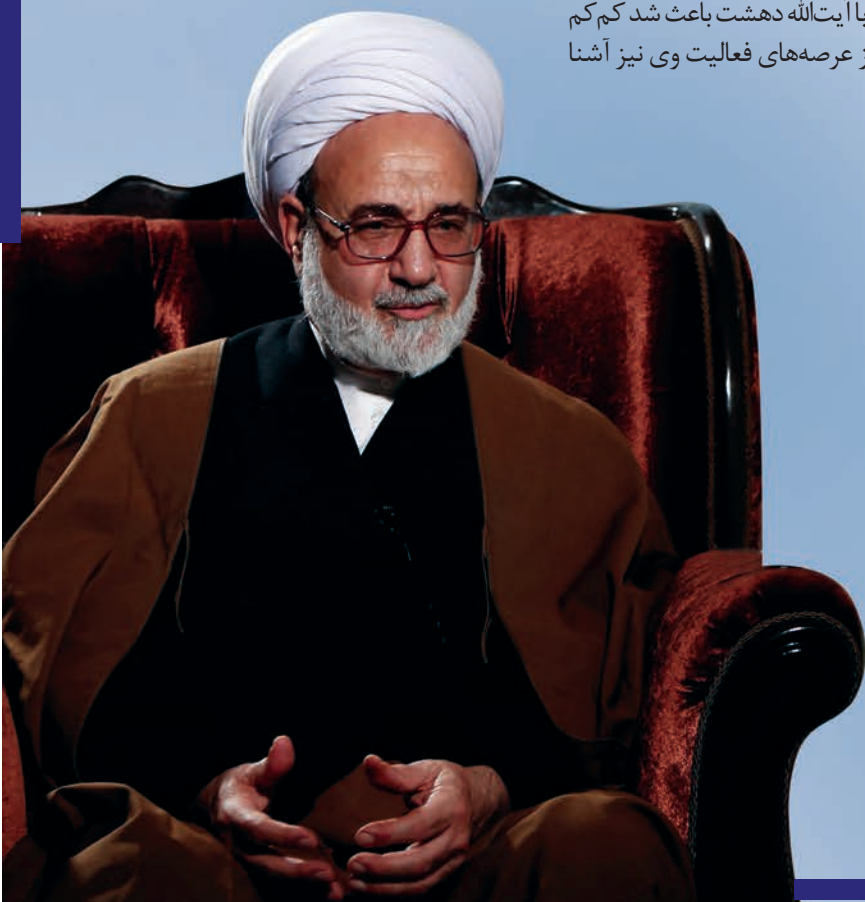
حقیقتاً حضرت آیت‌الله دهشت از همه جهات یکی از چهره‌های برجسته حوزه علمیه مشهد هستند. سابقه آشنایی بنده و ارتباطم با آیت‌الله دهشت به اوایل دهه ۵۰ باز می‌گردد؛ بنده اواخر سال ۱۳۴۵ بود که برای تحصیل به مشهد آمدم و در اواخر دهه ۴۰ با شخصیت این استاد بزرگ آشنا شده و افتخار پیدا کردم بخشی از عمر تحصیلی را در محضر وی باشم؛ کتاب فقهی مکاسب شیخ انصاری را که یکی از متون بسیار مهم فقهی است، در محضر ایشان تلمذ کردیم و همین امر ارتباط قلبی و فکری من را با این استاد برقرار کرد.

همزمان و قبل از آن نیز ارتباط ما با مقام معظم رهبری برقرار بود؛ به خصوص که از علقه بین آیت‌الله دهشت و مقام معظم رهبری با خبر بودیم؛ البته این علاقه و انس هم‌اکنون نیز موجود است؛ ارتباط درسی ما با آیت‌الله دهشت باعث شد کم‌کم با برخی از عرصه‌های فعالیت وی نیز آشنا شویم.

ضمن معرفی و بیان سوابق علمی و اجرایی، لطفاً به سابقه آشنایی خود با آیت‌الله دهشت اشاره فرمائید.

بنده در سال ۱۳۴۵ شمسی برای تحصیل به حوزه علمیه مشهد آمدم، در مدت تحصیل با اساتیدی ارتباط داشتم که در آن زمان مشهد بودند؛ مانند مقام معظم رهبری، مرحوم اشکذری و... در بحث اصول خدمت مرحوم اشکذری و مقام معظم رهبری می‌رفتم، درس فقه و مکاسب را نیز در محضر آیت‌الله دهشت بودم و در دروس خارج فقه نیز از آیت‌الله میرزاعلی فلسفی استفاده می‌کردم؛ قبل از انقلاب اسلامی از لحاظ فکری و سیاسی با مقام معظم رهبری ارتباط داشتیم و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با جمعی از دوستان و با همراهی‌های آیت‌الله امامی کاشانی، دفتر تبلیغات حضرت امام (ع) را در مشهد راه‌اندازی کردیم.

اولین شعبه دفتر تبلیغات حضرت امام در مدرسه شهید مطهری و دومین دفتر در مشهد، در آغاز سال ۱۳۵۹ تأسیس شد. بنده از اولین کسانی بودم که با یکی دو نفر از دوستان در شکل‌گیری این دفتر حضور داشتم. بعد از مدت کوتاهی نام دفتر تبلیغات امام به دفتر تبلیغات اسلامی تغییر یافت که این تغییر ظاهراً با تذکر امام (ره) انجام شده بود و مسئولیت اصلی آن با آیت‌الله امامی کاشانی بود؛ کم‌کم احساس شد که دفتر تبلیغات اسلامی حضرت امام (ره) نیازمند یک توسعه تشکیلاتی است. آیت‌الله امامی کاشانی نامه‌ای به حضرت امام (ره) نوشته و تقاضا کردند که شورای عالی تبلیغات تشکیل شود که این شورا برای توسعه دفتر تبلیغات اسلامی برنامه‌ریزی کند و حضرت امام (ره) نیز موافقت کردند.



آیت‌الله دهشت نه تنها یک استاد و معلم رایج حوزه علمیه بودند، بلکه وجهه دیگر شخصیت علمی وی، نگاه تربیتی ایشان به حوزه بود؛ این استاد نه تنها در درس‌های رایج حوزه، بلکه با برنامه‌های آموزشی دیگری از جمله تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه، آموزش‌های اخلاقی و کلاس‌های اخلاقی نیز ارتباط داشته و با حوزه‌های علمیه، طلبه‌ها و مدارس نیز ارتباط نزدیک و بر آنها تأثیر گذاری داشتند که البته این وجهه را کمتر در اساتید دیگر دیده‌ایم.

نکته دیگر درباره شخصیت استاد دهشت که طلاب نیز باید به این موضوع توجه کنند، این است که آیت‌الله دهشت به لحاظ شخصیت معنوی و اخلاقی یک الگوست؛ نوع زندگی استاد، سلامت و مناعت طبع، بی‌توقعی، ساده‌زیستی استاد، زندگی طلبگی و آزادی و آزادمنشی منحصر به فرد ایشان مثال زدن است.

وجهه دیگر ارتباط استاد دهشت با حوزه علمیه، نگاه استاد به برخی از مهارت‌های ویژه در تحصیل که طلاب باید آن را داشته باشند بود. به یاد دارم که استاد دهشت در درس مکاسب به بنده گفت «قصدم داریم یک سری دوره‌های تخصصی در برخی از رشته‌ها برگزار کنیم و تمایل دارم که شما هم در این دوره‌ها شرکت کنید». این روند در حوزه علمیه رایج نبود که یک طلبه غیر از متون درسی رایج در حوزه مانند ادبیات، منطق، فقه و اصول و... به بعضی از مهارت‌ها مانند تبلیغ، گفتمان با مردم و ارتباط با مردم ورود داشته باشد.

هر کسی ممکن است در موضوعات مختلف مطالعه داشته باشد، اما این نبود که یک برنامه‌ریزی آموزشی تهیه شود و طلاب یک رشته خاص مانند «آشنایی با فرق و مذاهب» را یاد بگیرند؛ در آن سال‌ها استاد دهشت برنامه‌ریزی می‌کرد و به این دلیل که علاقه ما را به مقام معظم رهبری می‌دانست، گفت من از آقا خواستم که در یکی از این رشته‌ها تدریس کنند. بنده نیز در یک فرصت دیگری خدمت آقا درباره این رشته‌ها و دروس صحبت کردم که ایشان فرمودند که آیت‌الله دهشت درباره این موضوع با من صحبت کرده‌اند. ایشان ادامه دادند «آقای دهشت یک برنامه تبلیغی خوبی هم دارد». این از کارهای نو و بدیع بود که در سطح حوزه بی‌سابقه بود، یک حرکت تبلیغی - گروهی منسجم که از سوی حوزه مدیریت می‌شد و براساس آن طلاب به مناطق مورد نیاز اعزام می‌شدند. حاج آقای دهشت این کار را در حوزه مشهد برنامه‌ریزی کردند؛ آقا در این مورد فرمودند: «حضرت آقای دهشت یکی از شخصیت‌های مثبت حوزه است و فعالیت‌های مثبتی در حوزه دارد که جالب است».

رویکرد استاد دهشت در امر تبلیغ چگونه بود؟
استاد دهشت پایه‌گذار یک حرکت منسجم تبلیغی در حوزه شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه پیدا کرد؛ بعد از انقلاب یک ساماندهی در حرکت تبلیغی حوزه‌ها صورت گرفت و سازمان تبلیغات اسلامی شکل گرفت. رویکرد استاد دهشت در انجام کار تبلیغی، مناطق محروم بود و این اتفاق زمانی افتاد که هیچکس به راحتی به این مناطق محروم نمی‌رفت و این مناطق کمتر مورد توجه مبلغان و طلاب بود.

آیت‌الله دهشت در آن سال‌ها کار تبلیغی و اعزام طلاب به مناطق محروم برای امر تبلیغ را پایه‌گذاری کرد، بنده هم توفیق پیدا کردم تا با شرایط خاص آن زمان به این مناطق اعزام شوم که البته این کار استاد یک جهاد واقعی بود؛ تصور کنید در روستاهای دورافتاده با وضعیت آن زمان روستاها که هیچ امکانات و حتی جاده‌ای نبود، استاد برای تبلیغ به آنجا می‌رفتند. گاهی اوقات هم راه‌های زیادی را پیاده می‌رفتند، این کار مقدس استاد دهشت سه دهه ادامه پیدا کرد و به هیچ جایی هم ارتباط نداشت و از سوی نهاد خاصی حمایت نمی‌شد و همه این کارها را با تدارک و همت خود پشتیبانی می‌کرد. هر گروه اعزامی یک سرتیم داشت که استاد دهشت نیز سرگروه این سرتیم‌ها بود.

غیر از توجه به مسائل دینی، فرهنگی و تبلیغی در روستاها، خدماتی بود که به زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم روستا ارائه می‌شد؛ اگر یک روستا کمبود داشت، استاد سعی می‌کرد با کمک مردم و خیرین، در آنجا مسجد، حمام، راه و... بسازد. بخشی از عنایات استاد توجه به محرومیت‌های روستا بود که تا حد توانش، بضاعت روستا و خدماتی که از خیرین می‌گرفت، تلاش می‌کرد تا سروسامانی به زندگی مردم دهد.

با اطمینان می‌گویم که هیچ تشکل خیریه‌ای در مشهد شکل نگرفته مگر اینکه آیت‌الله دهشت در آن حضور داشته است و اکثر کسانی که در این تشکل‌ها حضور داشته و حضور دارند، می‌دانند که یکی از شخصیت‌های ثابت، آیت‌الله دهشت بود و مردم می‌دانستند که آیت‌الله دهشت، علم‌دار کارهای خیر بوده است.

همچنین، «بنی‌فاطمه» یکی از جلسات پرسابقه

صمیمی بودند اما جریان مبارزه بین آنها فاصله ایجاد کرد و برخی از هم جدا شدند. اما یکی از کسانی که هیچگاه نبرید و منقطع نشد، استاد دهشت بود. در یکی از شب‌ها که در منزل آیت‌الله دهشت مراسم روضه برقرار بود و آیت‌الله خامنه‌ای هم حضور داشتند، فرد منبری حرف‌هایی زد که جنبه تعریض به مبارزان داشت؛ من بعدها سه بار این را از استاد دهشت شنیدم که می‌گفتند «من هنوز به خاطر مراسم آن شب، از کرامت نفس ایشان خجالت می‌کشم که برای نحوه صحبت آن منبری به من هیچ چیز نگفتند، نه آن زمان و نه بعدها؛ منتظر بودم که فردای آن روز آیت‌الله خامنه‌ای تماس بگیرند و درباره برنامه شب گذشته گله کنند که ایشان کریمانه هیچ چیز درباره آن مراسم به بنده نگفتند، ای کاش ایشان گله کرده بود و من سبک می‌شدم!».

آیت‌الله دهشت از افراد انقلابی و مورد تأیید مقام معظم رهبری بوده و هستند؛ استاد در همه حوزه‌های انقلاب اسلامی فعال بوده و حضور داشتند؛ در راه‌اندازی سازمان تبلیغات اسلامی و ستاد اقامه نماز مشارکت جدی داشتند؛ حضورشان در برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی حقیقتاً خوب بود، هرچند هیچ‌گاه ادعایی نداشته‌اند.

مشهد است که یکی از شخصیت‌های محوری و تنها شخصیت روحانی محوری این جلسه نیز آیت‌الله دهشت بود. استاد سالیان سال در هیئت امنای این جلسه بود و در مجتمع مهدیه نیز سال‌های سال حضور داشت؛ بنابراین توجه استاد به این‌گونه مجموعه‌ها نیز ویژه و خاص بود.

نکته دیگر درباره شخصیت استاد دهشت که طلاب نیز باید به این موضوع توجه کنند، این است که آیت‌الله دهشت به لحاظ شخصیت معنوی و اخلاقی یک الگوست؛ نوع زندگی استاد، سلامت و مناعت طبع، بی‌توقعی، ساده‌زیستی استاد، زندگی طلبگی و آزادی و آزادمنشی منحصر به فرد ایشان مثال‌زدنی است.

در مجموع همت استاد در فعالیتهای آموزشی و تربیتی بسیار چشم‌گیر است، تا همین اواخر نیز ارتباط استاد با مدارس علمیه قطع نشده بود؛ پسر بنده که در یکی از همین مدارس علمیه تحصیل می‌کرد، نقل می‌کند که استاد با آن حال بیمار خود هنوز به مدرسه می‌آیند و یک جلسه تفسیر هفتگی دارند. بحث‌های اخلاقی استاد در جمع روحانیون بسیار تأثیرگذار بوده و ما نیز در جلساتی که برای مبلغان و روحانیون داشته‌ایم از محضر استاد بسیار استفاده کرده‌ایم؛ به هر حال استاد دهشت از هر جهت یک شخصیت قابل توجه هستند و ما در حوزه علمیه، شخصیتی با این ابعاد تأثیرگذار در زمینه‌های مختلف را کمتر پیدا می‌کنیم.

اگر خاطره‌ای از استاد دهشت طی سال‌هایی که در کنار وی حضور داشته‌اید، به یاد دارید، بفرمایید.

در یکی از دیدارهای خصوصی مقام معظم رهبری، آقا بحث‌های خاصی را مطرح کردند؛ از جمله راجع به مسائل تبلیغ نیز نظراتی را فرمودند. تقریباً به اذان مغرب نزدیک شدیم که آیت‌الله دهشت مطلبی را فرمودند که به دلیل همزمانی با اذان مغرب و اقامه نماز، مطلب‌شان تمام نشد. مقام معظم رهبری روز بعد یا همان شب کسی را می‌فرستند که می‌گوید آقا فرموده‌اند که دیشب در جلسه، صحبت‌های استاد دهشت ناتمام ماند؛ بروید مطالب‌شان را بگیرید و بیاورید. این خاطره را آیت‌الله دهشت برای بنده تعریف کرده بود.

آیت‌الله دهشت در ماه رجب همزمان با ایام شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع) هر ساله روضه‌ای در منزل‌شان برپا می‌کرد. در دهه ۵۰ که دهه غربت مبارزین و فشار سخت ساواک و جدا شدن خیلی‌ها از جریان مبارزه بود، در مشهد هم کسانی بودند که اگر چه خیلی با هم



تأکید بر نکات روانشناختی در تبلیغ

شروع فعالیت تبلیغی قبل از انقلاب

در مورد فعالیت‌های آیت‌الله دهشت و خدمات ایشان باید توجه کرد که این برنامه از قبل از پیروزی انقلاب و حدود سال ۱۳۴۲ به بعد آغاز شد و از همان ایام در خدمت‌شان بودم. آنچه از ویژگی‌های ایشان به خاطر دارم مربوط به همان سال‌های ۴۲ است که یکسری برنامه‌های تبلیغی را در کنار ایشان انجام می‌دادیم، البته من خودم به شکل جداگانه برنامه‌هایی را در این عرصه داشتیم و گاهی هم با همکاری و ارتباط برخی از اساتید، شهید سعیدی و حاج آقا طباطبایی بزرگ که هم‌اکنون در مجلس شورای اسلامی حضور دارند؛ شب‌های پنج‌شنبه و جمعه به همراه یکدیگر برای تبلیغ به روستاها و مناطق اطراف مشهد می‌رفتیم. این کار تا حدود سال ۱۳۵۱ ادامه داشت.

در واقع من نزدیک به ۱۰ سال با ایشان و دیگر طلاب برای امر تبلیغ همکاری می‌کردم و وابسته به هیچ جایی هم نبودیم. یکی از توصیه‌های مهم ایشان در هنگام اعزام مبلغ این بود که «از مرجع خاصی تبلیغ نکنید، به ویژه آنهایی که در رژیم طاغوت از آنها تقدیر می‌شود، و اگر مردم در مورد آنها سؤال داشتند، سکوت کنید و یا بگویید که آنها را نمی‌شناسید و یا قبول ندارید. در مورد بقیه علما هم سعی کنید از بیان مسائلی که موجب اختلاف می‌شود خودداری کنید».

برنامه‌های تبلیغی

وقتی ما به همراه حاج آقای دهشت برای فعالیت‌های تبلیغی به مناطق مختلف می‌رفتیم، مردم به جهت خفقانی که در کشور حاکم بود، می‌ترسیدند به علما اجازه حضور و فعالیت تبلیغی بدهند و نه تنها به ما کمک مالی نمی‌کردند، بلکه در برخی مناطق در منازل خود هم ما را راه نمی‌دادند، از همین رو یکی از برنامه‌های تبلیغی آیت‌الله دهشت برای آنکه بتوانیم امر تبلیغ را در مناطق اجرا کنیم این بود که به مردم اعلام می‌کردیم که مسئله پذیرایی مطرح نیست و فقط مسائل شرعی در مسجد با حضور مردم مطرح می‌شود و روضه‌ای می‌خوانیم و باز می‌گردیم. حدود ۶ سال به همین شکل در مناطق مختلف برای تبلیغ بدون دریافت بودجه حضور پیدا می‌کردیم، اما به مرور این فعالیت‌ها بر روی مردم اثر گذاشت و سبب شد که علاوه

حجت‌الاسلام و المسلمین غلام‌حسین ابراهیمی، امام جمعه سبزوار، از شاگردان و دوستان دیرین آیت‌الله دهشت است که از اوان شروع فعالیت‌های تبلیغی استاد دهشت در خدمت ایشان بوده است و خاطرات زیادی از فعالیت‌های حاج آقا دارد.

برای نسل جدید، شرایط خاص، مشکلات و سختی‌های دوران قبل از انقلاب و تفرقه‌ای که آن موقع حاکم بود ملموس نیست، لذا ضروری است زحماتی که روحانیت متحمل شدند تا انقلاب به پیروزی برسد برای جوانان و نسل جدید تبیین شود.

براساس روایاتی از رسول اکرم(ص) ایمان به خدا و خدمت به جامعه دو صفت و ویژگی است که بالاتر از آنها نداریم. لذا وقتی انسان به مرحله یقین برسد تمام زحمات، خدمات و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، در هر پست و مقامی برایش شیرین و لذت‌بخش است.

۳۴

دشست
استاد حاج شیخ غلامرضا



کنید. اگر نوجوانی به قرائت نماز می‌پردازد، ممکن است اشتباهات زیادی داشته باشد، لذا همه خطاهای او را به یک‌باره تذکر ندهید؛ زیرا از نظر روحی ضربه می‌خورد و در کنار تذکر اشتباهات او، وی را مورد تشویق هم قرار دهید و تذکر اشتباهات بعدی را به جلسات دیگر موکول کنید و از وی بخواهید موارد اشکال خود را تا هفته آینده اصلاح کند. طلاب با این شیوه، برنامه تبلیغی خود را به تدریج پیگیری می‌کردند و فضا به گونه‌ای شد که بعد از مدتی وقتی از نوجوانان سؤال می‌کردیم به سرعت پاسخ می‌دادند.

همراهی آیت‌الله دهشت در برنامه‌های تبلیغی

در آن زمان حاج آقای دهشت همراه مادر برنامه‌های تبلیغی حضور می‌یافت؛ از آنجا که وسیله نقلیه نداشتیم مرحوم حاجی‌اکبرزاده وسیله خود را به شکل رایگان در اختیار طلاب قرار داده بود و آخر هفته با رانندگی پسرش در مناطق تبلیغی حاضر می‌شدیم. گروهی که برای تبلیغ می‌رفتیم از حوزه مشهد بودند و مناطق را تقسیم کرده و در روستاهای اطراف مشهد مثل فردوس، چناران و دیگر نقاط کم‌برخوردار حضور می‌یافتیم.

تهیه گزارش کار یکی دیگر از برنامه‌های تبلیغی مهم آیت‌الله دهشت بود که طلاب را در زمینه انجام آن راهنمایی می‌کردند و می‌فرمودند «وقتی شما برای تبلیغ به روستا و منطقه‌ای رفتید، در ابتدا باید گزارش کار از فعالیت خود تهیه کنید». در این گزارش کار، ساعت ورود به روستا، آغاز فعالیت تبلیغی، مدت زمان بیان مسائل شرعی و ساعت پایان منبر باید بیان می‌شد.

جوانان و افراد مسن‌تر قرار دهید و در ابتدای شروع برنامه تبلیغ، از افراد پیشکسوت اجازه بگیرید، زیرا این امر از نظر روانشناسی باعث اقبال و خوشحالی آنها از مجلس می‌شود. هیچ‌وقت شما به عنوان یک طلبه جوان قرائت نماز و مسائل شرعی را مستقیماً از بزرگان جلسه سوال نکنید. این نحوه برخورد شما سبب جریحه‌دار شدن غرور آنها می‌شود؛ لذا از بچه‌هایی که در جلسه حضور دارند بخواهید تا به صورت داوطلبانه قرائت حمد و سوره را انجام دهند یا کسی را از میان جمعیت انتخاب

بر پذیرایی کردن از ما، در ماه مبارک رمضان و محرم درخواست روحانی داشته باشند. در طول این مدت که فعالیت‌های تبلیغی را در مناطق مختلف انجام می‌دادیم، بیش از ۱۲ مسجد در روستاها و مناطق محروم احداث کردیم. این مطلب موضوع مهمی بود؛ زیرا مردم به جهت نبود مسجد حضور چندانی در برنامه‌های دینی نداشتند و این امر برای تداوم فعالیت‌های تبلیغی ما لازم بود.

تهیه گزارش کار

تهیه گزارش کار یکی دیگر از برنامه‌های تبلیغی مهم آیت‌الله دهشت بود که طلاب را در زمینه انجام آن راهنمایی می‌کردند و می‌فرمودند «وقتی شما برای تبلیغ به روستا و منطقه‌ای رفتید، در ابتدا باید گزارش کار از فعالیت خود تهیه کنید». در این گزارش کار، ساعت ورود به روستا، آغاز فعالیت تبلیغی، مدت زمان بیان مسائل شرعی و ساعت پایان منبر باید بیان می‌شد.

نکات تبلیغی

یکی از نکات روان‌شناسی که آیت‌الله دهشت همیشه در زمینه تبلیغ به طلاب تذکر می‌دادند، این بود، «هنگامی که در مسجدی برای تبلیغ حضور می‌یابید ممکن است بزرگان و پیشکسوتان آن روستا به همراه نوجوانان و جوانان حاضر باشند، بنابراین در این فضا ابتدا وقت خود را تقسیم کنید و زمانی را برای نوجوان،



خاطرات تبلیغی و توسل به اهل بیت (ع)

حضور در مناطق دور افتاده در زمستان و بارندگی سنگین برف که سبب بسته شدن مسیر حرکت می‌شد و سختی ماندن در سرما و مراقبت از وسیله نقلیه برای اینکه در مسیر میان برف نماند در آن دوران بسیار برایمان پیش می‌آمد.

یکی از خاطراتی که در زمینه تبلیغ دارم این است که در محدوده کوی طلاب منطقه‌ای است که به آن خیابان دریا می‌گویند. یک سال در ایام زمستان که بارندگی بسیاری شده بود با سه نفر از دوستان به همراه آیت‌الله دهشت برای تبلیغ به آن منطقه می‌رفتیم، در مسیر بازگشت حدود ساعت ۲ بعد از نیمه شب بود که ماشین ما در یک منطقه پر آب گیر کرد. راننده هر چه تلاش کرد ماشین از میان گودال آب خارج نشد، بنابراین پیاده شدیم و دوباره برای بیرون آوردن آن تلاش کردیم، اما فایده‌ای نداشت و هوا هم به شدت سرد بود، دوباره به داخل ماشین برگشتیم؛ یکی از دوستان به آیت‌الله دهشت گفت ذکر از یکی از اساتید آموخته‌ام که فرموده‌اند هر موقع در مشکلات گرفتار شدید، آن را با خلوص نیت بگویید، آن ذکر این است، هر کس به نیت مادر امام زمان (عج)، حضرت نرجس خاتون (س) و سلامتی امام زمان (عج)، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد (ص) را با «و عجل فرجهم» بگوید و متوسل شود، ان‌شاءالله نجات پیدا می‌کند. بعد از صحبت او همه ما همراه با حاج آقای دهشت شروع به گفتن ذکر کردیم و متوسل شدیم. بعد از آن از ماشین پیاده شدیم و همین که می‌خواستیم دوباره برای بیرون آوردن ماشین از گودال تلاش کنیم، دیدیم راننده ماشین را روشن کرده و ماشین شروع به حرکت کرد و به راحتی از گودال خارج شد و هنگام اذان صبح به مشهد رسیدیم. از این گونه اتفاقات به شکل‌های مختلف در سفرهای تبلیغی که به همت حاج آقای دهشت صورت می‌گرفت روی می‌داد و خاطره می‌شد.

با توجه ویژه آیت‌الله دهشت و همکاری عده‌ای دیگر از دوستان و طلاب، حضور تبلیغی من و دیگر دوستان به مناطق اطراف مشهد ادامه داشت. خود حاج آقا دهشت به شکل‌گیری و ادامه روند اعزام مبلغ به مناطق مختلف استان و حتی کشور اهتمام و کمک بسیار داشتند. آن زمان که برای تبلیغ اعزام می‌شدیم من در مدرسه نواب تحصیل می‌کردم و در نزد آیت‌الله دهشت درس شرح تجرید را می‌خواندم که مبحثی مربوط به علم کلام است، البته ایشان کلاس مباحث دیگری همچون اعتقادات را نیز برگزار می‌کردند.

حمایت‌های مادی و معنوی از نیازمندان

آیت‌الله دهشت تا جایی که در توان داشتند به این امور همت گماشتند و حتی بعد از پیروزی انقلاب نیز فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه‌های مختلف تبلیغی و تدریس و برگزاری جلسات اخلاق انجام دادند. یکی از برنامه‌های ایشان در مشهد حدود سال ۱۳۵۴، همکاری با شهید آستانه‌پرست در زمینه کمک مادی و معنوی به خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند بود که من نیز تا حدودی همکاری می‌کردم. بدین شکل که هر هفته منزل یکی از افراد توانمند جلسه و محفلی شکل می‌گرفت و افرادی که نیازمند بودند و تمکن مالی مناسبی نداشته دعوت می‌شدند و به عنوان روضه و بیان احکام و مسائل شرعی جلسه‌ای برگزار می‌شد تا حمایت‌های مادی و معنوی از این افراد در کنار هم باشد.

ویژگی‌های اخلاقی

به نظر من انسان در هر پست و مقامی که قرار دارد اگر کار خود را به درستی انجام دهد یک عبادت انجام داده است. عظمت پیامبر (ص) براساس آیات قرآن کریم به این است که ایشان بنده خدا هستند، لذا اگر انسان وظیفه خود را درست انجام دهد به سعادت رسیده است اما بندگی برای غیر خدا چیزی جز ننگ و ذلت ندارد.

حاج آقای دهشت نیز از ابتدا تمام فعالیت‌های خود را برای رضای خدا انجام می‌دادند و به شکل بسیار ساده زندگی می‌کردند و همین روند را ادامه می‌دهند. در حال حاضر اگر فعالیت ایشان کمتر شده به جهت کسالتی است که دارند. ایشان همچنین مسافرت‌های بسیاری را به نقاط مختلف کشور برای کمک و باری به مردم و رفع مشکلات آنها انجام دادند. در واقع ما چنین الگوهایی را که نقش مهمی در پیشبرد اهداف انقلاب داشته‌اند کم نداریم. از همین رو رسانه‌ها باید به چنین شخصیت‌ها توجه ویژه داشته باشند.

یکی از ویژگی‌های اخلاقی ایشان این بود که مقید بودند در صحبت‌های مختلفی که صورت می‌گیرد به کسی اهانت و از کسی هم غیبت نشود و اگر در مورد مسئله‌ای انتقاد وجود داشت می‌فرمودند «عبارت و قید «بعضی افراد» را بگویید تا غیبت و اهانت به همه اشخاص نباشد».

عالم عامل

آنچه از ویژگی‌های آیت‌الله دهشت در ذهن حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق کاملان ثبت شده، جرئت ایشان در دوران جوانی و دوری از موقعیت‌طلبی است. از نظر این استاد حوزه و دانشگاه، شخصیت آیت‌الله دهشت جامع علم و عمل و معقول و منقول است.

آیت‌الله دهشت در آن دوره به خود این جرئت را دادند تا موقعیت خود را در حوزه مشهد تا حدی متزلزل کنند و دست به چنین کاری بزنند. کسانی که به جو حاکم بر حوزه آگاهی دارند، می‌دانند که افراد ملاحظه می‌کنند که با حفظ موقعیت، خود را در حوزه نگه دارند؛ اما آیت‌الله دهشت چنین تحفظی نداشت.

آن زمان ایشان طلبه نسبتاً جوانی بودند و در حالی که درس سطوح عالی می‌گفتند، منظومه را نیز شروع کردند.

علاوه بر این نکته، معمولاً مرسوم نیست که استاد حوزه به سمت کارهای تبلیغی برود؛ زیرا کارهای درس و بحث به مقدار زیادی وقت استاد را می‌گیرد، حتی روزهای تعطیل همان مباحث و مطالعه را ادامه می‌دهد تا بتواند خود را آماده کند.

در بین اساتید بزرگ کمتر دیده می‌شود که به کار منبر و تبلیغ ادامه دهند. می‌توان در این زمینه از آیت‌الله جوادی آملی یاد کرد. ایشان با اینکه یک استاد به تمام معنا در حوزه علمیه قم هستند و درس خارج فقه می‌گویند و برای تعداد معدودی از طلبه‌ها اسفار درس می‌دهند، اما به کار تبلیغی می‌پردازند و تا همین چند سال پیش که با به سن نگذاشته بودند، در ایام محرم و صفر و رمضان به آمل تشریف می‌بردند و کارهای تبلیغی انجام می‌دادند. الان هم کمابیش کارهای تبلیغی را رها نکرده‌اند و گاه در برخی همایش‌ها و سمینارها سخنرانی می‌کنند. این

آشنایی من با آیت‌الله دهشت به سال ۱۳۴۷ برمی‌گردد. من در آن سال تازه به حوزه علمیه مشهد وارد شده بودم و در مدرسه نواب مشغول تحصیل ادبیات و دستور زبان عربی بودم. در همان زمان حجره من با فاصله کمی از مدرسه نواب قرار داشت. در آن دوره کتابخانه مدرسه در طبقه بالا بود و در طبقه پایین، کلاس‌ها قرار داشت که بزرگانی همچون مرحوم آیت‌الله یعقوب واعظی در آن تدریس می‌کردند. آیت‌الله دهشت نیز از آن جمله اساتیدی بودند که سطح اصول و فقه را به طلاب تدریس می‌کردند. ویژگی خارق‌العاده ایشان، جرئتی بود که داشتند. اساتید مطرحی در حوزه علمیه مشهد تدریس می‌کردند اما هیچ یک وارد حوزه معقولات و علوم عقلی نمی‌شدند. در آن زمان جو سنگینی علیه علوم عقلی وجود داشت و برخی طلاب حتی نسبت به علامه طباطبائی و تفسیر المیزان ایشان تعبیرات بسیار بدی به کار می‌بردند. استاد دهشت درس منظومه حاج ملاهادی سبزواری را در مدرسه نواب شروع کردند که جلسه آن شب‌ها بعد از نماز مغرب و عشاء برگزار می‌شد و تعدادی از طلبه‌ها که برخی از آنها امروز از اساتید و ائمه جمعه در سطح کشور هستند، در این جلسه حضور داشتند. اما همان افرادی که با علوم معقول و فلسفه ضدیدت داشتند، درس ایشان را به هم زدند و درسی که شروع شده بود نتوانست ادامه پیدا کند. البته ایشان تدریس اصول و فقه را در حوزه ادامه دادند.

در آن دوره تنها یک استاد معقول در حوزه مشهد حضور داشت که درس فلسفه می‌گفت و آن استاد بزرگ یک شاگرد بیشتر نداشت که امروز از جمله اساتید معتبر و ملا در قم به شمار می‌رود.





حاج آقای دهشت عالم و مدرس برجسته‌ای هستند اما این موقعیت باعث نشده که از مردم فاصله بگیرند. کارهای تبلیغی و خطابه و وعظ خود را حتی در نقاط دورافتاده ادامه می‌دادند و دیگر طلبه‌ها را نیز برای کارهای تبلیغی ارشاد می‌کردند تا در شهرستان‌ها و روستاها حضور یابند.

حاج آقای دهشت عالم و مدرس برجسته‌ای هستند اما این موقعیت باعث نشده که از مردم فاصله بگیرند. کارهای تبلیغی و خطابه و وعظ خود را حتی در نقاط دورافتاده ادامه می‌دادند و دیگر طلبه‌ها را نیز برای کارهای تبلیغی ارشاد می‌کردند تا در شهرستان‌ها و روستاها حضور یابند. برای تأسیس دبیرستان شهید مطهری در مشهد نیز تلاش‌های بسیاری کردند و با هدایت و کمک ایشان بود که این دبیرستان در مشهد راه‌اندازی شد.

آیت‌الله دهشت عالمی است که هم در حوزه و هم در جامعه حضور دارد؛ ایشان هم در سطح افراد مذهبی سنتی نفوذ دارد و هم در سطح جوان‌ها و نوجوان‌ها. دل‌مشغولی ایشان اقتضا کرد که به سمت تأسیس دبیرستان بروند؛ این ناشی از اخلاص و دغدغه‌های دینی و فرهنگی ایشان است.

آیت‌الله دهشت در خاطراتی که برای من نقل می‌کردند، از رفاقت‌ها و دوستی‌های نزدیک خود با رهبر معظم انقلاب می‌گفتند و گویا با یکدیگر هم‌مباحثه بودند. در عین حالی که چنین موقعیتی داشتند اما بعد از پیروزی انقلاب و در دوره رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به دنبال کسب جایگاه خاصی برای خود نبودند. توانایی‌ها، علمیت و سوابق انقلابی بسیاری داشتند و می‌توانستند موقعیت‌هایی برای خود در جامعه کسب کنند، اما هیچ‌گاه به دنبال چنین مسائلی نبودند. همه این‌ها ناشی از این است که استاد دهشت نه تنها شخصیتی فرهیخته، باتقوا و اهل علم هستند، بلکه اهل عمل هستند و تلفیق علم و عمل و معقول و منقول، شخصیت جامع ایشان را تشکیل داده است.

برگزاری مراسم نکوداشت آیت‌الله دهشت کار بسیار زیبایی است؛ چرا که در حقیقت این کار ترویج علم و دانش و تقوا و فرهیختگی است و برای جامعه امروز برگزاری چنین مراسمی یک ضرورت است. یک جوان باید با فرهیختگان خود آشنا شود و بداند سوابق فرهنگی امروز منتسب به چه کسانی است و سلسله علمای دینی و غیردینی را بشناسند. گسست در این مسئله جامعه جوان و نسل‌های جدید را دچار سردرگمی می‌کند. لذا برگزاری نکوداشت برای فرهیختگان کار بسیار ضروری است تا مخاطبانی پیدا کند که با بازگشت به گذشته و مطالعه تاریخ خود، امروز را بر اساس پایه‌های گذشته بسازد.

در حالی است که ایشان درس خارج می‌گویند و در عداد مراجع تقلید قرار دارند.

آیت‌الله دهشت از این ویژگی‌ها برخوردار هستند و کار تبلیغ را در شهرستان‌ها و روستاها انجام می‌دادند و بعدها در حد محدود مبلغان را به چنین نقاطی اعزام می‌کردند. در دوره جنگ و جبهه نیز ایشان یکی از بزرگان و فضایی حوزه مشهد بود که تلاش بسیاری برای تأمین و اعزام روحانی و همچنین ارسال کمک‌های مردمی به جبهه‌ها می‌کردند. کمتر مدرسی در این سن و سال بود که تا این حد برای جبهه تلاش بکند. ما می‌دیدیم که از حوزه مشهد آیت‌الله جواد آقای تهرانی چندین بار به جبهه تشریف برده بودند و در لباس رزمندگی در کنار رزمندگان حضور داشتند، اما اینکه فردی همچون آیت‌الله دهشت به طور دائم در جبهه‌ها باشند و یکی از دل‌مشغولی‌های جدی خود را جنگ بدانند، کسی را سراغ ندارم.

ایشان همچنین در کارهای خیریه برای حمایت از مستضعفین و افرادی بی‌بضاعت و جمع‌آوری امکانات برای آنها تلاش می‌کردند. همچنین در مجتمع بنی‌فاطمه مشهد که مجتمعی فرهنگی - تبلیغی است و بیشتر فعالیت‌هایش در ایام رمضان و محرم و صفر و ایام فاطمیه است، حضور فعال دارند و به عنوان یکی از مدیران این مجموعه شناخته می‌شوند.

الگوی مقبولیت و مطلوبیت در تبلیغ

حاج آقای دهشت همه این ویژگی‌ها را به خوبی دارند. ایشان بسیار محبوب هستند و ما در مجالس می‌دیدیم که افراد چگونه به ایشان عرض ارادت می‌کردند.

مسئله بعدی، جنبه اعتقادی ایشان است. افرادی بوده‌اند که از لحاظ علمی در سطح بالایی قرار داشته‌اند، اما از لحاظ اعتقادی نتوانستند در صراط مستقیم ثابت‌قدم بمانند. بعد از اینکه جناب عبدالعظیم حسنی اعتقادات خود را به امام هادی(ع) عرضه می‌دارند، آن حضرت مهم‌ترین دعایی که برای ایشان می‌کنند این است که خداوند متعال تو را در این اعتقادات ثابت قدم نگاه دارد. استاد دهشت در اعتقادات خود ثبات قدم و تعصبات بسیار قوی نسبت به مکتب اهل بیت(ع) و تحفظ بر مکتب قرآن داشته و دارند و این یکی از ویژگی‌های بسیار ارزشمندی است که جامعه می‌تواند به آن اعتماد کند. ایشان با اعتقادات صحیح و ثبات قدم، اعتمادی در جامعه به وجود آورده‌اند که فراتر از روحانیت، جامعه به ایشان اعتماد دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین دست‌پروری از مبلغان برجسته کشور است که در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه مشهد شده و آشنایی او با استاد دهشت نیز به همان دوران برمی‌گردد. وی در این گفت‌وگو به بیان نکاتی درباره جنبه‌های شخصیتی و فعالیت‌های تبلیغی حاج آقای دهشت پرداخته است.

ادای حق مطلب و بیان ابعاد مختلف شخصیت حاج آقای دهشت، کسانی را می‌طلبد که از زمان شیخ مجتبی قزوینی(ره) با ایشان حشر و نشر داشته‌اند. بنده، مدت‌ها بعد از آن به مشهد مقدس آمدم و توفیق کسب فیض از محضر ایشان نیز برای من طولانی نبوده، اما از نظر محتوایی و بهره‌مندی‌هایی که از انس و مجالست با ایشان داشتم، گفتنی‌ها بسیار است. از آنجا که معمولاً بزرگان الگوی جامعه هستند، باید ویژگی‌ها و معیارهای ایشان را بیان کنیم. اولین ویژگی ایشان بُعد علمی قابل قبول‌شان است. ویژگی مهم طلبه‌ای که می‌خواهد موفق باشد این است که باید مقبول باشد؛ کسی که می‌خواهد الگو باشد باید دو ویژگی داشته باشد که یکی مقبولیت و دیگری مطلوبیت است.

ایشان از جهت سابقه علمی مقبولیت دارند. مطلوبیت عنصری است که با اخلاق، حُسن برخورد، روی باز و عشق و علاقه به مردم ایجاد می‌شود و این دو عنصر اگر در کسی باشد به محبوبیت تبدیل می‌شود و کسی که محبوب شود، تبدیل به الگو می‌شود و





در بُعد اجتماعی، در خیریه‌های مختلف کارهای خیریه گوناگون انجام دادند. یکی از خیریه‌هایی که بنده در خدمت حاج آقا هستم، خیریه‌ای است که در ارتباط با بیماران آسیب‌پذیر فعالیت دارد. ایشان از جمله شخصیت‌های برجسته‌ای است که به عنوان رکن رکین این مجموعه خیریه تأثیرگذار بوده و هستند. یکی از کارهای فرهنگی ایشان یادگاری است که در استان خراسان برجای گذاشتند؛ قرائت قرآن بعد از نماز مغرب و عشاء ابتکار ایشان بوده که اکنون اشاعه پیدا کرده است. حاج آقای دهشت در یکی از محله‌های منحرف مشهد، یک دارالقرآن را تأسیس کردند که اکنون حدود سی شعبه دارد و کارهای مذهبی و فرهنگی فراوانی در آن انجام می‌شود. ایشان در مسجد «بناها»، پایگاهی را برای اعزام مبلغین به اطراف و اکناف استان خراسان داشتند.

آیت‌الله دهشت کارهایی از این دست را فراوان انجام می‌دادند و در یک جمله باید گفت ایشان از تمام فرصت‌ها، امکانات و توانمندی‌های خودشان و کسانی که با ایشان حشر و نشر داشتند برای خدمت به مؤمنین و جامعه دینی و تبلیغ قرآن و نهج‌البلاغه و فرمایش‌های اهل بیت (ع) استفاده می‌کردند.

آیت‌الله دهشت یک فرد اجتماعی هستند. برخی افراد از لحاظ علمی اندوخته‌هایی دارند اما نقش‌شان در جامعه خیلی پررنگ نیست و در تمام ابعاد، به آن گستردگی که شرع بیان کرده است، احساس مسئولیت نمی‌کنند. حضرت علی (ع) فرمودند: «شما در مقابل زمین‌ها، مکان‌ها و حیوانات مسئولید». با این دامنه مسئولیت، در حالی که دنیا دست نیازش را برای فهم حقایق دین دراز کرده است، روحانیت دیگر نمی‌تواند در حجره خود بنشیند. نگاه ایشان نگاه اجتماعی و فراتر از زمان است. فعالیت ایشان در کارهای خدماتی، خیریه، علمی، فرهنگی و اجتماعی و تربیت این همه افراد باتقوا در مدرسه مطهری، گوشه‌ای از زحمات ایشان است.

مسئله بعدی، موضوع اعتدال در مشی ایشان است. حرکت ایشان معتدل و به‌دور از افراط و تفریط است. بنده در تمام مدت آشنایی، افراط و تفریطی از ایشان ندیدم.

مطلوبیت عنصری است که با اخلاق، حُسن برخورد، روی باز و عشق و علاقه به مردم ایجاد می‌شود و این دو عنصر اگر در کسی باشد به محبوبیت تبدیل می‌شود و کسی که محبوب شود، تبدیل به الگو می‌شود و حاج آقای دهشت همه این ویژگی‌ها را به خوبی دارند.

بحث بعدی درباره اخلاق ایشان است. در حدیث است که با روی خوش می‌توانید دل افراد را تسخیر کنید و یکی از توانمندی‌های حاج آقای دهشت، همین مسئله است. شاخص‌ترین خدمت ایشان که مهم‌ترین شاخصه یک طلبه است، انجام کار فرهنگی است. ایشان در زمینه تفسیر، خدمات مداوم داشتند و در تدریس نهج‌البلاغه و تدریس در حوزه علمیه، مؤسسه شهید مطهری، مساجد و مدارس سابقه به یادماندنی دارند.

جهانی است بنشسته در گوشه‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد حسینی شریف سال‌ها نماینده بعثه رهبری در حرم امام حسین (ع) بوده و از این‌رو خاطرات زیبایی از سفرهای زیارتی آیت‌الله دهشت به این حرم شریف دارد. وی در سخنان خود درباره نقش ایشان در ایجاد روابط حرمین سیدالشهدا (ع) و امام رضا (ع) و ارائه خدمات درمانی خیریه به بیماران ساکن کربلا در مشهد بیان کرد.

علمایی که در مسیر امان و رسل هستند و مانند مولایشان زهد و تقوا را در زندگی خود به عنوان یک رویه انتخاب کرده‌اند، باید به جامعه شناسانده شوند تا جامعه امید بگیرد. علمای بزرگوار و ربانی همچون آیت‌الله دهشت آب حیاتی برای جامعه هستند، چرا که معنویت را در دل‌ها احیا می‌کنند.

آیت‌الله دهشت روحانی بسیار متواضعی هستند، چنانکه مولا امیرالمؤمنین (ع) در مورد متقین می‌فرماید: «مَشِيهُمُ التَّوَّاعُ». علم، عمل و تقوا از ایشان شخصیتی نورانی ساخته است.

متأسفانه جامعه ما اصرار دارد که ویژگی‌های نخبگان و بزرگان را بعد از حیات بیان کند؛ البته این مسئله بد نیست، اما زیباتر آن است که در زمان حیات افراد این ویژگی‌ها بیان شود تا دیگران بیایند و از این افراد اسوه بگیرند و نمونه‌برداری کنند و دردهایشان را به وسیله سخنان آنها درمان کنند.

آغاز آشنایی بنده با آیت‌الله دهشت در صحن حضرت سیدالشهدا (ع) بود. یکی از خصوصیات زیبای ایشان ولایت‌مداری بود و در مقابل اهل بیت (ع)، به ویژه سیدالشهدا (ع) و حضرت عباس (ع) انصافاً اظهار کوچکی می‌کردند.

در آن زمان سرداب باب‌الحوائج حضرت عباس (ع) بسته بود؛ از آنجا که مضجع شریف ایشان را آب گرفته بود، افرادی که می‌خواستند به زیارت قبر شریف بروند، باید داخل آب حرکت می‌کردند تا بتوانند قبر را در آغوش بگیرند که چنین کاری برای همگان میسر نبود. این مرد بزرگوار همین که نسبت به زیارت باب‌الحوائج ابراز تمایل و علاقه کردند، فضا برای ایشان کاملاً فراهم شد؛ یعنی مسبب‌الاسباب به خاطر قلب نازنین این فرد همه چیز را تسهیل کرد. وقتی از زیارت سرداب برگشتند، چهره آیت‌الله دهشت دیدنی بود. مدتی منقلب و متحول بودند؛ گویی به یکی از آرزوهای دیرینه‌شان رسیده بودند. در آن شرایط به دلیل اینکه استخاره ایشان مثال‌زدنی بود، از ایشان خواستم برایم استخاره بگیرند. اول صدقه‌ای درخواست کردند که

این نشان‌دهنده اعتقاد ایشان بود که اگر می‌خواهد استخاره نافذ باشد، باید به وسیله صدقه بلاها دفع شود تا زمینه برای باز کردن گره از مشکل یک بنده مهیا شود. اعتقادات ایشان برای من بسیار لذت‌بخش بود. بعد از زیارتی که ایشان داشتند، ارتباطات خوبی داشتیم و قرار بود برخی از بیمارانی را که اهل کربلا بودند، به ایشان معرفی کنیم تا هزینه درمان و مقدمات اسکان‌شان در مشهد فراهم شود؛ آیت‌الله دهشت نیز با چهره گشاده از این مسئله استقبال کردند.

به وسیله این مرد بزرگوار رابطه زیبایی بین حرم سیدالشهدا (ع) و حرم امام رضا (ع) ایجاد شد. ما نیز نسبت به اینکه برخی بیماران را خدمت ایشان اعزام می‌کردیم آرامش داشتیم؛ به قدری مسئولیت‌پذیری دارند که جایی برای نگرانی وجود نداشت.

بعدها در بین روحانیون و علمای دیگری که صحبت می‌شد، هر یک از فضل و کمال و شخصیت ایشان خاطراتی را مطرح می‌کردند؛ حتی یکی از دوستان از قول حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در مورد مناقب و شخصیت این مرد بزرگوار سخنانی مطرح کرد، کمتر کسی است که با علمای مشهد آشنایی داشته باشد و ارادتی به آیت‌الله دهشت نداشته باشد.

اگر بخواهیم شخصیت عالمی را با تمامی فضائل و مناقب ترسیم کنیم، فکر می‌کنم این مرد شریف می‌تواند بیان‌گر آن اوصاف باشد.

آیت‌الله دهشت با تبسم صحبت می‌کند، فقرا و مساکین و ضعفا هر گاه به ایشان مراجعه می‌کردند، با نهایت احترام و اکرام از آنها استقبال می‌شد. برخوردشان در پاسخگویی علمی به طلبه‌ها با تمام ادب و تواضع بود و نسبت به علما و مراجع نهایت احترام و ادب را داشتند.

در این سال‌هایی که با ایشان تماس داشتم از سکوت بجا و سخن بجای ایشان و از رفتارهای کریمانه و متواضعانه و علم و فضیلت ایشان لذت بردم.

امانتدار یادداشت‌های رهبری

یک مسجد و یک حمام ساختیم و مسجدی را تعمیر کردیم. البته باید اشاره کنم که ما شب‌های جمعه به روستاها می‌رفتیم و سپس گزارش کار خود را به آیت‌الله دهشت می‌دادیم، ایشان نیز ۵ تومان برای هزینه راه و ۱۰ تومان برای منبر به ما می‌دادند.

مردم روستایی که من برای تبلیغ به آنجا رفته بودم هم به ما کمک می‌کردند؛ یعنی مردم روستایی که روز اول روی خوشی به روحانیون نشان نمی‌دادند، در ادامه به روحانیون حتی کمک مالی هم می‌کردند و همین مسئله برای حاج آقای دهشت جالب بود و از همان زمان نسبت به بنده عنایت پیدا کردند.

از سال ۱۳۵۹ به ساخت بنای مدرسه همت گماردیم و سال ۱۳۶۰ افتتاح شد؛ اما کامل نشده بود، حاج آقا دهشت در سال ۱۳۶۱ تدریس در این مدرسه را آغاز کردند؛ ابتدا رسائل و مکاتب درس می‌دادند که بعدها به تفسیر، اخلاق و نهج‌البلاغه منحصر شد. ایشان در ادامه برای پیشرفت مدرسه به ما مشورت می‌دادند، این مدرسه موفقیت‌های زیادی داشته و با همت افرادی چون حاج آقا دهشت، شخصیت‌های بزرگی را به جامعه تحویل داده است؛ بسیاری از بزرگان امروز حوزه در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب در درس حاج آقا دهشت حاضر می‌شدند و حتی از آنها امتحان هم می‌گرفتیم. استاد دهشت تا سال گذشته نیز در این مدرسه درس اخلاق، نهج‌البلاغه و تفسیر می‌گفتند.

این مدرسه به تدریج پیشرفت کرد و علما نیز آن را تأیید کردند و مردم نیز کمک‌های مالی خود را به این مدرسه اهدا کردند و حیاط‌هایی خریداری و به مدرسه اضافه شد و شعبه‌ای نیز در تبرک مازندران دایر کردیم. علمای بزرگی چون آیت‌الله امامی کاشانی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله واعظ طیبی و حجت‌الاسلام قرائتی برای سخنرانی به این مدرسه دعوت می‌شدند.

مقام معظم رهبری نیز از مدرسه امام محمد باقر(ع) در جایی یاد کرده‌اند، ایشان در دوران ستم‌شاهی نوشته‌هایی به نام «حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب» داشتند، اما وقتی که توسط ساواک دستگیر شدند، این

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمجید دیانی
مدیر مدرسه علمیه امام محمد باقر(ع) مشهد است که آیت‌الله دهشت سال‌ها در آن تدریس می‌کرد. وی خاطرات زیادی از اعزام طلاب به روستاها، توسعه مدرسه، تدریس حاج آقای دهشت و محصلان شهید مدارس علمیه دارد.

از ابتدا علاقه داشتیم در خدمت طلاب باشیم و تلاش می‌کردم کسانی را که علاقه‌مند تحصیل دروس حوزوی هستند، اسکان دهیم؛ لذا اتاقی در مدرسه «خیرات خان» که اکنون جزء دانشگاه رضوی است و متعلق به مرحوم شیخ احمد کافی بوده، اجاره و آن اتاق را تعمیر کردم.

اساس ما در کلاس‌های درس بر یاد دادن بود و جمعیت زیادی از طلبه‌ها در این کلاس‌ها حضور پیدا می‌کردند، بعد از آن حیاطی دیگر با مبلغ ۲۵۰ تومان در ماه اجاره کردیم که آیت‌الله مروارید در پرداخت اجاره‌های این خانه به ما کمک می‌کردند و آیت‌الله نوقانی هم شهریه مربوط به طلاب را می‌دادند. سپس در صدد برآمدیم تا مکانی برای طلبه‌ها پیدا کنیم و با پیروزی انقلاب با همکاری آیت‌الله واعظ طیبی که استاد ما در معالم بودند، زمین هزار متری مدرسه امام محمد باقر(ع) را از آستان قدس رضوی تحویل گرفتیم. طلاب و فرزندان علما با اشتیاق به این مدرسه می‌آمدند، درس می‌خواندند و در پایان از آنها امتحان گرفته می‌شد و کارنامه به آنها داده می‌شد. سپس ۱۱؟؟؟ حیاط خریداری و به تدریج این مدرسه ساخته شد و در حدود ۲۵ سال طول کشید تا مدرسه تکمیل شود؛ برای ساخت این مدرسه از آیت‌الله دهشت وام گرفتیم و اقساط خود را پرداخت کردیم و کار ساخت مدرسه هیچ‌گاه به تعطیلی کشیده نشد.

در سال ۱۳۶۱ آیت‌الله دهشت شب‌های جمعه طلاب را به مناطق روستایی اعزام می‌کرد. یک روز فرمود یک روستا وجود دارد که مردم آنجا شب‌ها روحانی اعزامی را به خانه‌های خود نمی‌برند، بنده داوطلب شدم که به آن روستا بروم. حاج آقای دهشت نامه‌ای نوشته و من را به آن روستا اعزام کردند. در مدت کوتاهی در این روستا

در دوران دفاع مقدس حاج آقای دهشت همراه با طلبه‌ها به ملاقات مجروحین می‌رفتند و از آنها عیادت و به خانواده شهدا و فرزندان شهدا سر می‌زدند. شیوه تبلیغ، بیان احکام و مسئله خیریه‌ها برای آیت‌الله دهشت اهمیت فراوان داشت و برای تأسیس خیریه‌ها از ایشان دعوت می‌شد؛ صندوق قرض‌الحسنه امام جواد(ع) که ایشان در همین مدرسه تأسیس کرده‌اند، اکنون نیز به طلبه‌ها وام می‌دهد؛ این صندوق برکات فراوانی برای مردم داشته است.

آیت‌الله دهشت همه درس‌ها را - از ادبیات تا کفایه - در حوزه تدریس می‌کرد و بزرگانی از حوزه را که تخصص‌های مختلف حوزوی داشتند، جمع کرد و من را نزد حجت‌الاسلام علیزاده که از علما بود، فرستاد تا در موضوع ولایت و امامت صحبت کنم و دیگر علما نیز در مورد رشته‌های مختلف دینی سخن گفتند.

آیت‌الله دهشت پایبند مادیات نبود، ایشان هیچ‌گاه به سهم امام دست نمی‌زد، در مدرسه امام محمدباقر(ع) هم که تدریس می‌کرد، مبلغی به عنوان حق التدریس نمی‌خواست و فقط برای رضای خداوند تدریس می‌کرد؛ تنها استادی که در این مدرسه حاضر می‌شد و برای تدریس مبلغی اخذ نمی‌کرد، ایشان بود و تنها امکاناتی که ما در اختیار ایشان قرار می‌دادیم در حد سرویس رفت و برگشت بود.

راهنمایی طلبه‌ها برای حرکت در مسیر خداوند، ترس از خدا، ارادت به ائمه(ع)، احترام گذاشتن به علما و رعایت تقوا از جمله تأکیدات آیت‌الله دهشت در این سال‌ها بوده است.

آیت‌الله دهشت همه درس‌ها را - از ادبیات تا کفایه - در حوزه تدریس می‌کرد و بزرگانی از حوزه را که تخصص‌های مختلف حوزوی داشتند، جمع کرد و من را نزد حجت‌الاسلام علیزاده که از علما بود، فرستاد تا در موضوع ولایت و امامت صحبت کنم و دیگر علما نیز در مورد رشته‌های مختلف دینی سخن گفتند.

نوشته‌ها به امانت نزد حاج آقای دهشت قرار گرفت و بعد از انقلاب این نوشته‌ها به مقام معظم رهبری اهدا شد، ایشان این نوشته‌ها را تکمیل کردند و عنوان آن را «حوزه‌های علمیه قبل و بعد از انقلاب» نام‌گذاری کردند و در این نوشته‌ها به مدرسه امام محمد باقر(ع) نیز اشاره داشته‌اند و چنین نوشته بودند که مدرسه امام محمد باقر(ع) که مؤسس آن دینانی است، یکی از مدارس پیشرفته با طلاب پرشور است و درس نهج‌البلاغه و تفسیر و دروس دیگر با برنامه دقیقی در آن تدریس می‌شود.

این مدرسه ابتدا ۱۲۰ طلبه داشت و به تدریج تعداد طلبه‌ها زیاد شد و در مدت ۸ سال دفاع مقدس ۳۳ شهید و ۱۱۶ جانباز تقدیم انقلاب کرد؛ شهادتی که همه از شاگردان آیت‌الله دهشت بودند؛ رمز حضور آنها در جبهه این بود که وابستگی به دنیا نداشتند. نافله شب و تقوای طلبه‌های این مدرسه موجب شد تا به جبهه عزیمت کنند و درس اخلاق آیت‌الله دهشت در این زمینه بسیار تأثیرگذار بود.



تقویت بنیه علمی حوزه‌های علمیه

قزوینی و در ده‌های بعدی همانند آیت‌الله دهشت - متوجه این لغزشگاه بودند تا نگذارند حوزه علمیه از علمیت بیفتد؛ لذا حتی اگر می‌گفتند که ما بر فلسفه نقد داریم، اما هیچوقت نمی‌گفتند که کسی نباید مطالب عقلی را بفهمد؛ لذا سعی می‌کردند بنیه علمی حوزه‌های علمیه را بالا ببرند.

یکی از رسالت‌های بزرگی که حاج آقای دهشت بر عهده گرفتند و برای آن، سالها رنج کشیدند، تقویت بنیه علمی حوزه‌های علمیه بود؛ لذا در مشهد، به موازات اینکه برخی، مطالبی درباره مکتب تفکیک می‌گفتند، ایشان شرح تجرید خواجه نصیر را شروع کردند و این درس ایشان منحصر به فرد بود تا بساط عقلگرایی از حوزه‌ها برچیده نشود. ایشان بسیار کوشش کردند که طلبه‌ها را به سمت خردگرایی حوزوی ببرند.

برخی می‌گفتند اگر مکتب تفکیک رواج یابد، حوزه‌ها از رده فلسفه و علم خارج می‌شوند و به بی‌سوادی و کم‌سوادی می‌افتند. آیت‌الله دهشت در پی احساس مسئولیت در مقابل این قضیه، وارد عرصه شدند و مباحث عقل، خردگرایی و کلام و مناظره را به میدان آوردند و برای تقویت حوزه علمیه مشهد گامی بلند برداشتند.

یکی از رسالت‌های بزرگی که حاج آقای دهشت بر عهده گرفتند و برای آن، سال‌ها رنج کشیدند، تقویت بنیه علمی حوزه‌های علمیه بود؛ لذا در مشهد در موازات اینکه برخی، مطالبی درباره مکتب تفکیک می‌گفتند، ایشان شرح تجرید خواجه نصیر را شروع کردند و این درس ایشان منحصر به فرد بود تا بساط عقل‌گرایی از حوزه‌ها برچیده نشود. ایشان بسیار کوشش کردند که طلبه‌ها را به سمت خردگرایی حوزوی ببرند.

نکته بعدی درباره شخصیت و عظمت آیت‌الله دهشت این است که ایشان در مشهد از یک اعتبار مردمی برخوردار است، مورد اعتماد مردم بوده و هستند و به شکلی زندگی کرده‌اند که الگوی عملی مردم هستند. ایشان عالم اخلاق، آن هم اخلاق علمی هستند، همانی که امام صادق (ع) فرمود با عمل خود به دیگران بیاموزید؛ آیت‌الله دهشت نیز با زندگی، اخلاق و رفتار خود در میان مردم اعتبار زیادی کسب کردند.

مسئله بعدی بحث تبلیغ است؛ آیت‌الله دهشت با وقوف به حرمت و اهمیت منبر و استقبال مردم از آن و درک شرایط و با شناختی که از این رکن اساسی در جامعه داشتند، تشکیلاتی برای اعزام مبلغ در خراسان تشکیل دادند تا به دلیل حضور افراد بی‌سواد و کم‌سواد، اعتبار سخنرانی و منبر در میان مردم افت نکند؛ از این‌رو به مدت زیادی اعزام مبلغ را از مسجد «بناها» بر عهده گرفته بودند و چون مردم هم ایشان را قبول داشتند، در این عرصه موفق شدند. اگر این رویه در سایر نقاط کشور رواج یابد و آدم‌های عالم و معتبر منبر بروند و شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله دهشت آنها را تأیید کنند، شاهد رونق منابر و سخنرانی‌ها خواهیم بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عبداللهیان، رئیس مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)، در سخنان خود به بیان نکاتی درباره ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله دهشت، نحوه سلوک با مردم و نیز نکات تبلیغی و تأثیر ایشان بر حوزه علمیه مشهد مقدس پرداخته است.

آیت‌الله دهشت بیش از ۴۰ سال است که در حوزه علمیه مشهد می‌درخشند. ایشان ضمن اینکه از دانش‌آموختگان مکتب خراسان و مکتب تربیتی اهل‌بیت(ع) در دیار مقدس بارگاه رضوی هستند، از همان زمانهای دور نسبت به اعتبار علمی حوزه‌های علمیه و تبلیغ صحیح میان مردم حساسیت زیادی داشتند.

ممکن است برخی مجامع و حوزه‌های علمی بر اثر سوءبرداشت تصور کنند که اندیشه خراسان که با عنوان مکتب تفکیک از آن یاد می‌شود، مخالف عقل و فکر است. اساتید متبحر این وادی - در رأس آنها مرحوم علامه آقاشیخ مجتبی

۴۴

دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا



فصل دوم:

فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی

و عام المنفعه

نگاهی گذرا به تشکیل گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان

علمیه بودند و خدمات تبلیغی و فرهنگی فراوانی داشتند. این نام‌آوری و آوازه به حدی بود که در مجالس کشوری مهم، مانند مراسم ترحیم علما و مراجع در شهرهای قم و تهران، از وعظ خراسانی استفاده می‌شده است.

در حوزه‌های علمیه، تبلیغ به همان روش سنتی به ارث رسیده از دوره‌های پیشین، رواج داشت و روحانیان و طلاب، به‌ویژه در ایام تبلیغی محرم و صفر و ماه مبارک رمضان، با هجرت به شهرها و روستاها، به این رسالت مهم خود اهتمام ورزیده و انجام وظیفه می‌کردند. با وجود این، نابسامانی وضعیت تبلیغ و نبود انسجام و برنامه‌ریزی دقیق در این امر مهم، از ضعف‌های این روش به شمار می‌رفت؛ زیرا هیچ مرکزی عهده‌دار ساماندهی امر تبلیغ نبود و مبلغان به صورت پراکنده، در شهرها و روستاها مشغول تبلیغ بودند و گاه، برخی از مناطق از حضور مبلغان محروم می‌ماندند.

این رویه تقریباً تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت و پس از انقلاب اسلامی، برای سامان دادن به امر تبلیغ، نهادی حوزوی شکل گرفت و به تدریج این نهاد به حمایت و ساماندهی مبلغان پرداخت.

نخستین جرقه شکل‌گیری گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان

«گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان» در سال ۱۳۴۴ پایه‌ریزی شده و با همکاری جمعی از فضلاء مشهد، در محدوده روستاهای اطراف مشهد، تبلیغ به صورت ساماندهی شده صورت گرفت.



حوزه علمیه خراسان از مراکز حوزوی برجسته در عرصه تبلیغ است که از دیرباز، مبلغان برجسته‌ای را پرورش و تحویل جامعه داده است.

در قرن اخیر، وعظ و نام‌آوران برجسته‌ای از حوزه علمیه خراسان برخاسته‌اند؛ مانند آخوند ملا عباس تربتی، شیخ غلامرضا واعظ طبسی، شیخ علی‌اکبر مدقق خراسانی، شیخ مهدی واعظ خراسانی، شیخ حسن پایین خیابانی، شیخ حسین‌علی راشد، شیخ علی‌محدث، شیخ عبدالله یزدی، شیخ عباس‌علی اسلامی سبزواری، شیخ محمدعلی خراسانی، شیخ علی‌اکبر مروج خراسانی، شیخ مرتضی واعظ شهیدی، شیخ احمد کافی، شیخ محمد واله، شیخ محمدتقی بهلول و حاج علی‌اصغر عابدزاده. اینان زبانزد حوزه‌های

ماجرای شکل‌گیری گروه تبلیغی از زبان آیت‌الله دهشت

در دوران حکومت پهلوی، از طرف رژیم دو نفر زن و مرد، برای آموزش و باسواد کردن مردم به روستاها می‌رفتند. این برنامه، ما را به فکر فرو برد و بسیار به ما برخورد که ما در مشهد هستیم و هیچ کار تبلیغی مناسبی صورت نمی‌گیرد. با خود گفتیم که لااقل در محدوده چهار فرسخی اطراف مشهد (که در ماه رمضان روزه افراد نیز به هم نخورد) جهت تبلیغ نیرو اعزام کنیم.

کسانی را که برای تبلیغ می‌فرستادیم لازم بود اساسنامه تهیه شده را خوانده و امضا کنند. از جمله مفاد این اساسنامه این بود که وابسته به کسی نباشیم و شخص خاصی را ترویج نکنیم و برای تبلیغ از مردم پول گرفته نشود و تا جای ممکن، برای مردم مزاحمت پیش نیاید.

ما به همراه حاج آقا نوروزی، از قبل، مسیر و منطقه را شناسایی می‌کردیم و به اهالی اطلاع می‌دادیم. شب‌های جمعه، هر هشت نفر به یک مسیر برای تبلیغ اعزام می‌شدند. سعی می‌کردیم بهترین و نخبه‌ترین افراد را انتخاب کنیم و تبلیغ با برنامه ویژه‌ای صورت گیرد و تقید داشتیم که در این برنامه وابسته به کسی نباشیم و نمی‌گفتیم از چه کسانی کمک می‌گیریم. من سعی می‌کردم علما با این طرح مخالفت نکنند، چون معتقد بودم به کار لطمه می‌خورد؛ همچنین مراقب بودیم ساواک و رژیم مانع کار نشوند.

از جمله کسانی که در این برنامه به ما کمک می‌کردند مرحوم آیت‌الله مروارید و آیت‌الله خامنه‌ای بودند که به قول خودشان، ایشان هم نخودی در این آش می‌انداختند.

این گروه تبلیغی موظف بودند هفته‌ای یک بار جمع شوند و گزارش‌های خود را ارائه و اشکالات را برطرف کنند و راه‌های اصلاح

استاد غلامرضا دهشت به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ علی نوروزی (معروف به نوروزیان) با همیاری جمعی از فضلاء مشهد، در سال ۱۳۴۴ این گروه را تأسیس کردند تا در ایام تبلیغی، به ویژه در شب‌های جمعه، مبلغان به روستاهای اطراف مشهد مقدس اعزام شوند. این مبلغان ضمن تبلیغ و حضور در جمع مردم، برای ارائه خدمات رفاهی و بهداشتی در روستاها نیز تلاش می‌کردند.

«گروه تبلیغی حوزه عملیه خراسان» در سال ۱۳۴۴ پایه‌ریزی شده و با همکاری جمعی از فضلاء مشهد، در محدوده روستاهای اطراف مشهد، تبلیغ به صورت ساماندهی شده صورت گرفت.

علمای وقت حوزه علمیه مشهد نیز از این حرکت حمایت کردند و بزرگان بسیاری در شکل‌گیری و گسترش این فعالیت و حمایت مادی و معنوی آن نقش بسزا داشتند؛ از این میان، به آیات حاج شیخ مجتبی قزوینی، حاج میرزا حسنعلی مروارید، حاج میرزا جواد آقا تهرانی و به ویژه آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، می‌توان اشاره کرد.

برنامه گروه تبلیغی بدین صورت بود که شب‌های جمعه مبلغان در گروه‌های هشت نفری به روستاهای اطراف مشهد می‌رفتند و ضمن اقامه نماز و سخنرانی، از مشکلات مردم منطقه نیز آگاه می‌شدند و سپس هر یک از آنان گزارشی تهیه می‌کرد. همه اینان هفته‌ای یک جلسه دور هم جمع شده و با ارائه گزارش‌های خود درباره مطالب و اشکالات احتمالی آن بحث و گفت‌وگو می‌کردند. بدین صورت، در کنار تبلیغ، فنون و روش‌های خطابه را نیز از اهل فن آموزش می‌دیدند و اگر توصیه‌ای لازم بود، علما و روحانیان دیگر تذکر می‌دادند.





ماه رجب به مشهد آمده بودند، در منزل مرحوم طباطبایی به دیدن ایشان رفتیم. ایشان گفتند: «من برای زیارت به مشهد آمده‌ام، اما اگر صلاح می‌دانید، مرا برای تبلیغ اعزام کنید؛ چون من تبلیغ را از ماندن و زیارت حضرت رضاع (ع) بالاتر می‌دانم». بعد از ایشان تقاضا کردیم تا به یکی از روستاهای اطراف مشهد تشریف ببرند و ایشان رفتند. مرحوم آقای مشکینی هم یک بار مبلغی را برای تبلیغ به من دادند و به اصرار خودشان ایشان نیز برای تبلیغ اعزام شدند و می‌فرمودند: «تبلیغ را واجب‌تر از امور دیگر می‌دانم».

ادامه برنامه گروه تبلیغی پس از پیروزی انقلاب

برنامه تبلیغی که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به صورت گسترده‌تری و در سطح کل استان خراسان ادامه یافت.

پس از این که به تدریج نهادهای تبلیغی، مثل دفتر و سازمان تبلیغات اسلامی، تأسیس شد، حاج آقای دهشت از مقام معظم رهبری درباره استمرار برنامه مشورت می‌گیرند. معظم‌له می‌فرمایند: «این برنامه را تعطیل نکنید، از آنجا که کار مردمی است، ادامه پیدا کند».

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که از آغاز شکل‌گیری این برنامه، حامی مادی و معنوی آن بود، در جلسهای به آیت‌الله واعظ طبسی

پس از این که به تدریج نهادهای تبلیغی، مثل دفتر و سازمان تبلیغات اسلامی، تأسیس شد، حاج آقای دهشت از مقام معظم رهبری درباره استمرار برنامه مشورت می‌گیرند. معظم‌له می‌فرمایند: «این برنامه را تعطیل نکنید، از آنجا که کار مردمی است، ادامه پیدا کند».

آن را هم بگویند. یادم هست مرحوم آیت‌الله مشکینی نیز در یکی از جلسات گروه تبلیغی در مدرسه میرزا جعفر شرکت کردند، ایشان به سخنان مبلغین گوش دادند و وقتی گزارش‌ها تمام شد، یکی یکی اشکالات افراد را بیان کردند.

از فضلا و روحانیانی که در این طرح برای تبلیغ به روستاها اعزام می‌شدند، می‌توان به افراد زیر اشاره کرد؛ حجج اسلام فردوسی‌پور، ابراهیمی، عطایی خراسانی، حاج آقا مرتضی مروارید، رجایی شاهرودی، دکتر عبداللهی، مجتبوی، حسین‌زاده، تقدیسی، غزالی، رادمرد، سیدآبادی، فرجام، امجدی، معنوی، حسینی، صالحی‌نیا و ...

خاطره آیت‌الله دهشت از حضور دو نفر از علما در طرح تبلیغی شهید آیت‌الله سعیدی در شب جمعه اول

و روحانیون و تأسیس خدمات عمرانی و رفاهی، مانند مسجد، حمام و جاده‌سازی، از سوی گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان انجام می‌شد.

هم‌اکنون، بحمدالله تمامی این فعالیت‌ها استمرار دارد و در مقایسه با قبل، اعزام مبلغ چند برابر افزایش داشته است. این کار در ماه‌های محرم و صفر و رمضان و نیز، در طول سال، در شب‌های جمعه صورت می‌گیرد و تاکنون حدود بیش از پنجاه هزار مبلغ به روستاها فرستاده شده‌اند.

همچنین از آغاز ایجاد این گروه تاکنون، با کمک جمعی از علما و خیران و کمک‌های مردم منطقه، بیش از ۱۵۰ مسجد و امکانات رفاهی بهداشتی، مانند حمام، در بسیاری از روستاهای استان خراسان تأسیس شده است و گزارش مکتوب این برنامه‌ها، همه ساله، به محضر مقام معظم رهبری ارائه می‌شود و حمایت‌های مادی و معنوی ایشان نیز، همواره برای امر تبلیغ وجود دارد.

حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیمی، امام جمعه سبزوار، یکی از مبلغان گروه تبلیغی پیش از انقلاب است. وی درباره فعالیت‌های گروه تبلیغی چنین می‌گوید:

قبل از انقلاب، گروهی از روحانیون، مثل آقای دهشت و حاج آقای نوروزیان بودند که هر موقع نیاز به کاری بود و کسی نبود، به سراغ ایشان می‌رفتیم. ایشان به اندازه پنجاه روحانی امروزی کار می‌کردند و در امر تبلیغ، به روستاها می‌رفتند و مردم را فرامی‌خواندند و می‌گفتند ما نه از شما هزینه و امکاناتی می‌خواهیم و نه به مکانی نیاز داریم؛ تنها آمده‌ایم تا برای شما مسئله شرعی بگوییم و روضه بخوانیم، این‌گونه مردم را جذب به دین می‌کردند.

فرمودند: «از وجود دو نفر در مشهد استفاده کنید، یکی حاج آقا دهشت و یکی حاج آقای نوروزی و قدر ایشان را بدانید».

بر این اساس و با تأکیدات مقام معظم رهبری و سایر علمای مشهد، گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان در محل طبقه فوقانی مسجد بناهای مشهد (مسجد شهدا) به طور رسمی برنامه‌های خود را ادامه داد.

حجت‌الاسلام سید حسن حسینی هاشمی، مسئول امور اجرایی و از مبلغان این گروه تبلیغی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همچنین علمای مشهد همچون آیات مروارید، میرزا جواد آقا تهرانی، فلسفی، حاج آقا حسین شاهرودی، خامنه‌ای و روحانیون دیگر، مثل آقای سیدان، حاج آقا موسوی‌نژاد و حاج آقا نبوی، نسبت به استمرار این برنامه تأکید و از آن حمایت کردند. پس از شناسایی روحانیون و مبلغان مشهد، کارت دعوت با امضای شیخ ابوالحسن شیرازی برای روحانیون ارسال شد و مبلغان بسیاری در سطح کل استان خراسان قدیم، به روستاها اعزام شدند که تمام اطلاعات و امکانات روستاها از طریق این افراد گزارش می‌شد.

علاوه بر برنامه تبلیغ در روستاها، خدمات دیگری مانند راه‌اندازی انجمن حمایت از بیماران و معلولان، شورای درمانگاه‌ها، تأسیس چندین مرکز خیریه، اعزام روحانی به جبهه‌ها و ستاد کمک‌رسانی به جبهه‌ها، عیادت از مجروحین و خانواده‌های شهدا، حضور روحانی در بعضی بیمارستان‌های مشهد برای پاسخ‌گویی به سؤالات، پرداخت وام به طلاب



خاطره‌ای از علاقه رهبری به آقای دهشت

ضمن تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، برای اولین سؤال، بفرمائید نحوه آشنایی شما با آقای دهشت چگونه بود؟

بنده بیش از ۵۰ سال است که با آقای دهشت آشنایی دارم؛ ایشان در مدرسه نواب و من در مدرسه باقریه تحصیل می‌کردیم، آقای دهشت برادری داشت که ساکن کربلا بود و بعد به مشهد مهاجرت کرد. من قبل از اینکه با آقای دهشت آشنا شوم با برادر ایشان آشنایی داشتم؛ یکی دیگر از برادران ایشان مرحوم شیخ مسلم نام داشت که در مدرسه نواب تحصیل می‌کرد و از فضایی حوزه علمیه بود و دو نفر از فرزندان در دوران دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

آقای دهشت اصالت عمیق مذهبی دارد؛ به دلیل اینکه همسایه ایشان بودم با خانواده‌شان از نزدیک حشر و نشر داشتم و مذهبی بودن خانواده این بزرگوار را مشاهده می‌کردم.

از جمله ویژگی‌های آقای دهشت این است که روحیه خدمت در وجودش نهادینه شده است؛ یعنی از همان سال‌ها با اینکه دوران ابتدایی طلبگی را می‌گذراند و نام و نشانی نیز نداشت، اما در کنار تحصیل علم، عنصر تلاش‌گری و خدمت‌گزاری در ایشان وجود داشت.

اکنون نیز خود استادی تمام‌عیار و مورد تأیید فضلا و علمای حوزه است، مخصوصاً مقام معظم رهبری بسیار به ایشان علاقه‌مندند و در سفر اخیری که به مشهد مشرف شدند، از احوال آقای دهشت پرس‌وجو کردند. آقای صابری‌فر که شهردار سابق مشهد بودند، چندی پیش به من گفت که خدمت مقام معظم رهبری بودم و ایشان فرمودند که حجت‌الاسلام دهشت حالشان چطور است؟ ما عرض کردیم که کسالت دارند و رهبر معظم انقلاب فرمودند که آقای دهشت یک انسان نمونه است؛ خود این مسئله بیانگر جایگاه بالای ایشان نزد حضرت آقا است.

درباره فعالیت‌های اجتماعی و خیرخواهانه آقای دهشت با توجه به نزدیکی که با ایشان داشتید، بفرمائید؟

اکثریت خیریه‌های مشهد با همت آقای دهشت تأسیس شده است؛ ایشان یکی از بنیان‌گذاران مؤسسه خیریه انصارالمهدی (عج) است. جلسات بنی فاطمه که از جلسات ممتاز مشهد است و آثار و برکات گسترده‌ای دارد نیز با همت آقای دهشت تأسیس شده است.

در دوران دفاع مقدس اولین ستاد کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ را در مسجد شهدا (بن‌تاه) با همکاری ایشان تأسیس کردیم و آقای دهشت در این مسجد کارهای تبلیغی می‌کرد. اولین کسی که اعزام مبلغ را به روستاها و شهرهای اطراف هدایت کرد، ایشان بود. وقتی آیت‌الله میلانی به مشهد مشرف شدند، آقای دهشت به ایشان پیشنهاد کردند شب‌های

حجت‌الاسلام سیدحسین نبوی، از وعاظ و خطبای باسابقه مشهد مقدس است که با وجود اختلاف سنی با آیت‌الله دهشت، سال‌ها با این بزرگوار ارتباط نزدیک داشته است و در بسیاری از فعالیت‌های قبل از انقلاب، دوران دفاع مقدس و نیز بسیاری از اقدامات خیرخواهانه در کنار یکدیگر بوده‌اند.

این گفت‌وگو بیانگر زوایای دیگری از شخصیت آیت‌الله دهشت و فعالیت‌های خیریه و ناشناخته وی و نیز حاوی خاطراتی جالب از همنشینی این دو یار دیرین است.

۵۰

استاد حجت‌الاسلام شیخ غلامرضا دهشت



آوارگان برای همیشه در مشهد ماندگار شدند.

مسجد «بنّاه» که بعدها به مسجد شهدا معروف شد، به عنوان پایگاهی برای کمک به جبهه‌ها شناخته می‌شد که اتفاقاً بانی این اقدام نیز آقای دهشت بودند، شما به عنوان کسی که در آن سال‌ها در کنار ایشان قرار داشتید، از جایگاه این مسجد بواسطه این قبیل اقدامات بفرمائید.

مسجد «بنّاه» در دوران دفاع مقدس از اهمیت فراوانی برخوردار بود و حتی بزرگان و مسئولانی که می‌خواستند به جبهه‌ها کمک کنند از طریق این مسجد خدمات خود را ارائه می‌کردند؛ بدین شکل که برخی از دوستان ما که در جبهه حضور داشتند، به ما اعلام می‌کردند که چه نیازهایی دارند و ما از این مسجد کمک‌های مردمی را به جبهه‌ها می‌فرستادیم؛ از این مسجد حمام سیار، نانوايي سیار و حتی ماشین‌های سنگین برای جبهه‌ها تهیه می‌شد و تحویل رزمندگان می‌دادیم.

مسجد بنّاه مرکز نیروی مردمی بود. در تظاهرات هم این مسجد محل حضور مردم بود و مرکزی شد تا پیکرهای مطهر شهدا از این مسجد تشییع شوند؛ این مسجد از هر جهت مورد اعتماد عموم مردم مشهد بود و در دوران دفاع مقدس بسیاری از نیازهای رزمندگان در این مسجد تهیه و به جبهه‌ها منتقل می‌شد.

بعد از آغاز جنگ تحمیلی نیز پلیس ماهی یک یا دو بار چهارراه خسروی و چهارراه مدرس را می‌بست، خیابان خسروی در اختیار ما قرار داشت تا کمک‌ها را برای جبهه‌ها جمع‌آوری کنیم. در مناطق جنگی آثار خدمات مسجد شهدا مشهود بود. آقای پیروی از دوستان ما که در جبهه حضور داشت، خبر می‌داد که مثلاً نیاز به ماشین‌های سنگین داریم، آن زمان هزینه هر کدام از این ماشین‌ها ۳ یا ۴ میلیون بود، ما تهیه کردیم و تحویل دادیم، مردم کمک‌های فراوانی می‌کردند. زمانی که شهدا تشییع می‌شدند تعدادی صندوق کمک‌های مردمی در مسیرهای تشییع شهدا قرار می‌دادیم و بخشی از کمک‌های مردمی به جبهه‌ها از این طریق واصل می‌شد.

جمعه طلاب را برای تبلیغ به روستاها بفرستیم که این پیشنهاد مورد قبول واقع شد و تاکنون نیز ادامه داشته است، نکته مهم این است که سابقه اعزام مبلغ به شهرها و روستاهای اطراف که از سوی آقای دهشت انجام شد به بیش از ۴۰ سال می‌رسد.

همچنین حاج آقای دهشت، مساجد و غسل‌خانه‌های فراوانی تأسیس کرده‌اند و حتی خانه‌هایی برای مستمندان ساخته‌اند و چند مدرسه نیز به ابتکار ایشان تأسیس شده است. یکی از این مدارس در روستای نریمانی مشهد است و دیگری در اطراف شهر طوس قرار دارد و طلبه‌های خوبی نیز در آن تربیت شده‌اند؛ همچنین از ابتدا، مدیریت مدرسه علی‌ابن‌طالب (ع) بر عهده آقای دهشت بود و بهترین طلبه‌های مشهد از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند.

درباره همکاری با آیت‌الله دهشت در دوران دفاع مقدس، خاطرات و موارد زیادی مثل بحث معاودین عراقی ذکر می‌شود؛ در این ارتباط توضیح دهید.

اولین گروه از معاودین عراقی قبل از دوران دفاع مقدس به مشهد آمدند؛ مسئله ورود آنها به مشهد این‌گونه بود که افرادی را به مرزها می‌فرستادند و هر کدام تعداد زیادی از معاودین عراقی را می‌آوردند و در حسینه پیروان دین نبوی که در خیابان شهید نواب صفوی مشهد قرار دارد و نیز حسینه پوست‌فروش‌ها، برای مدتی اسکان می‌دادند؛ مدتی از آنها پذیرایی می‌شد و سپس برای آنها خانه اجاره می‌کردیم و در ادامه گروه جدیدی به این حسینه منتقل می‌شدند. در همه این مراحل آقای دهشت نقش بسیار پررنگی داشت و این اقدامات از جمله ابتکارات ایشان بود.

ما با همکاری آقای دهشت حدود سه هزار نفر آواره جنگی را پناه و اسکان دادیم؛ ۳۰ واحد مسکونی در خیابان مرحوم عبادی، خیابان خواجه ربیع و بیمارستان فاطمه زهرا (س) ساختیم، در شهرک شهید بهشتی مشهد نیز آوارگان عراقی را اسکان دادیم؛ ما برای این آوارگان خانه‌هایی می‌خریدیم که برخی از این





یکی از فعالیت‌های آیت‌الله دهشت تأسیس مؤسسه حمایت از بیماران آسیب‌پذیر طوس است، ماجرای تشکیل این مؤسسه از زبان شما شنیدنی خواهد بود.

ماجرای تأسیس این مؤسسه طوس این‌گونه است که آقای دهشت برای درمان بیماری قلبی خود در بیمارستان بستری می‌شود که در همان حال سیدی را که حال مساعدی نداشت و از نظر مالی هم توان پرداخت هزینه‌ها را نداشت، ملاقات می‌کند؛ لذا ابتدا با هماهنگی با دکتر خود، باعث درمان این فرد می‌شود و سپس از همان جا به فکر تأسیس مؤسسه‌ای می‌افتد که به بیماران نیازمند خدمات پزشکی ارائه کند.

نحوه کار این مؤسسه خیریه به این صورت است که جلساتی با دکتر پهلوان‌زاده و آقای دهشت و چند نفر دیگر تشکیل می‌شود و پرونده بیماران نیازمند مورد بررسی قرار می‌گیرد و برآوردی از میزان هزینه درمانی تک تک آنها مشخص می‌شود. بیمار تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد و هزینه او مستقیماً به بیمارستان یا داروخانه داده می‌شود. پزشکان زیادی با این مؤسسه همکاری دارند، وقتی پرونده یک بیمار از سوی پزشکان بررسی و میزان هزینه درمان او مشخص می‌شود، خیرانی که با مؤسسه همکاری دارند هر کدام مبلغی از هزینه بیمار را تقبل می‌کنند و می‌توان گفت که این مؤسسه با این کارکرد در کشور بی‌نظیر است؛ شاید در یک هفته و در یک جلسه، خیرین ۲۰ یا ۳۰ میلیون تومان برای درمان بیماران نیازمند تخصیص دهند، نکته دیگر اینکه آقای دکتر بهرامی یکی از پزشکان مشهد به من گفتند که هیچ جای ایران به اندازه مشهد مؤسسه خیریه درمانی وجود ندارد. آقای دهشت جرقه اول برای تأسیس این مؤسسه خیریه را ایجاد کردند و بعد آن را به من سپردند و اکنون بسیار گسترده شده است و شاید در سال بیش از ۳ هزار نفر از بیماران نیازمند از خدمات این مؤسسه استفاده می‌کنند.

با توجه به دوستی نزدیک و چندین ساله حضرت‌تعالی با آقای دهشت، مقداری از خلقیات و ویژگی‌های شخصیتی ایشان بفرمائید.

از مهمترین خصوصیات ایشان این است که روح خدمت‌گزاری به مردم در وجودشان همیشه زنده است؛ فردی زاهد است که به مادیات دنیایی توجهی ندارد، اگر می‌خواست که مسئولیتی بگیرد، بهترین

مسئولیت‌ها به ایشان داده می‌شد؛ اما خدمت‌گزاری را بر هر منفعتی ترجیح داده‌اند. از جمله ویژگی‌های آقای دهشت این است که ظاهرسازی نمی‌کند، به دنبال شهرت و نام نیست و هدف را خدا می‌داند، برای خود و خانواده هیچ وقت چیزی نمی‌خواهد، خانه محقری داشت که آن قدر کوچک بود که فرزندان ایشان نمی‌توانستند در خانه مطالعه کنند، در حالی که ایشان اگر می‌خواست می‌توانست بهترین خانه را برای فرزندان خود تهیه کند، اما سعی می‌کرد به جای توجه به این مسائل بیشتر به مردم خدمت کند.

حاج آقای دهشت فردی بذل‌گو و بشاش است و در بیان خاطرات و لطایف نیز زیاده‌روی را مجاز نمی‌داند، مقید است که حتی اگر یک مجلس غیررسمی نیز برپا است وقت شرکت‌کنندگان به بطالت نگذرد و ایشان با ذکر آیه یا روایتی سعی می‌کند، همه از آن مجلس استفاده معنوی ببرند. ایشان هیچ‌وقت در مقام خودستایی نبود، همیشه به دوستان گفته‌ام که آقای دهشت اخلاق اسلامی، ایمان، عشق و ارادت به اهل بیت (ع) داشت و آنچه به مردم می‌گفت ابتدا خود عامل آن بود و خود را از مردم جدا نمی‌کرد، اکنون که در بستر بیماری قرار دارد از این رنج می‌برد که نمی‌تواند برای مردم کاری انجام دهد.

از جمله مهمترین و ماندگارترین اقدامات آقای دهشت، فعالیت‌های تبلیغی ایشان است، سبک تبلیغی ایشان چگونه بود؟

ایشان در زمینه تبلیغ ابتکار و نوآوری داشت و برخی از مسئولان گذشته و فعلی نظام از جمله مبلغانی بودند که از سوی آقای دهشت به مناطق مختلف اعزام می‌شدند، در نحوه تربیت طلبه‌ها بسیار مقید بود؛ به آنها تذکر می‌داد که نباید خود را فقط مشغول تحصیل کنند و باید با قلم و بیان خود نیز به مردم خدمت کنند.

مصدق بارز «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ»

در چه دوره‌ای با آیت‌الله دهشت آشنا شدید و نحوه همکاری جنابعالی با ایشان به چه صورت بود؟

آشنایی من با استاد دهشت به دوران قبل از پیروزی انقلاب و اوایل دوره طلبگی‌ام در سال ۱۳۵۴ برمی‌گردد. آن دوران هنگامی که از مدرسه طلبگی برمی‌گشتم، به محل کار پدرم می‌رفتم. نزدیک این محل مسجدی به نام مسجد قبله بود که آیت‌الله دهشت در آن یکی از دروس حوزه را به طلبه‌ها ارائه می‌کرد که این درس در سطح تحصیلی من نبود؛ اما در نماز جماعت آن مسجد شرکت می‌کردم و می‌دیدم که طلبه‌ها گرد ایشان جمع می‌شوند؛ به این ترتیب بود که با شخصیت آیت‌الله دهشت آشنا شدم.

برخی مواقع نیز می‌دیدم که طلبه‌ها روزهای پنج‌شنبه و جمعه خارج از محیط مسجد گرد ایشان جمع می‌شدند و ایشان افراد را سامان‌دهی می‌کردند. کم‌کم جست‌وجو کردم تا متوجه کارهایی که صورت می‌گرفت، بشوم. با پرس‌وجویی که کردم، متوجه شدم آقای دهشت روزهای پنج‌شنبه و جمعه با خودروهایی که عموماً افراد خیر در اختیار ایشان قرار می‌دادند، طلبه‌ها را به روستاهای اطراف می‌فرستادند. این سابقه در ذهن افراد و حوزویان بود که آیت‌الله دهشت غیر از تعلیم و تدریس به طلبه‌ها، زمینه کار تبلیغی را نیز برای آنها فراهم می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا رضوانی‌طلب از جمله افرادی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی آیت‌الله دهشت را در امر تبلیغ همراهی می‌کرد و بعد از آن نیز در فعالیت‌های عمرانی در روستاها و همچنین جمع‌آوری و ارسال کمک به جبهه و جنگ همراه آیت‌الله دهشت بود.



ایشان از شخصیت‌هایی هستند که با افرادی همچون حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طیبی و شهید هاشمی نژاد و عده‌ای دیگر از شخصیت‌های مهم ارتباطات نزدیک و صمیمی داشته‌اند و طلبه‌ها نیز عموماً به ایشان احترام می‌گذارند.

درباره فعالیت‌های بعد از پیروزی انقلاب هم بفرمایید.

پس از پیروزی انقلاب نیز دورانور از ایشان باخبر بودم. البته فرزند اخوی ایشان (شهید حجت‌الاسلام مهدی دهشت) که بعداً داماد ایشان نیز شد، با من هم‌درس بودند. اما به وسیله ایشان با آیت‌الله دهشت آشنا نشدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین تدبیر حکیمانه حضرت امام خمینی (ره)، برگزاری همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی بود. یک حرکت بزرگ تبلیغی آغاز شد که آیت‌الله دهشت هسته اولیه این امر در استان خراسان بود. همه بزرگان به سراغ ایشان آمدند و گویا به ایشان پناه آوردند که با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی و حرکت عمومی برای توجیه مردم به سمت مسئله همه‌پرسی، امور تبلیغی در این منطقه از سوی ایشان صورت گیرد. در آن دوره بزرگانی همچون آیت‌الله طیبی و شهید هاشمی نژاد از آیت‌الله دهشت درخواست کردند که گروهی به نام گروه تبلیغی حوزه علمیه مشهد را تشکیل دهد و طلبه‌ها را برای اعزام به عموم شهرها و روستاهای خراسان و تبلیغ نظام جمهوری اسلامی بسیج کند. کار سازمان‌دهی به طلبه‌ها و توجیه کردن آنها و نحوه پاسخگویی به سؤالات مردم آغاز شد. من با اینکه سن کمی داشتم اما کارهای اجرایی را سامان‌دهی می‌کردم.

آقای دهشت از من خواستند که به کمک ایشان بروم. عمده کارهای اجرایی سامان‌بخشی به کارهای اعزام مبلغین و طلبه‌های حوزه علمیه مشهد بر عهده من بود، با مدیریت ایشان و حضور عده زیادی از روحانیون این کار عظیم تبلیغی شروع شد که این اقدام نمونه و الگویی برای سایر مراکز بود.

به نظر من این حرکت تبلیغی یک کار بدیع و بی‌نظیر بود. گزارش‌هایی که از سایر نقاط می‌رسید، حاکی از آن بود که فعالیت‌های تبلیغی حوزه مشهد فاصله زیادی با کارهای تبلیغی حوزه علمیه قم در ابتدای انقلاب نداشت. هیچ شهر و روستایی نبود که در آن مجموعه تبلیغی تشکیل نشده باشد و همه‌پرسی جمهوری اسلامی با عزت و استواری انجام شد. کار هسته‌ای که تشکیل شد تا قبل از اینکه جهاد سازندگی تشکیل شود ادامه داشت. طلبه‌هایی که پیش از این برای تبلیغ به روستاها و شهرهای مختلف خراسان اعزام می‌شدند، کار امداد رسانی و عمرانی را شروع کردند. آن زمان پروژه‌های عمرانی زیادی توسط آقای دهشت در روستاها اجرا شد. یادم می‌آید برخی از مهندسان به صورت داوطلبانه نزد آیت‌الله دهشت آمده بودند و برای کمک‌رسانی به این پروژه‌ها اعلام آمادگی کرده بودند که ایشان نیز هر یک از پروژه‌ها را به یکی از مهندسان سپرده بود. در کنار این مهندسان یک روحانی قرار داشت که کمک‌ها را از خیرین جمع‌آوری می‌کرد و با کمک مردم پروژه‌های عمرانی را تکمیل می‌کردند. برخی کمک‌ها نیز از تجار و خیرین تهران تأمین می‌شد و چیزی به نام بودجه دولتی وجود نداشت اما کارهای مهمی در این مدت انجام شد.

الگو برداری دو سازمان دولتی از فعالیت‌های آیت‌الله دهشت

نهایتاً از حرکت‌های آیت‌الله دهشت دو الگو برای دو سازمان گرفته شد. البته نمی‌گویم انگیزه تشکیل جهاد سازندگی در کشور از اینجا گرفته شد، چرا که نمی‌دانم بازتاب کار ایشان در کشور تا چه حد بود، اما سازمان تبلیغات خراسان و جهاد سازندگی خراسان بعد از حرکت‌های ایشان شکل گرفت. وقتی ایشان دیدند که سازمان‌های رسمی وارد کار شدند، امور را به این سازمان‌ها واگذار کردند و کمک‌ها و امکاناتی را که از سوی مردم جمع‌آوری شده بود را به آنها سپردند.

وقوع جنگ تحمیلی، با اینکه همه نیروهای مردمی به صورت خودجوش آماده حرکت برای حضور در جبهه‌های نبرد بودند، اما جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای حمایت از رزمندگان



ایشان ارتباط فراوانی با اقشار مختلف داشتند و توانستند مراکز خیریه‌ای را تشکیل دهند. چه ویژگی‌هایی از ایشان باعث شده بود که بتوانند در ارتباط با دیگران موفق عمل کنند؟ به نظر من تواضع و بی‌تکلفی آیت‌الله دهشت بود که موجب می‌شد افراد، ایشان را همچون خود ببینند. استاد دهشت بسیار دوستانه و صمیمی با افراد برخورد می‌کند به نحوی که آنان دچار خستگی، تکلف و کمبود نمی‌شدند. این بود که در دل‌های زیادی جا گرفتند.

ایشان توانستند برخی انجمن‌های حمایتی همچون انجمن حمایت از معلولان و بیماران روانی را تشکیل دهند. این انجمن‌ها به صورت مردمی تشکیل می‌شد. یادم است چندین بار همراه با ایشان به آسایشگاه معلولان در ابتدای جاده قوچان رفتیم. بیمارستان خیلی آشفته‌ای بود که هم نیاز به بازسازی ساختمان و هم نیاز به خدمت‌رسانی برای معلولان داشت. برای حمایت از این بیماران، انجمنی تشکیل شد که نسخه پیشین کمیته امداد امام خمینی (ره) بود. پس از تشکیل این کمیته، عده‌ای از همین‌ها تحت پوشش این نهاد قرار گرفتند.

اگر در پایان سخنی دارید، بفرمایید.

فکر می‌کنم یکی از مصادیق آیه «الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» شخص آیت‌الله دهشت باشند. کسانی که دغدغه‌شان این است که پیام مهربانی و رحمت الهی را به مردم برسانند. این رسالت مهم روحانیت است که سعی کنند طعم رحمت الهی را با خدمت کردن و توجه کردن به نیازها و دردهای مردم در ذائقه‌ها قرار دهند و در این راستا نه از کسی انتظار و نه ترسی در دل داشته باشند.

ایشان مبلغ محبت و رحمت پیام الهی بودند و در این مسیر کوشش و تلاش بسیاری داشتند و رنج‌های بسیاری برای خود و خانواده‌شان هموار کردند. از نعمت‌ها و پاداش‌هایی که خداوند به ایشان عطا کردند، این بود که در نسل ایشان فرزندان قرار داد که ان‌شاءالله راه ایشان را ادامه دهند.

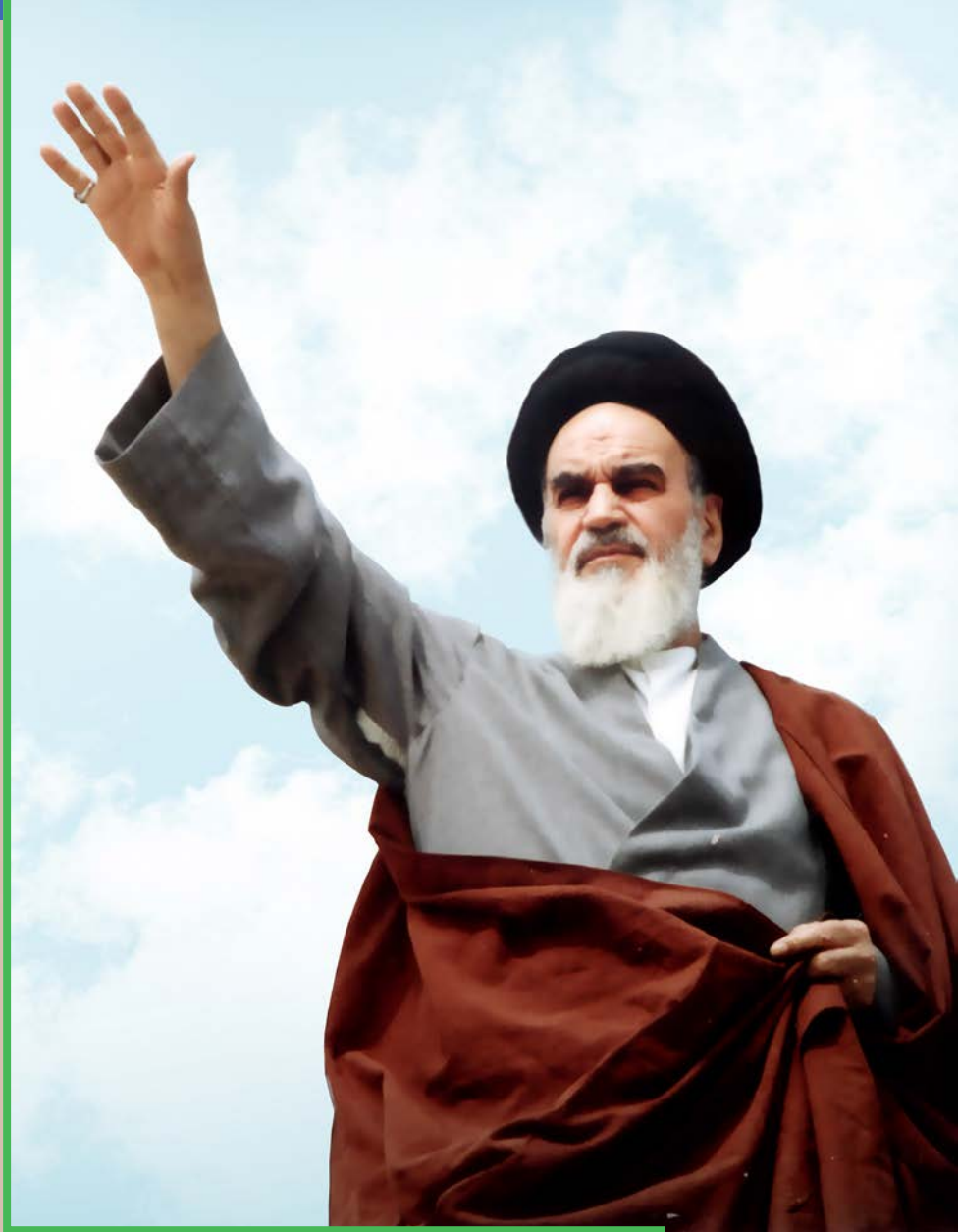
ارتباطشان با مردم بسیار ساده، متواضعانه و بی‌تکلف بود. ایشان بسیار کم‌مؤنه و پرفایده بودند؛ به این معنا که هزینه و توقع بسیار پایینی داشتند و از حیث بهره‌مندی از تمتعات دنیوی و امتیازات در سطح محدودی بودند اما اقدامات فراوانی کرده‌اند.

و جبهه‌ها نیاز به یک چهره خوب و مردمی داشت که بار دیگر ایشان پا در میدان گذاشتند و ستادی با عنوان ستاد جمع‌آوری کمک‌های مردمی و کمک‌رسانی به جبهه و جنگ تشکیل دادند. آنجا هم سرمایه زیادی فراهم شد؛ به صورتی که هر دو روز یک بار تعدادی کامیون آماده می‌شد تا این کمک‌ها را به جبهه‌ها اعزام کند.

بنده تا این مقطع همراه ایشان بودم و به دلیل اینکه مدتی فعالیت‌های حوزوی من متوقف شده بود، مجبور به ترک مشهد و بازگشت به حوزه علمیه قم بودم؛ بنابراین ارتباطم با ایشان ضعیف شد اما متوجه شدم که ایشان وارد کار آموزشی منسجمی شدند و با تشکیل مدارس شهید مطهری در مشهد، مدیریت این مدرسه را بر عهده داشتند. دورادور از موفقیت‌های ایشان کسب اطلاع می‌کردم و مدتی قبل که متوجه شدم ایشان بیمار هستند و توان جسمی‌شان را از دست دادند، در یکی از سفرهایی که به مشهد داشتم محضر ایشان رفتم و عرض خضوع و احترام کردم که این دیدار یادآور خاطرات گذشته شد.

آیت‌الله دهشت چه ویژگی‌های ممتازی داشتند؟

ایشان شخص پرکاری بودند و از کار خسته نمی‌شدند. از دیگر ویژگی‌های ممتاز ایشان وظیفه‌گرایی و مسئولیت‌سناسی بود. آیت‌الله دهشت منتظر نبود کسی کاری را بر عهده ایشان بگذارد، چه بسا در برخی مواقع در انجام وظایف‌شان مورد بی‌مهری قرار می‌گرفتند. با اینکه ایشان یکی از اساتید مبرز و بزرگ حوزه علمیه خراسان بودند، اما شأن استادی برای خود قائل نبودند و ارتباطشان با مردم بسیار ساده، متواضعانه و بی‌تکلف بود. ایشان بسیار کم‌مؤنه و پرفایده بودند؛ به این معنا که هزینه و توقع بسیار پایینی داشتند و از حیث بهره‌مندی از تمتعات دنیوی و امتیازات در سطح محدودی بودند اما اقدامات فراوانی کرده‌اند.



جامعیت شخصیتی آیت‌الله دهشت از دید شما چگونه است؟

باید عرض کنم که در حوزه علمیه برخی افراد به تدریس شهره هستند، برخی در سنگر تبلیغ نقش ایفا می‌کنند، عده‌ای به شئون اجتماعی و مسائل مردم می‌پردازند و برخی سرپرستی و تکفل طلاب را به عهده می‌گیرند، اما آیت‌الله دهشت در همه این ابعاد فعال و موفق بودند. ایشان در زمینه تدریس، تبلیغ، فعالیت‌های اجتماعی، سرپرستی ایتم و مستمندان و سرپرستی طلاب و توجه به نیازهای طلاب و نیازهایی که جامعه به این روحانیون دارد، اهتمام داشتند.

درباره سوابق مبارزاتی ایشان با رژیم ستم‌شاهی چه خاطراتی دارید؟

اگر بخواهیم فهرستی از اسامی انقلابیون شهر مشهد تهیه کنیم، شاید کمتر کسی اسم ایشان را در این لیست قرار دهد و این به دلیل تواضع حاج آقا و دوری وی از شهرت است؛ باید بدانیم که ایشان از انقلابیون قدیمی و هم‌سنگر بسیاری از بزرگان و هم‌مباحثه مقام معظم رهبری بوده‌اند و همیشه با انقلاب، نظام، امام و رهبری همسو بوده و هستند.

در ابتدای حرکت ارزشمند فدائیان اسلام، وقتی شهید نواب صفوی به مهدیه مرحوم عابدزاده مشهد آمده بودند، آقای دهشت از همراهان و ملازمان این شهید بودند. استاد خاطراتی از شهید نواب صفوی و حضور این شهید در مشهد نقل می‌کردند که از زبان خود ایشان شنیدنی است. در واقع شهید نواب صفوی در سفرهایی که به مشهد داشتند با انقلابیون مشهد تماس می‌گرفتند و با علما ملاقات داشتند و تصمیم‌گیری‌هایی برای تقویت نهضت گرفته می‌شد که آیت‌الله دهشت در همه این مراحل حضور داشتند. آیت‌الله دهشت تلاش داشتند تا جامعه قبل

تقویت نهضت امام (ره) با حرکت تبلیغی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین مهدوی، رئیس جامعه المصطفی العالمیه مشهد است. در این گفت‌وگو وی به برخی از ابعاد شخصیتی این استاد ارجمند اشاره می‌کند که متن آن به شرح ذیل است.

۵۶

دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا

آشنا نیستند؛ این بزرگان گمنامی را دوست دارند و این خصیصه از صفات متقین است که خمول و گمنامی را از شهرت بیشتر می‌پسندند. اگر حاج آقا دهشت می‌خواست، می‌توانست آنچه که توان دارد برای توسعه زندگی شخصی خود و خانواده به کار گیرد، اما این کار را نکرد و به همین دلیل مورد اعتماد همه طبقات اجتماعی است و چنین امری به راحتی امکان‌پذیر نیست. ایشان مصلحت را به تأسی از پیامبر اکرم(ص) و حضرت امیرالمؤمنین(ع) در این می‌بینند که آنچه دارند، نه برای گسترش زندگی خود، بلکه برای رفاه جامعه به کار گیرند و باید تلاش کنیم برای قدردانی از این گونه شخصیت‌ها که برای شهرت خود هیچ قدمی برنداشته‌اند نکوداشت برگزار کنیم؛ زندگی حاج آقا و شخصیت‌های فداکار دیگر می‌تواند الگوی جامعه باشد و باید به‌درستی آنها را معرفی کرد و این همان تجلیل و تکریم از مقام آنهاست. توسعه و ترویج سبک زندگی فردی و اجتماعی این بزرگان با برگزاری این نکوداشت‌ها بهتر صورت می‌گیرد تا در آینده افراد منش و روش این بزرگان را دنبال کنند و مردم از فعالیت آنها نیز بهره‌مند شوند.

از انقلاب را با آرمان‌های اسلام و امام(ره) همسو کنند و برای دستیابی به این هدف تبلیغ را انتخاب کردند و طلاب جوان را برای روشننگری مردم، نه فقط به مشهد مقدس، بلکه تا روستاهای دور می‌فرستادند و به نوعی روحانیون را برای تبلیغ سازمان‌دهی می‌کردند.

آیت‌الله دهشت تلاش داشتند تا جامعه قبل از انقلاب را با آرمان‌های اسلام و امام(ره) همسو کنند و برای دستیابی به این هدف تبلیغ را انتخاب کردند

در مورد زندگی طلبگی و سبک زندگی ایشان نکته خاصی برای گفتن دارید؟

ایشان برادر بزرگوارى به نام آیت‌الله حائری دهشت داشتند که پدر دو شهید بودند. به طور کلی حاج آقا و برادرشان در اخلاق اجتماعی زیانزد هستند؛ فرقی نمی‌کرد که چه کسی با آنها معاشرت کند؛ یک کودک، بازاری و یا یک استاد دانشگاه اگر با آنها همنشین می‌شد از این دو برادر فیض می‌برد؛ به نظر می‌رسید سطح تعامل‌شان با همه گروه‌های مختلف فکری، سنی و اجتماعی تنظیم شده بود.

اخلاق معاشرتی آنها با مردم زیانزد بود و فرزندان حاج آقا نیز این‌گونه هستند، آنچه که به عقیده من مهم است، این است که ممکن است برخی افراد خوش اخلاق باشند و رفتارشان با مردم عالی باشد، اما اینکه علاوه بر داشتن اخلاق خوب، انسان در قبال مشکلات مردم نیز احساس مسئولیت کند و برای رفع مشکلات مردم وارد میدان شود یک مسئله همگانی نیست و تنها برخی افراد چنین هستند. اخوی بزرگوار حاج آقا نیز این‌گونه بود و حاج آقا که خود فعالیت‌های اجتماعی گسترده‌ای داشتند، ضمن داشتن اخلاق اجتماعی در قبال مشکلات مردم بی‌تفاوت نبودند و به این منظور صندوقی ایجاد کردند تا به نیازمندان وام داده شود.

نکوداشت این‌گونه شخصیت‌ها برای اینکه الگوسازی صورت بگیرد تا چه میزان اهمیت دارد؟

گمنامی ویژگی بارز این دست افراد است و به رغم خدمات بزرگی که دارند طیف بزرگی از جامعه با آنها



برگزاری کلاس‌های فرهنگی برای اصناف

بعد از اینکه وارد این تشکیلات شدم، با توجه به سابقه فرهنگی خود و نوع فرهنگ راننده‌های قبل از انقلاب و مطالبات جامعه از یک راننده خدمات شهری، تصمیم گرفتم از میان دانشگاهیان یک هیئت مدیره قوی برای سازمان انتخاب کنم؛ مرحوم دکتر سعیدی و مرحوم دکتر خواجه‌ویان و آقای سید علوی از افراد شاخصی بودند که برای مشاوره در شرکت اتوبوسرانی از آنها استفاده کردم، بعد از اینکه آنها با فضا آشنا شدند، این پیشنهاد را مطرح کردند که باید فعالیت فرهنگی انجام داد؛ فعالیت‌هایی که بعدها موجب شد افکار و رفتار راننده‌ها ۱۸۰ درجه تغییر پیدا کند.

بنده در آن جلسه از آقای دهشت نام بردم؛ چون آشنایی من با ایشان از زمانی بود که مرحوم فلسفی از مسجد لرزاده تهران به مسجد شهدای مشهد آمدند و نماز ظهر را در آن مسجد می‌خواندند. یک روز از درب مسجد که وارد شدم، پله‌های سمت چپ نظرم را جلب کرد و از روی کنجکاو پله‌ها را بالا رفتم و به اتاقی رسیدم و مشاهده کردم که این اتاق یک مرکز فرهنگی است که کتابخانه‌ای در آن وجود دارد و عده‌ای از علما در آن مشغول فعالیت هستند، آقای دهشت مدیر این مجموعه بودند.

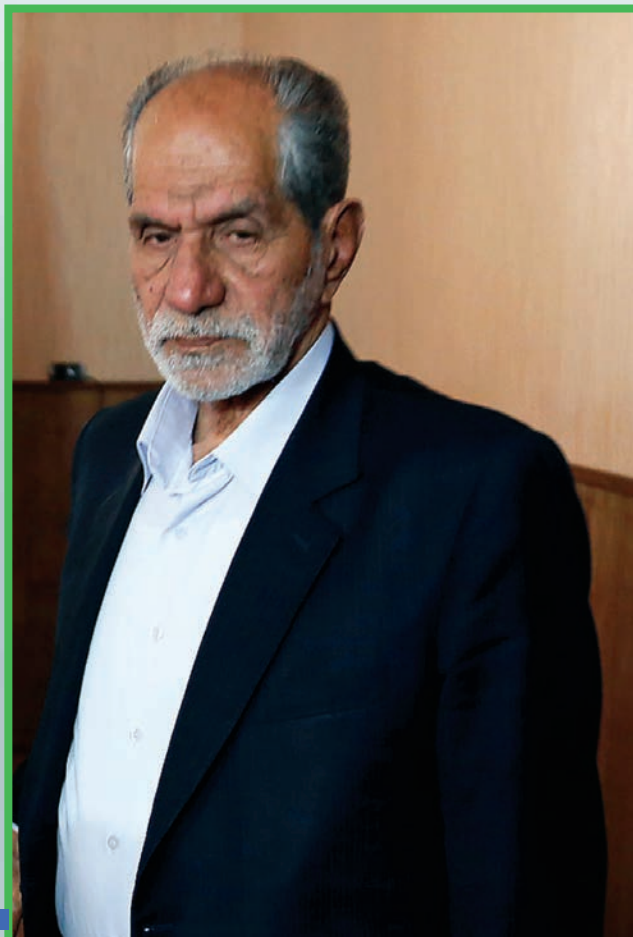
البته یادآوری کنم که قبل از انقلاب با ایشان آشنایی داشتم و بعد از انقلاب نیز از محضر حاج آقا استفاده می‌کردم، در نتیجه می‌دانستم جایگاه مهمی دارند و می‌توانند در سازمان ما تاثیرگذار باشند.

از ایشان برای شرکت در جلسه هیئت مدیره سازمان دعوت کردم و حاج آقا پیشنهاد دادند که برای راننده‌ها کلاس برگزار کنیم؛ حاج آقا فرهنگی که از دوستان آقای دهشت بود، گفت که منزلی دارم که می‌توان از زیرزمین آن برای تشکیل کلاس‌ها استفاده کرد؛ ایشان با هزینه خود این زیرزمین را آماده کرد و ۲۰۰ صندلی در آن قرار داد و آقای دهشت اساتید مورد نیاز را انتخاب کرد. رانندگان شرکت اتوبوسرانی، دو

اکبر صابری فر شهردار اسبق مشهد است که در کارنامه خود فعالیت‌های فرهنگی زیادی دارد که از آن جمله می‌توان به ابتکار وی در برگزاری کلاس‌های ویژه رانندگان اتوبوس‌های واحد در دوره مسئولیت در سازمان اتوبوسرانی مشهد مقدس در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اشاره کرد؛ اقدامی که به گفته او نتایج بسیار خوبی به همراه داشت.

آقای صابری فر، سابقه آشنایی شما با آیت‌الله دهشت به کجا و چه زمانی بازمی‌گردد و اولین جرعه همکاری با ایشان از کجا شکل گرفت؟

در ابتدا باید عرض کنم که بنده در زمان اولین استاندار بعد از انقلاب خراسان، عضو شورای اسلامی شهر بودم و اولین سمتی که در کار اجرایی پذیرفتم، مدیریت شرکت اتوبوسرانی مشهد بود و از ۱۶ تیرماه سال ۵۸ رسماً این مسئولیت را به عهده گرفتم.



۵۸

دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا



وقتی مشهد خدمت آیت‌الله واعظ طبسی و آقای جنتی، استاندار وقت رسیدید از قول من به آقایان بگویید «آقای دهشت گوهری گران بها در مشهد است، از وجود ایشان استفاده کنید».

حدی راننده‌ها را متحول کرد که گفتند، ما پیرو خط امام (ره) هستیم و اجازه نمی‌دهیم در اتوبوس‌ها عکسی جز عکس امام (ره) نصب شود.

با دفتر آیت‌الله طبسی مکاتبه‌ای صورت گرفت و برای ما از دفتر امام (ره) وقت گرفتند تا در روز مشخصی به دیدار ایشان برویم، از آنجایی که خدمت‌رسانی به مردم نباید مختل می‌شد به این نتیجه رسیدیم که هر کدام از شیفت‌ها که برنده قرعه‌کشی شود، شیفت دیگر باید به اندازه دو شیفت به مردم خدمت‌رسانی کند تا مشکلی در حمل و نقل ایجاد نشود، حدود ۱۵ اتوبوس از کارکنان و راننده‌های شرکت اتوبوسرانی از مشهد و از طریق جاده شمال برای دیدار از حضرت امام (ره) به سمت

شیفت کار می‌کردند، قرار شد کسانی که شیفت صبح هستند عصرها به کلاس بیایند و شیفت عصری‌ها صبح در کلاس حاضر شوند و حضورشان نیز در کلاس به عنوان ساعت کاری محسوب شود، این کلاس‌ها ۱۵ روزه بود و برای اینکه تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد آن را با حضور ۵۰ نفر برگزار کردیم. آقای دهشت بدون چشمداشت مادی اعلام کردند تا هر زمان بخواهید من در این کلاس‌ها حاضر می‌شوم.

ما گروه گروه، راننده‌ها را در این کلاس‌ها آوردیم و برنامه‌ریزی‌ها مشخص شد. به یاد دارم کار را برای آنها از «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» شروع کردیم؛ چرا که واقعا راننده‌ها نسبت به مسائل مذهبی آشنایی نداشتند. بعد از ۱۵ روز از آنها امتحانی می‌گرفتیم و به قبول شدگان گواهی‌نامه داده می‌شد و کسانی که تجدید می‌شدند در یک دوره ۱۵ روزه دوباره شرکت می‌کردند.

روزی راننده‌ها از من درخواست کردند که آنها را به دیدار امام (ره) ببرم؛ عجیب بود که این کلاس‌ها تا این حد آنها را متحول کرده بود. این نکته را هم یادآور شوم که آن زمان منافقین تبلیغات گسترده‌ای می‌کردند و اتوبوس بهترین مکان برای یارگیری آنها بود؛ این کلاس‌ها به

تهران حرکت کردند. به هر شهری که می‌رسیدیم، جمعیت در میدان شهر میتینگ بزرگی برگزار می‌کردند و آقای دهشت و دیگران برای مدت کوتاهی هدف از این مسافرت را برای مردم شهر تبیین می‌کردند.

یک روز قبل از روز دیدار با امام(ره) به تهران رسیدیم و به زیارت حضرت معصومه(س) رفتیم. روز بعد خدمت امام(ره) رفتیم؛ ایشان آن روز سخنرانی عجیبی داشتند و در آن دیدار فرمودند که جبهه ملی مرتد است؛ این سخنرانی فصل جدیدی برای انقلاب بود. بعد از اینکه از منزل امام(ره) آمدیم، با خود گفتم کاش تلفنی وجود داشت تا به مراکز فرهنگی تهران زنگ می‌زدیم تا بیانات امام(ره) را منعکس کنند ولی با کمال تعجب دیدم بنرهای بزرگی در وسط شهر نصب شده و این جمله امام(ره) که جبهه ملی مرتد است بر آنها نقش بسته است.

این سفر تاثیرات بزرگی بر راننده‌ها داشت، ظهرها راننده‌ها در نماز جماعت شرکت می‌کردند و پیشنهاد کردند که در جلوی اتوبوس‌هایشان یک طرف کلمه «فقط»، یک طرف کلمه «خط» و در بالا کلمه «امام» نوشته شود و عکس ایشان نیز جلوی اتوبوس‌ها قرار بگیرد. از آن روز به بعد اتوبوس‌ها دیگر محلی برای فعالیت گروه‌های منحرف نبود.

آقای دهشت می‌گفتند که به من خبر داده‌اند وقتی یک روحانی از خیابان عبور می‌کند، اتوبوس‌ها به احترام او می‌ایستند تا این روحانی از عرض خیابان عبور کند.

شما بعد از اتوبوسرانی مسئولیت شهرداری مشهد را بر عهده گرفتید، در شهرداری چگونه از رهنمودها و مشورت‌های آقای دهشت استفاده می‌کردید؟

باید تأکید کنم که ارتباط من در این سال‌ها با حاج آقا قطع نشد، برای اینکه از تعلیمات ایشان استفاده شود در سخنرانی‌ها از حاج آقا استفاده می‌کردیم، تا اینکه در سال ۶۰ شهردار مشهد شدم و برای کارکنان شهرداری نیز کلاس‌هایی با حضور حاج آقا و علمای دیگر مشهد برگزار کردیم.

حاج آقا بدون اینکه حق‌الزحمه‌ای از ما بخواهند، با برای ایاب و ذهاب مبلغی از ما بگیرند، به ما لطف داشتند و در طول دو دوره مدیریت شهرداری همواره از راهنمایی‌های ایشان استفاده می‌کردم؛ نکته مهم اینکه ایشان انتقادات خود را به صورت مستقیم به من منتقل می‌کردند.

خاطره جالبی که مربوط به آن سال‌ها و برای مخاطبان شنیدنی باشد، به ذهن دارید؟

یکی از خاطره‌های جالب مربوط به درخواست حاج آقا از مقام معظم رهبری و جمله معظم‌له در مورد ایشان است؛ در دوره دوم مسئولیتیم در شهرداری، قرار بود برای ارائه گزارش خدمت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برسم، آقای دهشت به من فرمودند که به ایشان سلام برسان و بگو با کتاب‌هایی که از دوران تحصیل نزد من مانده چه کار کنم؟ بعد از اینکه خدمت رهبری معظم انقلاب رسیدم و گزارش کار را ارائه کردم، عرض حاج آقا را خدمت ایشان بیان کردم که معظم‌له فرمودند که به ایشان بگویید اختیار کتاب‌ها دست شماست، هر کار صلاح دانستید انجام دهید. ایشان همچنین فرمودند که وقتی مشهد خدمت آیت‌الله واعظ طبسی و آقای جنتی، استاندار وقت رسیدید از قول من به آقایان بگویید «آقای دهشت گوهری گران‌بها در مشهد است، از وجود ایشان استفاده کنید».

از آنجا که باید مطالب را درست منتقل می‌کردم، عین جملات ایشان را نوشتم و بلافاصله بعد از ورود به مشهد خدمت آیت‌الله واعظ طبسی رسیدم و فرمایش را به ایشان رساندم.

این فرمایش مقام معظم رهبری در مورد آقای دهشت همیشه در خاطر من خواهد ماند.

در پایان باید عرض کنم که حقیقتاً آقای دهشت معلم دلسوزی برایم بود و از خداوند متعال برای ایشان سلامت و طول عمر خواستارم.

معلم اخلاق تمام جلسات مذهبی مشهد

استاد حاج شیخ غلامرضا
دهشت

۶۱

بزرگان و پیشکسوتان جلسات مذهبی مشهد خود را مدیون و مرهون زحمات و آموزه‌های این استاد گرانقدر می‌دانند که نتایج مهم و بزرگ کارهای ایشان را در همه جای شهر می‌بینیم.

اکبرزاده خاطر نشان کرد: در زمان جنگ حاج آقای دهشت اهتمام خاصی در رسیدگی به وضعیت رزمندگان و سرکشی و روحیه دادن به نیروهای حاضر در جبهه داشتند؛ به نحوی که در بسیاری از سفرهای ما به مناطق جنگی در دوره دفاع مقدس ایشان به مناطق دوردست می‌رفتند و به نیروهای حاضر در صحنه رسیدگی می‌کردند و روحیه می‌دادند.

وی اضافه کرد: به خاطر دارم که در یکی از سفرهای ایام جنگ، به یک منطقه تازه آزاد شده در کردستان رفتیم که در ارتفاع بسیار بالایی قرار داشت و کوهستانی و سرد بود. هنگامی که ما به مقر نیروهای خودی رسیدیم، با اینکه ساعت ۳ بعد از ظهر بود، اما آنچنان هوا سرد بود که رزمندگان ما نتوانسته بودند یخ‌های حوضی را که در آنجا وجود داشت، بشکنند و وضو بگیرند.

این مداح پیشکسوت تصریح کرد: در چنین شرایطی حاج آقای دهشت سال‌های متمادی در جبهه‌ها حضور داشتند و حتی در مناطق بسیار خطرناک به رسیدگی و سرکشی به احوال رزمندگان می‌پرداختند.

اکبرزاده تصریح کرد: پس از اتمام دفاع مقدس ایشان عمده تلاش خود را متمرکز بر رسیدگی به نیازمندان و کارهای خیر و برگزاری جلسات مذهبی در سطح مشهد کردند که امروز می‌توانیم نتایج مهم و بزرگ کارهای ایشان را در همه جای شهر ببینیم.

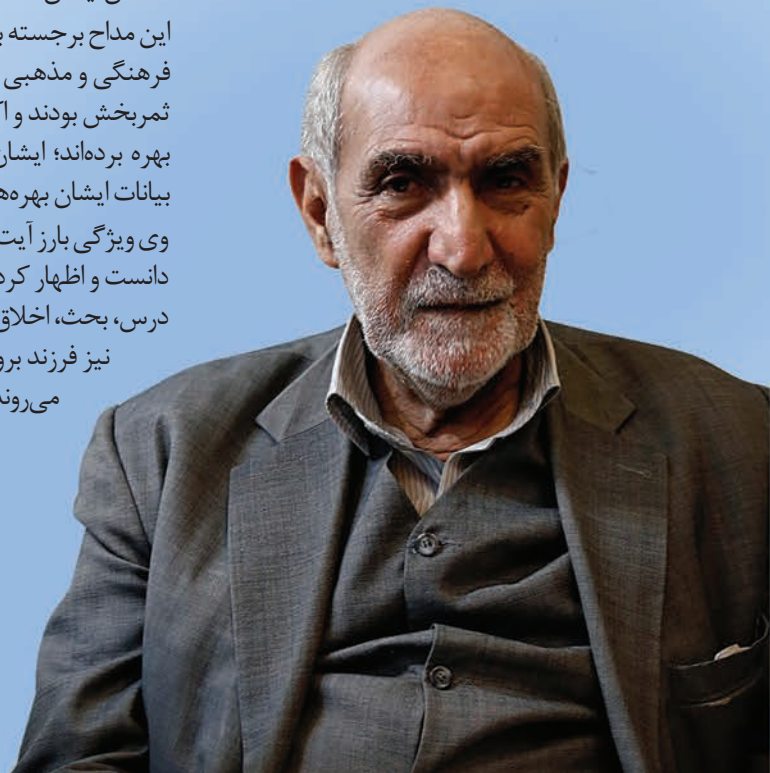
وی با اشاره به تأسیس مجتمع «بنی فاطمه» با محوریت آیت‌الله دهشت خاطر نشان کرد: این مجتمع از سال ۱۳۷۲ با درایت ایشان تأسیس شد و ایشان از همان سال رئیس هیئت مدیره بودند و به جرئت می‌توان گفت که علت وجودی مجتمع بنی فاطمه حضور شخص ایشان است.

این مداح برجسته به تأثیر مکارم اخلاقی آیت‌الله دهشت در جلسات فرهنگی و مذهبی اشاره کرد و گفت: ایشان در تمام جلسات مشهد ثمربخش بودند و اکثر مداحان با سابقه مشهد از درس اخلاق ایشان بهره برده‌اند؛ ایشان نقش مشوق را برای ما ایفا می‌کردند و ما از بیانات ایشان بهره‌های زیادی می‌بردیم.

وی ویژگی بارز آیت‌الله دهشت را علم و اخلاص و مردمی بودن ایشان دانست و اظهار کرد: در بین تمام مذهب‌یون و اهالی جلسات مذهبی درس، بحث، اخلاق و اخلاص ایشان زبان زد بود و خوشبختانه امروز نیز فرزند برومند ایشان از منبری‌های معروف مشهد به‌شمار می‌روند.

محمد امین اکبرزاده، مداح پیشکسوت اهل بیت(ع)، در خصوص شروع آشنایی خود با آیت‌الله دهشت اظهار کرد: آشنایی من با حاج آقا به قبل از پیروزی انقلاب و حدود سال‌های ۵۰ یا قبل از آن برمی‌گردد؛ ایشان در آن زمان شخصیتی معروف و مشهور در حوزه علمیه بودند و بین اهالی منبر نیز بسیار شناخته شده بودند.

این مداح پیشکسوت خاطر نشان کرد: ارتباط ما با ایشان در تمام دوران انقلاب و مبارزه با شاه و پس از آن در دوران دفاع مقدس ادامه پیدا کرد و ما همواره از محضر ایشان استفاده می‌کردیم.



تشویق مردم به ادای تکلیف الهی

تکالیف دیگری را باید انجام داد، آیت‌الله دهشت تلاش کردند تا مردم به وظایف خود در لحظه مقتضی عمل کنند

دوران دفاع مقدس

در دوران دفاع مقدس حاج آقا دهشت نقش ارزشمندی برای کمک به جبهه‌ها داشتند، دشمن علاوه بر هجوم نظامی می‌خواست که فضا را در کشور به گونه‌ای تغییر دهد تا مردم برای جنگ احساس تکلیف نکنند. امام خمینی (ره) به صورت شفاف و روشن شرکت در جنگ را یک تکلیف شرعی دانستند اما لازم بود علما و روحانیون نیز وارد میدان شوند تا مردم باور کنند که حضور در جبهه

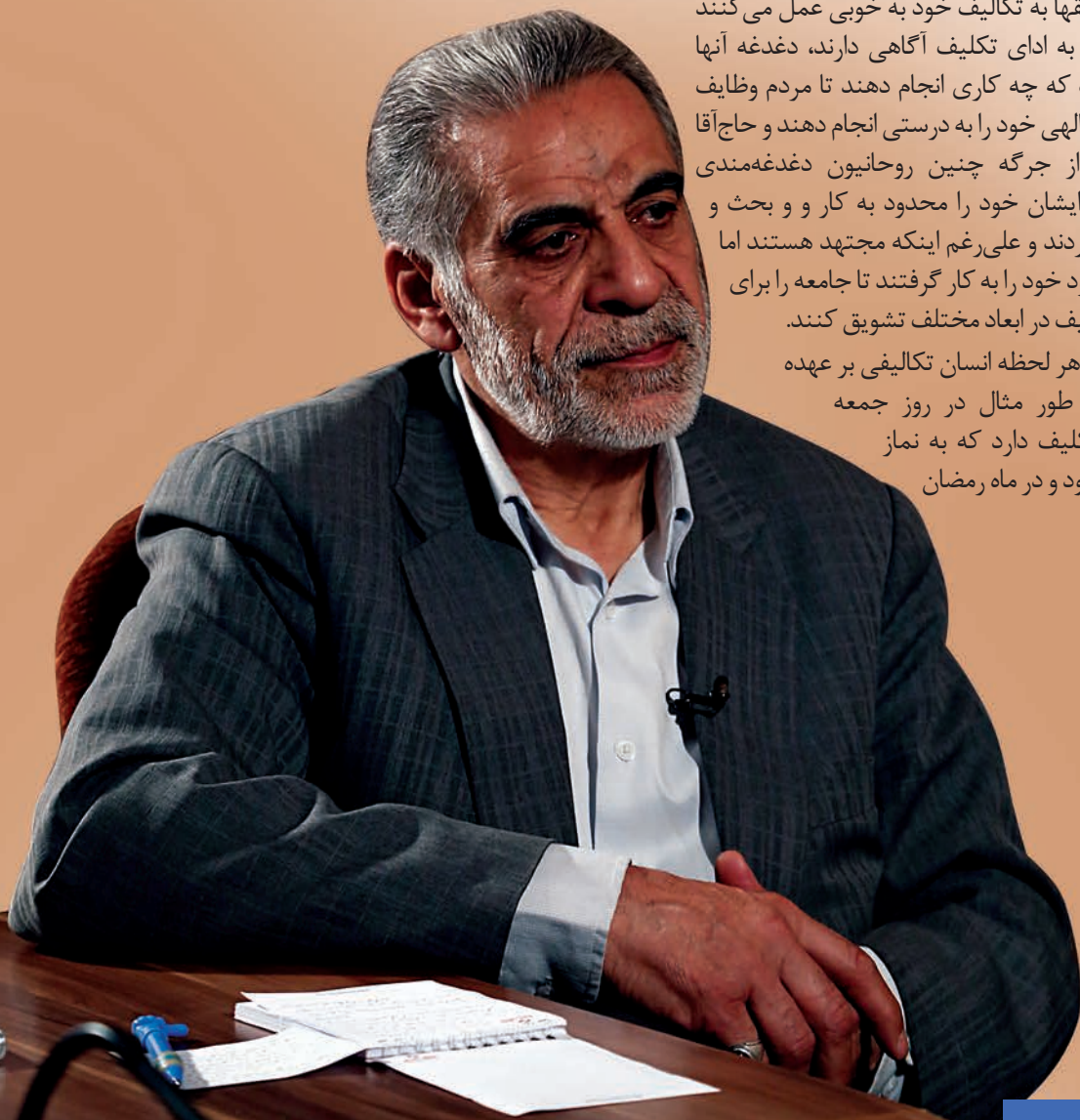
محمدحسن آذرنیوا رئیس هیئت رزمندگان خراسان رضوی است و در دوران دفاع مقدس نیز مدتی مسئولیت ستاد پشتیبانی جنگ در استان خراسان را برعهده داشته است. متن ذیل حاوی گفت‌وگو با ایشان درباره فعالیت آیت‌الله دهشت در دوران دفاع مقدس است.

محمد حسن آذرنیوا، رئیس هیئت رزمندگان خراسان رضوی است و در دوران دفاع مقدس نیز مدتی مسئولیت ستاد پشتیبانی جنگ در استان خراسان را برعهده داشته است

علما و فقها به تکالیف خود به خوبی عمل می‌کنند و نسبت به ادای تکلیف آگاهی دارند، دغدغه آنها این است که چه کاری انجام دهند تا مردم وظایف شرعی و الهی خود را به درستی انجام دهند و حاج آقا دهشت از جرگه چنین روحانیون دغدغه‌مندی هستند. ایشان خود را محدود به کار و بحث و درس نکردند و علی‌رغم اینکه مجتهد هستند اما همه وجود خود را به کار گرفتند تا جامعه را برای ادای تکلیف در ابعاد مختلف تشویق کنند. هر روز و هر لحظه انسان تکالیفی برعهده دارد، به طور مثال در روز جمعه انسان تکلیف دارد که به نماز جمعه برود و در ماه رمضان

۶۲

دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا



هیئت را جمع کردیم و از حاج آقا خواستیم که برای آنها سخنرانی کنند، ایشان فرمودند که حضرت امام (ره) تاکید داشتند وصیت نامه شهدا را بخوانید و برای من این مسئله مبهم بود که چه امری موجب شده تا امام (ره) چنین تأکیدی داشته باشند، به این نتیجه رسیدم شهدای ما شب عملیات همانند شهدای کربلا حجابها از مقابل چشمشان کنار می‌رفت و به نورانیت درونی می‌رسیدند و مطالبی را می‌نوشتند که ممکن است یک عالم که ۲۰ سال در حوزه درس خوانده است نتواند این مطالب را بنویسد.

آیت الله دهشت برای کمک به جبهه‌ها از تجار و بازاریان کمک می‌گرفتند و ارتباط خوبی با آنها داشتند، چگونه می‌توانستند این کمک‌ها را جذب کنند؟

جایگاه ایشان در بین مردم برجسته بود و مردم به این نتیجه رسیده بودند که سخنان حاج آقا برای آنها تکلیف ایجاد می‌کند، لذا فردی می‌گفت که اگر نمی‌توانم به جبهه بروم می‌توانم جرثقیل خود را برای کمک به جنگ به جبهه بفرستم یا یک کارخانه‌دار که امکان رفتن به جبهه نداشت برای کمک به جبهه‌ها از تولیدات کارخانه خود استفاده می‌کرد و از همه استعدادها موجود شهر حاج آقا استفاده می‌کردند و هر صنفی را با تناسب توانایی و نیز نیروی انسانی بررسی و سپس از امکانات صنوف برای کمک به جبهه‌ها استفاده می‌کردند.

آن زمان ایشان این نگاه را نداشتند که حجم زیادی از امکانات را به جبهه‌ها بفرستیم، حاج آقا معتقد بودند هر کسی به نوبه خود با کمک به جبهه از این فیض عظمی بهره ببرد، رفتن و کمک به جبهه فیض الهی بود، ایشان می‌خواستند هر فردی با هر توانی از این فیض الهی محروم نشود.

ما در جبهه نیاز به امکانات فراوان داشتیم، ما در مشهد همه نیازهای جبهه به جز سلاح‌های جنگی را تامین می‌کردیم و افرادی را نیز برای خدمات پشتیبانی از جنگ به جبهه‌ها اعزام می‌کردیم.

در پایان اگر نکته‌ای دارید بفرمایید.

ما مسلمان هستیم و هر لحظه باید تکلیف خود را انجام دهیم، ما باید به محضر علما برسیم و ادای تکلیف کنیم، باید رفتار و کردار خود را با علما هماهنگ کنیم.

و کمک به رزمندگان یک تکلیف است. آیت الله دهشت خود در مناطق جنگی و اهواز حضور پیدا می‌کرد و این حضور برای طلبه‌ها این پیام را با خود به همراه داشت که وقتی استاد آنها در جبهه حضور می‌یابد طلبه‌ها نیز نباید خود را از فیض الهی و حضور در جبهه محروم کنند.

امام خمینی (ره) به صورت شفاف و روشن شرکت در جنگ را یک تکلیف شرعی دانستند اما لازم بود علما و روحانیون نیز وارد میدان شوند تا مردم باور کنند که حضور در جبهه و کمک به رزمندگان یک تکلیف است. آیت الله دهشت خود در مناطق جنگی و اهواز حضور پیدا می‌کرد و این حضور برای طلبه‌ها این پیام را با خود به همراه داشت که وقتی استاد آنها در جبهه حضور می‌یابد، طلبه‌ها نیز نباید خود را از فیض الهی و حضور در جبهه محروم کنند.

من مسئول پشتیبانی جنگ بودم، نیازهای جبهه‌ها را اعلام می‌کردم و کمک‌های مردمی آماده می‌شد، حتی در جلسات مذهبی نیز ایشان سخنرانی‌های تاثیرگذاری داشتند که باعث می‌شد صنوف مختلف برای کمک به جبهه‌ها از همدیگر گوی سبقت را برابند. جذب و هدایت کمک‌های مردمی ابعاد مختلفی دارد و یکی از ابعاد آن اقتصادی است، بُعد مهم‌تر مسئله شرعی است، به این معنا که انسان برای مسئله آخرت خود کمک کند، مردم با کمک خود به جبهه‌ها به دنیا نشان دادند که نظام و امام (ره) را قبول و جنگ را باور دارند.

آیت الله دهشت برای تک تک مردم یک حجت هستند، مردم با هدایت ایشان در ستاد پشتیبانی جنگ برای جبهه ثبت‌نام می‌کردند و عازم جبهه‌ها می‌شدند، در لشکر یگان‌های مختلفی مستقر بود، تیپ‌ها و گردان‌ها و دسته‌های مختلف وجود دارد، در لشکر مراکز پشتیبانی متعددی وجود دارد و همه این مراکز به روحانی نیازمند بودند و زمانی که حاج آقا دهشت به اهواز می‌رفتند طلبه‌های جوان به تاسی از ایشان به جبهه‌ها می‌آمدند، حضور ایشان در جبهه‌ها همراه با خیر و برکت بود.

من مسئول پشتیبانی جنگ بودم و مسئولان و متولیان

معتد حوزه و بازار

علما و روحانیون همواره با استفاده از نفوذ کلام خود و بهره‌گیری از میزان اعتمادی که مردم به ویژه صنف بازاریان و تجار به آنها داشته‌اند، همواره توفیقات بسیاری داشته‌اند.

وقتی زندگی آیت‌الله دهشت را مرور می‌کنیم، می‌بینیم که ایشان همواره در بین تجار و سرمایه‌داران مشهد از جایگاه بالایی برخوردار بوده و بسیاری از فعالیت‌های ایشان قبل از پیروزی انقلاب و نیز بعد از آن، به ویژه در عرصه پشتیبانی از جبهه‌ها و فعالیت‌های خیرخواهانه، با کمک این قشر صورت گرفته است.

حاج حسین سقاء رضوی از دوستان قدیمی آیت‌الله دهشت است؛ در همان نگاه اول نام خانوادگی ایشان دل را به سمت حرم حضرت رضا(ع) می‌برد؛ خانواده سقای رضوی از خانواده‌های مذهبی و اصیل مشهد هستند، در واقع جد ایشان به عنوان سقا در حرم رضوی به زائران امام هشتم خدمت می‌کرد.

مجتمع توانبخشی شهید فیاض‌بخش مشهد که در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین مراکز توانبخشی ایران است، به همت و با هدایت‌های آیت‌الله دهشت تأسیس شده است. جواد سقاء رضوی، رئیس هیئت مدیره این مجتمع نیز در این گفت‌وگو درباره نقش استاد دهشت در تأسیس این مجتمع و نیز دیگر فعالیت‌های وی صحبت کرد.

پرسش و پاسخ با این دو برادر بزرگوار در مورد ویژگی‌های آیت‌الله دهشت را در زیر بخوانید.

تجار و بازاریان، هم قبل از پیروزی انقلاب و در دوران نهضت حضرت امام(ره) و هم پس از پیروزی انقلاب به ویژه در دوران دفاع مقدس و نیز در انجام فعالیت‌های خیرخواهانه همواره حضور داشته و دین خود را به انقلاب ادا کرده‌اند، البته نکته مهم، درایت در هدایت این سرمایه‌ها به نفع انقلاب و نظام اسلامی است.



۶۴

دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا

روحي در كودكي اثر خاصي مي گذارد، اينجانب نيز از كودكي با چهره محبوب ايشان كه نگاه دوستانه‌اي به همگان داشت، آشنا بودم؛ هنگامي كه به سنين نوجواني رسيده و به عرصه اجتماعي وارد شدم، ارتباط بيشتري با ايشان يافتم.

از او ايل شروع پيروزي انقلاب اسلامي، جلسات مختلف قرآن به همراه آموزش تفسير قرآن برگزار مي شد و در تمام اين موارد، آيت الله دهشت نقش راهبردي داشت و در آن زمان كه حركت هاي انقلابي شروع شده بود، مشورت هايي كه با ايشان انجام مي شد، نقطه عطف بيشتري براي اينجانب و اخوي هاي ديگر بود.

سال هاي ابتدای انقلاب شما فرزند ارشد خود را به مدرسه شهيد مطهري فرستاديد، با توجه به شرايط خانوادگي شما، علت انتخاب اين مدرسه چه بود؟

آقاي دهشت در سال هاي ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ به عنوان نماينده آيت الله امامي كاشاني توليت مدرسه شهيد مطهري مشهد را به عهده گرفتند و اين مدرسه را در سطح دبيرستان و دانشگاه در مشهد تاسيس كردند و من نيز جزء هيئت امنای اين مدرسه بودم.

در آن دوران افراد مذهبي علاقه مند بودند فرزندان شان را در دبيرستان و دانشگاه مدرسه شهيد مطهري ثبت نام كنند؛ البته شرايط سختي براي پذيرش معين شده بود. بر همين اساس فرزند بنده نيز در اين مدرسه ثبت نام و تحصيل كرد و اكنون كه قريب به ۳۰ سال از تاسيس مدرسه گذشته است بيش از ۱۵ دوره فارغ التحصيل داشته است و اين فارغ التحصيلان در جامعه مشغول به خدمت هستند.

حاج آقاي دهشت ميآن تجار و بازاریان مشهد جايگهي ویژه داشته و دارند و مي دانيم كه جلب اعتماد سرمايه داران و بازاریان كار آساني نيست، اينكه يك روحاني با كلام و رفتار خود بتواند اعتماد اين صنف را جلب كند، امر مهمي است؛ چگونه ايشان چنين كار بزرگي انجام دادند؟

ايشان از سال هاي قبل از پيروزي انقلاب رابطه خوبي با حوزويان و بازاریان داشتند و مورد وثوق آنها بودند و از طرفي در اكثر اين كارهاي خير خواهانه نياز به سرمايه بود و اعتماد ميآن تجار و حاج آقا باعث شده بود كه آنها براي كمك به محرومان وارد ميدان شوند.

نحوه آشنایي شما با حاج آقا دهشت چگونه بود؟

حاج حسين سقاء رضوي: آشنایي من با ايشان به قبل از سال ۱۳۴۰ بازمي گردد؛ من در آن سال ها در محافل و جلسات ايشان حضور پيدا مي كردم و اين سبب آشنایي شد. در او ايل نهضت امام (ره)، من و دوستانم با مشاوره آقاي دهشت و ساير اساتيد حوزه، مقلد امام (ره) شديم.

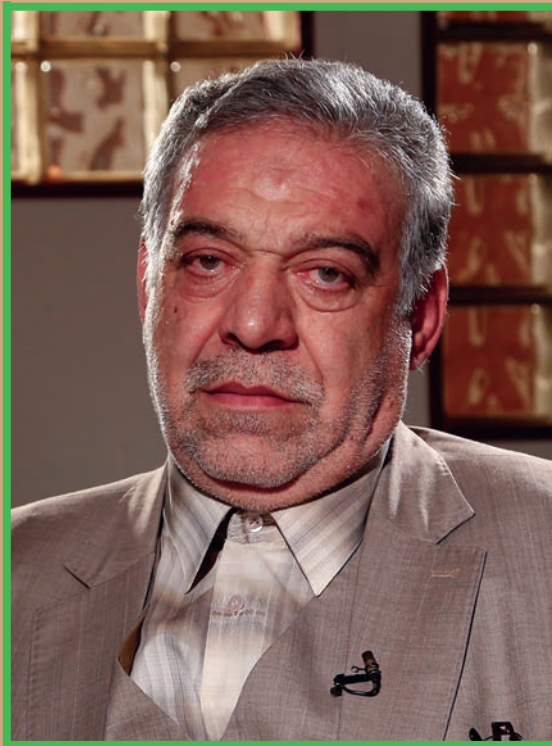
در سال هاي دهه ۵۰ آقاي دهشت فعاليت هاي تبليغي را با اعزام روحانيون به روستاها از مسجد شهدا شروع كردند و ما نيز در كنار ايشان بوديم، در طليعه پيروزي انقلاب فعاليت هاي فرهنگي ايشان در مساجد و سطح شهر به صورت وعظ و تبليغ بود. بعد از پيروزي انقلاب، ايشان به تاسيس صندوق قرض الحسنه براي ازدواج جوانان اقدام و بعد از شروع جنگ تحميلي هم مركز كمك رسانی به جبهه ها را در مسجد شهدا تاسيس كردند.

ايشان از سال هاي قبل از پيروزي انقلاب رابطه خوبي با حوزويان و بازاریان داشتند و مورد وثوق آنها بودند و از طرفي در اكثر اين كارهاي خير خواهانه نياز به سرمايه بود و اعتماد ميآن تجار و حاج آقا باعث شده بود كه آنها براي كمك به محرومان وارد ميدان شوند.

خانواده سقاي رضوي از سال هاي قبل از پيروزي انقلاب با آيت الله دهشت در ارتباط بوده است، زمينه شكل گيري اين ارتباط از كجا آغاز شد؟

جواد سقاء رضوي: مناسب مي بينم سخن خود را با حديث شريف «زيست نيكو در نيكو زيستن ديگران است» آغاز كنم كه سرلوحه كار آيت الله دهشت بود و اين حديث در صدر سربرگ هاي انجمن حمايت از معلولين كه توسط ايشان تاسيس شده، نگاشته شده است. از همين جايگاه مي گويم كه آيت الله دهشت واقعا اينچنين بود؛ يعني نگاهش براي داشتن زيست نيكو اين بود كه همه بايد خوب زندگي كنند تا او هم خوب زندگي كند.

آيت الله دهشت، نه تنها يك مرد سخنران و منبري بلکه مرد عمل بود. اينجانب در جلسات قرآن كه در منزل پدرم برگزار مي شد، با ايشان آشنا شدم. گاهي اوقات مشاهده مي شود كه بچه ها از حركت و نگاه يك عالم و روحاني خوششان مي آيد و شيفته او مي شوند. از آنجا كه ارتباط



همه چیز بر پایه اخلاص رشد می‌کرد و تمامی کارهای آیت‌الله دهشت از دریچه اخلاص بود و شاید از معدود اشخاصی بودند که به مسائل دنیایی و مالی اصلاً توجه نداشتند

از معلولان آسایشگاه فیاض‌بخش که آن موقع آسایشگاه «عبدالله هنری» نام داشت، با ویلچر به مسجد شهدا آمدند و گفتند که چند معلول آمده‌اند و نمی‌توانند از پله‌ها بالا بیایند و با شما کار دارند. در آن زمان چند تن از روحانیون آنجا حضور داشتند، آنها را به‌سختی بالا آوردند. گفتند که ما در آسایشگاه معلولین هستیم و رؤسای آنجا را که طاغوتی بودند، بیرون کرده‌ایم و سه روز است که گرسنه و تشنه هستیم. آیت‌الله دهشت برآشفتمند و پرسیدند که چه کاری از دست ما برمی‌آید؟ گفتند که شخصی را بفرستید که ما را سرپرستی کند و به ما کمک کند. ایشان با توجه به این که اینجانب قبلاً با اعضای این مرکز مراوده داشتم، فرمودند که به آن مرکز مراجعه کنید و ببینید که مشکل چیست. در این راستا با چند تن از دوستان به آن مرکز مراجعه و وضع را مشاهده کردیم که آن موقع حدود ۸۰ تا ۹۰ معلول آنجا بودند. خدمت آیت‌الله دهشت اوضاع را گزارش دادیم و ایشان گفتند مسئولیت این کار با شماست و باید تدبیر کنید و این مرکز را سامان بخشید، این شروع حرکت اولین مؤسسه‌ای بود که آیت‌الله دهشت آن را تأسیس کردند.

همچنین آیت‌الله دهشت جلسه‌ای تشکیل دادند که با حضور ۶۰ تا ۷۰ نفر از خیران شهر برگزار می‌شد و گفتند که برای این مراکز باید هیئت مدیره تشکیل دهید و این مرکز را راهبری کنید. در آن زمان سه مؤسسه خیریه تشکیل شد، یکی از آنها انجمن حمایت از معلولان بود که اینجانب و تعدادی از دوستان از جمله مرحوم عقیق‌چی، یوسف‌زاده و دخانچی مسئولیت آن را بر عهده گرفتیم.

در راستای تشکیل انجمن حمایت از معلولان، آیت‌الله دهشت دستور دادند که نباید تنها به رسیدگی به آن معلولان اکتفا کنید و خیلی از معلولان هستند که گرفتارند، نیاز به کمک دارند و باید حمایت شوند و آسایشگاه معلولان، پس از شهادت دکتر فیاض‌بخش که اولین رئیس بهزیستی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود، به نام ایشان نام‌گذاری شود.

از کارهای خیلی زیبایی که در این آسایشگاه انجام شد، این بود که آسایشگاه در آن زمان تحت نظر بهداری بود و بودجه آنچنانی نداشت. سازمان بهزیستی که تأسیس شد، آیت‌الله دهشت پیشنهاد دادند که آسایشگاه فیاض‌بخش را تحت پوشش بهزیستی ببریم و با پیگیری ایشان این امر صورت

بہتر است این طور توضیح دهم کہ در این ۵۰ سال کہ با آقای دهشت ہمنشین بودم، وقتی اسمشان در جمعی برده می‌شد همه بہ ایشان اعتماد داشتند و کمک‌ها برای مستمندان سرازیر می‌شد و امروز نیز با اینکه ایشان بہ دلیل مشکلات جسمی کمتر کار می‌کنند اما هنوز مورد اعتماد همگان هستند.

چه امری موجب حصول این اعتماد شد؟

صحت گفتار، منطق و مورد اعتماد بودن بین مراجع و حوزویان از ویژگی‌های حاج آقا است.

مؤسسات و انجمن‌های خیریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه با حمایت آیت‌الله دهشت شکل گرفتند؟

جواد سقاء رضوی: در ۲۴ بہمن‌ماہ یکی از سال‌های اوایل پیروزی انقلاب، در خدمت آیت‌الله دهشت بودم کہ تعدادی

پرداخته می‌شد و معتقد بودند که برای هر کاری هدف‌گذاری لازم است و اول باید موضوع مورد پی‌گیری، نهادینه و مدیریت شود؛ سپس برای رسیدن به هدف تلاش شود.

همه چیز بر پایه اخلاص رشد می‌کرد و تمامی کارهای آیت‌الله دهشت از دریچه اخلاص بود و شاید از معدود اشخاصی بودند که به مسائل دنیایی و مالی اصلاً توجه نداشتند، زمانی که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی به دنبال جایگاه و پست و مقام بودند، آیت‌الله دهشت با این که در آن موقع با افراد و شخصیت‌هایی مرتبط بودند که می‌توانستند امکانات مالی خوبی داشته باشند، اما ذره‌ای در مسائل دنیایی، خواسته‌ای نداشتند و این نوع تفکر و شخصیت بود که آیت‌الله دهشت را محبوب همه دل‌هایی کرده بود که در مسیر کارهای خیر حرکت می‌کردند.

ایشان که عضو هیئت مدیره مرکز حمایت از معلولان بودند، اگر زمانی، جلسه‌ای تشکیل نمی‌شد، پی‌گیری می‌کردند و اخطار می‌دادند. به یاد ندارم در جلسه‌ای با ایشان بوده باشم که وقت نماز شده باشد و ایشان افراد را به برپایی نماز فرخوانده باشند و معتقد بودند که نباید وقت نماز را با هیچ چیز عوض کنیم.

من با این که از کوچکی درس‌هایی در رابطه با توجه به نماز از ایشان دریافت می‌کردم، هنوز نشنیده‌ام که کسی به شیرینی ایشان بتواند به جوانان بگوید که در نماز چگونه حضور ذهن داشته باشند، تمام منبرهای ایشان درس اخلاق بود و سپس به بررسی مسائل روز می‌پرداختند.

از دیگر شاخصه‌های مهم ایشان، عمل به گفته‌هایشان بود، یعنی اگر گاهی در رابطه با مسائل اخلاقی صحبت می‌کردند، کسی نمی‌توانست خلاف آن مورد را در وجود ایشان بیابد.

برخی چهره‌ها مثل حاج آقای دهشت در گمنامی زندگی می‌کنند به نظر شما معرفی چنین شخصیت‌هایی تا چه میزان در بحث الگوسازی در جامعه اهمیت دارد؟

حاج حسین سقاء رضوی: باید از افرادی مثل استاد دهشت که پیوندشان با مردم و جامعه عمیق است و جامعه آنها را الگوی نیکو می‌داند، قدردانی کرد و در زمان حیات این نکوداشت‌ها را داشته باشیم تا دیگرانی که در این مسیر قرار دارند خود را با افراد فرهیخته تطبیق دهند.

پذیرفت. آیت‌الله دهشت مرتب از این مرکز بازدید می‌کردند و خواسته ایشان این بود که نماز جماعت همواره در آن محل برگزار شود.

آسایشگاه فیاض‌بخش در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین مراکز توانبخشی ایران است که به واقع چراغ اولیه آن به این شکل روشن شد. پس از مدتی آیت‌الله دهشت پیشنهاد دادند که انجمن مشارکت‌های خاص برای آسایشگاه تشکیل دهند. به این ترتیب برای آسایشگاه یک شورای مشارکت‌های اختصاصی تشکیل شد. دولت یک سوم و یا یک پنجم هزینه را تأمین می‌کرد و بقیه هزینه‌ها توسط کمک‌های مردمی تأمین می‌شد.

در مورد شخصیت حاج آقا و خاطراتی که از ایشان به ذهن تان می‌آید بفرمایید.

حاج حسین سقاء رضوی: ۵۰ سال مصاحبت با ایشان زمان کمی نیست؛ حاج آقا به آنچه می‌فرمودند، عمل می‌کردند، فردی زاهد و عامل به هر امری بودند و مجسمه‌ای از همه گفتارها و کردارهایی هستند که شرع مقدس از ما می‌خواهد.

مطمئن‌ا در جبهه با حاج آقا بودن با خاطرات زیادی همراه است، کدام یک را به یاد دارید؟

وقتی ایران فاو را فتح کرد، حاج آقا علاقه‌مند بودند که منطقه را از نزدیک ببینند، لذا زیر آتش دشمن با چند اتوبوس خود را به فاو رساندیم، ایشان عقیده داشتند حضور ما در فاو و این مناطق بسیار خطرناک، پشتیبانی از جوانانی است که در منطقه حضور دارند. شب سختی را سپری کردیم، حجم آتش دشمن زیاد بود و پشه‌های گزنده زیادی داشت؛ در فاو نیز ایشان راهنمایی‌های ارزشمندی به ما کردند.

حاج آقا الگویی برای همگان هستند و حتی برای رانندگان، قصاب‌ها و نانوائی‌داران کلاس تشکیل می‌دادند؛ ایشان الگویی برای همه اقشار جامعه هستند و انشاءالله چنین الگوها در جامعه زیاد شوند.

چه اندیشه‌ای در آیت‌الله دهشت موجب شده بود که ایشان نگاه نهادسازانه داشته باشند؟

جواد سقاء رضوی: از نکات بارز آیت‌الله دهشت، برنامه‌ریزی بود که در آن زمان کمتر به این موضوع

خدمات خیر خواهانه آیت الله دهشت

حاج آقای دهشت برای این مجتمع و بسیاری از امور دیگر خارج از آن بسیار زحمت کشیدند، حتی با وجود ناراحتی قلبی که داشتند، منبر ایشان ترک نمی شد و در جریان یکی از این منابر، دچار حمله قلبی شدند که با پیگیری دکتر هاشمیان فوراً جهت درمان به بیمارستان امام زمان (عج) اعزام شدند.

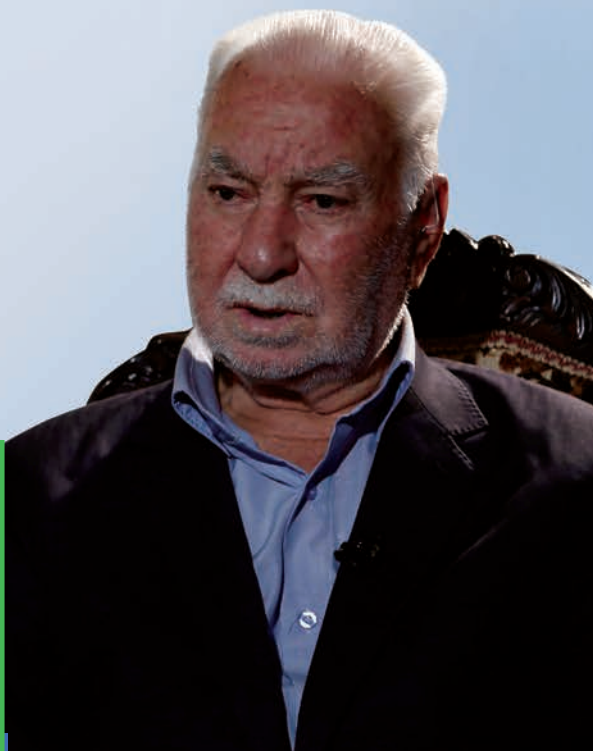
در مسجد «بناها» ایشان مجموعه‌ای از فعالیت‌های خیریه داشتند که هیچ کدام در جایی ثبت و ضبط نشده است

در مسجد بناها ایشان مجموعه‌ای از فعالیت‌های خیریه داشتند که هیچ کدام در جایی ثبت و ضبط نشده است؛ ایشان شخصیتی انقلابی بودند و در امر پیشبرد اهداف انقلاب از هیچ کوششی فروگذار نمی کردند. در دوران جنگ تحمیلی حاج آقای دهشت پایگاهی برای کمک به معاودین عراقی در این مسجد ایجاد کرده بودند. صندوق‌های پس انداز و قرض الحسنه زیادی در این مسجد ترتیب داده شد تا عواید آن صرف امور خیریه شود، تأثیر حضور ایشان در هیئت امنا و هیئت مدیره بسیاری از مؤسسات خیریه شهر مشهد زبانزد است. حاج آقای دهشت فردی جهادگر و انقلابی بودند و از هیچ کوششی در رابطه با انجام کارهای فرهنگی دریغ نمی کردند، نمونه آن اقدامی بود که در مسجد «الهادی» واقع در خیابان شهید هاشمی نژاد مشهد انجام می شد و ایشان تعدادی از رانندگان مشهدی را که از نظر اخلاقی وضعیت خوبی نداشتند و تکیه کلام‌های هتاکانه‌ای را به کار می بردند، جمع کرده و به آنها اخلاق و منش اسلامی می آموختند؛ در نزدیک آن مسجد ساختمانی نیز جهت اسکان آوارگان اهوازی دایر کرده بودند که مرتب به آنجا سرکشی می کرده و در جریان اوضاع جنگ‌زدگان قرار می گرفتند.

خلاصه که حاج آقای دهشت مقام رفیع و جایگاه والایی دارند، هر چند که مدت‌هاست عزلت گزیده‌اند، و این حقیر فاقد صلاحیت برای توصیف شخصیت ایشان هستم.

حسین کوهستانی متولد ۱۳۱۰ در مشهد مقدس از جمله پیشگامان امور خیریه و معتمدین این شهر مقدس است که در طول تاریخ انقلاب اسلامی و پس از پیروزی آن منشأ خدمات و برکات زیادی در امر مدرسه‌سازی، ساخت مسجد و رسیدگی به وضعیت زندگی طلاب حوزه علمیه این شهر بوده است.

اینجانب از حدود سال ۱۳۴۵ دوستی و قرابتی با حاج آقای دهشت داشتم که منجر به انجام امور خیریه و عام‌المنفعه، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی شد و پس از آن نیز این همکاری نزدیک ادامه یافت؛ تا اینکه در سال ۱۳۶۲ منجر به تأسیس مجتمع حضرت ابوالفضل (ع) در منطقه‌ای فاقد پایگاه دینی و مذهبی در شهر مشهد شد. ساخت مجتمع حضرت ابوالفضل (ع) پنج سال طول کشید و سال ۱۳۶۷ آماده بهره‌برداری شد، در کنار نظارت دقیق حاج آقای دهشت در احداث این مجتمع و همکاری این حقیر، از وجود و راهنمایی‌های آقایان سیدان، مرتضوی و واعظ مشهور، مرحوم حاج آقای فلسفی نیز استفاده شد؛ به‌ویژه حاج آقای سیدان منابر خوبی را در طول زمان برپایی این مجتمع خصوصاً در اعیاد شعبانیه داشتند. این مجتمع در اصل برای استفاده طلاب حوزه علمیه دایر شد و در آن مجموعه‌ای از امور فرهنگی و آموزشی انجام می شد.



۶۸

دوشت
استاد حاج شیخ غلامرضا

معرفی بزرگی از اقالیم اهل قبله

علی اصغر سامت از سال ۴۵ با آیت‌الله دهشت سابقه‌آشنایی دارد. وی خاطرات زیادی از دوران تدریس در مشهد و سخنرانی‌های استاد دهشت در شهرهای مختلف کشور دارد که در این گفت‌وگو به بیان برخی از آنها پرداخته است.

من بیش از ۴۷ سال با آقای دهشت مانوس و در محضر ایشان بوده‌ام. آغاز ارتباط و دوستی من با ایشان در سفری بود که حدود سال ۱۳۴۵ به مشهد رفتم و با مدرسه نواب ارتباط پیدا کردم. آن موقع آقای دهشت در مدرسه نواب تدریس می‌کردند. برخلاف چیزی که امروزه عرف شده است حوالی سال ۴۵، حوزه علمیه تقریباً دو منظوره بود، یعنی تحصیل و تدریس در کنار هم؛ کسی که جامع‌المقدمات و تصریف را می‌خواند، بلافاصله پس از آن می‌آمد مثله را درس می‌داد. یا کسی که صمدیه می‌خواند، کتاب سطح قبلی خود را درس می‌داد. این یک روند پسندیده بود. آن موقع آقای دهشت یک ملا بودند و دروسی را که تقریباً در سطح بالایی بود را تدریس می‌کردند. روابط گرم و صمیمی من با ایشان به‌گونه‌ای شد که من ایشان را به کرمانشاه دعوت کردم. ایشان مدت‌ها برای سخنرانی به کرمانشاه می‌آمدند و در ماه رمضان یا محرم و صفر یا ایامی مثل فاطمیه، به تناسب، در مساجد شهر منبر می‌رفتند؛ علمای شهر خیلی به ایشان علاقه‌مند شده بودند و منبرهایشان جذاب بود.

آن موقع حوزه‌های علمیه خراسان با حوزه‌های علمیه نجف و قم فرق می‌کرد؛ خراسان شهر ادبا بود که ادبیات برجسته‌ای داشتند. اصولی‌های آن نیز با دیگر جاها متفاوت بودند؛ حتی در مباحث فلسفی نیز درس‌های خاصی مثل درس‌های میرزاهاشم داشتند، اینها همه از امور قابل توجه بود.

در حوزه علمیه خراسان بیشتر تکیه بر قرآن و عترت بود و زیاد به فلسفه و عرفان وارد نمی‌شدند؛ مگر بعضی از علما که برای نقد وارد می‌شدند. خیر و سلف اساتید آنجا آقای سیدان است که ایشان هم استادی حکیم و فیلسوف و هم فقیه بزرگواری است. اگر به فلسفه ورود می‌کند، اجتهادی و انتقادی ورود می‌کند؛ منتها در حد مستمعانی که بحمدالله سطح بالایی هم دارند، سخن می‌گوید.

سبک منبر آقای دهشت این سبک بود، خود استاد من که علامه بزرگواری بود گاهی وقت‌ها می‌فرمود من راوی یک حدیث هستم که خودم مستقیماً از میرزا مهدی اصفهانی دریافت کرده‌ام. می‌فرمود که مرحوم میرزا مهدی اصفهانی هنگامی که در فلسفه به صورت عمیق وارد شد، دچار شرایط سنگین روحی شد که یک طرف آن قرآن و اهل بیت(ع) بود، یک طرف آرای یونانی و یک طرف آرای ایمانی بود. در این آرای ایمانی و یونانی مشکلاتی پیدا کرده بود که به نامه‌ای از حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) برخورد کرد که «طلب المعارف من غیر طریقنا، مساوق لانتکارنا». اینها ادامه‌دهنده آن سیستم شناخت عمیق و اصیل اسلام هستند که پیامبر(ص) نیز همین دو را مرتب اشاره و تأیید می‌کرد؛ یکی کتاب و دیگری عترت. منبرهای ایشان نیز قرآنی و عترتی بود.



منبرهای آقای دهشت از حدود سال‌های ۴۶ یا ۴۷ شروع شد. در تهران در مسجدهای توتونچی (افسریه) و کمیل (میدان قزوین) منبر می‌رفت؛ ادیب و حکیم برجسته‌ای به نام آقای دبیری پیشنهاد مسجد کمیل بود که اهل جوادیه و ساکن آنجا بود. من به تهران که آمده بودم اشارات بوعلی را نزد آقای مطهری خوانده بودم و در مورد مسائلی که دوست داشتم خیلی سؤال می‌کردم. آن موقع آقای مطهری، آقای دبیری را برای پرسیدن سؤال‌هایم به من معرفی کردند و گفتند که ایشان در این زمینه آدم بصیری است. بالاخره ما ایشان را در مسجد کمیل پیدا کردیم و دیدیم آقای دهشت هم آنجا منبر می‌رود. البته نمی‌دانم از چه کانالی به آنجا معرفی شده بود، اما آقای دبیری مرتب از ایشان به عنوان یک روحانی ارزشمند و دوست‌داشتنی تجلیل می‌کرد.

من به مدرسه مروی می‌رفتم و بعدها به دانشکده الهیات که آقای مطهری در آن درس می‌داد منتقل شدم، یکی از جاهایی که آقای دهشت منبر می‌رفت مسجد امام حسین (ع) در خیابان صفا بود.

حدود سال ۴۸ من جلسه‌ای در مسجد موریان داشتم که آقای سیدمحمد باقر قمی طباطبائی (رض) برادر آقای قمی طباطبائی که در مشهد درس خارج می‌گفت، در آن نماز می‌خواند. جلسه‌ای بود که در آن برای جوان‌ها معارف می‌گفتم. آن موقع باید در مقابل شبهات کمونیسم و مکتب‌های مختلف سخنرانی می‌شد. با آقای دهشت گاهی به دیدن علما می‌رفتیم؛ یک بار گفت به دیدن آقای سعیدی (رض) در مسجد موسی ابن جعفر (ع) خیابان قیاسی آن موقع که آقای سیدمهدی طباطبائی در آنجا نماز می‌خواند، برویم. منزل آقای سعیدی هم همانجا بود. آقای دهشت بنده را به آقای سعیدی معرفی و با سبک خودش از من تعریف کرد. آقای سعیدی گفت که من پسری به نام سیدمحمد دارم که در خیابان ناصرخسرو پیش آقای ابن‌الرضا الکتربیکی یاد می‌گیرد. از من خواهش کردند که فرزندشان در جلسه ما حاضر شود و ما هم قبول کردیم. پس از مدتی که در جلسات ما حاضر می‌شد یک بار دیدیم که حدود سه هفته به جلسه نیامد، بعد که آمد چهره‌ای بسیار غمگین و ناراحت داشت و گفت «پدرم در ساواک مورد آزار قرار گرفته و فوت کرده‌اند. از خانواده ما تعهد گرفتند که هیچ‌کس از دفن ایشان مطلع نشود، بالاخره من و مادرم با یکی از بستگان ایشان را دفن کردیم». این آقای سید محمد سعیدی الان امام جمعه قم هستند.

آقای دهشت در دوران قبل از انقلاب به لباس روحانیت ملیس نبود و کت و شلوار می‌پوشید. منبرهای آقای دهشت در قصر شیرین، اسلام‌آباد، کرمانشاه و در سنندج برقرار بود که در حسینیه سنندج ۶۵ هزار نفر شامل ۵ هزار نفر شیعه و ۶۰ هزار نفر سنی حاضر می‌شدند. در سال ۵۱ بعد از جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاه آقای دهشت در محرم در این شهرها منبر می‌رفت و اداره کردن آن حسینیه با آن جمعیت تخصص می‌خواست و ایشان دارای آن بود. هر دوی ما جوان بودیم و سن حدود ۳۰ سال داشتیم.

اینها ادامه‌دهنده آن سیستم شناخت عمیق و اصیل اسلام هستند که پیامبر (ص) نیز همین دو را مرتب اشاره و تأیید می‌کرد؛ یکی کتاب و دیگری عترت. منبرهای آیت‌الله دهشت نیز قرآنی و عترتی بود.

دو خاطره از آن دوران برای شما نقل می‌کنم. در حسینیه سنندج کتابخانه‌ای درست کرده بودیم که برای آن کتاب‌هایی از قم و از جاهای دیگری گرفته بودیم. از مراجع مخصوصاً آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی (رض) هم کمک گرفته بودیم. جوانی پیش آقای دهشت آمد و گفت «مادر من شیعه و پدرم اهل تسنن است. من پای بحث شما آمده و تاکنون ۱۰ منبر گوش داده‌ام. من خیلی علاقه‌مندم که پای منبر شما بنشینم ولی پدرم ممانعت به عمل می‌آورد و می‌گوید حق نداری به این جلسات بروی، زیرا اینها رافضی هستند».

به پاسخ آقای دهشت دقت کنید؛ ایشان گفت «شما طبق آیه قرآن باید با پدرت با کرامت برخورد کنی و او را مورد تعرض قرار ندهی؛ قرآن می‌فرماید اگر چیزی شد، با آنها کریمانه مصاحبت کنید. بهترین راه این است که شما با پدرت پیش ملاحی اهل تسنن بروی و حرف‌های آنها را گوش دهی؛ به حسینیه هم بیایی و حرف‌های ما را هم گوش بدهی». این جوان بعد از مدتی آمد گفت «نه ملاها حاضر شدند به حرف من گوش بدهند و نه پدرم؛ من می‌خواهم شیعه بشوم» البته مادر این جوان هم شیعه بود و بالاخره خودش هم شیعه شد. این پسر که جمشیدنژاد نام داشت، اولین شهید سنندج در دوران دفاع مقدس شد.

در پایان از عزیزانی که دست به یک کار خداپسندانه زدند تا چهره‌ای از تبار حوزه علمیه را معرفی کنند و برای ایشان بزرگداشت بگیرند، تشکر می‌کنم. باید بدانیم که آقای دهشت و امثال ایشان در حوزه‌های علمیه از چه فرهنگ، تعهد و دیدگاهی مبعوث شده‌اند. آقای دهشت یک نفر از اقالیم اهل قبله است، باید تلاش کنیم تا فرهنگ حوزه علمیه و روحی که ما معتقدیم از برکات معصومین (ع) به حوزه‌ها دمیده شده، در جامعه شناخته شود.

خاطره دیگری که می‌خواهم برایتان بگویم، مربوط به حدود سال ۵۱ است؛ یک روز آقای با لباس موجه و ظاهری آراسته به دفتر حسینیه سنندج، نزد من و آقای دهشت آمد و خود را رئیس دفتر استاندار معرفی کرد و گفت «آقای استاندار اهل تهران است و نذر دارد که در ایام عاشورا به نیت پدرشان سه روز روضه خوانده شود. اینجا در سنندج هم آخوند شیعه نیست؛ من آمده‌ام شما را دعوت کنم سه شبی که روضه برقرار است، منبر بروید». آقای دهشت به آن آقا گفت که من می‌توانم منبر روضه شما را بروم ولی نکته اینجاست که من در منبرهایم برای شاه دعا نمی‌کنم. آن جوان رفت دو روز بعد آمد و گفت که آقای استاندار گفته‌اند «روضه ما برای اباعبدالله الحسین (ع) است، شاهنشاه دعاگو فراوان دارد». آقای دهشت به ایشان گفت من تا فردا تصمیم می‌گیرم و به شما خبر می‌دهم. من با خود گفتم شاید می‌خواهد استخاره کند. شب با جایی تماس تلفنی گرفتم و شرایط را توضیح داد و اجازه منبر خواست که من متوجه نشدم با چه کسی صحبت کردند. بعد که پرسیدم گفتند «با یکی از چهره‌های برجسته سیاسی مشهد - آقای سیدعلی خامنه‌ای - که خیلی دوستشان دارم، صحبت کردم. ایشان فرمودند اگر برای شاه دعا نکنید و اگر مسائل دیگری واقع نشود، عیبی ندارد، چون سنندج مثل جاهای دیگر نیست». حاج آقای دهشت آیت‌الله خامنه‌ای را یک مسلمان روحانی مبارز سیاسی برجسته در مشهد معرفی کرد. من به یاد دارم بعد از پانزده خرداد می‌خواستند آقای خامنه‌ای را به جلسه‌ای در تهران دعوت کنند که ماهیانه برگزار می‌شد و آقایان طالقانی، بهشتی و مطهری در آن حضور داشتند. دبیر این جلسه در دعوت‌نامه آقای خامنه‌ای برای سخنرانی نوشته بود: حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای. آقای مطهری گفتند «نه، بنویسید دانشمند معظم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی خامنه‌ای». آیت‌الله خامنه‌ای از دید آقای مطهری اینچنین بود. از دید آقای دهشت که با ایشان آشنایی بیشتری داشت، خیلی بالاتر بود. آقای دهشت اجازه منبر سنندج را از ایشان گرفت که خیلی هم موثر واقع شد. چون اغلب بزرگان اهل سنت و تجار در مراسم روضه آقای استاندار کردستان شرکت می‌کردند و این موجب شد منبر آقای دهشت در حسینیه نیز ادامه پیدا کند و پای آنان هم به حسینیه باز شود. پس از آن آقای سیدان را بجای آقای دهشت دعوت کردیم و بسیار مورد توجه علمی کردستان قرار گرفت.



اهتمام به کار خیر در بستر بیماری

دکتر نطافتی در مورد خاطره آشنایی‌شان با آقای دهشت اظهار کرد: برایم جالب بود که ایشان در زمانی که در بخش قلب بیمارستان بستری بودند به فکر تأسیس یک مؤسسه خیریه برای بیماران نیازمند افتادند و پس از مرخص شدن این مؤسسه را تشکیل دادند.

وی ادامه داد: مؤسسه «خیریه بیماران آسیب‌پذیر توس» توسط ایشان تأسیس شد و به دلیل احترام والایی که ایشان در بین صنوف مختلف دارند، این مؤسسه توانست جای خود را باز کند و طی این سالیان چندین هزار نفر بیمار بی‌بضاعت را درمان کند.

پزشک معالج آیت‌الله دهشت تصریح کرد: ایشان یک روحانی واقعا متقی هستند که در حوزه علمیه شاگردان برجسته‌ای دارند و تاکنون خدمات مهم و بزرگی را در جامعه انجام داده‌اند و هم‌اکنون نیز که به دلیل کهولت سن بیمار هستند، سعی می‌کنند که از فعالیت‌های اجتماعی خود کم نکنند.

عمل جراحی قلب آیت‌الله دهشت ۱۴ سال پیش توسط دکتر... نطافتی، پزشک معالج ایشان انجام شده است و طی این سال‌ها آقای دهشت همچنان تحت نظر دکتر نطافتی بوده‌اند. دکتر نطافتی در این گفت‌وگو درباره سابقه آشنایی خود با استاد و ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی ایشان می‌گوید.

۷۲
دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا



پزشک معالج آیت‌الله دهشت ادامه داد: مشکل کبدی ایشان هم با نظر متخصصین مربوطه در حال درمان است و ما امیدواریم با طی دوره درمان شاهد بازبایی سلامتی ایشان باشیم که البته دوره درمان ایشان به دلیل کهولت سن کوتاه نخواهد بود.

وی خاطرنشان کرد: حاج آقای دهشت جزء معدود شخصیت‌های هستند که همه به ایشان علاقه‌مند هستند و به عنوان یک معلم به ایشان نگاه می‌کنند و خود بنده نیز هرگاه فرصت می‌کنم و به عیادت‌شان می‌روم، سعی می‌کنم در همین فرصت کوتاه از نظرات و آراء ایشان بهره ببرم.

آن چیزی که بیش از همه در بین خصوصیات والای اخلاقی ایشان نظر مرا به خود جلب می‌کند این است که ایشان فردی است که برای دیگران کار می‌کند و خود را در اولویت قرار نمی‌دهد و به همین دلیل ساده‌زیستی ایشان مثال‌زدنی است

نظافتی با اشاره به اینکه بیماری و ضعف جسمی مانع از حضور این عالم ربانی در محافل و مجالس سخنرانی‌ها می‌شود، اظهار کرد: اما در همین شرایط ما که از نزدیک با ایشان در ارتباط هستیم، شاهدیم که شاگردان به منزل ایشان مراجعه می‌کنند و در همان زمان کمی که دارند از محض این استاد بزرگ بهره می‌برند.

وی افزود: تمام اطرافیان و آشنایان این عالم بزرگ به ایشان به عنوان یک انسان کامل احترام خاصی می‌گذارند و امثال بنده از نزدیک شاهدیم که ایشان در موضوعات مختلف اجتماعی، فرهنگی و پزشکی منشأ خدمات بزرگ و زیادی هستند و با یک بینش باز و آینده‌نگر اطرافیان را راهنمایی می‌کنند و به همین دلیل همه با دل و جان به ایشان احترام می‌گذارند.

پزشک معالج آیت‌الله دهشت خاطرنشان کرد: آن چیزی که بیش از همه در بین خصوصیات والای اخلاقی ایشان نظر مرا به خود جلب می‌کند این است که ایشان فردی است که برای دیگران کار می‌کند و خود را در اولویت قرار نمی‌دهد و به همین دلیل ساده‌زیستی ایشان مثال‌زدنی است؛ با وجود اینکه بسیاری از مسئولان و بزرگان برای حل مشکلاتشان به ایشان رجوع می‌کنند اما ایشان همواره در یک خانه بسیار ساده زندگی می‌کنند و هرگز به فکر توسعه آن نیفتاده‌اند.

دکتر نظافتی در خصوص وضعیت جسمانی آیت‌الله دهشت در حال حاضر اظهار کرد: ایشان هم‌اکنون به دلیل کهولت سن بیمار هستند و از نظر قلبی با وجود گذشت ۱۴ سال از عمل قلب مشکلی ندارند، اما مشکلات ایشان مشکلات داخلی است که بیشتر به کبد برمی‌گردد.



معجم حدیث و اشارات قرآنی

که حاج آقای دهشت در همه این امور و آنچه در زمینه بهبود زندگی مردم دخیل است، دست به اقدام می‌زنند.

شما سالیان سال با حاج آقا قرابت و هم‌نشینی داشتید، این همجواری به چه شکل بوده است؟ حاج آقای دهشت با توجه به دارا بودن افکار آموزشی به فکر پرورش اخلاقیات طلاب و مراجعین خود هستند. قرابت من با ایشان در رفع و رجوع این امور در این مدت زمانی ۲۴ ساعته بوده است و در اصل من مشاور اجرایی حاج آقا هستم، یعنی من باید انجام امور مربوط به مدرسه را براساس دستور ایشان مستند کنم. در تمام این مدت چیزی که توجه من را به خود جلب کرده است این است که ایشان به واقع یک معجم حدیث و معجم الفاظ قرآنی هستند و تسلط ویژه نسبت به علم لغت دارند و به ندرت شاهد بودیم مگر در مواقعی که سرشان شلوغ است، نسبت به سؤال طلاب در مواردی از این دست جوابگو نباشند.

آیت‌الله دهشت یکی از پیشتازان تبلیغ دین هستند، در این زمینه چه خاطرات یا اطلاعاتی در ذهن دارید؟

معتقدم حاج آقای دهشت انسانی وظیفه‌محور هستند، این مسئله را در کرسی‌های دروس اخلاقی ایشان به روشنی می‌توان مشاهده کرد. همچنین ایشان در مجموعه دروس‌شان در مدرسه زمانی که مشاهده کردند جای تبلیغ و ترویج درست فرهنگ دینی خالی است، شرح درسی تحت این عنوان را پایه‌ریزی کردند. الان در سطوح گوناگون فرهنگی همگی معترف به جایگاه پراهمیت تبلیغ هستند. امروز بزرگی سازمان تبلیغات اسلامی برای همه محرز است. در زمانی که این سازمان وجود نداشت، حاج آقا به امر تبلیغ پرداختند؛ روزگاری که نه تبلیغی در کار بود و نه سازمانی عریض و طویل در زمینه تبلیغات وجود داشت و حوزه‌های علمیه فاقد دفاتر تبلیغات بودند، شاهد هستیم که حاج آقای دهشت دغدغه فرهنگی و تبلیغات اسلامی داشتند و طلبه‌های زیادی به روستاها اعزام می‌کردند.

برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله دهشت با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالقاسم فاطمی‌نسب، مدیر مدرسه امام علی ابن ابی‌طالب (ع)، در یکی از حجره‌های این مدرسه قدیمی مشهد به گفت‌وگو نشستیم. نکته مهم این است که آیت‌الله دهشت خود یکی از اعضای هیئت مؤسس این مدرسه هستند

در مورد نقش حاج آقای دهشت در راه‌اندازی مؤسسات خیریه و مدارس علمیه شهر مشهد توضیح دهید؟

ایشان از جمله اعضای اصلی هیئت امنای اغلب مدارس علمیه شهر مشهد هستند و در مورد اماکن و مؤسسات خیریه نیز همواره نام ایشان در فهرست اعضای هیئت مؤسس دیده می‌شود؛ کمتر مکانی را در حوزه آموزش و ارائه سرویس‌های خدماتی در مشهد می‌توانید پیدا کنید که نام ایشان در آن موجود نباشد و حضور پررنگی نداشته باشند.

یکی از ابعاد شخصیتی حاج آقا اهتمام به خدمت‌رسانی برای مردم است، نظر شما در این ارتباط چیست؟

ما در کشور، خیرین زیادی داریم اما کمتر پیش آمده است که آنها در همه امور دستی بر آتش داشته باشند و در به انجام رساندن آنها یک دم از پای ننشینند؛ مثلاً بعضی خیرین تنها در تأمین مواد غذایی و امکانات رفاهی و زندگی به مردم نیازمند و فقرا کوشا هستند و برخی دیگر تنها در امور آموزشی و ساخت مسجد و مدرسه. اما باید بگوییم

۷۴

دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا



که مداح آن یکی از دوستان حاج آقا بود، مصادف با هنگام اذان شد و حاج آقا بدون هیچ اکراهی بلند شدند و چراغ‌ها را روشن کردند و گفتند عزاداری بس است، الان زمان نماز است و حتی مداح آن جلسه نیز از دست آقا مکدر شد. اما بعدها فهمید کار حاج آقا یک کار اصولی بوده و از مریدان و شاگردان پروپاقرص حاج آقای دهشت شد. در مورد تشریف به حرم حضرت رضا(ع) نیز باید بگوییم که ایشان قبل از آمدن به کلاس درس به حرم مشرف می‌شوند و تمامی آداب و رسوم یک مؤمن واقعی در زمان زیارت مضجع معصوم(ع) را به جا می‌آورند.

موضع ایشان در مورد انقلاب اسلامی و دفاع از ارزش‌های آن به چه شکلی است؟

ایشان همواره مدافع انقلاب بودند و هستند و به ذهنم نمی‌آید که کاری از دست‌شان برآمده باشد و در این زمینه انجام نداده باشند. قرابت دیرینه‌ای نیز با مقام معظم رهبری دارند و در سفرهای معظم‌له به مشهد مقدس حاج آقا دهشت همواره از عنایات و مواهب معظم‌له بهره‌مند می‌شوند.

در یک کلام اگر خواسته باشید شخصیت آیت‌الله دهشت را توصیف کنید چه عبارتی به کار می‌برید؟

با توجه به مدت سابقه آشنایی و همکاری با این مرد عالم می‌توانم به این موضوع اشاره کنم که حاج آقای دهشت فردی منزوی، اما همیشه در صحنه بوده است. به ظاهر می‌بینید که این دو کلمه در تناقض با یکدیگر هستند، اما باید بگوییم که ایشان دارای این ویژگی به شکل توأمان هستند؛ به این معنا که هر جا صحبت از شخصیت و احراز موقعیت اوست ایشان در انزوای کامل هستند، اما هر جا که صحبت از کار است، حضور ایشان را در صحنه می‌توان به شکل شش دانگ لمس و حس کرد و پیگیری این شخص بزرگوار زباز است؛ به شکلی که هر زمان که کاری را شروع می‌کنند تا پایان و حصول نتیجه دست از کار نمی‌کشند. همچنان که همین حالا که من با شما صحبت می‌کنم و ایشان به دلیل کسالت توان فعالیت را ندارند، اگر صحبت از کار و یا ارائه درخواستی از ایشان باشد، به هر نحو که شده تا قبل از پایان روز پاسخ‌گو بوده و در جهت رفع مشکل از فرد سائل برخوانند آمد.

آیت‌الله دهشت در مدرسه امام علی(ع) چه دروسی تدریس می‌کردند؟

ایشان در مدرسه جلسه تفسیر ادعیه، نهج‌البلاغه و قرآن داشتند که در موضوع ادعیه، مکارم‌الاخلاق را تدریس می‌کردند. در مورد کلمات قصار هم که باید بگوییم نزدیک به ۸۰ مبحث دیگر باقی‌مانده که متأسفانه به دوران کسالت ایشان برخورد و فعلاً تعطیل شده است، کتابی هم که ایشان در زمینه تفسیر قرآن استفاده و تدریس می‌کردند، «تفسیر معین» بود.

در تمام این مدت چیزی که توجه من را به خود جلب کرده است این است که ایشان به واقع یک معجم حدیث و معجم الفاظ قرآنی هستند و تسلط ویژه نسبت به علم لغت دارند

جامعیت از جمله ویژگی‌های حاج آقا است؛ رمز و راز این جامعیت چیست؟

در یک کلمه، راز این جامعیت، خدمت است؛ خدمت ایشان برای رضای خدا و بدون هیچ چشم‌داشت و ریایی بود. به جرئت می‌توانم بگوییم که تمامی وعاظ معروف، حتی امامان جمعه و جماعات روزگاری در محضر ایشان تلمذ کرده‌اند؛ اما تا خود آنها در مورد شاگردی‌شان در محضر حاج آقای دهشت زبان باز نمی‌کردند، کلامی از ایشان نمی‌شنیدید که مثلاً بگوید فلانی شاگرد من بوده است. ایشان در امر تدریس و رفتن منبر بسیار صبور هستند و بالای منبر همچون مدرسی هستند که متوجه همه مسائل ریز و درشت طلاب و مستمعین خود هستند و حتی پس از منبر هم زمانی را صرف پاسخ‌گویی به سؤالات احتمالی طلاب می‌کنند.

در مورد نحوه عزاداری حاج آقای دهشت برای ائمه معصومین(ع) و تشریف به حرم امام رضا(ع) خاطره‌ای دارید؟

حاج آقای دهشت عزادار واقعی هستند، اهل مدح و عزاداری و سینه‌زنی و گریه در مصائب اهل بیت(ع) هستند؛ با این تفاوت که بسیار منطقی و عقلانی با این مسئله برخورد می‌کنند. یادم هست زمانی که برای سفر به مینودشت همراه ایشان بودم، مراسم سینه‌زنی،

مشورت با رهبری در امر تبلیغ

کمیته انقلاب اسلامی در درزاب خراسان بوده است. مسئولیت مرکز فرهنگی مسجد شهدا از زمانی که آیت‌الله دهشت مدیریت مدرسه شهید مطهری را بر عهده گرفتند، به حجت‌الاسلام هاشمی واگذار شده است. آنچه در ادامه منتشر می‌شود، دیدگاه‌های وی درباره آیت‌الله دهشت در کنار برخی خاطرات ذکر نشده از استاد است.

اعزام مبلغ و داستان جیب آقای دهشت

۴۵ سال است که با حاج آقا دهشت آشنایی دارم، ایشان از قبل از پیروزی انقلاب برنامه تبلیغی داشتند و در شرایط بسیار سخت و دشوار تعدادی از روحانیون را به روستاهای اطراف مشهد اعزام می‌کردند. ایشان یک جیب داشتند که روحانیون با آن اتومبیل به روستاهای اطراف اعزام می‌شدند؛ این جیب گاهی در برخی سفرها خراب می‌شد، اما حاج آقا علی‌رغم همه مشکلات با جدیت و مسئولیت‌شناسی این گروه را مدیریت و رهبری می‌کردند. ایشان خوش‌فکر بودند؛ به طور مثال برای اعیاد مذهبی برنامه‌ریزی می‌کردند. آن زمان در روستاها برق نبود و ایشان به روستائیان می‌گفتند که در اعیاد با چراغ فانوس روستای خود را برای ساعتی چراغانی کنند.

بیشترین آشنایی من با ایشان در مرکز فرهنگی مسجد شهدا (بنّاه) صورت گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام علمای مشهد از جمله آیت‌الله واعظ طبسی، مرحوم آیت‌الله میرزا جواد آقای تهرانی، مرحوم آیت‌الله مروارید، مرحوم آیت‌الله فلسفی و بسیاری دیگر از علما در این مرکز جمع شدند و گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان را ایجاد کردند. وقتی این تشکیلات ایجاد شد مسئولیت اعزام روحانیون برای تبلیغ به چند نفر از جمله حاج آقای دهشت واگذار شد. قرار شد برای همه روستاهای اطراف حوزه



دیدار با مقام معظم رهبری - اردیبهشت ماه ۹۳

مرکز فرهنگی مسجد شهدا (بنّاه)، محل قرار ملاقات‌مان با مسئول آن مرکز یعنی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن حسینی هاشمی بود؛ این روحانی سال‌ها با آیت‌الله دهشت در زمینه تبلیغ و خدمت به مردم همراه بوده و خود یکی از کسانی است که بیش از چند دهه سابقه خدمت‌رسانی به مردم محروم‌ترین روستاهای خراسان را دارد. گفت‌وگوی ما با معرفی این مرکز کوچک که کارهای بزرگی برای مردم و انقلاب در آن انجام شده صورت گرفت.

مرکز فرهنگی مسجد شهدا (بنّاه)، محل قرار ملاقات‌مان با مسئول آن مرکز یعنی حجت‌الاسلام سیدحسن حسینی هاشمی بود؛ این روحانی سال‌ها با آیت‌الله دهشت در زمینه تبلیغ و خدمت به مردم همراه بوده و خود یکی از روحانیونی است که بیش از چند دهه سابقه خدمت‌رسانی به مردم محروم‌ترین روستاهای خراسان را دارد. گفت‌وگوی ما با معرفی این مرکز کوچک که کارهای بزرگی برای مردم و انقلاب در آن انجام شده صورت گرفت؛ مرکزی که فاقد اتاق‌های تو در تو و اتاق رئیس و معاون و مدیرکل است، اما انسان‌های بزرگی که بسیاری از آنها از علما بوده‌اند، در آن جمع شده‌اند تا به مردم خدمت کنند. اولین مسئولیت حاج آقا حسینی هاشمی در

۷۶

استاد حاج شیخ غلامرضا دهشت

باشد و مانند حاج آقا اهتمام به خدمت به مردم داشته باشد.

تأسیس مراکز خیریه به همت آیت‌الله دهشت

حاج آقا دهشت برنامه‌های متعددی برای کمک به نیازمندان طرح کرده بودند و از همین طریق چندین خیریه تأسیس شد. یکی از این خیریه‌ها انجمن حمایت از بیماران روانی بود که همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. خیریه فرهنگی ام‌الائمه را نیز ایشان تأسیس کردند. خانمی به نام دوزنده یک مدرسه شبانه‌روزی را اداره می‌کرد و روزی به حاج آقا مطلبی را گفت که سبب تشکیل این خیریه شد. دختری به این معلم گفته بود که پدری معتاد دارد که او را مجبور کرده است که همسر یک فرد ۷۵ ساله شود، به این جهت از خانه فرار کرده است. حاج آقا دهشت بعد از شنیدن این مطلب این خیریه را تأسیس کردند که بالغ بر ۲۴ خوابگاه در سطح استان خراسان قدیم ایجاد شد که خدمات آن ادامه دارد و دختران بدسرپرست و بی‌سرپرست از مقطع ابتدایی تا دانشگاه را تحت پوشش قرار می‌دهد.

نکته دیگر، در مورد خیریه حمایت از بیماران آسیب‌پذیر است؛ ایشان در بیمارستان قائم به دلیل عمل باز قلب بستری بودند، آقای قرائتی برای عیادت ایشان آمدند و به من گفتند که حاضرند هزینه عمل ایشان را تقبل کنند. من به حاج آقا مطلب را منتقل کردم و ایشان به من گفتند که برای عمل به هیچ عنوان از کسی پول قبول نکنم. بعد از بهبودی جمعی از بازاریان برای عیادت خدمت حاج آقا رسیدند و ایشان به آنها گفت که در

علمیه مشهد پرونده و بانک اطلاعات تشکیل شود. آقای موسوی‌نژاد که از اساتید حوزه علمیه بودند از روحانیون امتحان می‌گرفت و روحانیون از سوی مرکز فرهنگی مسجد بناها به روستاها و شهرستان‌های خراسان اعزام می‌شدند. اطلاعات روستا و امکانات روستاها از طریق همین روحانیون به ما ارائه می‌شد؛ به طور مثال با دریافت پاسخ سؤال‌هایی چون «آیا روستا مسجد دارد؟» و «آیا راه روستایی وجود دارد؟» اطلاعات مفیدی به ما منتقل می‌شد. نکته مهم این است که هنگامی که جهاد سازندگی به فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایجاد شد، از اطلاعاتی که ما در مورد روستاهای خراسان جمع‌آوری کرده بودیم استفاده کرد.

یکی از دغدغه‌های ایشان کمک به جبهه‌ها بود، در زمان جنگ تحمیلی بی‌تفاوتی را جایز نمی‌دانستند و فرمودند که باید وقت، فکر و آبروی خود را در اختیار انقلاب قرار دهیم تا روز قیامت شرمنده رزمندگان و شهدا نباشیم و در همین دفتر ستاد کمک به جبهه‌ها را تشکیل دادند

داستان تماس تلفنی استاد دهشت با آیت‌الله خامنه‌ای

حاج آقا با آیت‌الله خامنه‌ای ارتباط داشت، معظم‌له در جهت اعزام مبلغ به روستاها کمک‌های زیادی در اختیار آقای دهشت قرار می‌دادند. وقتی سازمان تبلیغات تشکیل شد، حاج آقای دهشت از آیت‌الله خامنه‌ای مشورت گرفتند که اکنون که این سازمان تشکیل شده است، این مرکز فرهنگی را تعطیل کنیم یا ادامه پیدا کند؟ این نکته گفتنی است که وقتی سازمان تبلیغات تشکیل شد، همه علمایی که به این مرکز می‌آمدند، همکاری خود را با مرکز پایان دادند. آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند کار شما یک کار مردمی است که قبل از انقلاب نیز انجام می‌شده، آن را ادامه دهید. ما نیز به ایشان، هم در دوران ریاست جمهوری و هم در دوران زعامت‌شان، همه‌ساله گزارشی از فعالیت‌های خود را ارائه داده‌ایم و ایشان هر سال به ما کمک کرده‌اند. حاج آقای دهشت از روحانیون مخلص و متواضع بوده و هستند و آنچه مرا خیلی به آقای دهشت علاقه‌مند کرد، تواضع، پشتکار و درایت ایشان است.

آیت‌الله دهشت نسبت به بهتر شدن خدمات این مرکز پیشنهادهای ارزشمندی داشتند و فردی مبتکر و خلاق بودند، کمتر روحانی دیده‌ام که در این وادی وارد شده



بیمارستان فردی بستری بود و باید برای قلب او وسیله‌ای تهیه می‌شد که پول آن را نداشت و فوت کرد. سپس حاج آقا به بازاریان گفت که ما مسلمان هستیم و طبق حدیث پیامبر(ص) کسی که صبح او طلوع کند و در آن اهتمام به امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست. قرار شد خیریه بیماران آسیب‌پذیر طوس ایجاد شود که تا به حال خدمات ارزنده‌ای به بیماران مستمند داشته است.

یک مشکلاتی وجود داشت و این بود که خیریه‌ها پراکنده بودند، حاج آقا تشکیلاتی ایجاد کرد که همه خیریه‌ها را نظارت کند تا امکان سوءاستفاده برخی افراد وجود نداشته باشد.

بی‌اعتنایی به دنیا، ساده‌زیستی و زهد و تقوایی که مردم از ایشان سراغ داشتند، باعث شد که مردم و بازاریان به حاج آقا اعتماد پیدا کنند

فعالیت‌های آیت‌الله دهشت در دوران دفاع مقدس

یکی از دغدغه‌های ایشان کمک به جبهه‌ها بود، در زمان جنگ تحمیلی بی‌تفاوتی را جایز نمی‌دانستند و فرمودند که باید وقت، فکر و آبروی خود را در اختیار انقلاب قرار دهیم تا روز قیامت شرمنده رزمندگان و شهدا نباشیم و در همین دفتر ستاد کمک به جبهه‌ها را تشکیل دادند. این ستاد به وسیله همین خیریه‌ها کمک‌رسانی می‌کرد، نیاز جبهه‌ها بررسی و کمک‌های مردمی جمع‌آوری می‌شد و حتی روحانیونی از سوی این مرکز برای تبلیغ به جبهه‌ها اعزام شدند.

همچنین حاج آقا گفتند که مجروحینی که به بیمارستان‌ها منتقل می‌شوند مسائل شرعی دارند و یا حتی برخی از آنها آشنا و فامیلی در شهر ندارند، باید چند گروه تشکیل دهیم و به بیمارستان‌ها بفرستیم تا ضمن عیادت مجروحان جنگ، پاسخ‌گوی مسائل شرعی آنها نیز باشند. من این مسئولیت را پذیرفتم و روزهای جمعه روحانیون در بیمارستان‌های قائم، امام رضا(ع)، هاشمی‌نژاد و امام حسین(ع) به عیادت مجروحان می‌رفتند و خدمات ارزشمندی به آنها ارائه می‌شد. بعد از مدتی برای هر بیمارستان یک روحانی انتخاب کردیم که شبانه‌روز در کنار این عزیزان باشند.

از دیگر پیشنهادهای حاج آقا این بود که با خانواده شهدا دیدارهایی داشته باشیم. برنامه خدایسندانه‌ای طراحی

کردیم، یادم می‌آید در شهرک شهید باهنر که اسم قدیم آن قلعه خیابان بود، حدود ۵۰ نفر از روحانیون و بازاریان برای تجلیل از خانواده شهدا حضور پیدا کردند. خانواده ۱۸ شهید و سایر مردم در مسجد جمع شده بودند و حاج آقا سخنرانی کردند. تعبیر جالبی در همه این مراسم داشتند، ما سه هدیه برای هر کدام از خانواده شهدا تدارک دیده بودیم و حاج آقا قبل از دادن هدایا می‌گفتند: «دو هدیه برترین هدایا و یکی ناچیز است»، قرآن و عکس امام(ره) برترین هدایای ما بود و پتو هدیه ناچیزی بود که به همه خانواده‌های شهدا دادیم و در همه مناطق مشهد اطراف مشهد این برنامه را برای خانواده شهدا اجرا کردیم.

ایشان چندین بار به جبهه رفتند، در اواسط جنگ جمعی از بازاری‌های مشهد را با خود به جبهه بردند، یک شب با آنها در نزدیکی‌های هورالهوریزه ماندیم و پشه‌های آن منطقه اجازه ندادند آنها تا صبح راحت بخوابند و روز بعد به پادگان شهید چراغچی رفتیم، این نکته را نیز بگویم ایشان بانی پادگان شهید چراغچی در اهواز نیز بودند. حاج آقا در این پادگان برای آنها سخنرانی کردند و از دلاوری‌های رزمندگان گفتند و در آن جلسه بازاریان مقادیر زیادی برای کمک به جبهه‌ها اختصاص دادند.

دقیق نمی‌دانم پیشنهاد تشییع شهدا توسط چه کسی داده شد، اما حاج آقا در این زمینه نقش داشتند، شهدا از مسجد بنتاها تشییع می‌شدند و در این زمینه حاج آقا راهنمایی‌های ارزشمندی ارائه می‌کردند. ایشان روحانی مبتکری هستند؛ ابتدای انقلاب برای همه رانندگان کلاس آموزشی تشکیل دادند و خودشان در کلاس‌ها تدریس می‌کردند. از لحظه لحظه عمر خود برای ترویج اسلام، دین و انقلاب استفاده کرده‌اند. من در قم و مشهد روحانیون بزرگی را ملاقات کرده‌ام، اما کمتر روحانی مثل حاج آقا تا این اندازه تلاش‌گر دیده‌ام. حاج آقا در کار خود ایمان و عقیده به خدا دارند و هیچ چشمداشت مادی در ایشان وجود ندارد؛ در زمانی که مدیریت مدرسه شهید مطهری را بر عهده داشتند، مدرسه نمونه استان بود.

رمز علاقه اقشار مختلف مردم به آیت‌الله دهشت

بی‌اعتنایی به دنیا، ساده‌زیستی و زهد و تقوایی که مردم از ایشان سراغ داشتند، باعث شد که مردم و بازاریان به حاج آقا اعتماد پیدا کنند. آقای دهشت از منبری‌های خوب مشهد هستند و مردم اگر بدانند یک روحانی خادم است به دنبال او می‌روند. واقعا همه می‌دیدند که ایشان برای دین تلاش می‌کند و جذب این شخصیت بزرگ می‌شدند.

نفوذ کلام

در جذب کمک‌های خیر خواهانه

استاد حاج شیخ غلامرضا

دهشت
۷۹

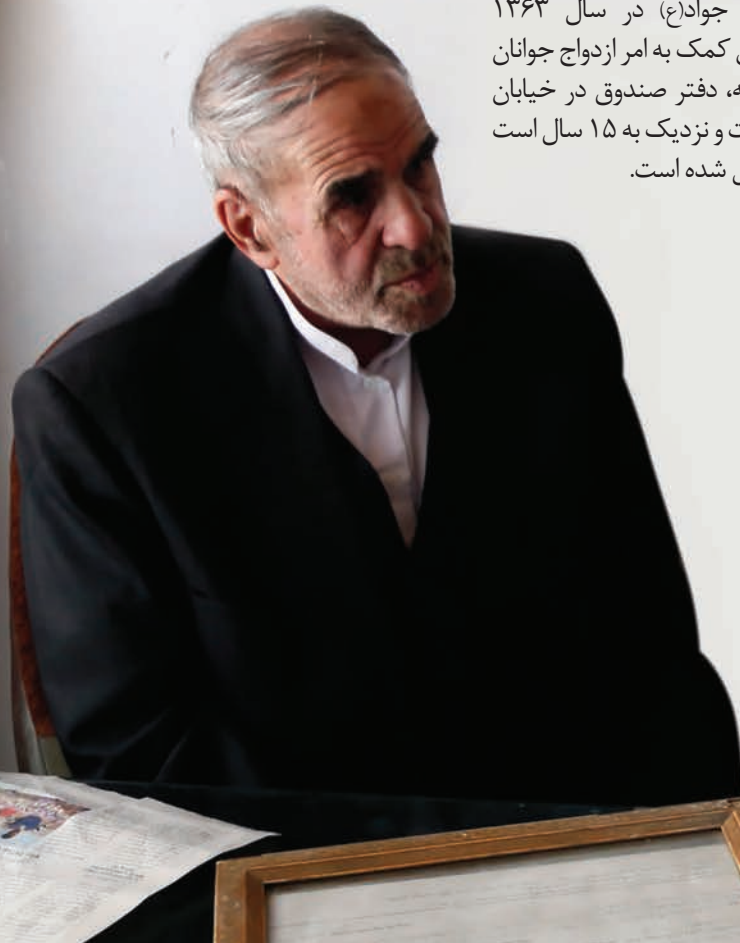
آقای دهشت از مؤسسان صندوق و از اعضای اصلی هیئت مدیره آن بوده است. پیش از تأسیس صندوق، قبل از آغاز دوران دفاع مقدس، تشکیلاتی به نام حمایت از معاونین عراقی داشتیم که آقای دهشت و آقای نبوی از مؤسسان آن تشکیلات بودند و بسیاری از معاونین عراقی را در مشهد اسکان دادند؛ بعد از آغاز جنگ تحمیلی نیز کار پشتیبانی جبهه‌ها از سوی این دو بزرگوار دنبال می‌شد. آقای دهشت این صندوق را جهت کمک به جوانانی که قصد ازدواج داشتند، ولی تمکن مالی نداشتند، تأسیس کرد تا از این طریق وام مورد نیاز به زوجین نیازمند اختصاص داده شود.

یکی از نکات برجسته زندگی استاد دهشت، کارهای خیرخواهانه ایشان است که در طول حیات پربرکتشان نمود برجسته‌ای داشته است؛ اقداماتی از قبیل ایجاد مراکز درمانی خیریه و صندوق قرض‌الحسنه که از آن جمله می‌توان به تأسیس صندوق قرض‌الحسنه سنتی امام جواد(ع) اشاره کرد. این صندوق که اکنون در خیابان خسروی مشهد، در فضایی کوچک اداره می‌شود، محملی برای کمک به زوج‌های جوان و انجام سایر فعالیت‌های خیریه شده است.

متن ذیل گفت‌وگو با ابراهیم اخوان گلابی، مدیرعامل صندوق قرض‌الحسنه امام جواد(ع) است که با آقای دهشت نیز رفاقتی چندین ساله دارد.

در ابتدا درباره سابقه تأسیس صندوق و نقش آقای دهشت در تأسیس آن بفرمائید؟

صندوق قرض‌الحسنه امام جواد(ع) در سال ۱۳۶۳ تأسیس شده و هدف اولیه آن کمک به امر ازدواج جوانان بوده است، در سال‌های اولیه، دفتر صندوق در خیابان امام خمینی مشهد قرار داشت و نزدیک به ۱۵ سال است که به خیابان خسروی منتقل شده است.





یکی از نکات برجسته، نحوه تعامل آقای دهشت با بازاریان و تجار است که توانسته آنها را مجاب کند تا در این صندوق سرمایه‌گذاری کنند، ایشان چگونه این نفوذ را بدست آورده‌اند؟ ایشان چیزی را برای خود نمی‌خواهد و صرفاً به دنبال کار خیر است؛ همین مسئله باعث شده کلامشان تأثیرگذار باشد. خود ایشان با همه این اقدامات، سابقاً یک منزل ۷۰ - ۸۰ متری داشتند که به زحمت توانستند در همان سال‌ها منزل نسبتاً بزرگ‌تری تهیه کنند و بعد از آن همچنان در این منزل زندگی می‌کنند.

ایشان چیزی را برای خود نمی‌خواهد و صرفاً به دنبال کار خیر است؛ همین مسئله باعث شده کلامشان تأثیرگذار باشد. خود ایشان با همه این اقدامات، سابقاً یک منزل ۷۰ - ۸۰ متری داشتند که به زحمت توانستند در همان سال‌ها منزل نسبتاً بزرگ‌تری تهیه کنند و بعد از آن همچنان در این منزل زندگی می‌کنند.

آقای دهشت به تجار و بازاریان توصیه می‌کرد که بخشی از سرمایه خود را در این صندوق قرار دهند تا هم از اجر معنوی آن بهره‌مند شوند و هم اینکه هرگاه این پول را لازم داشتند، بتوانند آن را برداشت کنند و تجار نیز با اعتمادی که به ایشان داشته و همچنان نیز دارند، این خواسته را قبول می‌کنند. حتی خود آقای دهشت هم مبلغی اگر داشته باشند به صندوق واریز می‌کنند.

این بدین معنی است که در این صندوق فقط وام از دواج داده می‌شود؟

در کنار وام از دواج کارهای دیگری نیز انجام می‌دهیم؛ به طور مثال در حال حاضر گروهی وجود دارد که بحث جهیزیه نوعروس‌ها را دنبال می‌کند که البته خارج از اینجاست.

سرمایه اولیه صندوق چگونه تأمین شد؟

آقای دهشت از قبل از پیروزی انقلاب مشغول کمک به محرومان و مستضعفان بود که تأسیس این صندوق در ادامه همین فعالیت‌ها بوده است. سرمایه اولیه توسط هیئت مؤسس از جمله آقای دهشت و آقای پیروی و جمعی از تجار مشهد تأمین شد.

نظر شما به عنوان یکی از هم‌نشینان آقای دهشت درباره مشی اخلاقی ایشان چیست؟

آقای دهشت وجودی بابرکت و از نظر اخلاقی فرد بی‌نظیری هستند و به طور خاص جوانان زیادی را شیفته خود کرده‌اند.

ارتباط ایشان در حال حاضر با صندوق چگونه است؟

ایشان همچنان با صندوق ارتباط دارند؛ یک حساب متعلق به مرکز میثاق‌الحسین(ع) در صندوق ما وجود دارد که مختص کمک به افراد برای سفر به کربلاست. مرکز میثاق‌الحسین هم از اقدامات آقای دهشت است که در آن افراد کم‌بضاعت که علاقه‌مند به سفر کربلا هستند، شناسایی می‌شوند و از حسابی که در صندوق ما وجود دارد به آنها کمک می‌شود. تأکید می‌کنم که آقایان دهشت و نبوی مبتکر چنین کارهایی بوده‌اند و هیچ‌گاه به دنبال منافع مادی برای خود نبوده‌اند.

پیوند وثیق با هیئات مذهبی

محمد قانع هنرور

مسئول سابق صنف تراشکاران و ریخته‌گران

از سخنرانی برای صنف تراشکاران تا تشکیل مجتمع حضرت زینب(س)

حدود ۲۷ سال مسئول صنف تراشکاران و ریخته‌گران بودم؛ در سال ۱۳۶۰ اعضای این صنف انجمن اسلامی و بسیج صنف تشکیل دادند و در آن سال جلسه دعای ندبه را به نام جلسه محبان حضرت زینب(س) برگزار کردند؛ این جلسه زیر نظر حاج آقا دهشت، حاج آقای گرابلی و حاج آقای دست‌پروری برگزار می‌شد و این بزرگان راهنمایی و هدایت اعضای این هیئت و اقشار مختلف مردم را به عهده گرفتند.

آیت‌الله دهشت از سال ۱۳۶۲ به جلسه محبان حضرت زینب(س) دعوت شدند تا در این جلسات سخنرانی کنند. از آنجا که مکان مشخصی برای این جلسات نداشتیم، این جلسات در منزل اعضای انجمن اسلامی صنف

آیت‌الله دهشت علاوه بر اینکه چهره‌ای تبلیغی و حوزوی هستند و سال‌ها در زمینه تأسیس خیریه‌ها فعالیت داشته‌اند، پیوند تنگاتنگی نیز با هیئات مذهبی مشهد مقدس داشته و دارند و خود از مشوقان تأسیس چنین هیئت‌هایی در مشهد بوده‌اند و در این سال‌ها همواره از سخنرانان سرشناس هیئات مذهبی بوده‌اند؛ یکی از این هیئت‌ها مجتمع محبان حضرت زینب(س) است که سال ۱۳۶۱ در مشهد تأسیس شده است.

صبح یکی از روزهای جمعه پس از دعای ندبه با سه نفر از اعضای این هیئت در فضایی متفاوت به گفت‌وگو پرداختیم.



آیت‌الله دهشت یکی از روحانیون طراز اول بودند که در حوزه علمیه جایگاه برجسته‌ای دارند و از زمانی که حاج آقا دهشت دچار کسالت شده‌اند، ما برای سخنرانی جلسات از فرزند ایشان حاج آقا مرتضی دهشت استفاده می‌کنیم.

محمدرضانجفی

عضو هیئت محبان حضرت زینب(س)

هیئات مذهبی مشهد؛ وامدار آیت‌الله دهشت

حضرت امام موسی کاظم(ع) می‌فرمایند هرگز نزد هر عالمی منشین مگر آن که او تو را از ۵ چیز به ۵ چیز دعوت کند؛ از شک به یقین، از کبر به تواضع، از عداوت به نصیحت، از ریا به اخلاص و از میل به کارهای دنیایی به زهد. حاج آقا دهشت از جمله عالمانی هستند که مصداق این روایت هستند و نسبت به اخلاص در کارها و یاد خدا تأکید داشته و دارند؛ ایشان بر این نکته همیشه تأکید داشته‌اند که باید کارهایمان مرضی رضای خدا باشد.

یکی از افتخارات من حضور در جبهه‌ها همراه با آیت‌الله دهشت بود؛ سال ۱۳۶۲ یا ۱۳۶۳ بود که من و دیگر دوستان از طرف جلسه بنی‌فاطمه به جبهه‌های جنگ تحمیلی رفتیم و حاج آقا دهشت نیز از طریق این هیئت به عنوان سخنران همراه ما بودند و در طول حضور در جبهه ایشان نصایح ارزشمندی به ما و دیگران داشتند.

از برکت حضور چنین شخصیت‌هایی، در مشهد مقدس هیئت‌های متعددی همچون بنی‌فاطمه(س) و هیئت محبان حضرت زینب(س) وجود دارد که برای تبلیغ دین اسلام تلاش می‌کنند.

تراشکاران برگزار می‌شد و به نحوی برنامه‌ریزی شده بود که در ایام محرم و صفر و فاطمیه، هر ۵ روز در منزل یکی از اعضا برگزار شود.

در سال ۱۳۷۲ مکانی خریداری شد و مجتمع حضرت زینب(س) تأسیس شد. مشوق ما برای خریداری این مکان، حاج آقای دهشت و حاج آقای دست‌پروری بودند. برای خرید این مکان جلسه‌ای با برخی خیرین مشهد برگزار شد و حاج آقای دهشت سخنرانی کردند و از مردم خواستند برای خرید این مجتمع کمک کنند؛ مردم نیز کمک‌های فراوانی برای خرید این مجتمع داشتند.

طی این سال‌ها حاج آقای دهشت یکی از معروف‌ترین منبری‌ها و شخصیت‌های مشهد مقدس بوده‌اند و ویژگی‌های شخصیتی ایشان برای همه الگو بوده است.

از دیدگاه من که سال‌هاست با ایشان آشنایی دارم، مهمترین ویژگی شخصیتی حاج آقا تأکید ایشان بر مسئله امامت، دیانت و انقلاب است؛ ایشان استاد حوزه علمیه هستند و بسیاری از روحانیون که امروز جایگاه علمی دارند، از درس ایشان استفاده کرده‌اند.

سید مهدی داودی

مسئول انجمن اسلامی صنف تراشکاران

منزل آیت‌الله دهشت؛ کانون مجالس مذهبی

جلسات هیئت محبان حضرت زینب(س) ابتدا در منازل اعضای صنف تراشکاران برگزار می‌شد و در سال ۱۳۷۱ تصمیم به خرید مکانی گرفتیم و از همه اعضای صنف دعوت به عمل آمد. حاج آقای دهشت سخنران آن جلسه بودند و توانستیم مقدمات خرید یک مکان به عنوان مجتمع حضرت زینب(س) را فراهم کنیم که در سال ۱۳۷۲ این امر محقق شد، حاج آقای دهشت و حاج آقای گرایلی از ابتدا با ما همراه بودند.

عَلَيْهِمْ سَلَامٌ



فصل سوم:

مدارس علوم و معارف اسلامی

شهید مطهری

خاطرات ۱۷ سال همکاری در توسعه مدرسه شهید مطهری

درباره نحوه ورود خود به مدرسه شهید مطهری و آشنایی با استاد دهشت بفرمائید.

بنده از طرف آیت‌الله امامی کاشانی برای واحد پسرانه مدرسه شهید مطهری دعوت به همکاری شدم و این امر آغاز همکاری‌ام با حضرت آیت‌الله دهشت بود، البته سابقه آشنایی من با ایشان به دوران تبلیغ قبل از پیروزی انقلاب برمی‌گردد.

دوران تبلیغ به این صورت بود که تعدادی از طلاب را شب‌های جمعه به روستاها می‌فرستادیم تا مسائل شرعی و احکام دینی را برای مردم بیان کنند. در آن زمان بنده خبر نداشتم که حاج آقای دهشت هم، چنین برنامه‌ای دارند و وقتی مبلغین ما به روستاها می‌رفتند، متوجه شدند که تشکیلات دیگری هم در مشهد وجود دارد که مبلغ اعزام می‌کند. لذا با هماهنگی که با حاج آقای دهشت انجام گرفت، ایشان بحث اعزام مبلغ را ادامه دادند و بنده واره عرصه تدریس شدم.

درباره دوران ابتدایی حضور در مدرسه عالی شهید مطهری بیشتر توضیح دهید. آیت‌الله دهشت در آن زمان تولیت مدارس شهید مطهری مشهد، شامل دبیرستان دخترانه و پسرانه، و پیگیری تمامی برنامه‌های مرتبط با این مدارس را برعهده داشتند؛ با حکم آیت‌الله امامی کاشانی من به عنوان قائم مقام حاج آقای دهشت انتخاب شدم و تقریباً ۱۷ سال با ایشان همکاری داشتم.

حجت‌الاسلام والمسلمین غلام‌رضا ذاکری متولد سال ۱۳۲۲ در مشهد، دارای سابقه تدریس در مدرسه شهید مطهری و بهره‌مندی از محضر آیت‌الله‌العظمی میلانی است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در همان سال‌های ابتدایی وارد نهضت سوادآموزی شد و تدوین کتاب ویژه سوادآموزان از جمله فعالیت‌هایی وی است. ذاکری بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ در دانشگاه تربیت معلم تدریس کرد، و پس از آن به مدرسه عالی شهید مطهری مشهد رفت و به عنوان قائم‌مقام آیت‌الله دهشت مشغول فعالیت شد.

وی در گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید از دوران حضور در این مدرسه و آشنایی با آیت‌الله دهشت می‌گوید.

۸۴

استاد حاج شیخ غلام‌رضا
دهشت



نحوه نظارت آیت‌الله دهشت در بحث انتخاب دبیران و مدرسان مدرسه چگونه بود؟

مدرسه شهید مطهری دبیران خود را به صورت گزینشی از دبیرستان‌ها انتخاب می‌کرد. در بسیاری از موارد بنده و حاج آقای دهشت بایکدیگر تبادل نظر و مشورت می‌کردیم و دبیری را که شایستگی‌های لازم را داشت، انتخاب می‌کردیم و سپس از وزارت آموزش و پرورش درخواست می‌کردیم و آنها نیز دبیر مربوط را مأمور به خدمت در آن مدرسه می‌کردند.

نکته‌ای درباره توصیه‌های ایشان در این زمینه به یاد دارید؟

توصیه ایشان همیشه به صورت کلی این بود که باید دبیران متدین، مؤمن، انقلابی و دلسوز انتخاب شوند و ما هم همین راه را طی می‌کردیم و با تبادل نظر سعی مان این بود که بهترین دبیر از نظر انقلابی بودن، مؤمن و معتقد بودن و مخلص بودن و آشنایی با معارف اسلامی انتخاب شود، که البته به نظرم در این حوزه تا حدی موفق بودیم؛ چرا که طی سال‌ها دانش‌آموزان این مدرسه به عنوان نفرات ممتاز کنکور برگزیده می‌شدند.

شکل جلسات هیئت امناء و دبیران چگونه بود؟

در جلسات هیئت امناء مسائل مالی مدرسه با حضور آیت‌الله دهشت و تعدادی از بازاریان بررسی می‌شد؛ در سال‌های نخست از محصلان شهریه نمی‌گرفتیم و همه مسائل مالی از سوی هیئت امناء تأمین می‌شد.

برای ارتقای بُعد فرهنگی و محتوایی، جلسات شورای دبیران را داشتیم؛ این جلسات ماهی یک بار در منزل یکی از دبیران برگزار می‌شد که در هر جلسه ابتدا دعای ندبه خوانده می‌شد و پس از آن مسائل آموزشی مورد بحث قرار می‌گرفت.

حاج آقا در آنجا، هم تدریس داشتند و هم به عنوان رئیس هیئت امناء فعال بودند و همه فعالیت‌ها با تصویب و نظر ایشان انجام می‌شد؛ چرا که شخصیت وی مورد احترام همه ما بود. یکی از دلایل این مسئله، خوش فکری ایشان بود.

در طول ۱۷ سال همکاری با استاد دهشت، مهم‌ترین ویژگی اخلاقی که می‌توانید از ایشان ذکر کنید، چیست؟

ایشان نسبت به موقعیت علمی‌ای که داشتند، بسیار متواضع بودند و حُسن برخورد داشتند. جدیت در کار و تشویق دیگران برای پیگیری جدی امور از دیگر ویژگی‌های بارز ایشان است. البته باید تأکید کنم که اخلاص در عمل مهم‌ترین این ویژگی‌هاست؛ چرا که هیچ‌گاه از دیگران انتظاراتی همچون تعریف و تمجید در قبال کارهایی که انجام می‌دادند، نداشتند.



در دوران دفاع مقدس آیت‌الله دهشت در کمک‌رسانی به جبهه‌ها و نیز اعزام دانش‌آموزان و دانشجویان نقش پررنگی داشته‌اند؛ درباره این مسئله و اقدامات آیت‌الله دهشت در مدرسه چه نکاتی در ذهن دارید؟

در دوران دفاع مقدس، اعضای هیئت امناء مدرسه به‌ویژه آیت‌الله دهشت در قسمت‌های مختلف به‌ویژه پشت جبهه، کمک‌های فراوانی داشتند. در دوره‌های اول دبیرستان مدرسه شهید مطهری، ما دو یا سه شهید و نیز چندین مفقودالثر داشتیم که اغلب این افراد با تشویق‌های حاج آقای دهشت به جبهه‌ها رفته بودند.



حسینیه مرحوم عابدزاده

مدرسه توسعه پیدا کرد. بعدها ۱۳ هزار مترمربع زمین در قاسم‌آباد و همچنین در جای دیگری گرفته و مدرسه ساخته شد و واحد دخترانه در آن تأسیس شد.

از یکی از بزرگان که در مدرسه شهید مطهری هم مسئولیتی داشتند، شنیدم که فرموده بودند «مدارس استان‌های دیگر، بروند مدرسه شهید مطهری مشهد را برای خود الگو قرار دهند»؛ این مدرسه در تربیت دانش‌آموزان ممتاز که هم از نظر علمی و هم اخلاقی شایسته باشند، موفقیت‌های بسیار خوبی داشته است.

در حوزه اخلاقی، توصیه حاج آقای دهشت به دانش‌آموزان، به ویژه در سخنرانی‌هایی که بین نمازهای جماعت داشتند، چه مسئله‌ای بود؟

حاج آقای دهشت در حوزه علمیه به عنوان معلم اخلاق مشهور هستند و بیش از هر مسئله‌ای به مباحث اخلاقی توجه داشتند. در دبیرستان نیز مسائل اخلاقی و اعتقادی را پس از جلسات و بین دو نماز یا بعد از آن تأکید می‌کردند.

همه ما شیفته اخلاق خوب ایشان بودیم، با وجود جایگاه علمی که ایشان داشت اما رفتار و تواضع و اخلاق ایشان برای ما الگو بود.

یکی از نکات جالب این بود که همیشه از جلساتی که ایشان حضور داشتند، با روحیه شاد خارج می‌شدیم و مطالب جلسه از سوی ایشان با مثال‌های زیبا و نشاط‌آور برای افراد بیان می‌شد؛ البته در حین ایجاد فضای نشاط‌آور، مسائل خیلی جدی مطرح و بررسی می‌شد.

شیوه آیت‌الله دهشت برای جذب منابع مالی جهت حل مشکلات مدرسه چگونه بود؟

حاج آقای دهشت و هیئت امنای مدرسه هر هفته یک جلسه داشتند که همه اعضاء در آن شرکت می‌کردند و با توجه به اینکه اعضای هیئت امناء نسبت به ایشان اعتقاد خاصی داشتند و عملاً شاهد بودند که حاج آقا به هر چه می‌گوید، عمل می‌کند، لذا مشکلی در کمک کردن نداشتند و بودجه تأمین می‌شد و نیازی نبود که از دانش‌آموزان کمک مادی گرفته شود.

به طور خاص موردی به خاطر دارید که با ایشان رایزنی داشته باشید و یا اختلاف نظری به وجود آمده باشد، مثلاً درباره تأمین امکانات مدرسه؟

مدرسه شهید مطهری از صفر شروع شده بود و همه چیز برای آن مورد نیاز بود. مدرسه در یک حسینیه کار خود را آغاز کرد. زمانی که من به آن مدرسه رفتم، حاج آقای دهشت به مکه مشرف شده بود و وقتی قرار شد فعالیت مدرسه را آغاز کنیم چند نفر را از مسجد محل به حسینیه بردیم تا آنجا را تمیز کنند؛ یک تا دو روز هم از بچه‌هایی که به تازگی ثبت‌نام کرده بودند، خواستیم مدرسه را مرتب و منظم کنند. از این رو هیچ امکاناتی نداشتیم و امکانات آن به تدریج فراهم شد و

آگاه به نیازهای واقعی جامعه

همین دلیل در این جلسات بیشتر حضور داشتیم؛ به این ترتیب ارتباط و مناسبات بیشتری با ایشان پیدا کردم. برنامه‌ها و جلسات به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شد که به همین ترتیب ارتباط ما با ایشان تا سال ۱۳۷۵ که در مشهد بودیم بیشتر گره خورد. پس از آن نیز در هر سفرم به مشهد، برای عرض ادب خدمت ایشان می‌روم و سعی می‌کنم با ایشان ملاقات داشته باشم.

مدارس شهید مطهری چه ویژگی‌هایی داشت؟

به نظر من مدارس شهید مطهری جزء مدارس بسیار موفق و تأثیرگذار در عرصه فرهنگی و اجتماعی مشهد و کل کشور است. بنیان این مدارس حدود سال‌های ۱۳۶۳ گذاشته شد و من از سال ۱۳۶۵ با این مدارس ارتباط پیدا کردم و با اولین ورودی‌های مدارس شهید مطهری کلاس داشتم و تدریس کردم و تا زمانی که در مشهد بودم با این مجموعه در ارتباط بودم.

این مجموعه به دلایل مختلف جزء برنامه‌های موفق آموزشی و تربیتی بوده، یکی از این دلایل این بود که دانش‌آموزان این مدرسه با گزینش انتخاب می‌شدند و اینطور نبود که هر کس که برای ثبت‌نام می‌آید، پذیرفته شود. حساسیت‌هایی وجود داشت، به همین دلیل در خانواده‌های داوطلبان و شخصیت آنان دقت بیشتری صورت می‌گرفت. خیلی از فرزندان خانواده‌های مطرح و متدین در آن مدرسه تحصیل کرده‌اند. خانواده‌های

حجت‌الاسلام والمسلمین صابر اکبری جدی، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور دانشجویان خارج از کشور، طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۵ ارتباط مستمر و مستقیمی با آیت‌الله دهشت داشته است. اکبری جدی از اولین اساتید مدرسه شهید مطهری محسوب می‌شود و به عنوان یک عضو حقیقی در جلسات هماهنگی واحدهای مدارس شهید مطهری مشهد حضور داشت؛ به واسطه همین امر، با منش‌های اخلاقی و ویژگی‌های علمی آیت‌الله دهشت آشناست.

در چه دوره‌ای و چگونه با استاد دهشت آشنا شدید؟

من سال ۱۳۶۴ به دلایلی از قم به مشهد رفتم، قصدم این بود که تابستان را در مشهد بگذرانم، اما این دو یا سه ماه تابستان، عملاً تا سال ۱۳۷۵ یعنی حدود ۱۱ سال به طول انجامید که آشنایی من با آیت‌الله دهشت مربوط به این دوره است. اصل آشنایی من با ایشان در مدرسه عالی شهید مطهری بود؛ ایشان نماینده آیت‌الله امامی کاشانی در مدارس شهید مطهری مشهد بود. آن زمان این مدرسه دو واحد خواهران و برادران در مقطع دبیرستان در مشهد داشت، بعدتر دوره عالی خواهران در مقطع لیسانس راه‌اندازی شد که بعد از مدتی دوره برادران نیز به راه افتاد.

در آن دوره مدیریت مدرسه پسران بر عهده حجت‌الاسلام ذاکری و مدیریت واحد دختران بر عهده خانم امینی بود، مدیریت دوره عالی خواهران نیز بر عهده خانم محمودی گذاشته شده بود. این سه مجموعه به‌منظور هماهنگی برنامه‌ها و فعالیت‌های واحدها جلسات مشترکی با مدیریت آیت‌الله دهشت برگزار می‌کردند که بنده به‌عنوان عضو حقیقی در آن جلسات حضور داشتم و یکی از همکاران نیز به‌عنوان نماینده مدرسان شهید مطهری در این جلسه حضور پیدا می‌کرد.

من در این واحدها، هم در مقطع دبیرستان و هم در دوره عالی تدریس می‌کردم، به



متدین مذهبی و متشخص به دلیل شناختی که از آیت‌الله دہشت به عنوان اعتبار مدارس شهید مطہری مشہد داشتند، فرزندان خود را راہی این مدرسہ می‌کردند.

نکتہ دیگر فضای بسیار خوب مدرسہ بہ دلیل دارا بودن حَسَنیہ مرحوم حاج آقای عابدزادہ بود؛ مرحوم عابدزادہ بہ عشق ۱۴ معصوم، ۱۴ محل بہ نام ائمہ اطہار(ع) با عناوین حَسَنیہ، حَسینیہ، سجادیہ و ... ساختند کہ مدرسہ شهید مطہری در حَسَنیہ مستقر بود. فضای بسیار خوبی داشت، بالای این مکان اتاق‌هایی تعبیه شدہ بود کہ بہ عنوان کلاس‌های درس استفادہ می‌شد. مدیران مجموعہ‌ها نیز بسیار شاخص بودند؛ حاج آقای ذاکری، فرد بسیار متدین و روحانی خوش ذوق و از نزدیکان آیت‌الله میلانی بود و با مسائل تبلیغی آشنایی داشت. خانم امینی از مدیران خوش فکر و بسیار باہوش بود. مدیران از میان افراد قابلی انتخاب شدہ بودند. معاون‌هایی کہ در این مدارس بودند، افراد شایستہ‌ای بودند. انصافاً، ہم با ذوق، ہم جدی و ہم با تدبیر و نظم، مدرسہ را ادارہ می‌کردند. حضور این شخصیت‌ها نیز این مدرسہ را متمایز می‌کرد.

طاساتید خوبی جذب کردہ بودند و در جذب اساتید دقت داشتند. ہم در درس‌های عمومی و ہم درس‌های تخصصی علوم انسانی و معارف، بہترین اساتید مشہد جذب می‌شدند و در این مراکز تدریس می‌کردند. جلسات اساتید مرتب برگزار می‌شد کہ در این جلسات تبادل نظر صورت می‌گرفت.

مدرسہ شهید مطہری تجربہ بسیار موفق بود و کارهای متفاوتی انجام داد. بہ عنوان مثال در مسئلہ سخنرانی و خطابہ، کلاسی برگزار می‌شد کہ دانش‌آموزان در آن با نحوہ سخنرانی آشنا می‌شدند، لذا اکثر فارغ‌التحصیلان این مدارس در آن دورہ افراد خوش حرفی هستند و بہ خوبی با آداب سخنوری آشنا هستند.

آموزش‌های قرائت و تجوید قرآن بہ صورت ویژه در این مدرسہ ارائه می‌شد کہ بہ ہمین دلیل اکثر دانش‌آموزان شهید مطہری قاریان بسیار خوب قرآن هستند. همچنین بہ بحث مداحی و تواشیح توجہ می‌شد؛ اولین گروہ‌های تواشیح از ہمین مجموعہ بودند کہ بعدہا گروہ‌های تواشیح‌خوانی تشکیل دادند.

درس‌های حوزوی و مقدمات حوزوی در کنار درس‌های متعارف علوم انسانی تدریس می‌شد؛ ادبیات عرب، منطق، اصول فقہ و احکام تدریس می‌شد و می‌توان گفت از نظر سطح علمی و مسائلی کہ دانش‌آموزان در این مدرسہ فرا می‌گرفتند یک سر و گردن بالاتر از سایر مدارس بود.

ویژگی‌های منحصر بہ فردی در آن مدرسہ جمع شدہ بود و نتیجہ‌اش این شد کہ خروجی بسیار خوبی داشت.

آیت‌الله دہشت در مورد گزینش اساتید بر چند نکتہ حساسیت داشتند؛ اول بر مسئلہ سلامت فکری اساتید و سپس بر سلامت اخلاقی آنها بسیار حساس بودند؛ همچنین تسلط علمی مدرسان مورد توجہ ایشان بود. موضوع دیگر، ایجاد شرایطی برای ارتباط اساتید با یکدیگر و ہم فکری آنان با ہم بود. حاج آقای دہشت همچنین بہ مسئلہ قدردانی از اساتید موفق توجہ ویژه می‌کردند.

با توجہ بہ موفقیت‌هایی کہ در مدرسہ مطہری بر شمردید، ویژگی‌ها و خصوصیات آیت‌الله دہشت چہ تأثیری در کسب این موفقیت‌ها داشت؟

نوع نگاه ایشان بہ مدارس شهید مطہری و تربیت دانش‌آموزان یکی از عوامل موفقیت مدارس شهید مطہری بود. ایشان با اینکہ در سیستم سنتی حوزوی تحصیل و رشد کردہ‌اند، اما انسانی با اطلاعات روز جامعہ هستند؛ بہ مسائل مختلف فرهنگی و اجتماعی حساس بودند و شناخت بسیار خوبی از تحولات فرهنگی و دینی جامعہ داشتند و کاملاً رصد می‌کردند و در جریان بودند. ایشان بہ مسائل مختلف فرہنگ دینی جامعہ حساس بودند، بنا بر اشرافی کہ بر این مسائل داشتند، سعی می‌کردند این مجموعہ مدارس را در راستای تأمین نیازهای واقعی پیش ببرند. اگر چہ آموزش‌های متعارف و ظاہراً رسمی در کشور وجود داشت، اما ما نیاز داشتیم دانش‌آموزان با یک تسلط و اشراف خوب بر دین و مذهب و داشتن انگیزہ انجام کار تبلیغی و تأثیرگذاری فرہنگی با قابلیت‌های مورد نیاز برای این کارها تربیت شوند.

تأکیدشان این بود کہ دانش‌آموزان از نظر تحصیلی ممتاز و از نظر اطلاعات دینی قوی باشند؛ لذا درس‌های دینی و مذهبی بسیار زیادی در این مدرسہ ارائه می‌شد؛ همچنین می‌خواستند در کنار این مسائل، مهارت‌های مورد نیاز بہ این افراد دادہ شود، لذا مسائل مختلفی از جملہ فن سخنوری، مدیریت جلسات و قرائت قرآن در این مدارس آموزش دادہ می‌شد.

نتیجہ این شد کہ فارغ‌التحصیلان این مدرسہ اکنون در جایگاہ خود افراد مؤثری هستند و بہ خاطر امتیازاتی کہ،

کند. بخش عمده آن محصول نگاه و اهتمام ویژه آیت‌الله دهشت بود. ایشان صاحب‌نظر و علاقه‌مند بودند که بر اساس نیازی که حس می‌کنند، نیروها را تربیت کنند.

ارتباط ایشان با اساتید چگونه بود و در جلساتی که با اساتید داشتند، چه مسائلی را مورد تأکید قرار می‌دادند؟

یکی از ویژگی‌های آیت‌الله دهشت سلوک متواضعانه و بسیار صمیمانه ایشان با همه، به‌ویژه با اساتید بود. علی‌رغم جایگاه بالای ایشان، چه از نظر سن و سال و چه از نظر جایگاه مدیریتی، خود را همچون یک معلم و استاد مطرح می‌کردند و این بسیار جالب بود. در جلسات اساتید می‌آمدند و مطالبی مطرح می‌کردند و اینگونه نبود که از موضع بالاتر بخواهند نظر خود را به افراد تحمیل کنند.

ایشان روی اساتید بر چند نکته حساسیت داشتند؛ یکی مسئله سلامت فکری اساتید بود که بسیار دقیق رصد می‌کردند که اساتید مطلبی نگویند که انحراف فکری در ذهن بچه‌ها ایجاد کند؛ همان‌طور که برخی اساتید، با اینکه اساتید خوبی بودند، اما بعدها معلوم شد که افکار و اندیشه‌های دیگری در ذهن دارند. آن زمان جریان «کیان» و «سروش» تازه شکل گرفته بود و رگه‌هایی از

هم از نظر علمی و هم از لحاظ مهارتی دریافت کرده‌اند، توانسته‌اند مؤثر باشند. امروز هیئت شمس‌الشموس در تهران از افرادی هستند که در مدرسه شهید مطهری تربیت شده‌اند که مراسم بسیار بزرگی هم‌زمان با میلاد امام رضا (ع) هر ساله برگزار می‌کنند. افراد بسیاری از این مدرسه هستند که در تهران و سایر شهرها در عرصه فرهنگی و اجتماعی فعالیت می‌کنند.

آیت‌الله دهشت به نیاز جامعه آگاه بودند، معتقد بودند که در کنار سیستم رسمی کشور، ما باید افراد خاصی با مهارت‌های دینی و خاص تبلیغی تربیت کنیم که انصافاً در این عرصه موفق عمل کردند.

ایشان نگاه خاصی به نسل جوان داشتند و کار با نسل جوان را سرمایه‌گذاری می‌دانستند و خودشان وقت می‌گذاشتند و هزینه می‌کردند. صرفاً توصیه و نصیحت نمی‌کردند؛ ایشان نیز با بچه‌ها نشست و برخاست داشتند، حرف می‌زدند و برای آنها تدریس می‌کردند. مدت‌زمان قابل توجهی از وقت خودشان را به دانش‌آموزان اختصاص می‌دادند و در همه مراسم مدرسه حضور پیدا می‌کردند. همچنین بچه‌ها را با محافل که با آنها ارتباط داشتند، مرتبط می‌کردند. سرمایه‌گذاری بسیار خوبی روی نسل جوان کردند و نتیجه‌اش نیز واقعاً دیدنی بود. من تصور نمی‌کنم در مشهد مجموعه‌ای همچون مدارس شهید مطهری توانسته باشد نیروی مطلع، به‌روز و مؤثر تربیت





آیا تاکنون از نوع مدیریت ایشان در مدرسه شهید مطهری مشهد الگوبرداری شده و یا تلاشی برای این کار صورت گرفته است؟

من معتقدم این الگو در خیلی جاها پیاده شده و افراد بسیاری از آن الگو گرفته‌اند. بسیاری افراد از مدارس و مناطق مختلف می‌آمدند و روش و سبک مدرسه را می‌دیدند و برایشان جالب بود که موفق عمل می‌کند و دانش‌آموزان از نظر اخلاقی، علمی و دینی در سطح خوبی هستند؛ برای همین می‌خواستند الگوبرداری کنند. اما به نظر من برخی از نسخه‌ها تک هستند و نمی‌شود عین آن را ساخت. به دلیل اینکه یک سری عوامل در آن وجود دارد که منحصر به فرد هستند. به عنوان مثال حاج آقای دهشت در آن مدرسه موضوعیت داشتند و جایگاه و نگاه ایشان مهم بود. طبیعی است که آن نگاه در جای دیگری وجود ندارد و جای خالی ایشان مشاهده خواهد شد؛ یا فضای حسنیه را با آن نیت پاکی که مرحوم حاج آقای عابدزاده داشتند، فرض کنید، واقعا ایشان انسان مخلصی بود که زحمت کشید و کار کرد؛ چنین فضایی را نمی‌توان در جای دیگری دید، فضایی که اثر وضعی بر مدرسه دارد.

در برخی دوره‌ها شرایط خاصی در جامعه به وجود می‌آید که مستعد یک سری کارهاست که در دوره بعدی آن فضا به هم می‌خورد، لذا دیگر نمی‌شود آن اقدام را انجام داد. بعضی مسائل ممکن است تکرار پذیر باشد، اما یک سری عوامل را نمی‌توان تکرار کرد.

حتی افرادی که در مدرسه شهید مطهری مسئولیت داشتند، بعدها از این مدرسه الگوبرداری کردند، اما نتوانستند در این سطح کار کنند. اما تجربه خوبی بود که در جاهای دیگر نیز پیاده شد و به برنامه‌های دینی و فرهنگی بهای بیشتری داده شد و یک سری آموزش‌های فوق برنامه در نظر گرفته شد، اگر چه نتوانستند مثل مدرسه شهید مطهری در تربیت نیرو موفق باشند.

مدون و منضبط کردن و در اختیار دیگران گذاشتن این تجربیات نیاز به کار دقیق پژوهشی دارد. حتی جا دارد تاریخچه مدرسه شهید مطهری را تبیین کنیم تا ثابت و ضبط شود. این مسئله می‌تواند برای کارهای آموزشی و پژوهشی آینده دستمایه شود تا الگوهای دینی بی‌بدیل جایگزینی برای آموزش و پرورش شود. به نظر می‌رسد مراسم بزرگداشت حاج آقای دهشت فرصت خوبی است که خاطرات و تجربیات ضبط و مدون شود.

این ماجرا در بین برخی اساتید مدرسه شهید مطهری نیز دیده می‌شد که ایشان روی این موضوع دقت داشتند و حساس بودند.

روی مسئله سلامت اخلاقی اساتید نیز بسیار حساس بودند. در این مدرسه افرادی که پایبند به اخلاق و ارزش‌ها بودند، تدریس می‌کردند. همچنین مسئله تسلط علمی اساتید مورد توجه ایشان بود و در هر رشته‌ای سعی می‌کرد بهترین اساتید را برگزینند. توصیه‌شان این بود که اساتید ارتباط صمیمی با دانش‌آموزان و دانشجویان داشته باشند و صرفاً به کلاس بسنده نکنند و با دانش‌آموزان ارتباط عاطفی، معنوی و معرفتی داشته باشند و همین‌طور هم بود. به طوری که دانش‌آموزان با اساتید مانوس بودند و بسیاری از آنها هنوز هم با اساتید خود مرتبط هستند.

موضوع دیگر، ارتباط اساتید با یکدیگر و هم‌فکری آنان با هم بود. ایشان فرصت‌های بسیاری ایجاد می‌کردند تا اساتید بیشتر با هم باشند و نظرات یکدیگر را بشنوند؛ چرا که تقارب فکری ایجاد می‌شد و مواضع به هم نزدیک می‌شد تا معلمان یک‌دست بشوند و ذهن بچه‌ها به هم نریزد.

قدردانی ایشان از اساتید موفق از دیگر نکات جالب توجه بود. اگر استادی وقت می‌گذاشت و کار می‌کرد و دانش‌آموزان از وی راضی بودند، ایشان برای چنین استادی ارزش می‌گذاشتند و قدردانی می‌کردند و به هیچ‌وجه چنین فردی را از دست نمی‌دادند، به تفاوت بین اساتیدی که وقت می‌گذاشتند و عملکرد خوبی داشتند با سایر اساتید توجه می‌کردند.

ایشان همچنین روی نشاط بچه‌ها خیلی تأکید داشت؛ به همین دلیل به هیچ‌وجه رکود و خمودگی و بی‌حالی در مدرسه نمی‌دیدید و بچه‌ها با انرژی بودند. برنامه‌های فوق‌العاده کاملاً در مدرسه حاکم بود؛ لذا مدرسه بسیار سرزنده بود.

زبده‌گزینی در مدرسه شهید مطهری

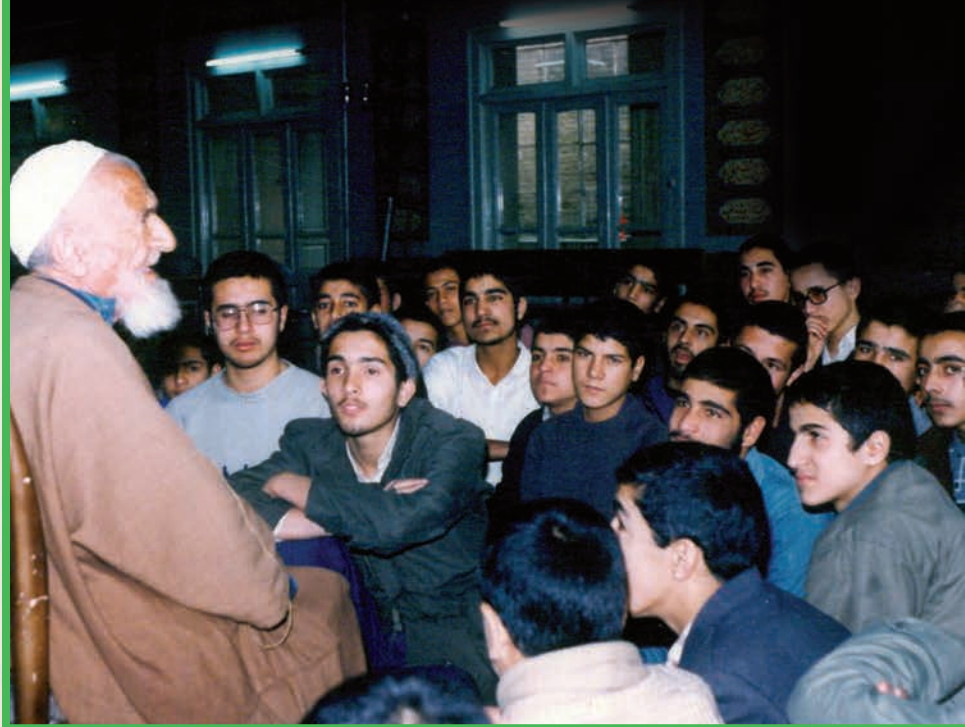
در ابتدا درباره نحوه ورود به مدرسه شهید مطهری و تدریس در آنجا توضیحاتی بفرمائید.

با برخی دوستانی که در مدرسه شهید مطهری مشغول تحصیل بودند، آشنا بودم، سال ۱۳۶۷ بعد از اینکه دوران دفاع مقدس به پایان رسید، آنها به من پیشنهاد دادند در این مدرسه چند واحد درسی تدریس کنم. بنده نیز پذیرفتم و برای اولین بار حاج آقای دهشت را در این مدرسه زیارت کردم.

به یاد دارم قبل از اینکه وارد کار تدریس شوم، ایشان مصاحبه‌ای از من گرفتند و رزومه و سوابق تحصیلی را بررسی کرده و سپس بنده را به مدیر مدرسه معرفی کردند و در نهایت چند واحد برای تدریس به اینجانب محول شد. عمده دروسی که در این مدرسه تدریس می‌کردم، اخلاق اسلامی و متون فقه بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین ناصری مقدم، عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه فردوسی مشهد و از دانش‌آموختگان حوزه علمیه این شهر است. وی مدرک دکتری خود را در رشته فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه تهران اخذ کرده و از جمله اساتید مدرسه شهید مطهری مشهد است که سال‌ها تحت نظر آیت‌الله دهشت در این مدرسه تدریس کرده است.





به مقام آیت‌اللهی نیز رسیده باشد؛ بیشتر واعظان مشهد با تعبیر حوزوی ثقۀ الاسلام و یا حجت‌الاسلام همراه هستند، اما حاج آقا دهشت، واعظی بود که مقام اجتهاد داشتند، در بحث اجرایی و مدیریتی واقعا از الگوهای مهم بودند و بر مدرسه نظارت دقیقی داشتند، ایشان اصلا سهل‌انگاری و مسامحه در مدرسه را قبول نداشتند.

برایم جالب بود که حاج آقای دهشت در مسائل تربیتی اهل مدارا و مباحثات نبودند، یاد می‌آید جلسه هیئت دبیران هر هفته برگزار می‌شد و ایشان در جلسه حضور پیدا می‌کردند و پیگیر مسائل و حل مشکلات بودند، هر دانش‌آموزی یک پرونده آموزشی و تربیتی داشت و در این جلسات نسبت به جزئی‌ترین مسائل بحث می‌شد و حاج آقا خود در این مسائل ورود پیدا می‌کردند و بی‌تفاوت نبودند، در هر سال تحصیلی نیز نطقی برای طلبه‌هایی که برای اولین بار وارد مدرسه می‌شدند از سوی ایشان ایراد می‌شد.

خاطره‌ای از آن دوران به یاد دارید؟

مدرسه شهید مطهری در سیستم آکادمیک کشور تعریف شده بود و جزء آموزش و پرورش بود، اما به گونه‌ای به حوزه نیز وابستگی داشت؛ لذا برخی از مردم معتقد بودند کسانی که در این مدرسه تحصیل می‌کنند، حوزوی هستند و شیخ یا روحانی می‌شوند. به یاد دارم حاج آقا به طنز به دانش‌آموزانی که از محیط دیگری وارد این مدرسه شده بودند و ممکن بود برخی افراد به آنها طعنه بزنند، روحیه می‌دادند و می‌فرمودند که اگر کسی به طعنه به شما گفت «می‌خواهی شیخ شوی!» شما به طعنه در جواب او بگویید «می‌خواهم دکتر شوم!» در پایان نیز باید یادآور شوم که ایشان در مواقع مختلف بین دو نماز ظهر و عصر برای بچه‌ها به صورت کوتاه و آموزنده صحبت می‌کردند و این موجب می‌شد ره‌توشه عمیق و سودمندی برای شاگردان فراهم شود.

به نظر شما استراتژی حاج آقای دهشت در جذب اساتید چگونه بود؟

ایشان بر زبده‌گزینی در انتخاب اساتید تأکید داشتند و به دنبال یک استراتژی و خط مشی در انتخاب اساتید بودند و معمولا طلابی را برای تدریس مدنظر قرار می‌دادند که اغلب از اساتید حوزه بودند و تحصیلات خوب حوزوی داشتند و به لحاظ مسائل تربیتی و رفتاری می‌توانستند جوانان را جذب کنند. یاد می‌آید سؤالات حاج آقا از من برای گزینش این بود که کجا درس خوانده‌ام و اساتید من چه کسانی بوده‌اند و چند سؤال دیگر. در همان جلسه حاج آقای دهشت به این نتیجه رسیدند که مناسب تدریس در این مدرسه هستیم.

شما چه تعریفی از شخصیت حاج آقا دارید و چه نکاتی را در مورد شیوه تدریس و تعامل با دانش‌آموزان و دانشجویان مورد تأکید قرار می‌دادند؟

سخن گفتن در مورد شخصیت ایشان مثنوی هفتاد من کاغذ است و در یک مجال کوتاه حق مطلب ادا نخواهد شد. در چند جمله می‌توان گفت که حاج آقا رادمرد راستینی بودند که به کار خود ایمان داشته و اهداف بلندی مدنظر داشتند و در این مسیر از هیچ کوششی فروگذار نکردند؛ ایشان به مقام آیت‌الله رسیده بودند و از نظر علمی فردی دقیق و در وعظ، خطابه و سخن‌وری ید طولایی داشتند؛ علاوه بر موقعیت علمی، در تبلیغ و رسانه نیز جایگاه والایی داشتند. در مشهد مقدس در میان واعظان و سخنوران کمتر فردی است که

راز عمرهای پربرکت

استاد حاج شیخ غلامرضا

دهشت
۹۳

اولین نکته در رمز موفقیت هر فرد این است که چگونه و از چه منظری به این دنیا نگاه می‌کند و خود را در این دنیا چه می‌بیند؟ برخی فریفته این دنیا می‌شوند و وظیفه خود را فراموش می‌کنند. افراد موفق مثل آیت‌الله دهشت و بزرگانی مثل ایشان عمرشان را در بندگی خدا و خدمت به مردم صرف می‌کنند.

اینکه آیت‌الله دهشت با آن سابقه و پیشینه‌ای که دارد، با نوجوانان انس پیدا می‌کند، راز و رمز اینجاست که ایشان به سن و سال نگاه نمی‌کند، به انجام وظیفه نگاه می‌کند؛ بر همین اساس است که شهید مطهری در کنار نوشتن کتاب «داستان راستان»، شرح «اصول فلسفه و روش رئالیسم» می‌نویسند. آیت‌الله دهشت فهمیدند که پایه و اساس علم، دانش و دینداری در دانشگاه گذاشته نمی‌شود و این مهم باید از مهد کودک و دبستان آغاز شود.

افرادی همچون استاد دهشت متوجه شدند که دو تولد دارند؛ یک تولد غیراختیاری است و تولد دیگر اختیاری است و خداوند به ایشان توفیق فهم آن را عطا کرد. تولد غیراختیاری همان تولد طبیعی است، اما آیت‌الله دهشت فرصت تولد طبیعی را اساس و سکوی برای تولد اختیاری دانست و آن تولد معنوی، علمی، ایمانی و معرفتی بود و برای رسیدن به این نقطه باید خود تلاش می‌کرد. تفاوت انسان‌ها نیز در همین تولد اختیاری است. ظاهر و اندام انسان‌ها تفاوت بین آنها نیست، بلکه تفاوت‌شان در تولد اختیاری است.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا رجب‌نژاد از اولین اساتیدی بود که راهی مدرسه شهید مطهری مشهد شد تا آیت‌الله دهشت را در تربیت نوجوانان این مدرسه یاری رساند. وی امروز به عنوان عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران فعالیت می‌کند، اما همچنان یاد و خاطرات آیت‌الله دهشت و مدرسه شهید مطهری او را به وجد می‌آورد.

از چه دوره‌ای با آیت‌الله دهشت ارتباط داشتید؟

بنده سال ۱۳۶۳ با آیت‌الله دهشت آشنا شدم که این آشنایی در مدرسه شهید مطهری مشهد عمیق شد.

قبل از ورود به این مدرسه با ایشان تعاملی نداشتید؟

من در حوزه علمیه مشهد بودم و دورادور با ایشان ارتباط داشتم. از میان اساتید حوزه نام من را برای حضور در مدرسه مطرح کرده بودند و پس از آن از سوی آیت‌الله دهشت دعوت شدم که از همان ابتدا ابراز علاقه کردند و درس آغاز شد.

آیت‌الله دهشت با سابقه علمی و انقلابی که در مشهد داشتند، حاضر شدند با تأسیس مدرسه و پذیرش مدیریت آن پا به عرصه پرورش دینی نوجوانان خارج از فضای مسجد و حوزه علمیه بگذارند؛ چه عواملی باعث شد که ایشان دست به چنین اقدامی بزنند؟

برای رسیدن به پاسخ چنین سؤال مهمی لازم است بدانیم راز و رمز موفقیت شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله دهشت چیست و چرا برخی افراد عمر پربرکتی دارند؟ چرا عمر برخی دارای تولید است اما عده‌ای مصرف‌کننده هستند و چرا برخی خفیف‌المثونه‌اند؟



تأثیر ویژگی‌های آیت‌الله دهشت بر مدرسه شهید مطهری، اساتید و دانش‌آموزان به چه صورت بود؟

مرحوم شرف‌الدین قبل از امام موسی صدر در لبنان زندگی می‌کردند. ایشان جمله‌ای کلیدی دارند مبنی بر اینکه «لاینتشر الهدی الا من حیث انتشر الضلال». آقای شرف‌الدین می‌گوید مدتی در لبنان بودم و دیدم لبنان از دست رفت و مسیحیان لبنان را تسخیر کردند و بچه‌های مسلمان شیعه بی‌آنکه بفهمند، مسیحی شدند. مشکل را فهمیدم و به دنبال راه حل گشتم. بعد این جمله را مطرح کرد. این در حقیقت یک فرمول همیشه زنده برای طول تاریخ است. من معتقدم آیت‌الله دهشت نیز این فرمول را دریافته بود و طبق آن عمل کرد.

ما باید خانه‌هایمان را از همان جایی آباد کنیم که آن را خراب کردند. دشمن از مسجد بر ما هجوم نیاورد، دشمن از دانشگاه به ما حمله نکرد، دشمن از مدرسه‌ها و دبیرستان‌ها به ما حمله کرد، ذهن بچه‌ها را از خردسالی مشوش کرد. مرحوم شرف‌الدین فهمید اگر می‌خواهد لبنان را به دست بیاورد، تنها راهش این است که از مهد کودک آغاز کند.

رمز توفیق استاد مطهری نیز همین بود. آیت‌الله مطهری نیازهای عصر خود را شناخت و فرزند زمان خود بود. لذا در کنار تألیفات عمیق فلسفی، «داستان راستان» را نیز نوشت؛ چرا که کودکان نیاز به چنین داستان‌هایی داشتند. در مجله «زن روز» آن زمان مقاله نوشت، چرا که معتقد بود اگر مردم زن روز را می‌خوانند چرا حرف حق را در این مجله نزنم. بزرگانی همچون مرحوم شرف‌الدین و مطهری و حاج آقای دهشت زمان‌شناس بودند.

من معتقدم امروز مشکل ما در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها عدم شناخت زمان است. امکانات از نظر کمی و کیفی نسبت به ده بیست سال قبل گسترش یافته، اما آیا تربیت شده‌های ما مثل بیست سال قبل پرتحرک و کم‌توقع و پرکار هستند؟ اسلامی شدن دانشگاه‌ها زمانی محقق می‌شود که مدارس و مهدکودک‌های ما اسلامی شود و آقای دهشت این را به خوبی تشخیص داد و فعالیت در مدرسه شهید مطهری را انتخاب کرد. مدرسه‌ای که نماد بارز وحدت حوزه و دانشگاه است؛ مدیر مدرسه، معلمان مدرسه، اساتید و دانش‌آموزان همه دارای یک هدف هستند و اگر شخص آیت‌الله دهشت نبود، نمی‌شد که این حلقه‌های مفقوده در کنار هم جمع شوند. اساتیدی که برای خود کسی بودند، گرد ایشان جمع شدند. هیچ کسی در پی نام و نان نبود، همه برای خود شخصیتی بودند، اما هیچ کس «من» نبود، چرا که

خود آیت‌الله دهشت این‌گونه بود. از همه زودتر می‌آمد و از همه دیرتر می‌رفت و وقت می‌گذاشت و بهترین‌ها را انتخاب می‌کرد.

به نظر تان ویژگی‌های بارز آیت‌الله دهشت چه بوده است؟

اولین ویژگی برجسته آیت‌الله دهشت، مردمی بودن ایشان است. سلوک ایشان با مردم بی‌تکلف و ساده است. دومین ویژگی، مبلغ بودن حاج آقا است؛ ایشان با اینکه یک عالم بزرگ است اما از تبلیغ و منبر نیز غافل نبوده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید «ای مسلمانان، من از آینده شما دل‌نگران نیستم اما از چند مسئله نگرانم؛ از اینکه شما دچار فقر شوید نگران نیستم، من از اینکه شما دچار سوءتبلیغ شوید، هراسانم». آیت‌الله دهشت خود یک مبلغ بودند و تبلیغ‌شان زبان قرآنی داشت. تبلیغ ما با فرهنگ تبلیغ قرآنی مقداری فاصله گرفته است. قبل از پیروزی انقلاب ایشان در اعزام مبلغ به روستاها و شهرستان‌ها نقش داشت و خود یک منبری حرفه‌ای بود. سومین ویژگی ایشان آبروداری و امین بودن نسبت به مردم و همراه بودن با آنان بود. مردم ایشان را امین خود می‌دانستند؛ لذا در غم‌های و شادی‌های مردم حضور داشت.

ویژگی دیگر ایشان، تواضع و فروتنی بود. این تواضع ساختگی نبود؛ لذا از خود تعریف نمی‌کرد و برای خود شأن و مقامی قائل نبود و خود را بزرگ و دیگران را کوچک نمی‌دید.

آیت‌الله دهشت شوخ‌طبعی، حاضر جوابی، شرح صدر و ذکاوت خداوندی داشت. ایشان اهل شوخی بودند و مجلسشان بانشاط بود. در جلساتی که با اساتید داشتند، متکلم وحده نبودند. نکته‌ای را مطرح می‌کردند و اساتید اعلام نظر می‌کردند؛ ممکن بود اساتید خلاف نظر آیت‌الله دهشت را مطرح کنند و حرف اساتید غالب می‌شد.

ایشان انسانی میانه‌رو و به‌دور از افراط و تفریط بودند؛ در عین حال با همه طیف‌ها و گروه‌ها ارتباط داشتند و مدرسه شهید مطهری پناهگاه آنها بود.

این ویژگی‌های خدادادی سبب شد که از ایشان چهره‌ای ماندگار، دوست‌داشتنی و محبوب به جا ماند.

اگر نکته خاص دیگری دارید، در پایان بفرمایید.
نکوداشت چنین انسان‌هایی، نکوداشت شخص نیست، نکوداشت شخصیت است.

سختی‌های تأسیس مدرسه شهید مطهری و حمایت‌های آیت‌الله دهشت

استاد حاج شیخ غلامرضا
دهشت

۹۵

تمامی حضاران در جلسه آقا بودند و فقط من خانم بودم. پس از برگزاری آن جلسه برای شرکت در جلسات اولیه راه‌اندازی مدرسه دخترانه شهید مطهری چندین بار به تهران رفتیم، تا اینکه مردادماه سال ۱۳۶۴ آیت‌الله امامی کاشانی از تهران به مشهد آمدند و در آن جلسه بود که با آیت‌الله دهشت آشنا شدم؛ آیت‌الله امامی کاشانی گفتند که آیت‌الله دهشت را به عنوان مسئول راه‌اندازی مدرسه دخترانه شهید مطهری انتخاب کرده‌اند؛ تا آن زمان اسم آیت‌الله دهشت را نشنیده بودم.

آیت‌الله دهشت پس از آن جلسه درباره اساسنامه مدرسه مطهری توضیحاتی دادند و تیمی تشکیل شد. در طبقه بالای حسینیه (مدرسه پسرانه شهید مطهری) اتاقی بود که جلسات قرآنی خود را در آن اتاق برگزار می‌کردیم؛ هر روز ساعت پنج صبح در آن اتاق حاضر شده و درباره کلیه مباحث مربوط به مدرسه شهید مطهری بحث و تبادل نظر می‌کردیم و تصمیم‌گیری‌های لازم درباره مکان مدرسه، بحث‌های تربیتی و آموزشی و... گرفته می‌شد.

وقتی تاریخچه تأسیس مدرسه شهید مطهری در مشهد را مرور می‌کنیم، متوجه می‌شویم که بخش خواهران این مدرسه همزمان با بخش آقایان در همان سال‌ها تأسیس شده است و کمی جلوتر که می‌رویم نام یک بانوی مشهدی در بین مؤسسان این مدرسه دیده می‌شود؛ زهرا امینی، دارای مدرک لیسانس در رشته روان‌شناسی با ۲۵ سال فعالیت در مدرسه دخترانه شهید مطهری امروز دوران بازنشستگی را می‌گذراند.

شنیدن خاطرات این بانوی فعال که سال‌ها مدیریت واحد خواهران مدرسه شهید مطهری مشهد را تحت هدایت‌های آیت‌الله دهشت بر عهده داشته، جالب است؛ وی با رویی خوش پاسخ‌گوی سؤالات ما بود و از صندوقچه خاطرات آن دوران و نیز یادگاری‌هایی که در خانه داشت، نکات قابل توجهی به ویژه درباره شخصیت آیت‌الله دهشت برای ما ذکر کرد.

متن گفت‌وگو به شرح ذیل است:

نام شما در بین بنیان‌گذاران مدرسه دخترانه شهید مطهری دیده می‌شود، درباره روند تأسیس این مدرسه و انتخاب شما به عنوان مدیر این مدرسه بفرمایید.

بنده در سال ۱۳۶۴ مدیر دبیرستان دخترانه «فیوضات» در مشهد و عضو انجمن اسلامی معلمان بودم؛ در سال ۱۳۶۳ از من خواستند که در جلسه برنامه‌ریزی راه‌اندازی درسه شرکت کنم؛ این جلسه ۱۳ فروردین ماه ۱۳۶۴ در دفتر امام جمعه مشهد با مدیریت یک روحانی که از تهران آمده بود برگزار شد. هیچ شناختی از مدرسه شهید مطهری نداشتم و تصور می‌کردم می‌خواهند یک دبیرستان اسلامی راه‌اندازی کنند؛ اما گفتند که این مدرسه تلفیقی از حوزه علمیه و دبیرستان خواهد بود.


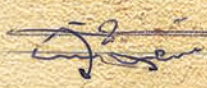




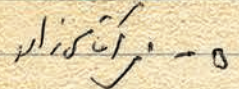
در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۴ که با حضور کلیه اعضاء محبت و محبت و بزرگی پر ابروی تبلیغات
در محله آن و همچنین مجری اینده و هیئت هیات به آقای گروه ای معاون امور تربیتی اداره کل
آقای دکتر در دفتر تفهیل کرده و نتایج حاصله مورد تأیید قرار گرفت.

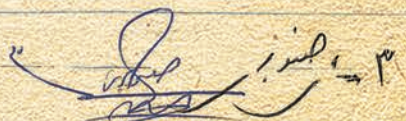
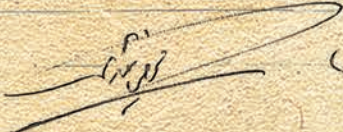
۱- تا آنکه تلفنی توسط آقای پرونده برای دعوت و حضور آقای گروه ای در ساعت پنج روز در وقت
۲۵ فروردین بعمل آید.

۲- در مورد تأیید هیئت مدیره برای ایران الف: توجه این سند برای ایران ب: معرفی این سند
برای مربیان و همچنین دانش آموزان مدارس در هفته مشاغل ج: تشکیل جلسه عمومی برای
مربیان ب: ناهیه و محبت پر ابروی این سند برای آناال
ضمناً این تقصیلات بر سر مربیان پروردگی اتخاذ گردد:

- ۱- شناسایی مربیان در اعضاء و شناسایی در تمامه های فردی و خانگی از آنجا محبت معرفی
افراد شناخته شده دیگر، برای همکاری از آنجا در منع تزیین
- ۲- تقاضا از آنجا برای ترغیب و تشویق دانش آموزان ایران برای این سند.

۱- واپرا اینی  ۴ - ۱۰ -  

۲ -  ۵ - 

۳ -  ۶ - 

۹۶
دشت
استاد حاج شیخ غلامرضا

شما نیز هیئت علمی هستید تا بروید دنبال تعلیم و تربیت، انتخاب معلمان شایسته و... آیت‌الله دهشت که عضو هیئت علمی مدرسه بودند، یک هماهنگی خوبی بین هیئت امنا و هیئت علمی ایجاد کرد و اینطور شد که ساختمان حسینی به دختران و ساختمان حسینی نیز به پسران اختصاص پیدا کرد.

آیت‌الله دهشت هیچگاه احساس ریاست نداشتند و رابطه ما با ایشان به یک رابطه معنوی مرید و مرادی تبدیل شده بود. من قلباً به ایشان ارادت خاصی داشتم. یکی از ویژگی‌های آیت‌الله دهشت این بود که به جوانان خیلی میدان می‌دادند و آنها را تشویق می‌کردند و به همین دلیل بود که بچه‌ها خیلی خوب رشد می‌کردند. آیت‌الله دهشت در تربیت فرزندان خود نیز همین‌طور بود، به فرزندشان «آقا مرتضی» خیلی میدان می‌دادند و اجازه می‌دادند که آزادانه و روشنفکرانه عمل کند تا جایی که من هیچگاه تصور نمی‌کردم آقا مرتضی، فرزند ارشد ایشان، روزی ملبس به لباس روحانیت شوند.

یکی از خاطراتی که از گذشته به یاد دارم این است که در آن سال‌ها مدرسه شهید مطهری یک ماشین پیکان و یک وانت داشت؛ قرار بود با پیکان، یک سری معلمان خانم را برسانند جایی و سری بعد معلمان آقا را سوار کنند که دیدیم از نظر زمانی تداخل ایجاد می‌شد؛ گفتند که آقایان با وانت بروند؛ برخی از آقایان روحانی اعتراض کردند که در شأن یک روحانی نیست که سوار بر وانت به محل برود، اما آیت‌الله دهشت گفتند که چه عیبی دارد برادر که آدم در وانت بنشیند!

نحوه تعامل و ارتباط آیت‌الله دهشت با بانوانی که در مدرسه شهید مطهری تحصیل می‌کردند چگونه بود و آیا به بانوان این فرصت را می‌دادند که سؤالات و مباحث خود را مطرح کنند؟

آیت‌الله دهشت یک روز در میان، در مدرسه شهید مطهری حضور پیدا کرده و نماز جماعت می‌خواندند، منبر حاج آقا همیشه برای همه مفید بود، اما این‌گونه که ارتباط دانش‌آموزان دختر هم همانند دانش‌آموزان پسر به آیت‌الله دهشت بسیار صمیمی باشد، نبود؛ البته زمانی که دانش‌آموزان دختر سؤالی از ایشان داشتند هیچ مانعی برای طرح سؤال وجود نداشت و حاج آقا علاوه بر اینکه پاسخ سؤالات را می‌دادند، آنها را نیز بسیار تشویق می‌کردند. فضای دو مدرسه دخترانه و پسرانه شهید مطهری بسیار هماهنگ بود و جلسات آموزشی مشترکی در هر دو مدرسه برگزار می‌شد؛

در آن سال از چند نفری که آیت‌الله دهشت را می‌شناختند، شنیده بودم وی از افراد انقلابی است؛ کم‌کم که با ویژگی‌های آیت‌الله دهشت آشنا شدم، ارادت خاصی به ایشان پیدا کردم. البته این ارادت نه تنها در من، بلکه به نظرم در تمامی کسانی که با وی ارتباط دارند و نشست و برخاست داشته‌اند، دیده می‌شود؛ همانگونه که خودم واقعا به این احساس رسیده بودم که آیت‌الله دهشت شخص بسیار مخلص هستند، آیت‌الله امامی کاشانی نیز بارها عنوان کرده بودند که آیت‌الله دهشت آدم بسیار مخلص و متواضعی است.

شخصیت آیت‌الله دهشت به قدری مخلص و متواضع بود که علی‌رغم مدارج علمی بالایی که داشتند اطرافیان ایشان به راحتی با وی ارتباط صمیمانه برقرار می‌کردند و خیلی راحت صحبت می‌کردند؛ آیت‌الله دهشت به شدت متواضع بود. بعدها متوجه شدم وی عضو مرکزی حوزه علمیه مشهد است و به لحاظ علمی نیز شخصیت بسیار بالایی دارد.

کم‌کم که با خانواده آیت‌الله دهشت آشنا شدم و به منزل ایشان رفت و آمد می‌کردیم، بیش از پیش متوجه ساده‌زیستی و بزرگواری‌شان شدم؛ وی در امور مالی فوق‌العاده بزرگوار بود. از آیت‌الله امامی کاشانی شنیدم آیت‌الله دهشت حاضر نشده که برای فعالیت در مدرسه شهید مطهری هیچ حق‌الزحمه‌ای دریافت کند و در طول این سال‌ها هم هیچ مبلغی به عنوان حق‌الزحمه دریافت نکرده بود؛ با این حال، دختر وی که در مدرسه دخترانه شهید مطهری تحصیل می‌کرد، تمام مبلغ شهریه خود را به موقع پرداخت می‌کرد.

فرزندان آیت‌الله دهشت نیز همانند پدرشان اهل تواضع بودند و بسیار ساده زندگی می‌کردند؛ دختر آیت‌الله دهشت در آن سال‌ها که در مدرسه شهید مطهری تحصیل می‌کرد، هیچ‌گاه به دلیل داشتن چنین پدری به خود مغرور نشد و او به قدری متواضعانه رفتار می‌کرد که بسیاری از همکلاسی‌های وی نمی‌دانستند که فرزند آیت‌الله دهشت است.

آیت‌الله دهشت پس از راه‌اندازی مدرسه دخترانه مطهری چه توصیه‌هایی را برای فعالیت این مدرسه و نوع مدیریت ارائه می‌کرد؟

زمانی که مدرسه عالی شهید مطهری تشکیل شد، گفته بودند که مدرسه با هیئت علمی و هیئت امنا اداره می‌شود. گفتند هیئت امنا متشکل از متدینین متمکن است که همه نیازهای مالی شما را برآورده می‌کنند و



بنای حسینییه مرحوم عابدزاده - محل دبیرستان شهید مطهری واخذ خواهران

مدرسه تحت مراقبت بودند، از منزل یک بخاری نفتی آوردیم؛ اما دانش‌آموزان در کلاس‌های درس، مجبور بودند که به دلیل نبود بخاری، سرما را تحمل کنند. در آن سال‌ها همواره در مسائل مالی مدرسه مشکل داشتیم و این مشکلات را مکرراً به هیئت امنا منتقل می‌کردیم. یک روز در پایان جلسه هیئت امنا به دلیل به سرانجام رسیدن کاری تشکر کردم که در آن جلسه گفتند «چه عجب! شما برای اولین بار تشکر کردید». آیت‌الله دهشت هم پاسخ دادند «حتماً شما برای اولین بار است کار خوبی انجام دادید که خانم امینی تشکر کرده‌اند».

آیت‌الله دهشت همانطور که اطرافیان وی نیز معتقد بودند، فردی انقلابی بود؛ یک روز همسر حاج‌آقا که به دنبال یک همسر مناسب برای آقا مرتضی بودند، به مدرسه دخترانه شهید مطهری آمدند تا دختر مناسبی برای پسرشان معرفی کنیم، زمانی که من پرسیدم چه طور دختری می‌خواهید؟ همسر حاج‌آقا دهشت گفت «والله آقامرتضی می‌گوید مقبول باشد؛ من می‌گویم که نجیب و خانواده‌دار باشد و حاج‌آقا می‌گوید انقلابی باشد».

برگزاری نکوداشت برای تکریم چنین شخصیت‌های برجسته چقدر اهمیت دارد؟

برگزاری مراسم نکوداشت برای اساتید و بزرگان دینی کشورمان کمک می‌کند تا ما بدانیم چنین انسان‌های بزرگی در زیر آسمان ما زندگی می‌کنند و در کنار ما هستند؛ این برای جامعه ما خیلی خوب است؛ آیت‌الله دهشت همواره تلاش کرده‌اند که ناشناس و غریبانه زندگی کنند.

گاهی اوقات نیز دپارتمان‌های آموزشی تشکیل می‌شد و سؤالات مشترک برای هر دو مدرسه طرح می‌کردیم تا از تفاوت‌های دانش‌آموزان دختر و پسر ارزیابی داشته باشیم که آیت‌الله دهشت همواره عنوان می‌کردند دختران از پسران موفق‌تر هستند.

تا چه اندازه در انتخاب اساتید و تکنیک‌های آموزشی برای مدرسه دخترانه شهید مطهری دخالت داشتند؟

حاج‌آقا دهشت همواره ما را در انتخاب اساتید و حتی تکنیک‌های آموزشی آزاد می‌گذاشتند و زمانی که مشکلی ایجاد می‌شد یا حرفی به گوششان می‌رسید، ابتدا از خود من درباره آن موضوع سؤال می‌کردند و هر آنچه در جواب می‌گفتم، می‌پذیرفتند. همین مسئله موجب شد تا در مدرسه شهید مطهری فضای تربیتی خوبی شکل بگیرد و نیروهایی تربیت شوند که انصافاً کارآمد باشند. خروجی مدرسه شهید مطهری از زمان راه‌اندازی تاکنون بسیار خوب بوده است و هم دختران و هم پسران تحصیل کرده در این مدرسه از چهره‌های موفق هستند.

خاطره دیگری که از آن سال‌ها در محضر آیت‌الله دهشت به یاد دارم این است که در آن سال‌ها مدرسه دخترانه شهید مطهری (حسنیه) شوقاژ و بخاری نداشت و از این بابت همیشه از هیئت امنا گله‌مند بودیم. دی‌ماه در اوج سرمای زمستان بود که به دلیل حضور کودکان معلمان و مدرسان مدرسه شهید مطهری که در مهد کودک این

عالمی بزرگ، مدیر دبیرستان

علاوه بر این در همراه کردن دانش‌های خود با مطالب درسی روش بسیاری زیبایی داشتند. گاه با داستان‌های زیبا مباحث را بیان می‌کردند که باعث می‌شد مطالب به صورت عمیق در ذهن دانش‌آموزان بنشینند. ضمن اینکه در کلاس درس اجازه سؤال کردن به دانش‌آموزان را می‌دادند و اگر مطالب برای دانش‌آموزی مبهم بود، می‌گذاشتند تا سؤالات و ابهامات خود را بیان کند تا با رفع آنها، دانش‌آموزان مطالب را به درستی درک کنند.

گویا رابطه آیت‌الله دهشت با دانش‌آموزان صرفاً در کلاس درس و محوطه مدرسه نبوده است؟

رابطه ایشان با دانش‌آموزان دوستانه بود. بنده به یاد دارم که سال‌ها پس از تمام شدن دوره دبیرستان، هرگاه خدمت ایشان می‌رسیدم، احوال همه افرادی را که از مشهد خارج شده بودند و امروزه در جاهای دیگر مشغول به فعالیت هستند، می‌پرسیدند و جویای

محسن معینی دانش‌آموخته دوره اول دبیرستان شهید مطهری مشهد است که سال ۱۳۶۴ وارد این مدرسه شد. هر چند در مقطعی به دلیل حضور در جبهه‌های دفاع مقدس نتوانسته به صورت مستمر در این دوره حضور یابد، اما مباحثی که در این مدرسه به‌ویژه از سوی آیت‌الله دهشت دریافت کرده، در دوره‌های مختلف تحصیلی و زندگی‌اش تأثیرگذار بوده است.

چطور شد که راهی مدرسه شهید مطهری شدید و نحوه آشنایی شما با آیت‌الله دهشت چگونه بود؟

در دوره راهنمایی در این فکر بودم که اگر توانایی‌اش را داشته باشم، به نحوی درس بخوانم که در کنار گذراندن دروس دبیرستان، با دروس حوزوی نیز آشنا شوم. با تبلیغات گسترده‌ای که دبیرستان شهید مطهری در سطح مشهد کرده بود، با این مدرسه آشنا شدم و برای ثبت نام مراجعه کردم و پس از گذراندن آزمون‌ها و مصاحبه‌های این دبیرستان، از مهر ۱۳۶۴ به تحصیل در این مدرسه مشغول شدم. قبل از ورود به مدرسه شهید مطهری با استاد دهشت آشنایی نداشتیم، اما در مدرسه از فضل و دانش و اخلاق ایشان بهره‌مند بودم و تا پایان دوره و حتی پس از دوره نیز ارتباطم با ایشان حفظ شده است.

در آغاز ورود به مدرسه در مراسم آغازینی که با حضور آیت‌الله امامی کاشانی، آیت‌الله شیرازی، امام جمعه فقید مشهد و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی مشهد برای جدیدالورودها برگزار شد، آیت‌الله امامی کاشانی از ویژگی‌ها و بزرگواری‌های استاد دهشت گفتند و آنجا بود که متوجه شدم فردی که ریاست دبیرستان‌ها را پذیرفته، خود عالمی است که سال‌ها در حوزه علمیه مشهد تدریس می‌کرده و حال با ایثار و فداکاری و با تواضع و فروتنی تدریس و تربیت نفوس در حوزه علمیه را کنار گذاشته و تصمیم گرفته وقتش را برای جمعی نوجوان دبیرستانی صرف کند و آنها را پرورش دهد.

آیت‌الله دهشت چه ویژگی‌های علمی و اخلاقی داشتند؟

ایشان شخصیت بسیار متین، همراه با فروتنی و تواضع داشتند؛ به نحوی که با برخورد‌های اخلاقی خودشان اکثر قریب به اتفاق دانش‌آموزان را جذب خود می‌کردند. در طول چهار سال و حتی پس از آن، هیچ وقت رفتار تند و عصبانیت از ایشان ندیدیم و همیشه با متانت و خوش‌رویی با شاگردان خود برخورد می‌کردند.

از نظر علمی نیز بر دروس تسلط داشتند. ایشان سال‌ها در زمینه تبلیغ در استان خراسان و در کل کشور کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند.



مشغولیت‌ها و فعالیت‌های کاری آنها بودند. دلسوزانه پیگیر هستند که ببینند زحماتی که سال‌ها کشیده‌اند، چه ثمراتی داشته است. بارها گفته‌اند که دوست داشتم فارغ‌التحصیلان مدرسه شهید مطهری همه به نحوی جذب کارهای علمی شوند و اگر مشخصاً سراغ دروس حوزوی نمی‌روند، اما در راه کسب علم قرار گیرند و موفق باشند.

ویژگی‌های مدیریتی استاد دهشت به چه صورت بود که توانست شاگردانی به‌روز و مؤثر برای آینده تربیت کند؟

به نظر بزرگانی که این مدرسه را راه انداختند، اهداف بلندی در نظر داشتند؛ برای همین در دوره اول، بسیاری از نخبگان و اساتید درجه یک مشهد را در رشته‌های مختلف برای تدریس دعوت کرده بودند. به جهت همین سخت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های جدی، حساب ویژه‌ای روی دانش‌آموزان باز کرده بودند. با توجه به این سخت‌گیری‌ها و امکاناتی که در اختیار دانش‌آموزان بود، اگر کسی خوب درس می‌خواند، پس از فارغ‌التحصیلی یک دانشجوی الهیات صاحب‌نظر می‌شد. البته بنده دو سال را به صورت متناوب در جبهه‌ها حضور داشتم و نتوانستم به صورت احسن و اکمل از این مباحث استفاده کنم؛ اما هر وقت به مشهد برمی‌گشتم، سعی می‌کردم عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنم.

به حضور خود در جبهه اشاره کردید، آیا برای حضور در جبهه با توجه به همزمانی با زمان تحصیل، ممانعتی از سوی ایشان صورت نمی‌گرفت؟

وقتی متوجه می‌شدند که به درس لطمه‌ای نمی‌خورد، سخت‌گیری نمی‌کردند. البته آیت‌الله دهشت بارها برای تبلیغ به جبهه‌ها می‌آمدند این برای دانش‌آموزانی که به جبهه می‌رفتند، دلگرمی بود که مدیر مدرسه‌شان بارها به جبهه آمده است. هیچ‌وقت یادم نمی‌رود دو نفر از هم‌کلاسی‌های ما در جبهه‌ها شهید شدند. افرادی که یک سال از حضورشان در مدرسه شهید مطهری می‌گذشت. بسیاری از هم‌کلاسی‌های ما به جبهه‌ها می‌رفتند؛ به نحوی که ممکن بود کلاس با ۱۷ یا ۱۸ نفر تشکیل شود.

برخوردی با استاد دهشت در جبهه داشتید؟

ایشان را در جبهه ندیدم، چرا که آیت‌الله دهشت در لشکر ویژه شهدا حضور داشتند و من در لشکر امام رضا (ع) بودم و از رزمندگان حضور ایشان را می‌شنیدم، گویا مدتی هم با شهید کاوه بوده‌اند.

چه ویژگی‌های بارزی در ایشان سراغ دارید که در ذهن تان باقی مانده است؟

یکی از ویژگی‌های مهم ایشان، نظم و انضباط در کارها بود. به ندرت یاد دارم که در کلاس درس حاضر نشوند با اینکه مشغله فراوانی داشتند اما تلاش می‌کردند سر موقع در کلاس درس حضور یابند. همینطور مباحث را منظم بیان می‌کردند و این نظم و انضباط در تدریس نیز برای ما بسیار آموزنده بود. هیچ‌وقت مطالب حاشیه‌ای باعث نمی‌شد که از اصل درس خارج شویم. همیشه مباحث را منظم دنبال می‌کردند، ضمن اینکه با نقل داستان‌های آموزنده و مفید مسائل را برای دانش‌آموزان تشریح می‌کردند. ایشان تسلط بسیاری به مباحث علمی داشتند.

یکی از ویژگی‌های مهم ایشان، نظم و انضباط در کارها بود. به ندرت یاد دارم که در کلاس درس حاضر نشوند با اینکه مشغله فراوانی داشتند اما تلاش می‌کردند سر موقع در کلاس درس حضور یابند. مباحث را منظم بیان می‌کردند و این نظم و انضباط برای ما بسیار آموزنده بود.

پس از سال دوم تدریس بینش اسلامی، «تبصره المتعلمین» علامه حلی را برای ما تدریس می‌کردند که خود یک دوره فقه مقدماتی محسوب می‌شد. این مطالب بسیار مفید و آموزنده بود؛ به طوری که سال‌ها بعد که مشغول تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه تهران بودم، بسیاری از مطالب فقهی و حقوقی برای ما آشنا بود و به راحتی واحدهای درسی را می‌گذراندم که اینها ثمرات تدریس خوب آیت‌الله دهشت در دوره دبیرستان بود. از نکات دیگر تواضع و فروتنی مثال‌زدنی ایشان بود. بارها شنیده بودیم که آیت‌الله دهشت در روزگار گذشته هم‌مباحثه مقام معظم رهبری بودند و سال‌ها در حوزه کفایه تدریس می‌کردند. با وجود چنین سطح علمی و حوزوی حاضر شده بودند در دبیرستان تدریس کنند. برای ما موجب افتخار بود که معلم و مدیر مدرسه ما کسی است که در سطح بالای حوزوی قرار دارد و حاضر شده یک عده دانش‌آموز دبیرستانی را مدیریت کند.

خواسته‌ای که پسر اجابت کرد و دعای پدر در کنار کعبه

دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا

۱۰۱

را نشان دهد، مردم خروجی حوزه را در منبر مشاهده می‌کنند؛ معتقدم مبلغ بهترین خروجی دین است، چون دسترسی مردم به حوزه و یک مرجع ممکن است خیلی کم باشد اما دسترسی آنها به یک مبلغ خیلی راحت است و در همه مناسبت‌ها این امکان برای مردم وجود دارد، لذا اگر این خروجی برای مردم زیبا تبیین شود، می‌تواند تأثیر گذاری بیشتری داشته باشد.

ابوی از ابتدا نظرشان بر حضور در عرصه تبلیغ بوده است، به این فضا وارد شدند و علاقه زیادی داشتند، حتی می‌فرمودند زندگی شخصی خودم را نیز فدای بحث تبلیغ دین می‌کنم و واقعاً نیز همین‌گونه بود. در گذشته محدودیت‌های خاصی برای مبلغان بود، یادم می‌آید که قبل از انقلاب ابوی وسیله شخصی خود را در اختیار گروه‌های تبلیغی قرار داده بودند، ایشان یک جیب

زندگی علما و روحانیون سبک خاص و ویژه خود را دارد و شنیدن این سبک و سیاق از زبان فرزندان که در این خانواده‌ها بزرگ شده‌اند می‌تواند جالب باشد؛ مخصوصاً اینکه این فرزندان ادامه‌دهنده راه پدر و در کسوت روحانیت باشند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی دهشت، پسر ارشد استاد دهشت، را در یک صبح بهاری ملاقات کردیم و فرصتی دست داد تا از وی درباره برخی الگوهای رفتاری پدر سؤال کنیم و خاطراتی را بشنویم که تا به حال در جایی منتشر نشده است. باید اذعان کنیم که بخش دشوار این مصاحبه بیشتر متوجه مصاحبه‌شونده بود تا مصاحبه‌کننده؛ چرا که تعریف و تبیین شخصیت پدری بزرگوار از سوی فرزند، حقیقتاً کاری سخت و حساس است.

درباره خاطرات و شرایط زندگی خانواده در سال‌های کودکی و نوجوانی و اینکه در آن دوران عمده فعالیت استاد در چه حوزه‌ای بود، بفرمائید!

صحبت را با حدیث «من كان لله كان الله له» شروع می‌کنم، این حدیث از احادیث معروف قدسی است و برای همه یک درس بزرگ است؛ در این حدیث خداوند می‌فرماید که هر کس برای خدا باشد، خدا برای اوست. اگر این شعار زندگی هر فردی باشد و سبک زندگی او اینگونه باشد خدا برای او کفایت می‌کند.

در مورد ویژگی‌های پدر، این نکته گفتنی است که گاهی نگاه فرزند به پدر است و زمانی نگاه شاگرد به استاد و نگاه به یک سبک و سیره است. مبنای زندگی حاج آقا از ابتدا عشق و علاقه به دین بوده و تجلی این خدمت در مسئله تبلیغ و منبر بوده است. خروجی ما اینجا باید خود



استیضاد داشتند و آن را در اختیار مبلغان قرار می‌دادند. شب‌های جمعه برخی از طلبه‌ها را در مشهد و نیز شهرهایی مثل چناران و اطراف جاده کلات جمع می‌کردند. حتی در نزدیکی‌های انقلاب به خاطر دارم، گاردی‌ها جاده را بسته بودند و وقتی فهمیدند در ماشین طلبه‌ها نشسته‌اند، به پدر اعلام کردند اجازه ندارید تبلیغ کنید و باید بازگردید.

سال ۱۳۶۴ مدرسه شهید مطهری مشهد تأسیس شد، من نیز ثبت نام کردم و امتحان ورودی دادم. روزی حاج آقا پاکتی به من دادند و فرمودند پاکت را به ناظم مدرسه که آقای عباسعلی زنجانی بودند، بدهید و فرمودند که این پاکت شهریه شماست؛ ببینید، فردی این حرف را می‌زند که خود، مؤسس و مدیر این مجموعه است.

۱۰۲

دشت
استاد حاج شیخ غلامرضا

نکته جالب این است که طلبه‌هایی که قبل از انقلاب به همراه پدر برای تبلیغ به شهرهای مختلف می‌رفتند، بعدها امام جمعه و یا مسئول نهادهای مختلف کشور شدند و در بسیاری از دیدارها و مراسم وقتی متوجه می‌شوند من فرزند آقای دهشت هستم، نسبت به من محبت می‌کنند و خاطرات آن دوره را مرور می‌کنیم. در عرصه علمی و در حوزه ادبیات عرب می‌توانم بگویم ایشان بی‌نظیر هستند؛ متأسفانه در دوران معاصر گاهی طلبه‌ها و حتی گاه خود من متنی از متون عربی می‌خوانیم و ممکن است نتوانیم جمله‌بندی‌های آن را دقیق بگوییم. حاج آقا اکنون نیز وقتی متن عربی را می‌خوانند به طور مثال می‌گویند این جمله اعرابش این‌گونه است و در مورد اعراب آن سخن می‌گویند؛ ایشان بسیار دقیق هستند و بارها می‌فرمودند آرزویم این است که طلبه‌ها در مسئله نحو قوی باشند. از همان اول طلبه بسیار موفق بودند، بخشی از درس را در نجف خواندند، وقتی به ایران بازگشتند موقعیت خوبی در حوزه داشتند و استاد بودند. به من می‌گفتند که ۲۰ ساله بوده‌اند که در مدرسه نواب درس کفایه می‌گفتند؛ کفایه یکی از درس‌های بسیار سخت حوزه است، این نشان می‌دهد استعداد خوبی داشته و علاقه فراوان به تحصیل داشتند. البته خانواده ایشان خانواده علم‌دوستی بوده‌اند. مرحوم عموی من، شیخ مسلم، از محدثان بزرگ بودند.

یکی از مواردی که به طلاب اختصاص یافته شهریه امام زمان (عج) برای نشر معارف است. سال ۱۳۷۳ که ابوی در بیمارستان بستری بودند، در حال بیماری و به خیال اینکه روزهای آخر عمرشان است فرمودند «در تمام مسیر زندگی خود سعی کردم از شهریه امام زمان استفاده نکنم، اگر شهریه‌ای به من می‌دادند به صندوق منتقل می‌کردم تا دوباره آن را به طلاب وام بدهند و سعی کردم معاش خود را از راه دیگری تأمین کنم تا مدیون امام زمان (عج) نشوم» و ما تا آن زمان این نکته را نمی‌دانستیم.

سال ۱۳۶۴ مدرسه شهید مطهری مشهد تأسیس شد، من نیز ثبت نام کردم و امتحان ورودی دادم. روزی حاج آقا پاکتی به من دادند و فرمودند پاکت را به ناظم مدرسه که آقای عباسعلی زنجانی بودند، بدهید و فرمودند که این پاکت شهریه شماست. ببینید، فردی این حرف را می‌زند که خود، مؤسس و مدیر این مجموعه است. بعد به من فرمودند شهریه فرزند خود را می‌دهم که فردا حرفی نباشد. اگر روزی در جلسه یا به فردی گفتم چرا شهریه فرزند خود را نمی‌دهی؟ نگویید خودت چرا شهریه بچه‌ها را ندادی؟ باید عامل باشم که حرفم تأثیرگذار باشد.

حاج آقا فرمودند که تا سالی که از مدرسه شهید مطهری فاصله گرفتم، یک ریال حقوق از این مدرسه نگرفتم و در هیچ سندی در این مدرسه ثبت نشده که من حقوقی گرفته باشم. یعنی ایشان با آنکه خیرین شهر را جمع می‌کردند و کارهای خیر انجام می‌شد، حاضر



منتقل کنم ایشان مسئله را دریافته بودند؛ لذا سؤالات را خود طرح کردند ولی ورقه‌های امتحان را به حاج آقای رجب‌نژاد از دیگر اساتید مدرسه شهید مطهری دادند تا ایشان تصحیح کند؛ در واقع پدر می‌خواست در موضع تهمت قرار نگیرد و دیگران فکر نکنند که ایشان برگه فرزندان خود را نیز تصحیح می‌کند. این مسئله موجب شد تا همکلاسی‌های من قانع شوند.

تأکید ایشان بر تحصیل درس دینی بود و من در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ در مدرسه شهید مطهری تحصیل می‌کردم. به دلیل حضور در جبهه در خلال سال‌های تحصیل در دبیرستان می‌توانستم از سهمیه رزمندگان برای ورود به دانشگاه استفاده کنم، اما ابوی موافق حضور من در دانشگاه نبودند. مطلع شدم که در مدرسه شهید مطهری تهران دوره عالی وجود دارد، پدر با حضور من در این مدرسه موافقت کردند تا در راستای دوره مقدماتی، این دوره را ادامه دهم. دوره مدرسه شهید مطهری تا سال ۱۳۷۳ به طول انجامید. نکته مهم در مورد این مدرسه و دانشجویان آن این است که شخصیت‌های علمی و سیاسی متعددی به دلیل ارادت به آیت‌الله امامی کاشانی در این مدرسه حضور می‌یافتند

چرا حوزه را بر دانشگاه ترجیح دادید؟ نقش پدر در این زمینه چگونه بود؟

رشته مورد علاقه من برای مقطع ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی بود؛ دانشگاه شهید بهشتی برای ما دوره‌ای برگزار کرد و در خلال این دوره اطلاع یافتیم که پدر در

نبودند از این مدرسه حقوق بگیرند و نگاه خاصی به امور مالی داشتند.

همین الان می‌زی که جلوی حاج آقا قرار دارد باز کنید، دقیق‌ترین حساب و کتاب‌ها را مشاهده می‌کنید، مثلاً آقای فلانی در این تاریخ و مکان به این شخص برای فلان مسئله صد هزار تومان دادند. کارهایی که شاید از حوصله ما خارج باشد انجام می‌دادند، این حسابرسی ایشان برای من یک درس است.

در مورد زندگی شخصی ایشان باید گفت، کسانی که با حاج آقا آشنا هستند، می‌دانند ایشان فرد بذله‌گویی است، این موارد در زندگی تأثیرگذار است. کمتر اتفاق افتاده کسی در خانه فریاد حاج آقا شنیده باشد، ایشان اگر خیلی عصبانی شده باشند ذکر «لا إله الا الله» را گفته‌اند که این امر نشان از صبر، تحمل و اعتقادشان است. همچنین پدر تا هنگامی که نسبت به شخصی یقین پیدا نکنند، اجازه قضاوت نمی‌دهند و می‌فرمایند که احتمال دیگری نیز در مورد آن فرد بدهید؛ این نوع نگاه، یک نگاه زیبا و سیره ارزشمندی است.

به طور کلی احساس می‌کنم ایشان زندگی را فدای دین کردند و این امر با اعتقاد همراه بوده است؛ اگر جایی احساس داشتند که دین به ایشان نیاز دارد، وارد میدان می‌شدند. قبل از انقلاب چند سال در کردستان و سنجندج منبر می‌رفتند و معمولاً مستمعین ایشان نیز از اهل سنت بودند؛ در این منبرها شیوه ملایم، مستدل و زیبایی را ارائه می‌کردند که به همین واسطه زمینه تشریف چند نفر را به تشیع فراهم کردند.

یکی از نمودهای سبک زندگی نوع رابطه پدر با فرزندان است، در مورد نحوه تعامل ایشان با خانواده و تأکیداتشان درباره تحصیل فرزندان توضیح بدهید؛ آیا تحصیلات حوزوی شما با درخواست ایشان بود؟

من بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در تهران تحصیل می‌کردم و کمتر پدر را می‌دیدم؛ اما آنچه از دوران کودکی و نوجوانی یاد می‌آید، این است که پدر در زمینه تحصیل فرزندان به‌خصوص تحصیل درس دین تشویق فراوان می‌کردند، علاوه بر آن که مدیر مجموعه ما در مدرسه شهید مطهری بودند، درس «تبصرة المتعلمین» که در موضوع فقه بود را نیز برای ما تدریس می‌کردند. همکلاسی‌های من گاهی به شوخی می‌گفتند، شما قطعاً نمره ۲۰ خواهی گرفت. بدون اینکه این سخنان را به پدر





امر تبلیغ وجود دارد، ۱۴ سال است که برای تبلیغ به شهرهای خراسان جنوبی می‌روم، سال‌ها پیش مرحوم آیت‌الله عبادی، امام جمعه مشهد، محبت فراوانی به پدر داشتند و از من خواستند که برای منبر به بیرجند بروم و اجابت کردم. تا اینکه بیماری پدر تشدید شد و به دوستان گفتم که فرد دیگری را جایگزین من کنید؛ اما آنها اصرار داشتند که کماکان آنجا بیایم و حتی به مشهد آمدند تا پدر را راضی کنند. پدرم به من گفت علی‌رغم اینکه از رفتن شما راضی نیستم اما چون کار تبلیغ دین مطرح است به خواسته مردم پاسخ دهید. این نکته برای خوانندگان شاید جالب باشد که پدر حتی زمانی نیز که احساس می‌کرد به فرزندان خود نیاز دارد اما نگاهشان خدمت آنها به دین بود و خدمت به دین را اولویت می‌داد.

وضعیت اقتصادی خانواده شما چگونه بود و از تلاش پدر برای تأمین معاش خانواده چه نکته‌ای به یاد دارید؟

گاهی یک فرد مایل نیست که دیگران از درآمد، هزینه و حتی کمک‌های او به دیگران مطلع شوند، ما تازه متوجه می‌شویم که پدر به چه افرادی کمک می‌کردند، گاهی مادرم به پدر می‌گفت که شما از کجا درآمد دارید و ایشان می‌فرمودند «مگر خدا انسان را تنها می‌گذارد». در زمینه تبلیغ دین ایشان پولی نمی‌گرفتند، اما برای تدریس ایشان در حوزه حقوقی بود و از این طریق امرار معاش می‌کردند، البته ایشان هیچ‌گاه کار اقتصادی نمی‌کردند و مطمئن هستم برنامه اقتصادی نداشته‌اند.

مشهد سکنه قلبی کرده است، به مشهد آمدم و وقتی دوباره به تهران عزیمت کردم در علوم قضایی قم قبول و به مصاحبه دعوت شدم؛ ابوی که حالشان بهبود یافته بود به من گفتند که می‌توانم خواسته خود را به شما بگویم؟ عرض کردم بفرمایید؛ ایشان فرمودند که اگر علاقه و دعای من را بخواهید، دوست دارم مسیر طلبگی و خدمت به مردم را ادامه دهید. بعدها به ایشان گفتم ابتدا که مرا از دانشگاه رفتن منصرف کردید ناراحت شدم، اما اکنون، هر زمان به این مسئله فکر می‌کنم برای شما دعا می‌کنم. این امر موجب شد که در مصاحبه رشته علوم قضایی قم شرکت نکنم و سال ۱۳۷۳ به مشهد آمدم؛ آنجا خدمت حجت‌الاسلام دیانی رسیدم و با آنکه دروس حوزوی را خوانده بودم، از ایشان خواستم که من را در حوزه ثبت نام کنند و همانند یک طلبه معمولی بپذیرند، هدفم این بود که هیچ‌گونه امتیازی به واسطه انتساب به پدر به من داده نشود و حتی از من مصاحبه ورودی نیز گرفته شد.

پدر به من فرمودند: «چون حرف مرا پذیرفتی در کنار حرم امام رضاع) و کنار کعبه شما را دعا کردم» و اکنون که به نتیجه نگاه می‌کنم اگر موفقیتی نیز دارم نتیجه دعای ایشان بوده است. پدر اصرار داشتند خواهر من نیز در مدرسه شهید مطهری درس بخوانند و از تأکیداتشان این است که درس دین بخوانید و دین و خدمت به مردم را مقدم بر همه امور بدانید.

آیا شما هم مانند پدر برای تبلیغ به شهرستان‌ها عزیمت می‌کنید؟

حوزه کاری ما تبلیغ و مهاجرت به شهرهای مختلف است. به دلیل موقعیت شخصی معمولاً دوست ندارم زیاد به شهرها بروم، درخواست‌های زیادی از شهرستان‌ها برای

حرف اصلی حاج آقا همان «باور» بود، جنگ را باور داشتند و لذا ستاد پشتیبانی جبهه را تأسیس کردند، در همان سالها ما روزهای یکشنبه و سهشنبه در مسجد شهدا (بناها) تشییع پیکر شهدا را داشتیم و صندوق جمع آوری کمک به جبههها را در طول مراسم تشییع پیکر شهدا بین جمعیت می چرخانیدیم و کمکها را جمع آوری می کردیم و مبالغ بسیار خوبی نیز جمع می شد.

نصاب کمتر شد، دوستانی مانند شهید صنوبری و شهید شگری به فیض شهادت رسیدند. از هم دورهای خودم که به جبهه هم رفتیم می توانم به آقایان جواد شوشتری و محسن معینی اشاره کنم.

حرف اصلی حاج آقا همان «باور» بود، جنگ را باور داشتند و لذا ستاد پشتیبانی جبهه را تأسیس کردند، در همان سالها ما روزهای یکشنبه و سهشنبه در مسجد شهدا (بناها) تشییع پیکر شهدا را داشتیم و صندوق جمع آوری کمک به جبههها را در طول مراسم تشییع پیکر شهدا بین جمعیت می چرخانیدیم و کمکها را جمع آوری می کردیم و مبالغ بسیار خوبی نیز جمع می شد.

ایشان در اعزام به مناطق جنگی نیز فعال بودند و اصناف مختلف و طلبههایی را به مناطق جنگی می بردند و خطاب به دانش آموزان آن زمان دبیرستان شهید مطهری به طور کلی می فرمودند اگر جبهه به شما نیاز دارد و شما می توانید این نیاز را تأمین کنید، از نظر من اشکالی ندارد.

نظر حاج آقا دهشت در مورد اسراف و تبذیر که معضل امروز جامعه ماست، چیست؟

در این زمینه خاطره ای در ذهنم است؛ هر چهارشنبه شب، جلسه ای به صورت دوره ای با حضور بچه های کشیک حرم برگزار می کردیم که ابتدا خود استاد در این جلسات حضور پیدا می کردند و بعدها به مدت ۱۰ سال بنده می رفتم. ایشان از ابتدا تأکید کردند اگر می خواهید ادامه پیدا کند، مبنای این جلسات بر سادگی باشد. متأسفانه این جلسه ادامه پیدا نکرد زیرا برخی افراد که وضعیت مالی مطلوبی داشتند در غذا دادن به شرکت کنندگان اسراف و تبذیر داشتند، پدر همیشه تأکید داشت که در این جلسات چای یا میوه و یا حداکثر یک غذای ساده بدهید.

نکته دیگری که باید درباره ایشان بگویم این است که دنبال جایگاه مدیریتی نبودند. در مدرسه شهید مطهری هفته ای یک جلسه با هیئت امنابر گزار می کردند و پدر آن روز با هیئت امنای یک غذای ساده و مختصر میل می کردند؛ گاهی اوقات در اتاق راننده های مدرسه حاضر شده و با آنها به گفت و گو می نشستند و این گونه نبود که بگویند من مدیر مدرسه هستم و این کارها دور از شأن من است.

یکی از زوایای برجسته زندگی استاد دهشت، دوران دفاع مقدس است؛ شاگردان و طلبه های زیادی به هدایت و تشویق های ایشان به جبهه اعزام می شدند و تعداد زیادی از بین آنها شهید شدند، رمز توفیق ایشان در این عرصه چه بود؟

ایشان جنگ را باور داشتند و می فرمودند که اگر جنگ به شما نیاز دارد به جبهه ها بروید. البته برخی افراد در مدرسه شهید مطهری ممانعت می کردند و من نیز مانند بسیاری از شاگردان پدر با وجود آنکه سن کمی داشتم به جبهه رفتم، خاطرم است که در یک دوره به دلیل حضور بچه ها در جبهه ها کلاس ما از حد



حاج آقا در سال‌های پس از انقلاب برای اینکه فرزندان‌شان در خط انقلاب، امام و رهبری باشند، چه توصیه‌ای داشتند؟

پدر همیشه ارادت خاصی به مقام معظم رهبری داشته‌اند و در نوروز سال گذشته در سفر حضرت آقا به مشهد، خانواده ما و خانواده آقای مروارید دیداری خصوصی با حضرت آقا داشتیم که معظم‌له در آن دیدار ابوی بنده را در نزدیکترین فاصله به خودشان نشانند و بسیار محبت داشتند و شاید بیشترین بحث‌ها را با پدر داشتند و از خاطرات خود می‌گفتند و حضرت آقا با حافظه قوی‌ای که داشتند مطالب و خاطرات جالبی بیان می‌کردند، بعد از دیدار نیز پدرم می‌گفتند که خدا عنایت ویژه‌ای به حضرت آقا کرده است.

پدر همچنین می‌فرمودند در دورانی که با حضرت آقا همدرس و هم مباحثه بودند، هر جلسه و درسی که حضور می‌یافتیم می‌دیدیم آقا یک سر و گردن از همه ما بالاتر است و احساس ما این بود که ایشان با ما فرق دارند.

ارتباط حاج آقا با رهبری بعد از آن نیز ادامه یافت و حتی در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب و آغاز راهپیمایی در مشهد در سال ۱۳۵۶ نیز در کنار یکدیگر بودند و به گفته پدر اولین حرکت‌ها و راهپیمایی‌ها از خانه ما در مشهد آغاز شده است. بعد از اینکه حضرت آقا رئیس جمهور شدند، این ارتباط و محبت ادامه داشت تا اینکه ایشان زعامت و رهبری را بر عهده گرفتند.

ابوی بنده نقل می‌کنند که در اولین برخورد پس از انتخاب ایشان به عنوان رهبری، آیه‌ای از سوره یوسف را برای ایشان می‌خوانند و به حضرت آقا می‌گویند «وصف حضرت‌عالی آیه «تَاللّٰهُ لَکَدُّ اَثْرَکَ اللّٰهُ عَلَیْنَا» است». این آیه کلامی است که برادران حضرت یوسف خطاب به ایشان هنگامی که وی را در لباس پادشاهی دیدند گفتند و پدرم همین خطاب را به رهبری گفته بودند و آقا لبخندی می‌زنند.

در رابطه با حضرت امام(ره) نیز همین نگاه را داشتند، در سال ۱۳۶۰ ابوی برای اتوبوسرانی مشهد کلاس‌های عقیدتی، اخلاقی برگزار کردند که من نیز حضور داشتم و راننده‌ها ارادت خاصی به حاج آقا پیدا کرده بودند. در یکی از جلسات حاج آقا راننده‌ها را به حضرت عباس قسم داده بودند که سیگار را ترک کنند که همان‌جا همه سیگارهای خود را روی میز گذاشته بودند و انبوهی از سیگار روی میز جلوی ایشان جمع شده بود. در همان سال قرار شد

پدر همیشه ارادت خاصی به مقام معظم رهبری داشته‌اند و در نوروز سال گذشته در سفر حضرت آقا به مشهد، خانواده ما و خانواده آقای مروارید دیداری خصوصی با حضرت آقا داشتیم که معظم‌له در آن دیدار ابوی بنده را در نزدیکترین فاصله به خودشان نشانند و بسیار محبت داشتند

از مشهد به دیدن امام(ره) برویم. ده‌ها دستگاه اتوبوس از مشهد به سمت تهران حرکت کردند که به یاد دارم در مسیر آمل که آن زمان محل تجمع منافقین شده بود، به شیشه‌های اتوبوس‌ها سنگ می‌زدند.

نگاه والد ما به امام خمینی(ره) نگاه همراه با تعظیم بود؛ حاج آقا همیشه نسبت به بزرگان و اولیای دین احترام و ادب داشته‌اند و به ما نیز این مسئله را تأکید می‌کنند.

برگزاری مراسم نکوداشت برای چنین شخصیت‌هایی که غریبانه زندگی می‌کنند را چگونه می‌بینید؟ نظر خود حاج آقا در این ارتباط چیست؟

در جایی رهبری می‌فرمایند برخی شخصیت خود را از امام و انقلاب گرفتند، ولی بعد خود را برای انقلاب هزینه نکردند. حاج آقا همیشه می‌گویند ما که کاری برای انقلاب نکردیم. نکته بعد اینکه ایشان همیشه ما را به تکریم شهدا توصیه می‌کنند و گاه در جمع خانوادگی که از شهدا صحبت می‌کنند، چشمان‌شان پر از اشک می‌شود و می‌فرمایند که این جوان‌ها برای انقلاب جان خود را فدا کردند و ما چه کرده‌ایم؟ به اینکه اسم و رسم و کارهای ایشان برجسته شود علاقه‌ای ندارند، ولی نکته‌ای که باید گفت احساس نیاز طرف مقابل است که البته اگر بنده هم بگویم شاید حمل بر ستایش پدر شود.

حاج آقا نسبت به اخلاق به‌ویژه جایگاه اخلاق در حوزه‌ها دغدغه و حساسیت خاصی دارند، مهم‌ترین توصیه و شاخص اخلاقی ایشان از نگاه فرزندان‌شان چیست؟

اخلاق همان خروجی و باورهای دین و به معنای متخلق شدن به آداب دین است. ایشان بسیار متبسم هستند و حتی در این سن با وجود بیماری و فرتوتیت

باشد» لذا معمولاً از پایین پای حضرت تشریف می‌یافتند و اذن دخول می‌خواندند و تا هنگامی که توان داشتند می‌ایستادند و زیارت‌های معروف را می‌خواندند و نکته جالب آنکه ایشان در پایان زیارت جایی را که ایستاده بودند، می‌بوسیدند. یک بار سؤال کردم چرا این کار را می‌کنید و فرمودند به احترام اینکه بزرگان و اولیا برای زیارت حضرت رضا می‌آیند، می‌بوسم و بر جای پای آن بزرگان بوسه می‌زنم و می‌فرمودند، اینجا حضرت ولی عصر (عج) به زیارت امام رضا (ع) می‌آیند.

هرگاه نام امام رضا (ع) برده می‌شود چشمان‌شان اشکبار می‌شود، البته ایشان می‌فرمودند مراقب باشید از این سجده سوء استفاده نشود؛ چرا که این سجده‌ها برای امام رضا (ع) نیست، بلکه سجده تشکر به درگاه الهی است.

در پایان اگر نکته‌ای هست بفرمایید.

از این حرکت و اقدامی که برای برگزاری نکوداشت برای استاد در نظر گرفته شده، تشکر می‌کنم. البته یادآوری می‌کنم چندی پیش آیت‌الله امامی کاشانی به منزل ما آمده بودند و ایشان نیز این حرکت را تحسین کردند.

همچنان متبسم هستند. صداقت و درستی برخورد از دیگر ویژگی‌های ایشان است. نسبت به زود قضاوت کردن بسیار حساس هستند. می‌دانید که ایشان مفسر نهج‌البلاغه هستند و در این عرصه در حوزه علمیه اقداماتی داشته‌اند که تا به حال کسی انجام نداده است؛ ایشان بحث تفسیر نهج‌البلاغه را در حوزه‌ها رایج کردند و از همان آغاز دهه ۶۰ در مدرسه امام محمد باقر (ع) درس تفسیر نهج‌البلاغه داشتند و تا موردی پیش می‌آید، ابوی بنده کلمات قصاری از امام علی (ع) ذکر می‌کنند.

پدر از دوستان علامه امینی بودند و خاطرات زیادی از ایشان دارند و دید ایشان به امام علی (ع) دید خاصی است. در مورد همین بحث زود قضاوت کردن همیشه فرمایش حضرت علی (ع) را مبنی بر اینکه بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است، یادآوری می‌کنند.

در پایان اگر خاطره‌ای از ارادت ایشان به امام رضا (ع) و حتی نحوه زیارت کردن ابوی دارید، بفرمایید.

ایشان سال‌هایی که توانایی داشتند تنها به زیارت می‌رفتند؛ ولی آنچه از تشریف ایشان به یاد دارم این است که جمله‌ای به نقل از امام راحل (ره) نقل می‌کنند مبنی بر اینکه «می‌خواهم در زیارت نگاهم عوامانه



مصداقی از نسیم معرفت الهی

شهید مطهری ادامه دادم و چون هنوز مقطع ارشد در مدرسه شهید مطهری ایجاد نشده بود، کارشناسی ارشد را در دانشگاه فردوسی مشهد در گرایش فلسفه اسلامی به پایان رساندم.

اولین آشنایی شما با آیت الله دهشت به چه صورت بود؟

دبیرستان دخترانه شهید مطهری در ساختمان حسنیه بود. وقتی وارد این دبیرستان شدم، در اولین جلسات حضور در دبیرستان، حاج آقای دهشت به همراه خانم امینی که مدیر واحد خواهران دبیرستان بود، جلسات متعددی را با دانش آموزان برای آشنایی با فضای آموزشی و رشته تحصیلی برگزار کردند و توضیح دادند که دبیرستان شهید مطهری شاخه‌ای از طلبگی است. آن زمان ما گرایش به دانشگاه نداشتیم و درس‌ها را کاملاً به سبک طلبگی می‌خواندیم. این آشنایی و حس عمیق‌مان نسبت به دبیرستان شهید مطهری و رشته معارف اسلامی را تا حد زیادی مرهون توضیحات حاج آقای دهشت می‌دانم؛ ایشان سال‌های اول تأسیس مدرسه، استاد اخلاق ما بودند و به صورت هفتگی در مدرسه حضور پیدا می‌کردند. وقتی برای مقطع کارشناسی در دانشگاه شهید مطهری ثبت‌نام کردم، حاج آقا استاد من در بحث کلام بودند و بسیار عالی مباحث را تشریح می‌کردند.

حکیمه وحدانی‌پور، فارغ‌التحصیل اولین دوره دبیرستان شهید مطهری است و اکنون مدیریت واحد خواهران دبیرستان شهید مطهری مشهد را به عهده دارد؛ وی در گفت‌وگوی ذیل نظرات خود را در مورد مدرسه شهید مطهری و ویژگی‌های اخلاقی و علمی آیت الله دهشت بیان می‌کند.

شما جزء اولین دانش‌آموزان واحد خواهران دبیرستان شهید مطهری هستی، چه عاملی باعث شد تا در این مدرسه ثبت نام کنید؟

سال ۱۳۶۴ اولین سال تأسیس دبیرستان شهید مطهری بود، من امتحانات نهایی سوم راهنمایی را می‌گذراندم، یکی از دوستانم در مورد مزایای این مدرسه سخن گفت و به من پیشنهاد کرد تا در دبیرستان تازه تأسیس شهید مطهری ثبت نام کنم. خداوند عنایت کرد و من با دبیرستان شهید مطهری آشنا شدم. قبل از حضور در این دبیرستان زمینه گرایش به علوم حوزوی داشتم؛ لذا در مدرسه شهید مطهری ثبت نام کردم و به دلیل مطلوب بودن سطح علمی از نگاه مسئولان دبیرستان، در گزینش پذیرفته شدم؛ دوره دبیرستان را در مدرسه شهید مطهری خواندم، کارشناسی را نیز در دانشگاه

۱۰۸

دوشت
استاد حاج شیخ غلامرضا



مردم اغلب آیت‌الله دهشت را برای فعالیت‌های خیرخواهانه و خدمات اجتماعی می‌شناسند، اما ایشان به واقع یک استاد برجسته در حوزه علمیه مشهد هستند، شما جایگاه علمی حاج آقا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در سال‌های ابتدایی که ایشان استاد اخلاق بودند، مباحث اخلاقی که به صورت هفتگی تشریح می‌کردند، بسیار خوب بود و آن زمان ما به دلیل اینکه خیلی جوان بودیم، عمق علمی ایشان را درک نمی‌کردیم. حاج آقا معنویت فوق‌العاده‌ای در درس اخلاق داشتند، مباحث آیت‌الله دهشت به آسانی به دل بچه‌ها می‌نشست و دانش‌آموزان و دانشجویان با مطالب استاد هماهنگ می‌شدند و ارتباط صمیمانه استاد و شاگردی برقرار می‌شد. بعدها که در درس کلام خدمت ایشان تلمذ کردم، دیدم که تلاش فوق‌العاده‌ای در تشریح مباحث علمی - اعتقادی برای دانش‌آموزان شهید مطهری دارند که بسیار ارزشمند بود، همچنین تسلط فراوانی بر مسائل اعتقادی داشتند. بحمدالله فارغ‌التحصیلان دوره اول مدرسه شهید مطهری و همه دوره‌های تحصیلی در شغل و زندگی خود موفق هستند و کارشان عمق و غنا دارد و همه، این موضوع را مرهون تلاش‌های اساتید و مخصوصاً آیت‌الله دهشت می‌دانند.

در بحث کلام مناظره‌هایی بین دانشجویان انجام می‌شد و ایشان نظاره‌گر این مناظرات بودند. حاج آقا تأکید داشتند که ابتدا شاگردان خود را از نظر علمی تثبیت کنند و بعد به مسئولیتی بیندیشند که هدف آن انتقال این معلومات به جامعه است.

ایشان به عنوان یک مبلغ برجسته چه توصیه‌هایی به دانش‌آموزان و دانشجویان در مسئله تبلیغ می‌کردند؟

ابتدا این نکته را بگوییم که حاج آقا التزام مستحکمی به مبانی ولایت فقیه داشتند و بحث تعلیم مبلغانی عالم و آگاه را در رأس کار خود قرار داده بودند. ضمن اینکه شاگردان با یکدیگر مباحثه می‌کردند، حاج آقا نقادانه نظرات خود را بیان می‌کردند و می‌فرمودند «اگر در این زمینه قوی باشید حتماً در زمینه تبلیغ تأثیر بهتری خواهید داشت».

در بحث کلام مناظره‌هایی بین دانشجویان انجام می‌شد و ایشان نظاره‌گر این مناظرات بودند. حاج آقا تأکید داشتند که ابتدا شاگردان خود را از نظر علمی تثبیت کنند و بعد به مسئولیتی بیندیشند که هدف آن انتقال این معلومات به جامعه است.

دلیل تأکید فراوان حاج آقا دهشت بر اخلاق در مقوله تبلیغ چیست؟

این مسئله به مقام شامخ حاج آقا در میان روحانیون مشهد برمی‌گردد. ایشان خود التزام عملی به اخلاق دارند و حتی درس اخلاق دانش‌آموزان اول دبیرستان را به عهده گرفتند و این امر نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده تربیت نسل جوان از دید آیت‌الله دهشت بود.

نحوه ارتباط حاج آقا دهشت با شاگردان خود چگونه بود؟

ارتباط عمیقی بین ایشان و دانش‌آموزان برقرار بود. حاج آقا بر تعمیق شعائر اسلامی تأکید داشتند، تجسم معنویت در اخلاق و رفتار بودند. یادم می‌آید چقدر صبورانه و با بردباری بیش از حد وصف، مباحث را برای ما توضیح می‌دادند.

حاج آقا پای صحبت‌های دانش‌آموزان اول دبیرستان این مدرسه که هنوز با مباحث اخلاقی و اسلامی هماهنگ نشده بودند، می‌نشستند و شبهه‌های کودکانه ما را پاسخ می‌دادند و معتقد بودند اگر بچه‌ها درست تربیت شوند، سرمایه‌های ارزشمندی برای کشور خواهند بود. یکی از شاخصه‌های آیت‌الله دهشت صمیمیت زایدالوصف ایشان است؛ برخی قاطعیت‌ها همراه با خشونت است، اما حاج آقا قاطعیت‌شان با خشونت همراه نبود و ارتباط عاطفی با شاگردان خود برقرار می‌کردند.

نکوداشت چنین شخصیت‌هایی تا چه حد اهمیت دارد؟

بزرگانی که در مباحث تعلیم و تربیت و اخلاق در جامعه پیش‌مقدم می‌شوند و فعالیت می‌کنند، به صورت ویژه باید تقدیر شوند. بزرگداشت یک مقام اخلاقی و علمی نه تنها بزرگداشت آن فرد است، بلکه بزرگداشت مقام تعلیم و تربیت است.

برگزاری نکوداشت برای این شخصیت‌ها را باید به صورت مداوم انجام داد تا جامعه با مفاخر اسلامی آشنا شود و این نکوداشت‌ها طبیعتاً بیگانگی جامعه از مباحث اسلامی را کمتر خواهد کرد. اینکه بعد از این همه سال برای آیت‌الله دهشت نکوداشت برگزار می‌شود، جای تقدیر از عوامل و مجریان این برنامه دارد؛ اما چه خوب بود زودتر این مراسم برگزار می‌شد. نکته دیگر اینکه لازم است که مقام چنین شخصیت‌هایی در ابعاد مختلف علمی برای نسل جوان تبیین شود.

ایشان تأثیر فوق‌العاده‌ای بر مباحث اخلاقی دانش‌آموزان و دانشجویان داشتند و من آنچه دارم، موهبت تلاش‌های وافر است که استاد دهشت در طول سال‌های گذشته داشته‌اند.

در کنار ایشان خانم امینی، خانم پورجواد و خانم رحیم‌زاده نیز از اساتید برجسته مدرسه شهید مطهری بودند. این جمع فرهیخته موجب شدند که مدرسه شهید مطهری افرادی را به جامعه تحویل دهد که هر کدام از این افراد منشأ اثر در اجتماع هستند.

نکته پایانی شما درباره آیت‌الله دهشت!

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا» - همانا در طول عمر شما، نسیم‌های الهی وزیدن می‌گیرد، پس بیدار باشید و خود را در معرض این نسیم‌ها قرار دهید». معتقدم آیت‌الله دهشت مصداقی از نسیم‌های معرفت هستند که در زندگی من، دانش‌آموزان و دانشجویان مدرسه شهید مطهری و دیگر افرادی که با ایشان تعامل داشتند، وزیدن گرفتند و ما به توفیق الهی از این نسیم استفاده کردیم و امیدوارم ادامه‌دهنده راه این بزرگان باشیم و بتوانیم وظیفه‌ای را که به ما محول کرده‌اند، به خوبی در جامعه ایفا کنیم.

همیشه تأکید می‌کردند تا وقتی فرد به خودسازی نرسد، نمی‌تواند هیچ کاری انجام دهد و در مسائل اسلامی موفق نخواهد شد. آداب اسلامی که حتی گاهی در جزئیات به ما تعلیم می‌دادند، تأثیرگذار بود. از آنجا که در دوره اول مدرسه شهید مطهری تعداد کلاس‌ها کم بود، ایشان راحت‌تر می‌توانستند در کلاس‌ها حاضر شوند، در ادامه، مشغله حاج آقا بیشتر و ارتباطات تدریسی کمتر شد، اما آیت‌الله دهشت گاهی برای سخنرانی در مدرسه حضور پیدا می‌کردند. من این افتخار را داشتم که در دوران تحصیل شاگرد مستقیم ایشان باشم و معتقدم تأکید فراوان استاد بر اخلاق به این دلیل بود که مباحث اسلامی کاملاً در شخصیت افراد تثبیت شود و این موضوعات را در زندگی به کار ببرند.



نگاه آیت‌الله دهشت به بانوان به‌ویژه در عرصه تبلیغ چگونه بود؟

حاج آقا توجه شاخصی به این موضوع داشتند که خانم‌های مبلغ می‌توانند تأثیرات شگرفی برای مجموعه زنان در جامعه داشته باشند. یادم می‌آید در راهپیمایی‌ها و تشییع پیکر شهدا در دوران دفاع مقدس ایشان تأکید داشتند که خانم‌ها باید وظیفه خود را انجام دهند و حضور ما را در این گونه مراسم توصیه و تشویق می‌کردند و این در آن رده سنی که دختران خود را برای حضور در جامعه برای مواقع ضروری آماده می‌کنند، انگیزه خوبی بود.

حاج آقای دهشت این مسئله را برای ما نهادینه کردند که حضور زنان در جامعه خیلی ضروری است، البته به شرط اضطرار و نیاز. به این نکته تأکید می‌کردند که عرف شدن یک مسئله در جامعه به معنای اسلامی بودن آن بحث نیست. ما یاد گرفتیم هر جایی که نیاز است نقش ایفا کنیم و از نظر اسلام هم مورد تأیید است.

رهبری مداوم و آینده‌نگری در تربیت شاگردان

رهبری و هدایت‌گری، نوعی از مدیریت است که قدرت نفوذ در درون افراد دارد؛ این ویژگی که برگرفته از آموزه‌های قرآن و روایات است، شامل درایت، تیزبینی، آینده‌نگری و شناخت نسبت به فضای سیاسی - اجتماعی زمان است که همه این ویژگی‌ها در استاد دهشت برجسته است.

سیدمصطفی احمدزاده، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و از شاگردان آیت‌الله دهشت، درباره سابقه آشنایی خود با این استاد بزرگوار گفت: اولین دیدار ما در اول مهر سال ۱۳۶۷، وقتی به مدرسه عالی شهید مطهری راه پیدا کردم، اتفاق افتاد. البته معمولاً استاد در کلاس چهارم دبیرستان درس «تبصره‌المتعلمین» را تدریس می‌کردند، اما به دلیل اینکه مدیریت مدارس شهید مطهری را بر عهده داشتند، در جلسات ویژه بین نماز ظهر و عصر، از سخنرانی‌های اخلاقی ایشان استفاده می‌کردیم و این ارتباط تاکنون ادامه پیدا کرده است.

احمدزاده در ادامه به ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله دهشت اشاره کرد و افزود: در میان اساتیدی که در مشهد، تهران و قم خدمت آنها بودم، استادی نداشتم که ویژگی‌های متعدد اینچنین در وی جمع باشد؛ ویژگی‌های منحصر به فرد و جامعیت شخصیت ایشان، ایشان را نسبت به سایر اساتید برجسته‌تر می‌کند، به خصوص ویژگی رهبری و هدایت ایشان.

ویژگی‌های مدیریتی استاد دهشت

وی در تشریح این ویژگی یادآور شد: اگر بحث مدیریت را در قرن اخیر مورد مطالعه قرار دهیم، بیشتر مدیران بر روی بحث‌های فیزیکی، ساختاری، فناوری، برنامه‌ریزی، بودجه، درآمد، هزینه‌ها، چشم‌انداز، بیان مأموریت و رسالت متمرکز شده‌اند، اما به برکت رهبری امام(ره) در دهه‌های اخیر، سطح جدیدی در علم مدیریت تحت عنوان بحث رهبری به وجود آمده که الهام‌گرفته از رهبری امام راحل است؛ رهبری حضرت امام(ره) از قرآن و روایات نشئت گرفته و بر مباحثی فراتر از بحث نیروی انسانی یا سرمایه انسانی متمرکز شده و به جای اینکه مدیریت از بیرون به شکل مکانیکی و فیزیکی باشد، مدیریت از درون را در بر می‌گیرد. منظور از رهبری و هدایت‌گری،



وی با بیان اینکه حضرت استاد در فضای کنونی امروز هم رهبری خود را ادامه داده‌اند، افزود: دلیل این گفته این است که ارتباط فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی شهید مطهری با ایشان همچنان ادامه دارد و تنها کسی هستند که همه با ایشان ارتباط دارند و روز به روز این ارتباط افزایش پیدا کرده و در مسائل مختلف به عنوان رهبر و پدر معنوی از تجربیات و رهنمودهای ایشان استفاده می‌کنند. رهبری مداوم استاد برای شاگردانش مهم‌ترین ویژگی استاد است.

تأکید ویژه بر امر تبلیغ

شاگرد آیت‌الله دهشت با یادآوری اینکه یکی از مسائلی که استاد مدام بر آن تأکید داشته‌اند، تبلیغ و ترویج دین بود، اظهار کرد: ایشان در هیچ جلسه‌ای نبود که نکته‌ای در خصوص تبلیغ دین متناسب با فضای جامعه مطرح نکنند و این توجه، از همان تیزبینی و رهبری ایشان سرچشمه می‌گرفت.

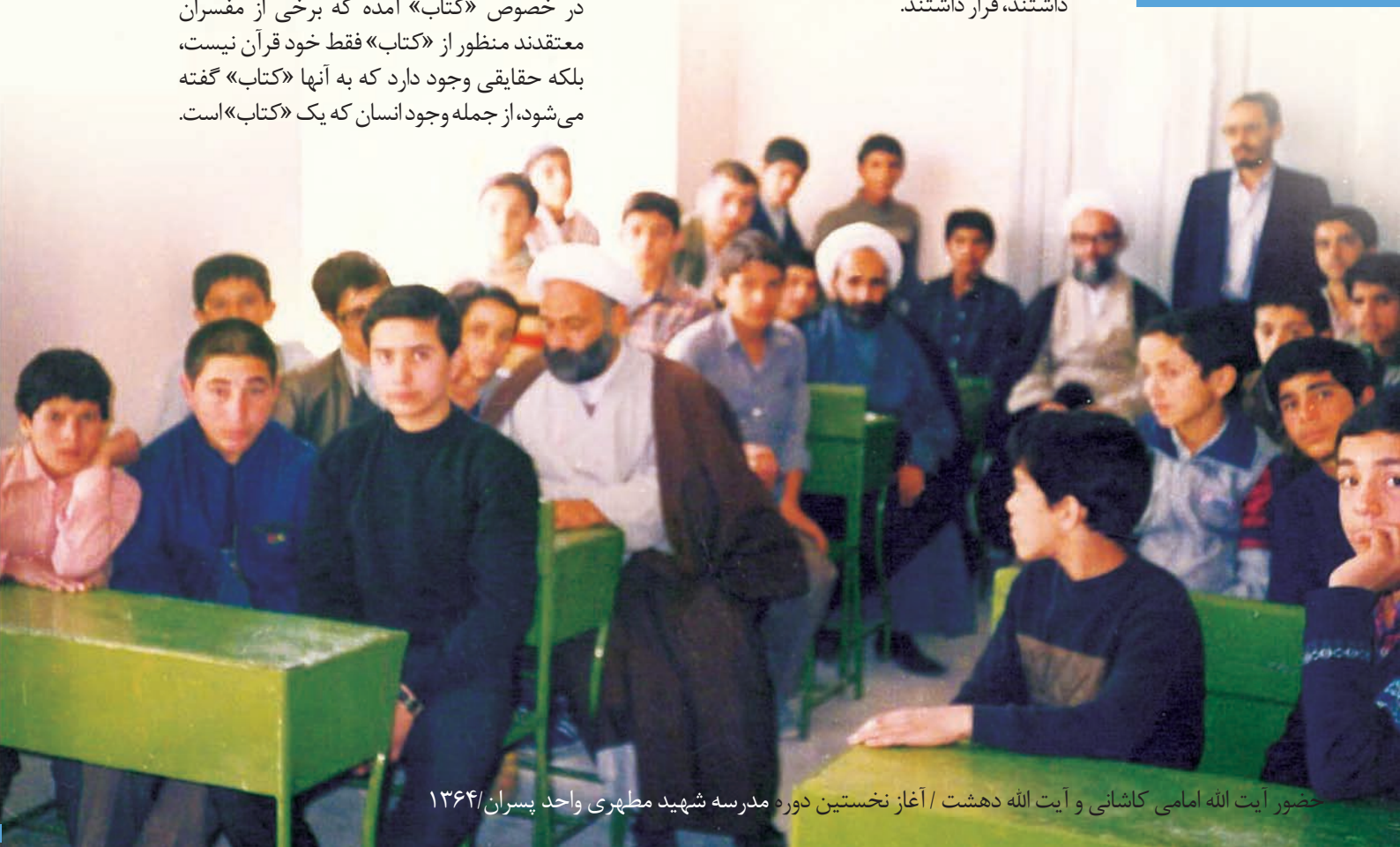
وی افزود: ایشان به عنوان یک استاد سطح بالای حوزه، مدیریت یک دبیرستان را نیز بر عهده گرفته بودند که این اقدام نشانگر اهمیت بحث تربیت انسان برای ایشان است. در قرآن آیات متعددی در خصوص «کتاب» آمده که برخی از مفسران معتقدند منظور از «کتاب» فقط خود قرآن نیست، بلکه حقایقی وجود دارد که به آنها «کتاب» گفته می‌شود، از جمله وجود انسان که یک «کتاب» است.

مدیریتی است که قدرت نفوذ در درون افراد دارد. این ویژگی که برگرفته از آموزه‌های قرآن و روایات است، شامل درایت، تیزبینی، آینده‌نگری و شناخت نسبت به فضای سیاسی - اجتماعی زمان است که همه این ویژگی‌ها در استاد دهشت برجسته است.

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ادامه داد: دومین ویژگی یک رهبر این است که پیش از اینکه بر نیروهای انسانی مدیریت کند و نیروها را از درون برای انجام کاری برانگیزاند، خودش گام اول را برداشته و جلودار این قضیه است.

رهبری و ارشاد استاد نیز فقط زبانی نبود، بلکه مشکلات مالی، اجرایی و ... دانش‌آموزان را رسیدگی می‌کردند و اگر اختلافاتی بین دوستان بود از آنجا که همه شاگردان نظر استاد را قبول داشتند، برای رفع مشکل نزد استاد می‌رفتند

سومین ویژگی نیز اخلاص است که موجب ارتباط عاطفی میان شاگردان و رهبر می‌شود که تمام این ویژگی‌ها، به علاوه دانش مورد نیاز، در آیت‌الله دهشت وجود داشته و دارد. به خصوص اینکه آیت‌الله دهشت به لحاظ علمی در سطحی بالاتر از دانشی که دانش‌آموزان ایشان به آن نیاز داشتند، قرار داشتند.



آینده‌نگری در تربیت شاگردان

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی یکی از ویژگی‌های برجسته استاد را آینده‌نگری عنوان کرد و افزود: مدام به دوستان روحیه داده و کمک می‌کردند توانمندی‌های درونی افراد شکوفا شود و با تیزبینی و آینده‌نگری که داشتند، پیوسته تأکید می‌کردند که شما جوانان در وضعیت فعلی اگر همین مسیر را ادامه دهید، در آینده در سطح کشور و جهان اسلام تأثیرگذار خواهید بود. شاید برخی اساتید و شاگردان در آن زمان این مطالب را بلندپروازی می‌دانستند اما اکنون کاملاً به این مطلب یقین پیدا کرده‌ایم که گفته‌های ایشان در دو دهه گذشته موجب شد شاگردانی تربیت شوند که نه تنها در سطح مشهد و مؤسسات فرهنگی، دانشگاهی و حوزوی حضور دارند بلکه در کل کشور و سایر کشورها مسئولیت‌های فرهنگی را بر عهده گرفته‌اند.

ایشان با اینکه استاد برجسته حوزه بودند برخورداردی که با شاگردان تازه‌وارد مدرسه داشتند، تفاوتی با برخورد با شاگردان برجسته حوزه نداشت

وی در ادامه اظهار کرد: ایشان در بحث‌های اخلاقی و تربیتی بسیار حساس بودند و ما بیشترین استفاده را از منش اخلاقی ایشان برده‌ایم که از جمله توصیه‌ها و تأکیدات ایشان می‌توان به جملات زیر اشاره کرد:

«اگر تقوا نداشته باشید به جایی نخواهید رسید. هر شب ۱۰ دقیقه، محاسبه نفس داشته باشید»؛ «زیربار ذلت، گناه، دشمن و خواری نروید مثل امام حسین(ع)»؛ «از هر سخنرانی چند نکته یادداشت کنید»؛ «با ادب باش تا بزرگ شوی که بزرگی نشانه ادب است. تمام وظایف یک انسان کامل در ادب خلاصه می‌شود»؛ «اینکه در تشهد گفته می‌شود اشهد ان محمدا عبده و رسوله یعنی اینکه پیامبر در ابتدا بنده بوده و در اثر ادبش به رسالت رسیده است».

حاج آقای دهشت در باب تبلیغ فرموده‌اند: کسی که می‌خواهد تبلیغ کند حداقل باید سه شرط داشته باشد؛ ۱- با فردی که می‌خواهد او را نصیحت کند، دوست باشد. ۲- غرض نداشته باشد. ۳- تجربه داشته باشد.

آیت‌الله دهشت به دلیل غور در آیات زندگی‌بخش قرآن کریم و روایات گهربار معصومین(ع) به این نتیجه رسیده بودند که تربیت انسان و شکوفایی کتاب‌های وجودی انسان‌ها، مهم‌ترین وظیفه ایشان است که در جامعه نسبت به هر چیز دیگری از تأثیر و ماندگاری بیشتری برخوردار است. از این جهت بود که مدیریت مدرسه را قبول کرده و تربیت انسان و شاگرد را در سرلوحه برنامه‌های خویش قرار دادند و با همه توان و از خود گذشتگی این راه را ادامه دادند.

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با اشاره به این که قرآن سفارش به جهاد با اموال و وجود کرده است، تصریح کرد: رهبری و ارشاد استاد نیز فقط زبانی نبود، بلکه مشکلات مالی، اجرایی و ... دانش‌آموزان را رسیدگی می‌کردند و اگر اختلافاتی بین دوستان بود از آنجا که همه شاگردان نظر استاد را قبول داشتند، برای رفع مشکل نزد استاد می‌رفتند و هر نظری که ایشان داشت فصل الخطاب دانسته می‌شد.

وی افزود: یکی از تأکیدات ایشان بر روی بحث وقت، عمر و برنامه‌ریزی بود. من به خاطر نمی‌آورم که ایشان را در تمام این مدت آشنایی، در موقعیتی دیده باشم که در حال انجام کار کم‌فایده باشند، تا چه رسد به این که ایشان را در حالت بیکاری دیده باشم. ایشان مدام در حال تدریس، عبادت، سخنرانی، شرکت در جلسه و ... هستند.

این مدرس حوزه و دانشگاه با بیان اینکه استاد دهشت همواره بر نماز اول وقت تأکید داشتند و خودشان هم کاملاً به این نکته درونی شده معتقد بوده، آن را ساری و جاری می‌کردند، اظهار کرد: این امر باعث می‌شد شاگردان ایشان نیز بر مسئله نماز اول وقت توجه داشته باشند و یکی از یادگاری‌هایی که از ایشان برای شاگردان ماندگار است، اقامه نماز اول وقت است.

احمدزاده با تأکید بر اینکه آیت‌الله دهشت دلسوز همه بوده و نسبت به همه تواضع داشتند، یادآور شد: ایشان با اینکه استاد برجسته حوزه بودند برخورداردی که با شاگردان تازه‌وارد مدرسه داشتند، تفاوتی با برخورد با شاگردان برجسته حوزه نداشت و هیچ‌گاه در رفتار ایشان تفاوت رویه‌ای بین افراد مشاهده نکردیم.

ایشان در نماز بر آرامش و با طمأنینه خواندن آن توجه داشتند و به ما دستور داده بودند حداقل پنج‌جاه آیه در روز قرآن بخوانیم و می‌فرمودند: اگر شما نمازتان را در اول وقت بخوانید چون حضرت حجت (عج) نیز نمازتان را اول وقت می‌خوانند، نماز ایشان که بالا می‌رود نماز شما هم به دنبال نماز ایشان بالا می‌رود و اگر آن نماز قبول شود، نماز شما هم قبول می‌شود.

آیت‌الله دهشت همیشه آیه و روایتی را که می‌خواندند آن را با یک نکته کاربردی متناسب با فضای امروزی ذهن و فکر ما توضیح می‌دادند. در مورد سحرخیزی تأکید داشتند و می‌فرمودند: روزی و عقل را صبح به انسان می‌دهند و اگر صبح‌ها بلند شدی، در زندگی موفق می‌شوی. قرائت قرآن صبح زود حافظه انسان را قوی می‌کند و درس خواندن بین‌الطلوعین بسیار مهم است.

استاد یار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در ادامه به بیان خاطره‌ای از آیت‌الله دهشت پرداخت و گفت: ایشان در یک جلسه فرمودند هر چیزی را که در جایی می‌خوانید همانجا یادداشت کنید و یا همانجا حفظ کنید و به بعد واگذار نکنید؛ اصطلاحاً تسویف (به آینده واگذار کردن) که آفت بزرگی برای طالب علم است، نکنید. ایشان تأکید داشتند که همیشه کاغذ و قلم همراه داشته باشید.

وی یادآور شد: حضرت استاد نه تنها ادب و احترام اساتید خود را نگه می‌داشتند بلکه در برخورد با شاگردان‌شان طوری رفتار می‌کردند که گویی ایشان شاگرد هستند و شاگردان‌شان استاد!

احمدزاده با بیان اینکه آیت‌الله دهشت بسیار متخلق به اخلاق اسلامی بودند و به نماز جماعت و گریه کردن توصیه می‌فرمودند چرا که معتقد بودند سلاح درون گریه است و گریه زیاد قلب را پاک می‌کند، اظهار کرد: همچنین توصیه می‌کردند که کمتر صحبت کنیم، تا جایی که می‌توانیم بیدار بمانیم، در برخی از مواقع گرسنگی داشته باشیم، زیاد صلوات بفرستیم و ساده زندگی کنیم. ساده بودن ایشان نیز بیشتر در عمل بود تا در حرف. منزل، وسایل زندگی و لباس‌های ایشان بسیار ساده است و این همان انطباق گفته با عمل است.

وی یادآور شد: تک‌تک این ویژگی‌هایی که برخی بیان شد و برخی بیان نشد - چرا که گمان می‌کنم استاد

راضی نباشند - دست به دست هم داده و موجب شده ایشان به عنوان یک رهبر و پدر معنوی برای تمام شاگردان مدرسه شهید مطهری جلوه کنند.

بیان خاطره دیگری از استاد، بخش پایانی این گفت‌وگو بود که احمدزاده در این ارتباط گفت: جلسه دعای کمیل مجمع‌الزها در طول دو دهه، هر شب جمعه برگزار می‌شد و در اثر راهنمایی استاد ادامه پیدا کرد. اما برخی از موارد جلسه به مشکل برخورد کرده و تعداد افراد شرکت‌کننده در آن کم بودند. به همین دلیل چند سال پیش به محضر استاد رفتیم و علی‌رغم اینکه ایشان کسالت داشته و بر روی تخت دراز کشیده بودند به محض اطلاع از حضور ما بلند شدند و گویی که انرژی تازه‌ای کسب کرده باشند. از تک تک ما سؤال کردند که از دیدگاه شما مشکل چیست؟ و بعد در یک جمع‌بندی دو مسئله را به عنوان مهم‌ترین مسائل دسته‌بندی کردند: ایشان سپس از تک‌تک افراد در خصوص راه‌کارهای حل آن دو مسئله، سؤال و سپس به جمع‌بندی راه‌حل مسائل پرداختند و در همان جلسه برای برطرف شدن مشکلات مالی جلسه، مبلغی را علی‌الحساب عنایت فرمودند. اکنون از آن زمان، سه سال می‌گذرد و جلسه‌ای که برخی مواقع با پنج نفر برگزار می‌شد اکنون بیش از ۱۰۰ نفر شرکت‌کننده دارد و نه تنها افراد جلسه زیاد شده بلکه خود جلسه نیز منشأ خیر شده و سایت «کف مطهر»، صندوق قرض‌الحسنه و شرکت تعاونی جلسه فعال شده است. در حال حاضر جلسه دعای کمیل مجمع‌الزها به کانون هم‌اندیشی فارغ‌التحصیلان مدرسه بدل گشته و جلسات سالیانه دانش‌آموزان نیز مرتب برگزار می‌شود.

مشى متواضعانه استاد با دانش آموزان

در دوره تحصیل در این مدرسه، شخصیت آیت‌الله دہشت را چگونه شناختید؟

بعد از مدتی تحصیل متوجه مقام بالای علمی و اخلاقی آقای دہشت شدم؛ ایشان در میان شاگردان حضور پیدا می‌کرد اما آنچنان متواضع بود که اگر فردی وی را نمی‌شناخت، نمی‌دانست با شخصیتی روبرو است که در مقام آیت‌اللہی قرار دارد و هم‌درس مقام معظم رهبری بوده است.

به برکت حضور حاج آقا فضا به نحوی بود که افراد مستعد برای داشتن آینده متعالی دگرگون می‌شدند و به نحوی برنامه‌ها تنظیم شده بود که انسان خود به خود به سمت معنویت سوق می‌یافت. با اینکه سبک مدرسه از سبک حوزه خیلی فاصله داشت، اما مسیر یک مسیر متعالی بود و افراد به سمت علم و تهذیب سوق داده می‌شدند و در این میان یک رکن مهم شخصیت آیت‌الله دہشت بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علیرضا عابدی سرآسیاب، عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، از جمله دانش‌آموختگان مدرسه شهید مطهری مشهد است که محضر آیت‌الله دہشت را درک کرده است. گفت‌وگوی ذیل درباره خاطرات سال‌های دوران تحصیل حجت‌الاسلام عابدی در دبیرستان شهید مطهری است.

چه انگیزه‌ای موجب شد در مدرسه شهید مطهری ثبت نام کنید؟

دبیرستان شهید مطهری ویژگی‌های خاصی دارد و از سایر دبیرستان‌ها متمایز است؛ در آنجا تا حدودی حال و هوای درس‌های حوزوی و طلبگی وجود داشت. یکی از بستگانمان که با مدرسه آشنایی داشت، مرا برای ادامه تحصیل در این مدرسه تشویق کرد. در بدو ورود حال و هوای این مدرسه برایم عجیب بود؛ به طور مثال برای من که دانش‌آموز سوم راهنمایی بودم این مسئله که استاد یک روحانی باشد، جالب بود.



ایشان بین دو نماز ظهر و عصر برای دانش آموزان سخنرانی داشتند، مهم ترین توصیه های اخلاقی ایشان چه بود؟

در دوره ما حاج آقا با دانش آموزان درس کلاسیک نداشتند، حداقل هفته ای یک بار بین نمازها سخنرانی داشتند و به مناسبت های مختلف نیز مطالبی می گفتند؛ ایشان بسیار به درس و تحقیق سفارش می کردند، بر اخلاق و معاشرت تکیه می کردند و تمایل داشتند از احادیث اخلاقی زیاد استفاده کنند، برای زیارت و توسل سفارش داشتند. از دیگر برنامه های ارزشمند مدرسه این بود که دانش آموزان هر دوره را یک روز در هفته برای نماز ظهر به حرم امام رضاع) می بردند و این امر اثر عجیبی داشت و موجب برقراری ارتباط معنوی بین دانش آموزان و مقام امام رضاع) می شد.

پایبندی به احکام شریعت و تأکید بر رساله عملیه از خصایص حاج آقا بود. تأکید داشتند هر روز در صفوف نماز حدیث و یک مسئله شرعی توسط دانش آموزان گفته شود و در کنار زیارت، توسل و مسائل اخلاقی به مسائل شرعی اهتمام داشتند و می خواستند افراد دارای جامعیتی شوند که به احکام، حدیث، اخلاق، زیارت و غیره اهمیت بدهند و هیچ کدام را فراموش نکنند.

دانش آموزان از فضایی که در همه مدارس یکسان بود، وارد فضایی متفاوت می شدند و مهم تر آنکه فردی مدیر مدرسه بود که مقام آیت اللهی داشت.

پایبندی به احکام شریعت و تأکید بر رساله عملیه از خصایص حاج آقا بود. تأکید داشتند هر روز در صفوف نماز حدیث و یک مسئله شرعی توسط دانش آموزان گفته شود و در کنار زیارت، توسل و مسائل اخلاقی به مسائل شرعی اهتمام داشتند

برگردیم به دوران تحصیل. قطعاً دانش آموزان به اقتضای سن شان در مدرسه شیطنت هایی داشتند، نوع مدیریت و شیوه تعامل استاد دهشت با آنها چگونه بود؟

آیت الله دهشت در تعاملات شان خود را درگیر مسائل جزئی، شخصی و پیش پا افتاده نمی کردند و برخوردهای موضعی با افراد نداشتند، نوعاً حالت تقسیم کار وجود داشت و اگر خطایی از کسی سر می زد مرجع رسیدگی

فرد دیگری غیر از ایشان بود؛ اما اگر با خطایی خاص مواجهه می شدند، با متانت و ابهت و وزانت خاصی برخورد می کردند که شخص به این نتیجه می رسید نباید دیگر آن خطا را تکرار کند. ایشان هیچگاه فردی را تحقیر نمی کردند و بسیار بزرگواری بودند.

به یاد دارم در یکی از سخنرانی های حاج آقا، دانش آموزی شیئی را در بخاری گذاشته بود که صدای مهبیبی ایجاد کرد، طبیعتاً سخنرانی لحظاتی به هم خورد و همه توقع برخورد خاصی داشتند، اما ایشان با مدیریت جالب و حتی با یک شوخی، خود را با این فضا همراه کردند، به خاطر ندارم که چه اصطلاحی به کار بردند، اما از عبارتی مثل «بمب گذاری کردند» یا «قصدم ترور مرا داشتند» برای تلطیف فضا استفاده کردند و بحث را ادامه دادند.

سعه صدر حاج آقا خیلی عجیب بود، با کسی برخورد تند نمی کردند، اما بی تفاوت نیز نبودند؛ چرا که گاهی برخورد نکردن منجر به بی تفاوتی می شود. منظورم این است که اگر جایی زمینه نبود، در موقعیت های دیگر به صورت غیر مستقیم این مسئله را اشاره می کردند تا سوءاستفاده نشود و مانع از ادامه بدآموزی گردد.

بسیاری از فارغ التحصیلان مدرسه شهید مطهری با حاج آقا هنوز ارتباط دارند و از ایشان مشاوره می گیرند، ارتباط شما بعد از گذشت این سال ها با آیت الله دهشت چگونه است و به نظر شما چه عاملی باعث تداوم این ارتباط شده است؟

من برای ادامه تحصیل برای چند سال از مشهد خارج شدم، لذا نتوانستم ارتباط کاملی با ایشان داشته باشم؛ اما نکته مهم، ویژگی اخلاقی ایشان بود که موجب شد تا ارتباطها محفوظ بماند، خداوند نیز به پیامبر(ص) می فرماید «وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ اِذَا رَأَى الْاِنْسَانَ عَبُوسًا وَ غَلِيظَ الْقَلْبِ» این بودی مردم از اطراف تو پراکنده می شدند. این رفتار پیامبرگونه به شکل نازلی در وجود حاج آقا مشهود بود؛ از یک طرف جامعیت علمی و از سوی دیگر برخورد همراه با انعطاف و جذابیت های رفتاری داشتند و همین مسئله موجب می شود افراد احساس کنند می توانند به راحتی کنار این شخصیت باشند و از ایشان استفاده کنند و هیچ مشکلی پیش نیاید.

معلم خستگی ناپذیر

آنان می‌کردند و تمام تلاش‌شان بر این بوده که دانش‌پژوهان این مدرسه علمیه توان و فکر خود را بر روی مباحث علمی متمرکز کنند.

در ایام تحصیل در این مدرسه آیت‌الله دهشت مانند پدر در کنار ما بودند و نه تنها به ما آموزش می‌دادند بلکه مشکلات ما اعم از شخصی و خانوادگی را هم پرسیده و برای رفع آن تلاش می‌کردند. اگر دیر در محل کلاس حاضر شده و یا ناراحت بودیم با پیگیری خود علت را یافته و سعی در رفع آن داشتند تا تمرکز بچه‌ها در زمینه تحصیل از بین نرود. به خاطر دارم که در منزل ایشان همیشه در طول روز و ایام هفته حتی روزهای جمعه‌ها به روی ما باز بود و هر زمان که فرصت داشتیم، به منزل ایشان می‌رفتیم و این استاد گرانقدر هم مانند فرزندانش با ما رفتار می‌کرد. البته فرزندان ایشان آن زمان با ما هم‌دوره و هم‌کلاس بودند. بدون تملق عرض می‌کنم من ایشان را مانند پدر خود دوست داشته و قبول دارم. نه تنها من، بلکه اکثر شاگردان ایشان همین‌گونه فکر می‌کنند.

توصیه و تأکید به شاگردان در مورد پرهیز از مدرک‌گرایی

حاج آقای دهشت همیشه به شاگردان خود تأکید می‌کردند که مدرک‌گرا نباشید و در رابطه با فواید حوزه علمیه به سخنرانی قبل از انقلاب علامه جلال‌الدین همایی در دانشگاه تهران که مزیت‌های حوزه بر دانشگاه را برشمرده است، اشاره می‌کردند که وجود میاحثه، انتخاب استاد توسط خود طلبه و شلوغی و خلوتی کلاس‌ها که سبب رقابت می‌شود، از جمله این مزیت‌ها است. ایشان می‌فرمودند که درس را برای درس بخوانید، نگویید درس می‌خوانم تا لیسانس و

دکتر جعفر کبیری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، از سال ۱۳۶۷ که وارد مدرسه شهید مطهری شده، استاد را می‌شناسد و خاطرات و نکات بسیاری درباره سلوک استاد و کلاس‌های درس و توصیه‌های اخلاقی ایشان دارد.

آغاز آشنایی با آیت‌الله دهشت

آیت‌الله دهشت از اساتید مبرز حوزه علمیه خراسان هستند و من از سال ۱۳۶۷ که در مدرسه عالی شهید مطهری مشهد برای گذراندن دوره دبیرستان و فراگیری علوم دینی وارد این مدرسه شده بودم، با این استاد بزرگوار آشنا شدم.

آیت‌الله دهشت از زمانی که مسئولیت مدرسه را قبول کردند، خود را وقف شاگردان مدارس شهید مطهری نمودند. از همین رو مهم‌ترین علتی که شاگردان این مدرسه به ایشان تعلق خاطر داشته و مانند پدر دوست‌شان دارند، همین است. ایشان از ابتدای صبح تا شب در این مدرسه علمیه همراه دانش‌آموزان بودند. در کنار آنها نهار خورده و تمام وقت خود را صرف



می‌کنند و براساس آرمان‌های انقلاب اسلامی تلفیقی از حوزه و دانشگاه است؛ به طوری که حضور تعهد و تخصص را در کنار یکدیگر شاهد هستیم. زیرا همت این مدرسه بر این بوده که افراد متعهد و متخصص را تربیت کند. مقطع لیسانس را به مدت چهار سال در مدرسه عالی شهید مطهری گذراندم. در این مدت ارتباطات من و دیگر شاگردان با آیت‌الله دهشت ادامه داشت. ایشان دائماً با ما تماس می‌گرفتند. حتی حاج آقا آن دسته از شاگردانش را که در این مدرسه عالی پذیرفته نشده بودند و در رشته‌های دانشگاهی در دیگر دانشگاه‌های کشور مشغول به تحصیل بودند، فراموش نکرده و دائماً پیگیر شرایط و احوالات آنان بودند و تأکید می‌کردند که در کنار درس، مباحث حوزه و اخلاق را هم بگذرانید و در جلسات حضور یابید. ارتباط ما دو طرفه و مستمر بود به طوری که ایشان به منزل و حجره‌های ما سر می‌زدند و ما را راهنمی‌کردند. حتی گاهی زنگ می‌زدند و احوالات ما را می‌پرسیدند و اگر مشکلی داشتیم، رفع می‌کردند. به ما راهنمایی و سفارش می‌کردند چه درس‌هایی را در حاشیه مطالعات خود خوانده و پیگیری کنیم.

رابطه پدری با استاد دهشت

ارتباط شاگردان با حاج آقای دهشت بالاتر از یک ارتباط ساده و مانند رابطه پدر و فرزندی بوده است. نکته حائز اهمیت در مورد آیت‌الله دهشت این است که تواضع یکی از ویژگی‌های بارز ایشان است. همان‌گونه

ایشان پایه‌گذار یک ساعت درسی با عنوان کلاس فن سخنوری در مدرسه شهید مطهری بودند که طی آن هر یک از دانش‌آموزان مدرسه موظف می‌شدند یک بار در سال به مدت زمان ۴۵ دقیقه در مقابل کلیه دانش‌آموزان مدرسه سخنرانی کنند.

فوق لیسانس بگیرم، چون این باعث می‌شود که به شکل عمیق درس نخوانید. ایشان همچنین می‌فرمودند که شما آمده‌اید در این مدرسه درس بخوانید تا مبلغ اسلام باشید و سرباز امام زمان (عج) شوید. آمده‌اید تا خدمتی به قرآن انجام دهید و این موضوع باید نیت شما باشد. این‌گونه شد که شاگردان ایشان با ارشادات و انگیزه پاک این استاد گرانقدر درس را برای درس خواندن و بحمدالله موفق هم شدند و توانستند در عرصه‌های علمی و اجتماعی واقعا تأثیرگذار باشند.

پیگیری احوالات شاگردان در ایام مختلف

من بعد از اتمام دوره دبیرستان در مشهد، در سال ۱۳۷۱ برای ادامه تحصیل در دانشگاه به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم که جزء همین مجموعه مدارس شهید مطهری است و در آنجا طلبه شدم. کسانی که وارد این مدرسه علمیه می‌شوند، حالت طلبگی دارند و البته مدرک دانشگاهی هم دریافت می‌کنند. اساتید حوزه و دانشگاه در آنجا تدریس



این بحث مهمی است که جوان از ابتدای دوران حساس و مهم جوانی با استادی مواجه شود که دل او را متوجه خداوند کند.

احترام به والدین

ایشان همچنین در مورد احترام به والدین تأکید بسیار می‌کردند، تا حدی که از احوال شخصی والدین دانش‌آموزان جویا می‌شدند و اگر کمکی از دست‌شان بر می‌آمد کوتاهی نمی‌کردند.

شیوه تدریس آیت‌الله دهشت

من از ابتدای آشنایی با ایشان در جلسات درس‌شان حاضر شده و هنوز هم عبارتهایی را که آموزش می‌دادند، در ذهن دارم؛ زیرا آنقدر زیبا تدریس می‌کردند که از ذهن‌مان پاک نمی‌شود؛ به این شکل که ابتدا عبارات عربی را می‌خواندند و سپس ترجمه کرده و توضیح می‌دادند. این شیوه تدریس و تکرار برخی احداث خاص سبب ماندگاری مباحث در ذهن شاگردان می‌شد. در خاطر دارم ایشان حدیث شریفی از امام باقر(ع) که می‌فرمایند «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین، والصبر علی النائبة، و تقدیر المعیشه / کمال و بکله همه کمال انسانیت در سه چیز است: دانا بودن در دین و احکام آن، صابر بودن در ناراحتی‌های دنیا، و اندازه نگهداشتن در معاش» استاد دهشت بسیار بر یادگیری این حدیث توسط دانش‌آموزان

که می‌دانید کمتر پیش می‌آید که علاقه عاطفی قوی میان دانشجویان و اساتید در دوران تحصیل دانشگاه ایجاد شود؛ حتی در حوزه هم این‌گونه است، مگر اینکه یک استاد خودش را بشکند و خود را در سطح دانشجو و طلبه قرار دهد و باعث جذب شاگردان به خود برای هدف والایی شود.

تأکید بر مباحث اخلاقی

یکی از جلسات همیشگی اخلاق ایشان، برای شاگردان مدرسه عالی شهید مطهری بین دو نماز ظهر و عصر برگزار می‌شد که در آن حدیث می‌گفتند. احادیث خاصی را هم انتخاب می‌کردند که به کار دانش‌آموزان و جوانان بیاید. من هنوز جزوه آن احادیث را دارم. یادم هست یک روز به من دستور دادند آیه ۱۵۲ سوره مبارکه بقره «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» را بر روی یک پرده به شکل زیبا و خط خوش بنویسم تا در حسینیه نصب شود. این پرده تهیه و در محل اقامه نماز در مدرسه عالی شهید مطهری نصب شد. همیشه حاج آقای دهشت در بین دو نماز توجه کردن به این کلام الهی را به ما تذکر می‌دادند و می‌گفتند بچه‌ها اینجا چه نوشته و ادامه می‌دادند اگر شما خدا را یاد کنید، شکرانه نعمت او را به جا آورده و دل‌تان را به خدا بدهید، خدا نیز شما را یاد می‌کند. یادم هست که آن پرده ماه‌ها و سال‌ها در آن مکان نصب بود و همیشه ما به آن توجه داشتیم؛





ابتدایی مانند آموزش ابتدایی عربی را آموزش می‌دادند؛ زیرا هدف ایشان سرمایه‌گذاری بر روی نوجوانان و جوانان بود. تمام دروس حوزوی اعم از فقهی، کتب کلامی، اصولی، تفسیری و قرآن را نیز خودشان به دانش‌آموزان مدرسه تدریس می‌کردند. حتی تا همین اواخر در دورانی که کسالت نیز داشتند کلاس‌های درس ایشان تعطیل نمی‌شد. از حدود دو ماه گذشته به دلیل بیماری و کسالت، اندکی از فعالیت‌هایشان کم شده است. حاج آقای دهشت در مدرسه‌های علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع) و امام محمدباقر (ع) مشهد نیز کلاس‌های مختلف و نهج‌البلاغه و اخلاق را تدریس می‌کردند.

ویژگی بارز شخصیتی آیت‌الله دهشت

من به عنوان یکی از شاگردانی که سال‌های متمادی در محضر ایشان بودم، یک ویژگی بارز ایشان را خستگی‌ناپذیری ایشان می‌دانم؛ زیرا در بسیاری از روزها با وجود کسالت حتماً از ساعات ابتدایی در جلسات حضور پیدا می‌کردند و انجام عبادات، مطالعه روزنامه و کتب مختلف را در برنامه روزانه خود داشتند و غفلت نمی‌کردند، این نشان از خودآگاهی و هوشیاری ایشان در عرصه آموزش به شاگردان است.

توصیه‌های اخلاقی

یکی از موضوعات مهم و مورد تأکید حاج آقای دهشت که خیلی به شاگردان خود توصیه می‌کردند، بحث اخلاص در کارها بود و در این زمینه می‌فرمودند: «اگر کار را برای خدا انجام دهید، مطمئن باشید که گم نمی‌شود و دهها جلوه پیدا می‌کند، اما کاری که برای غیر خدا باشد گم شده و اصلاً دیده نمی‌شود». بنابراین اخلاص مهم‌ترین شعار ایشان بود که خودشان نیز به آن عامل بودند.

حاج آقای دهشت همیشه به شاگردان خود تأکید می‌کردند که مدرک‌گرا نباشید و در رابطه با فواید حوزه علمیه به سخنرانی قبل از انقلاب علامه جلال‌الدین همایی در دانشگاه تهران که مزیت‌های حوزه بر دانشگاه را برشمرده است، اشاره می‌کردند

اصرار داشتند به اندازه‌ای که چنانچه وارد کلاس می‌شدند ابتدای حدیث را می‌گفتند و دانش‌آموزان آن را ادامه می‌دادند. به نظر بسیاری از بزرگان، اجتهاد و فقهت ایشان مسلم است و در سن جوانی به این مقام نائل شده‌اند.

رویکرد تبلیغی

یکی دیگر از جهات قابل توجه آیت‌الله دهشت که در آن عرصه فعالیت می‌کردند، بحث تعلیم خطابه و منبر است. در واقع ایشان پایه‌گذار یک ساعت درسی با عنوان کلاس فن سخنوری در مدرسه شهیدمطهری بودند که طی آن هر یک از دانش‌آموزان مدرسه موظف می‌شدند یک بار در سال به مدت زمان ۴۵ دقیقه در مقابل کلیه دانش‌آموزان مدرسه سخنرانی کنند.

مداومت در برقراری کلاس‌های درس حتی در دوران کسالت

آیت‌الله دهشت در حوزه علمیه دروس سطح بالا را تدریس می‌کردند، اما در مدارس شهید مطهری به دانش‌آموزان دروس

فصل چهارم:

گزارش تصویری



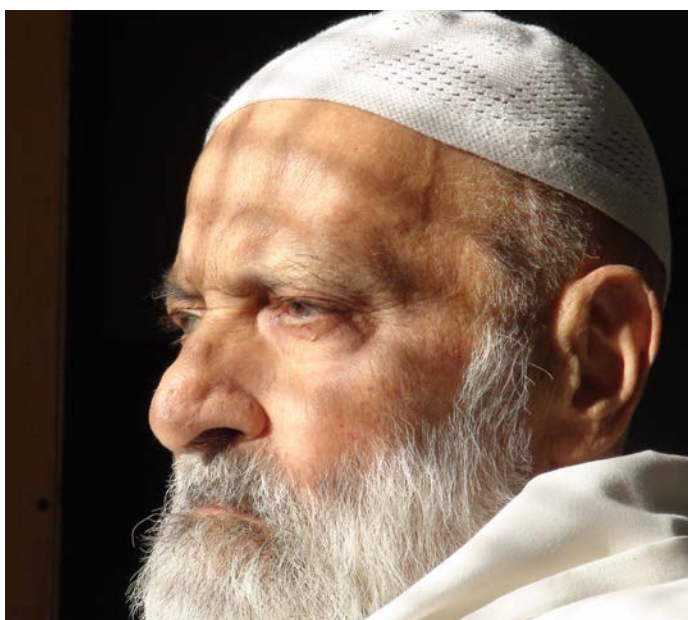
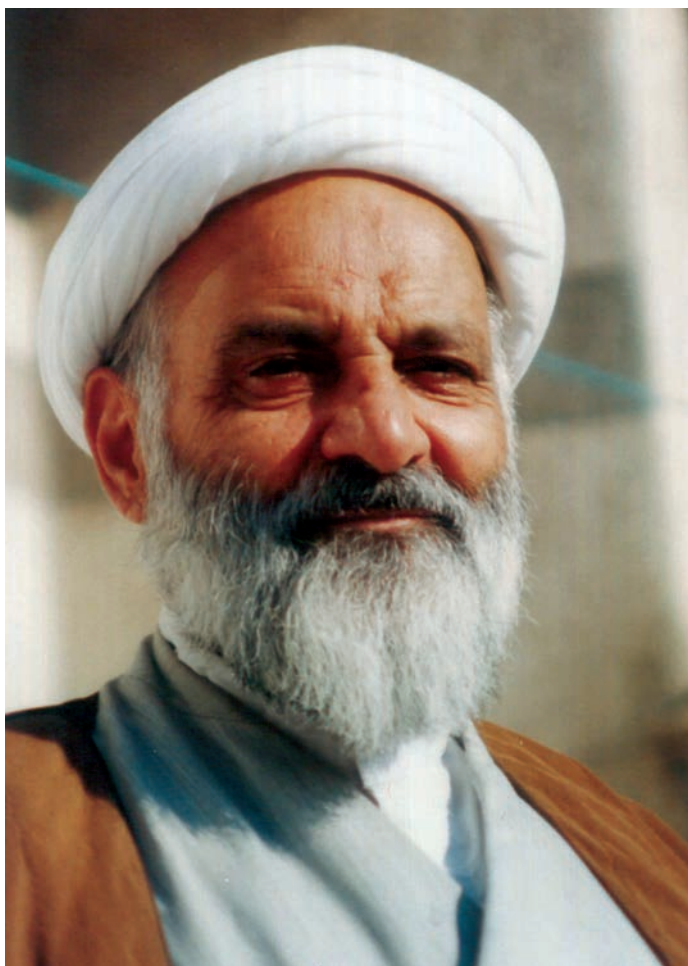












۱۲۸
دهشت
استاد حاج شیخ غلامرضا

استاد علی شیخ غلامرضا

۱۲۹









۱۳۲
دهشت
استاد حاج شیخ ظلامرضا

